بسم الله الرحمن الرحیم

اما بیان در کیفیت ترکیب ادویه و بیان قوت آن و مقدار بقای
هر یکی از ادویه مرکبه و وقت استعمال آن و بیان کیفیت نقاء ادویه
و اخراج آن شرط اول آنکه ادویه که در ترکیب باید داد
نیک و تازه خالص کنند و از آخر خاشاک و غبار و خاک پاک
که آنرا باید کوفتن جدا جدا بکوبند تا قوت ضعیف نشود و دو آن بکوبند

به هر چند بحریر و وزن همه درخت که دانند بعد از آن همه را باهم در هاون

پاک سحق کنند نیکو با هم آمیخته شود و چند نوبت سحق را آب اعاده

نمایند و آنچه صلایه باید کرد صلایه کنند و باز سحق کنند تا همچو غبار و هبا شود

شرط دوم آنکه اگر چیزی از احجار و جواهر باشد خصوصا مثل یاقوت و فیروزه

و مسک و عنبر باید که نیک سحق کنند و صلایه کنند نیکو تا مستحق وصول گردد

شرط سوم آنکه اگر چیزی از شربت عصارات باشد باید که مجموع را

با شربت ترکیب کنند بعد از آن حل کنند و بعد از آن

ربها در آب تر کنند تا چیزی از آن یک سان شود شرط چهارم آنکه اگر

چیزی از عصارات شربت باشد صمغها را در آب تر کنند و در

و ادویه را کوفته و بیخته بدان سرشته شوند و اگر بعسل معجون سازند

باید که عسل باشد و با آن مخالط نباشد موم و خوش طعم و خوشبو

باشد و آب ندیده باشد و کف آن بگیرند باتش نرم و باید که عسل آن

سه مثل ادویه باشد و ادویه را در آن ریزند و نیک در هم زنند و در ظرفی

ذهبی یا فضی یا چینی یا زجاج اندازند چنانچه ظرف را تا سه حصه پر نباشد و سر ظرف را

بپوشانند تا سرد شود تا یک هفته سر ظرف سرپوش نهند [illegible] تا [illegible] خوردن آن

و از فساد و غلیان ایمن باشند [illegible] [illegible]

چنانچه گفته شد و ادویه را بسرشند و الا باید که بعد از [illegible]

ادویه را باید که سرشند و قرص سازند [illegible] غربال [illegible]

و تا خشک شدن بجز روغن را برابر کردانند تا نرم گردد و فاسد نشود

شرط ششم آنکه اگر باشد مثل عناب و آلوان بشویند و گیاه ها و تخمها

پاک کنند و اول چوب ها و چیزهای سخت که دم کوفته در دیگ ریزند بعد از آن

تخم را و بعد از آن فواکه را در عقب آن گیاها به ریزند و بنفشه و نیلوفر

و برگ گیاه و نشان را و شکوفه ها را از آخر همه بریزند چنانچه گفته شد و آنچه افتیمون

و مطبوخی کنند از او در خرقه کتان بندند و سرش را محکم به بندند

در وقت فرو گرفتن در دیگ اندازند پس آنچه نشان گذارند و بر تخمین را

مثل شبت را و خیار چنبر را اصلا نجوشانند تا قوتش برود بلکه به آب گرم تر کرده

بسته در آب حل کرده بعد از آن که مطبوخ را فرو آرند بریزند و صاف کنند

و در گل حکمت گیرند و در تنور نهند تا سوخته گردد و سرطان را اول

دست و پای آن [illegible] ببندند و شکم [illegible] بشگافند و با نمک و خاکستر

بلوط ورز بشویند بعد از آن [illegible] با آب خالص شیرین بشویند نیکو تا

که شوری از وی برود و بعد از آن بکوبند و در [illegible] از سنگ و بعد

از آن در آب جوش اندازند و بجوشانند تا زمانی که پخته شود طریق

دیگر باین روش که در کوزه نهند تا گرم شود چنانچه نزدیک بگداختن

شود پس بردارند و آب [illegible] اندازند و بعد از آن [illegible]

طریق دیگر انکه باین دستور کنند در خذف آن [illegible] نهند

خذف [illegible] حکمت گیرند و در تنور نهند تا محرق شود طریق

احراق اسرب آنکه [illegible] زند و هلیله و بلیله و آمله را بجوشانند و صافی کنند

و آب آن را در دیگ مسین بجوشانند و آهن صفایح مس را گرم کنند و در آب

بیندازند تا بیست و یکبار چنین کنند بعد از آن فرو ریزند آب را آنچه نشسته شده

باشد بردارند و باز بر آتش نهند و قدری بول گاو بر آن ریزند و بیست و یکبار

صفایح را گرم کنند و در آن بیندازند و رسوب این بار رسوب آن

نیم کرده باشند و فولاد را نیز همچنین بسوزانند **دیگر آنکه** چنان باشد که نقره را

بسوزانند اول بسوهان بسایند بعد از آن با آب نمک بجوشانند و در

[illegible] چنین محرق [illegible] سازند و اگر بسوزانند اندک کبریت در آن اندازند

که زود سوخته شود و سرب را نیز چنین می‌سوزانند **دیگر آنکه**

بر سر آن ریزند اگر مطبوخ سرد [illegible] ایارج و صبر و سقمونیا

و سورنجان و تربد باشد این را کوفته و بیخته بسرشند و حب سازند

و فرو برند و در عقب این مطبوخ را بیاشامند تا از این مطبوخ پاره دارند

و سر دارو را در آن ریزند کوفته و بیخته و پس بیاشامند در عقب این مطبوخ را

اما تربد را چرب [illegible] مرضوض کنند و بروغن بادام چرب نمایند و استعمال

کنند شرط هفتم در بو دادن ابریشم تا در خرقه که آب برسیده باشد

و جدید بود با پاره [illegible] کرم [illegible] کنند و از آتش فرو گیرند و بخنند تا در

و در هم زنند چندانکه بوی آن پدید آید پس فرو گیرند و از حد در [illegible]

بریان کنند همچنین بود شرط هشتم آنکه اگر مثل توتیا و کحل [illegible]

و نوشادر و امثال آن را در هاون بکوبند پس سنگ سماقی مسحوق

نمایند بسیار تا همچون غبار شود دیگر باره با آب سحق کنند پس رها

کنند تا فرو نشینند پس آب را از روی جرم بریزند و خشک کنند بعد از آن

دیگر باره بسایند تا همچون غبار گردد و همچنین داروها چشم را سحق کنند

و صلایه نمایند زیرا که چشم عضویست لطیف و شریف و زکی الحس و تحمل ندارد

اگر از ادویه در وی اندکی خشونتی باشد شرط نهم آنکه ادویه حجریه را مثل مذکورات

و خبث الحدید بدین طریق تا باشد که مکرر با آب سحق کنند و صلایه نمایند

بعد از آن همان کنند تا فرو نشینند پس آب از روی بریزند شرط

دهم آنکه اگر مثل سرطان و بسد و کهربا را در [illegible] سحق کنند

اول سوهان بساید تو پاره سرب بر بالای سوهان بسایند و تا که هم
بگدازند پس رها کنند تا بسته شود و بار دیگر سوهان بسایند و پاره
سرب با آن بسایند به سوهان و با آب و نمک در کفچه آهنی بجوشانند
تا آب نیست شود پس در هاون کنند و بسایند در مرکبات مقدار زمان
بقاء قوت ادویه مرکبه و وقت استعمال آن و در تریاق بعد از
پنج سال استعمال نمایند زیرا که تاثیر و قوت این مرکب بلا منصرف است
بعد از این مدت بظهور میرسد و بعضی گویند که بهتر است که استعمال نمایند
بعد از دوازده سال اگر اما بهفت سال استعمال نمایند و گویند اورا
شش چیز در دخل و ترعرع و شباب و شیخوخت و موت اما شش

گویند که طفل است بعد ازان در تزاید و ترعرع باشد تا ده سال در بلاد حاره

و بیست سال در بلاد بارده بعد ازان موقف شود و شباب باشد

سال دیگر برین قیاس بعد ازان در انحطاط باشد تا چهل سال

در بلاد حاره و شصت سال در بلاد بارده بعد ازان بمیرد و همچون

معاجین باشد تا سی سال قوت او در تزاید باشد بعد ازان قوای آن

نقصان پذیرد تا شصت سال پس آنگاه همچون معاجین کبار باشد

اما نوبت نهایت قوی باشد و استعمال آن در سموم و ادویه قاتله و نهش

حیات و افاعی و کلب کلب کنند و تریاق غزره و مشرود

طوس و ثلثیا بعد از شش ماه استعمال کنند و [illegible] سال [illegible]

وقرص افاعی واندرو خون وعسل بعد از دو ماه استعمال کنند

تا دو ماه اثر باشد و بعد از این حد قوت او ضعیف شود و بعد از

دو سال و افلونیای رومی و فلافلی و برشعثا بعد از شش ماه

استعمال کنند قوت آن سه سال باشد و دواء المسک تا یک سال خوش

و ماده الحیوه و اطریفلات از دو ماه تا سه سال نیکو باشد و قوت

دیگر معاجین سوای مذکورات مثل معجون جینار جبیر و غیره مثل جوارش

تمری و معجون سفرجل حالی فی الحال استعمال کنند و تا دو ماه نیکست

و بعد از آن ضعیف شود و سه روز تا سه ماه بعد از آن فعل او باطل شود

و قوت اقراص تا دو سال نیکست و استعمال از آن روز که سازند

استعمال این دوا تا آن متغیر نشده باشد ... استعمال آن دواها ... ناهش ماهیت

کرد لیکن چون بوی او تغیر کند هیچ کار نیاید الا روغن بلسان و

مومیائی که هرچند کهنه تر بهتر بود و حبوب را فی الحال استعمال

کنند و قوت آن تا چهار سال باقی بود و مطبوخ را فی الحال

استعمال کنند و بعد از ده ساعت عمل نکند اما استعمال نقوعات

بدانکه نقوعات لطیف از مطبوخات است و نسبت نقوع با مطبوخ

زیاده است و مطبوخی که تقویت کرده باشند بهتر دارو زیرا که آنکه غلیان آن

است بتخریج قوای ادویه را جرم ادویه زیاده تر است و نقوع

سبکتر است از مطبوخ زیرا که اکتساب حرارت آتش نکرده است پس از این

سبب آنست که بوقوع و بعضی از بیست اند در حمیات حاده

و در تابستان و اخراج در حمیات حاده در تابستان و اخراج

مواد برفق از ابدان ضعیفه میکنند مثل باقیین و ضعفا که غرض از

تسکین حرارت و تلیین برفق طریق خبازیست که ادویه سپستان

در آب آن مقدار که سه انگشت آب از سر آن گذشته باشد بعد از آن

که نیم کوفته باشد آنچه از ادویه باید نیم کوفته باید کرد و بنهند در آفتاب

و غربال بر سر آن نهند و اگر نباشد در گاه و ... نهند و کاهی

چنین کاهی بکند و روز تمام شود بعد از آن درست بمالند و بیفشارند

و صافی کرده اگر خواهند که تقویت بسر دهند که مناسب باشد

استعمال مطبوخ

و اگر بخواهند که او [illegible] مطبوخ آسان تر است

و سنگینی طبیعت [illegible] و نابلیمان اقل و زود تر اسهال کند

و در حقیقت راز برای که مطبوخ المسهل قوای را اجابت ان الاسباب

و جاری میگرداند کیموسات را

و مواد را از بدن جذب میکند

بخاصیتی که دارد

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الحکیم العلیم والصلوة والسلام علی من اوتی الحکمة والکتاب
الکریم وهو بلطفه یشفی السقیم وانه علی خلق عظیم وآله الهادین علی صراط مستقیم
پوشیده نماند که حقیر فقیر مظفر بن محمد الحسینی الشفائی در مدتی
تدبیر ترکیبی چند که در معالجات امراض که از آن گزیری نبود جمع کرده بود
خواست که در سلک ترتیب درآورد و بعضی مرکبات مناسب در هر باب از کتب موثوقه

ومنافع سرد و نزدیک یکدیگر است به صغیر اکتفا کرد وسل و وجع بطن

وحمی مختلفه و ربع و قولنج و وجع رحم و برودت بدن را مفید است

افیون مصری چهار درم اقاقیا فلفل از هر یک ده درم عاقرقرحا سه

درم حماما بیست درم سلیخه چهار درم زعفران سه درم کوکرد زرد ده درم

فرفیون سه درم سنبل الطیب ده درم عسل بقدر احتیاج معجون سازند

شربتی یک مثقال انقردیا فالج و استرخا و لقوه و دماغ و ذهن و عقل را

مفید است خاصه منقی دماغ سنبل سلیخه ساذج هندی مورد زعفران

ازمنه ترکی افتیمون فقاح اذخر ریوند چینی حب بلسان قرنفل از هر کدام

دو درم حب البان مغشر زنجبیل از هر یک ده درم مصطکی عسل بلادر

فوفل هر کدام سه درم غاریقون دو درم صبر ده درم ریباس بیست درم

پوست بیخ بادیان سه رطل سرکه کهنه نه رطل پوست بیخ را از یابه سه شبانه روز

در سرکه خیسانند پس بجوشانند و بعد سه چهار جوش از آتش فرو گیرند

وآن سرکه را صاف کرده در دیگ ریزند و با سه رطل و نیم عسل مصفی با آتش

نرم بجوشانند تا بقوام آید و ادویه کوفته و بیخته با آن ممزوج سازند و بعد از

شش ماه استعمال نمایند شربتی یک درم با آب نیم گرم انقردیای کبیر

فالج ولقوه وصرع ونسیان وجمیع امراض بلغمی را نافع باشد ذهن را

قوت دهد و باه زیاد کند عاقرقرحا شونیز قسط فلفل دار فلفل موج هر کدام

ده درم سداب جنطیانا حلتیت زراوند مدحرج حب الغار جند بیدستر

شیطرج هندی خردل هر کدام پنج درم عسل بلادر چهار درم و نیم داروها

کوفته و بیخته بروغن گرگان چرب نمایند و بعسل مصفی بلادر داخل نمایند

و با سه وزن ادویه عسل صاف بسرشند شربتی یک مثقال بعد از شش ماه استعمال

کنند انقردیای صغیر نفع این نزدیک بنفع کبیر است هلیله سیاه پوست آمله

بلیله مقشر از هر یک ده درم سعد کندر سنبل وج فلفل زنجبیل عسل بلادر

از هر یک پنج مثقال داروها را کوفته و بیخته بروغن چرب کرده با عسل بلادر

و سه وزن ادویه عسل صافی بسرشند و بعد از شش ماه استعمال نمایند

انقردیای دیگر سیاهی مو را محافظت کند صفت آن هلیله سیاه پوست

بلیله آمله مقشر از هر یک سی و شش درم شونیز بست و چهار درم طباشیر سعد عسل بلادر

از هر یک شش درم هال هفت درم فلفل دراز فلفل زرنجبیل فلفلمویه انیسون

از هر یک بیست و یک درم فانید شصت درم فانید را در آب گرم بگدازند

و ادویه را در آب گرم کوفته و بیخته و عسل بلادر را بدان مخلوط سازند

و بعد از شش ماه استعمال نمایند انقردیای دیگر مصروع را بغایت نافع است

صفت آن پوست هلیله کابلی پوست بلیله آمله مقشر کشنیز خشک اسطوخدوس

از هر یک پنج درم جند بیدستر یک درم عود صلیب زرنجبیل صعتر عسل بلادر از هر یک

سه درم عسل صاف سه وزن ادویه بطریق معهود معجون سازند امروسیا

جگر و سپرز را سود دارد و سده بگشاید و بول براند و سنگ از مثانه و گرده

پاک کند و در ابتدای استسقا نافع باشد صفت آن زیره کرمانی دو درم عود بلسان

سلیخه قرومانا فقاح اذخر تخم کرفس از هر یک یکدرم قسط از هر یک

دو درم مرصافی سه درم حب الغار ده عدد وج زعفران از هر یک

دو درم کوفته وبیخته بعسل بسرشند شربتی مقابل یک فندق با آب

گرم نافع باشد انا ناسیاسی اوجاع کبد وطحال ومعده واسهال بلغمی وسعال

مزمن وقی دم وخدر ووجع کلیه ومثانه وربو وبواسیر را نافع باشد

وبادها بشکند ودردها را تسکین دهد صفت آن مر افیون زعفران جند

بیدستر بزر البنج قسط قردمانا خشخاش غافث شاخ ایل بر سوخته

جلد گرگ خشک کرده مجموع مساوی آنچه کوفتنی است بکوبند وآنچه

گداختنی است در شراب بگدازند وبا عسل مصفی معجون سازند وبعد از

شش ماه استعمال نمایند شربتی نیم مثقال تا یکدرم با آب سیب **اطریفل صغیر**

منافع این قریب بمنافع کبیر است صفت آن میعه زعفران قسط سنبل افیون

سلیخه از هر یک چار درم عصاره غافث هشت درم اصل السوس بیست و یکدرم

کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی مقدار یک فندق و در نسخه دیگر

عود بلسان مرمکی از هر یک چهار درم اضافه نموده اند **اطریفل کبیر** بواسیر را

نافع بود و لون را صاف کند و باه را زیاده کرداند و معده و امعا را

و مثانه را قوت دهد و طعام را هضم کرداند صفت آن هلیله سیاه پوست

بلیله پوست هلیله کابلی آمله مقشر فلفل دراز فلفل از هر یکی سی درم

زنجبیل بسباسه بوزیدان شیطرج هندی شقاقل تودری زردلسان العصافیر

معز حب القلقل کنجد مقشر خشخاش سفید بهمن سفید بهمن سرخ تودری سرخ

از هر یک ده درم کوفته و بیخته بروغن بادام چرب کرده یا روغن گاو

بعسل معجون سازند و بعد از دو ماه استعمال نمایند اطریفل صغیر استرخای

معده و بواسیر را نافع بود و بوی دهن را نیکو کند و لون را صاف کرداند

صفت آن پوست هلیله کابلی پوست بلیله پوست هلیله زرد هلیله سیاه

آمله مقشر مساوی کوفته و بیخته بروغن بادام چرب کنند و با سه وزن ادویه

عسل مصفی بسرشند شربتی دو درم اطریفل کشنیزی معده را قوت دهد

و درد سر و درد چشم و درد گوش را که سبب آن بخار باشد نافع بود صفت

آن پوست هلیله کابلی پوست بلیله هلیله سیاه آمله منقی کشنیز خشک

مساوی کوفته و بیخته بروغن گاو چرب کنند و باسه مقدار آن عسل

بسرشند و بعد از دو ماه استعمال نمایند اطریفل پوست

هلیله کابلی پوست هلیله زرد پوست بلیله هلیله سیاه آمله مقشر اسطو خدوس

عود صلیب دارچینی از هر یک پنج درم مصطکی رومی یک درم تخم کشنیز پنج درم

کوفته و بیخته با روغن بادام چرب کرده با سه چندان عسل بسرشند

بعد از یک ماه استعمال نمایند اطریفل مقل جهت بواسیر بسیار نافع است

صفت آن پوست هلیله زرد پوست بلیله آمله مقشر از هر کدام ده درم

مقل ازرق سی درم مقل را در آب کند تا حل کرده با شصت مثقال عسل مصفی

بقوام آورند و دارو ها را با آن بسرشند بعد از ده روز استعمال نمایند

شربتی دو درم تا دو مثقال غلوله کنند و فرو برند. اطریفل دیگر

صفت آن پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی هلیله سیاه آمله منقی

از هر کدام پنج درم تربد سفید هفت درم مصطکی سه درم مقل ازرق

و روغن بادام از هر یک بیست درم عسل بقدر حاجت مقل را در آب

گندنا حل کنند و داروها را کوفته و بیخته بروغن بادام چرب کرده

با عسل بقوام آورند شربتی شب دو مثقال اطریفل مقل ملین طبع را

نرم کند و بواسیر را نافع بود صفت آن پوست هلیله کابلی پوست

بلیله هلیله سیاه آمله منقی مقشر افتیمون اسطوخودوس از هر یک ده

درم مقل فلوس خیار چنبر از هر یک سی درم مقل و فلوس را در آب گندنا

حل کنند و با عسل بقوام آورند و داروها را کوفته و بیخته بروغن بادام

چرب کرده معجون سازند **اطریفل دندان** کرمهای خورد و بزرگ و حب القرع بکشد

صفت آن برنگ کابلی ده درم ترید حب النیل قسط تلخ از هر یک پنج درم

قنبیل و ترمس و افسنتین درمنه ترکی افتیمون نمک هندی با نفطی خردل

شحم حنظل و سعد راسن از هر یک سه درم کوفته و بیخته با دو مقدار

عسل بسرشند شربتی از دو مثقال تا چهار مثقال بحسب مزاج نافع باشد

اطریفل افتیمونی بیماریهای سودائی را نافع عظیم باشد و سیاهی موی را

نگاه دارد تا زود سفید نشود صفت آن پوست هلیله کابلی و پوست بلیله

آمله مقشر از هر یک ده درم سنا مکی ترید سفید افتیمون از هر کدام پنج درم

شیطرج هندی سه درم بسفایج فستقی یکدرم اغیسون نمک هندی از
هر یکی ده درم کوفته و بیخته بعسل بسرشتند شربتی یکدرم تا چهار درم
اطریفل غددی خناق و خنازیر را سود دارد صفت آن هلیله سیاه پانزده
درم بلیله آمله تربد سفید غدد و دکه در گردن گوسفند باشد خشک کرده
از هر یک پنج درم افتیمون ده درم سنا مکی بسفایج اسطوخودوس از هر یک
هفت درم شیطرج زرنباد غاریقون نوشادر از هر یک سه درم انیسون
مصطکی خیربوا قرنفل جوز بوا سنبل از هر یک دو درم کوفته و بیخته
بعسل بسرشند شربتی پنج درم **اطریفل ماهان** بهق سفید و برص را سود دارد
و سیاهی مو را نگاه و امراض بلغمی را نافع باشد صفت آن پوست هلیله کابلی

بیست درم پوست بلیله آمله مقشر از هریک ده درم ترنگ کابلی مقشر
پانزده درم شیطرج سعد زنجبیل از هریک سه درم ساذج هندی پنج درم
بسفایج و اسطوخودوس از هریک هفت درم غاریقون شش درم
قسط سه درم کندر مصطکی انیسون قرنفل خیربوا جوزبوا از هریک دو درم
فلفل دراز فلفل نارمشک از هریک چهار درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند
شربتی سه درم تا چهار درم اطریفل دیگر عرق مدنی را سود دارد اگر ده روز
پیاپی استعمال نمایند ماده علت را ببرد و پاک کند صفت آن پوست هلیله
کابلی پوست بلیله آمله مقشر ترید سفید زنجبیل قنبیل مساوی کوفته و بیخته
بروغن بادام چرب کرده با عسل بسرشند شربتی سه درم ایارج فیقرا

اعضای غذا را پاک کند و فضول از دماغ پاک کند و فرود آورد
گرانی گوش و زبان و استرخای مثانه و معده و سایر اعضا واوجاع
و قولنج را نافع باشد صفت آن سنبل دارچینی عود بلسان حب بلسان
سلیخه مصطکی اسارون زعفران از هر یک یکدرم صبر سقوطری
هشت درم شربتی بالعسل و آب گرم ایارج لوغاذیا صرع و مالیخولیا وفالج
و سکته و رعشه و لقوه و تشنج و جذام و داء الفیل و برص و بهق و قوبا
و سعفه و شقیقه و صداع و دوار و صمم و شهوه کلبی و عسر النفس و درد
گرده و مثانه و نقرس و مفاصل و عرق النسا و درد گوش و داء الحیه
و داء الثعلب و شهریائی کهن بدرا نافع باشد و حیض را بگشاید و این مسهل مبارکست

واسهال او بی زحمت بود صفت آن شحم حنظل پنج درم بیاز عنصل

مستوی غاریقون سقمونیا خربق سیاه اشق اسقوردیون از هر یک

چهار درم و نیم افتیمون کمادریوس مقل صبر از هر یک سه درم حاشا

فاریقون ساذج دج سنبل فراسیون جعده سلیخه فلفل سفید جاوشیر

مرخند بید ستر فطراسالیون زراوند طویل عصاره افسنتین فرفیون

حماما حسنبل از هر یک دو درم خنطیانا اسطوخودوس از هر یک یکدرم

و نیم داروها را کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی چهار مثقال با آب

و عسل بعد از شش ماه استعمال نمایند ایارج لوغاذیا نسخه دیگر منافع هر دو

قریب بیکدیگر است صفت آن شحم حنظل سقمونیا صبر از هر یک پانزده درم

بصل الفار هشت درم افتیمون غاریقون خربق سیاه از هر یک
ده درم حاشا دو درم بسفایج قنتقی سلیخه فراسیون از هر یک هفت درم
فلفل دراز فلفل سیاه سنبل زعفران دارچینی مرفطراسالیون از هر یک
چهار درم جاوشیر سکبینج عصاره افسنتین اسطوخودوس اسقوردیون
کمادریوس از هر یک پنج درم زنجبیل حب بلسان جندبیدستر زراوند طویل
جنطیانا رومی از هر یک سه درم کوفته و بیخته بعسل سرشند و بعد از
شش ماه استعمال نمایند شربتی چهار درم با یکدرم نمک طعام در
طبیخ افتیمون ایارج جالینوس منافع آن از لوغاذیا بیشتر است لقوه
و فالج و تشنج و استرخا مثانه و امراض بلغمی و سوداوی را نافع باشد

وسلس البول باز دارد واخلاط غلیظه ولزجه از بدن دور کند صفت ان

شحم حنظل غاریقون بصل الفار مشوی اشق سقمونیا خربق سیاه

فرفیون فاریقون از هر یک شانزده درم بسفایج کمادریوس افیثمون

سلیخه از هر یک هفت درم سکبینج زراوند طویل زراوند مدحرج فلفل سیاه

وسفید دارفلفل دارچینی جاوشیر جندبیدستر قطراسالیون از هر یک

چهار درم کوفته وبیخته بعسل بسرشند شربتی چهار درم تا چهار مثقال

اغبر لولوی جرب وسبل وشرناق وضعف باصره را نافع باشد

صفت آن توتیای کرمانی شسته وشیح محرق مغسول از هر یک

ده درم ومروارید ناسفته شش درم نبات پنج درم صلایه کرده استعمال نماید

اکیشرن که قرحه و مورسج را نافع باشد صفت آن سفیداب
ارزیر هشت درم اقلیمای نقره و صمغ عربی از هر یک چهار درم روی سوخته
یکدرم نشاسته و افیون از هر کدام دو درم صلایه کرده استعمال نمایند
اکیشرن دیگر که همین منفعت دارد صفت آن شادنج مغسول سه درم
نشاسته اقلیمای نقره افیون سره اصفهانی از هر کدام یکدرم صمغ عربی
انزروت از هر کدام دو درم سفیداب ارزیر هشت درم صلایه کرده
استعمال نمایند آبکامه معده را قوت دهد و بلغم را دفع کند و اشتهای
طعام آورد صفت آن نان تازه گرم در کوزهٔ آب نادیده بگذارند
تا سبز شود بعد آن در سرکه خمیر کنند و در آفتاب نهند و تا ده روز سرکه

بر سر آن میریزند و ده روز دیگر بدوشاب خمیر آن را تازه کنند و بعد

از آن ده روز دیگر بشیرهٔ انگور خمیر آن را تازه کنند و بعد از آن ادویه

نرم کوفته و بیخته بر سر آن ریزند و چون خواهند آنگاه رقیق کنند

ازین خمیر مقدار یکمن بگیرند و سه من سرکه کهنه بر سر آن کنند و کیسه

پر داروی گرم نیمکوفته در آن اندازند و چهل روز در آفتاب بگذارند

و بعد از آن استعمال نمایند **باب الباء بادمهرج** برودت معده و جگر را

و رحم و احتباس طمث را نافع باشد و ریاح غلیظه را دفع کند و سدهٔ جگر

و سپرز را بگشاید صفت آن زرنباد درونج عقربی افیون جندبیدستر

عاقرقرحا فلفل دارفلفل سلیخه موم المجوس بزرالبنج قسط البنی جاوشیر

زعفران از هر کدام شش درم حلبه هشت درم مروارید ناسفته دو درم

بارزد مر از هر یک دوازده درم عسل دو وزن ادویه بطریق متعارف

معجون سازند شربت شعثا نسخه شیخ ابو علی سینا زکام و نزله را نافع

باشد و اوجاع را ساکن کند و قطع خون رفتن نماید صفت آن فلفل

سفید و سیاه بزرالبنج از هر کدام بیست مثقال افیون ده مثقال زعفران

پنج مثقال سنبل الطیب عاقرقرحا فرفیون از هر کدام یکمثقال کوفته

و بیخته باسه وزن ادویه عسل کف گرفته بسرشند و بعد از شش ماه باستعمال

نمایند بنادق البزور حرقة البول و قروح کلیه و مثانه و عسر البول را

نافع باشد صفت آن مغز تخم خربزه خیارین پنج درم مغز تخم کدو پنج درم

بزر البنج تخم خرفه مقشر تخم خطمی مغز بادام مقشر کتیرا نشاسته رب السوس

خشخاش سفید گل ارمنی تخم کرفس از هر کدام دو درم بکوبند و بنادق

سازند شربتی سه درم بشراب خشخاش بنادق کندر در ذرب و اسهال

معده را نافع باشد صفت آن مازو سبز یکدرم کندر کرمازج از هر کدام

پنج درم افیون چهار درم حب الآس ده درم کوفته و بیخته بنادق سازند

بنادق دیگر وجع قولنج بار در التسکین دهد صفت آن جندبیدستر شونیز

نانخواه کمون افیون مساوی کوفته و بیخته بنادق سازند شربتی دو دانگ

بنادق دیگر مغص و وجع قولنج مراری تسکین دهد صفت آن تخم کاهو

خرفه افیون مساوی کوفته و بیخته بآب بزرقطونا بسرشند و بنادق سازند

از هر یک یکدانگ تا دو دانگ **بهشتی** از ترکیب حکمای هندست

وار جهت جذام عظیم النفع است صفت آن هلیله سیاه هندی شیطرج

از هر کدام ده درم دارفلفل پنج درم بیش سفید دو درم کوفته

و بیخته بروغن بادام چرب کرده بعسل معجون سازند شربتی یکمثقال

برز جلی این ترکیب نیز از حکمای هند است و همان خاصیت دارد

صفت آن هلیله بلیله شیطرج از هر کدام چهار درم جوز بوا خیر بوا

قشور کندر مو قود ارفلفل نار مشک کندرش عصاره اسقیل

ساذج هندی از هر کدام هشت مثقال بیشی چهار مثقال کوفته و بیخته

بعسل معجون سازند شربتی یکمثقال **برود حصر** جرب و بیاض و د معه

و سلاق و سبل و ظفره را نافع باشد صفت آن توتیائی کرمانی

مغسول ده درم پوست هلیله زرد دارچینی زرد چوب از هر کدام پنجدرم

دار فلفل مامیران چینی از هر کدام سه درم نمک هندی یکدرم کوفته

و بیخته بجز بیست روز در آب غوره بپرورند و در سایه خشک کنند

و دیگر باره کوفته و بیخته استعمال نمایند برود نفعه جرب را نافع باشد صفت آن

بنفشه کشنیز خشک بریان کرده صمغ عربی کتیرا از هر کدام یکدرم نشاسته

سه درم کوفته و بیخته پنج نوبت در سرکه بپرورند و خشک کرده و دیگر بار

سائیده و بجز بیخته استعمال نمایند برود دوری قرحه و موسرج را نافع باشد

صفت آن سفیداب ارزیز پانزده درم اقلیمیای نقره ده درم صمغ عربی

هشت درم شادنج مغسول روی سوخته نشاسته افیون از هر یک

دو درم صلایه کرده استعمال نمایند **برود معبده** استخوان هلیله کابلی سوخته

سه درم نمک اندرانی دوازده درم کوفته و بیخته بجز یر استعمال نمایند

برود باسی قوه باصره بیفزاید و محافظت چشم کند صفت آن بگیرد توتیا

مارقشیشا اقلیمیای نقره از هر کدام پنج درم سنبل ساذج زعفران

از هر کدام یکدرم مروارید ناسفته دو درم کافور دو دانک مشک یکدانک

صلایه کرده استعمال نمایند **برود احمر** چشم را خنک گرداند و سوزش را

بازدارد صفت آن شادنج مغسول ده درم روی سوخته پنج درم

مروارید ناسفته یکمثقال و دو دانک نبات یکدرم صلایه کرده استعمال نمایند

برود اسود دمعه را باز دارد و بیاض را ببرد صفت آن سرمه اصفهانی

توتیای مغسول از هر کدام دوازده درم مروارید ناسفته دو درم ساذج

یکدرم زعفران دو درم مارقشیشا هشت درم کافور و مشک از هر یک

یکدانگ صلایه کرده استعمال نمایند باسلیقون کبیر تاریکی چشم ببرد و ابتدای آب

و دمعه و جرب و سبل و ظفره و شرناق را نافع باشد صفت آن کف دریا

اقلیمیای نقره از هر کدام ده درم نمک اندرانی ساذج هندی

سفیداب ارزیز فلفل دراز فلفل سنبل الطیب سرمه اصفهانی از هر کدام

شش درم نمک هندی قرنفل دواله از هر یک یکدرم صبر سقوطری

عصاره مامیثا مس سوخته از هر کدام پنج درم مامیران چینی نوشادر زرد چوبه مرمکی

از هر کدام سه درم پوست هلیله زرد چهار درم کوفته و بیخته بجز بعد

ازان استعمال نمایند باسلیقون صغیر منافع آن قریب از منافع کبیر است

صفت آن اقلیمیائی نقره پنج درم روی سوخته دو درم و نیم سفید آب ارزیز

نمک اندرانی نوشادر جعده فلفل دارفلفل از هر کدام نیم درم کوفته و بیخته

بجز استعمال نمایند بنفشجی تاریکی چشم و دمعه و جرب و حکه را نافع باشد

صفت آن شادنج مغسول دو درم دم الاخوین دانگی روی سوخته

دارفلفل سنبل الطیب از هر کدام نیم درم ساذج هندی دو دانگ قاقله

مشک از هر کدام دانگی کافور نیم دانگ کوفته و بیخته بجز استعمال نمایند

برود ما مدر را نافع باشد و خربان بنشاند و ردع ماده کند و چشم را هم در روز

باصلاح آرد صفت آن شیاف مامیثا انزروت پرورده از هر کدام

هشت درم کثیرا کندر زم زعفران دو درم افیون نیم درم کوفته و بیخته

باب باران بسرشند و در وقت حاجت بسفیدی تخم مرغ حل کرده

استعمال نمایند بخوری که نزله و زکام را باز دارد صفت آن کندر و میعه یابسه

مرقسط سندروس مساوی کوفته و بیخته گلولها سازند و بر آتش نهند

و سر بخار آن بدارند بخوری که نزله و زکام را آنچه از حار باشد نافع است

صفت آن سبوس گندم آرد جو آرد باقلا صندل سفید گل سرخ

بنفشه گل گراز هر کدام درم کافور دانگی کوفته در سرکه خیسانند و خشک کنند

و دیگر باره بگلاب سرشته حب سازند و در وقت حاجت بر آتش نهند و سر بخار

ان بدارند بخوری که مقوی دهن و دماغ است و خفقان و غشی و ضعف

حواس را نافع است صفت آن عود هندی قسط شیرین و صندل سفید

از هر کدام یکدرم مشک و کافور از هر یک نیم درم کوفته و بیخته بگلاب

بسرشند و کلولها سازند و بخور کنند بخوری که برای آبستن شدن معینست

صفت آن میعله سائله بارزد و حب الغار مساوی کوفته و بیخته

بعسل بسرشند و بعد از طهر سه روز متوالی هر روز یکدرم بخور کنند

و بعد از ان مباشرت نمایند بخوری دیگر صفت ان سداب خشک

کوفته و با موم گداخته و پشم خرگوش بسرشند و بخور کنند بخوری که

مشیمه و بچه مرده بیرون آورد صفت آن مر بارزد جاوشیر کوگرد

مساوی کوفته و بچه بز نره کاو بسر شند و کاولها سازند و در زیر طغار

سوراخ کرده دود کنند و فرج را بر آن سوراخ نهند بچه جوش بروده

معده و جگر و وجع کلیه و ظهر و مفاصل و قولنج و لقوه و نسیان را

و نیز مثانه را نافع باشد و لون صافی گرداند و بوی دهن خوش کند و باه

و معده را قوت دهد و حفظ زیاد کند و بول براند و بادها بشکند صفت

آن آب انگور رسیده صد من گوشت تغلی بچه فربه بیست من عود خام

ده درم جوزبوا مصطکی خولنجان زعفران از هر یک پنج درم سلیخه یکدرم

خیربوا کبابه زرنباد و سعد قرنفل بسباسه از هر یک سه درم زنجبیل دارچینی

سنبل الطیب عاقرقرحا از هر یک یکدرم عسل ده رطل گوشت را در آب انگور

بجوشانند تا مهرا شود و ادویه نیمکوب در کیسه کنند و سر کیسه نرم بربندد و

و در آن اندازد و سر لحظه بدست بمالند و یک رطل کلاب اضافه نمایند

و صاف سازند و در خم ریزند و بعد از شش ماه استعمال نمایند

و اگر خواهند مرغ و کبوتر و بچه کبک و امثال آن اضافه نمایند و از گوشت

گوسفند خبری کم بکنند باب الثانی تریاق فاروق و آنرا تریاق کبیر گویند

مضرت گزیدن افعی و عقرب و رتیلا و سگ دیوانه و همه جانوران زهردار

و دافع مضرت کشنده است و جذام و فالج و لقوه و صرع و سکته و رعشه

و مالیخولیا و ضیق النفس و خناق سودائی و بلغمی و استسقا و یرقان

سدی و دوار و صداع و قولنج بلغمی و درد گرده و مثانه اسود و سنگ گرده

ومثانه بریزاند و سده جگر و سپرز را وحیض را براند و بول را وبواسیر و بادهای

که در احشا بود دفع کند و ورم صلب جگر را و سپرز را تحلیل دهد و هیضه را باز دارد

وحب القرع و شهوت کلبی و نافض و حمیات بلغمی و سوداوی و جمیع امراض

سوداوی و بلغمی را نافع باشد و حرارت غریزی را برافروزد و روح را

قوت دهد و باه برانگیزد اما مقدار شربت تریاق کبیر در هر مرض آنست که در

سرفه کهنه و درد سینه و پهلو که بسبب آن باد غلیظ یا بلغم باشد بآب رازیانه

یا ماء العسل دهند و از جهت گزیدن مار و عقرب و سگ دیوانه و رتیلا [illegible]

در شراب دهند و زنبور گزیده را در سرکه دهند و در سرکه حل کرده در موضع گزیده

مالند و از جهت دفع مضرت ادویه سمیه مثل افیون و شوکران و فرفیون

وذراریح وامثال آن در شراب دهند و در یرقان سُدّی یک ترمس

در طبیخ سارون دهند و در استسقا بکیفندق در سرکه ممزوج دهند و از جهت

فالج و لقوه و رعشه در ماء الاصول دهند و از جهت جذام در ماء الجبن

دهند و خداوند حب القرع را در طبیخ قیصوم دهند و در نافض حمیات

بلغمی و سوداوی یک ترمس با آب گرم دهند یا با شراب دهند و در قولنج

و نفخ معده و مغص ریحی و سقوط شهوه و ربو و انقطاع صوت و برص

یک ترمس با ماء العسل یا با شراب دهند و در ضیق النفس بسکنجبین عضلانی و در صرع

و صداع و در شقیقه یک ترمس با آب گرم دهند و خداوند هیضه را انک دوا

در شراب سیب دهند و از جهت احتباس طمث و اخراج جنین میت در طبیخ

اہل ہا میشک طرامشیع یا شراب یا سبداب دہند و در جمیع امراض

اندک آن یکطسوج و بسیار آن یکمثقال صفت آن اقراص عنصل چہل و هشت

مثقال اقراص افعی و اقراص اندروخون و فلفل سیاه و افیون و دار چینی

از هر یک بیست و چہار مثقال ورق گل سرخ تخم شلغم بری ثوم بری

ایرسا غاریقون رب السوس دهن بلسان از هر یک دوازده

مثقال مر مکی زعفران زنجبیل ریوند چینی فطافلن فودنج فراسیون

فطراسالیون قسط فلفل سفید اسطوخودوس دار فلفل مشک

طرامشیع کندر فقاح اذخر صمغ البطم سلیخه سنبل جعده از هر یک

شش درم لبنی تخم کرفس سیسالیوس حرف کمادریوس کمافیطوس

نان خواه عصاره لحیة التیس ناردین سادج موفو جنطیانا ازیانه کل قردمانا

مختوم زاج محرق حماما وج حب بلسان هیوفاریقون صمغ عربی

امیسون اقاقیا از هر یک چهار مثقال جند بید ستر دو قوقه قفر الیهود

جاوشیر قنطوریون دقیق زراوند مدحرج سکبنج از هر یک دو مثقال

عسل که از کل حاشا باشد دو رطل شراب ریحانی هشت رطل بوزن

بغداد که هر رطل نود مثقال باشد صمغ و عصاره ها و اقراص را در شراب

خیسانند تا حل شود و عسل بر سر آن کنند و یکشبانه روز بگذارند و بعد

از آن ادویه کوفته و بیخته بروغن بلسان چرب کنند و در یکدیگر بسرشند

و بعد از چهار ماه بلکه شش ماه استعمال نمایند و بعضی گفته اند پیش از پنج سال

استعمال نباید کرد و بعضی گویند بعد از دو سال استعمال باید کرد و آن زمان
در غایت خوبی است و قوت او باقیست تا سی سال و بعد از شصت سال باشد
و چون از سی گذشت تا شصت سال حکم آن حکم معاجین کبار باشد و از جهت
جمیع امراض بد کوره نافع است الا دفع سموم و گزیدن جانوران زهردار
و اما طریق امتحان کردن تریاق سه وجه دارد وجه اول آنکه
اعتماد نمایند بشخصی که او را دوای مسهل خورانند او دوای مقی اعنی خربق
سفید یا سقمونیا یا غیره که دوای قوی باشند جزوی از آن تریاق
بخورانند مقدار نصف مثقال تریاق عمل دوای مسهل بسته گردانیده تریاق
فایق است و اگر در عمل خود نگاه داشت دوای مسهل بسته آنکه و تریاق

ضعیف است و بکار نبرد و وجه ثانی آنکه که جالینوس امتحان کرده است

آنست که بگیرد خروس صحرائی را که در خانه تربیت نیافته باشد و ها عنبر باشند

بعضی حیوانات ذوات السم را بان خروس تا او را بزنند و بگیرند و بعد از ان

ازو تریاق بان خروس بخورانند اما قبل از انکه حیوانات را بخروس سر دهند

و اگر بعد ازان سر رکذ راند و زنده ماند پس بدانکه او تریاق بی بد لست

و اگر مرد بدانکه تریاق قبیح است و کاری نمی آید و وجه ثالث انکسانکه

تریاق را امتحان کرده اند جماعتی که قریب العهد بودند از اطبا دوای قتاله را

مانند افیون او غیره جزوی بخورد سگ بدهند یا خروس یا غیره از حیوانات

بعد ازان ازو تریاق بدهند بدین امتحان نیک و بد ظاهر میشود

تریاق گل مختوم کسی را زهر داده باشند این تریاق را بدهند تا قی
آورد تا بدن او از زهر پاک شود و بدین توان دانست که زهر داده اند
یا نه اگر اگر قی آورد زهر داده اند و الا نداده اند صفت آن گل مختوم و ابریشم
وحب الغار مساوی کوفته و بیخته بروغن بادام چرب کرده بعسل بسرشند
شربتی یکفندق تریاق اربعه دفع مضرت گزیدن جانوران زهرناک کند
و بادها بشکند و قولنج بگشاید و اخراج جنین میت کند و بتسهیل ولادت
کند و جمیع امراض بارده را نافع باشد صفت آن جنطیانا حب الغار
زراوند طویل مر مکی مساوی کوفته و بیخته بعسل معجون سازند
شربتی یکمثقال با آب گرم تریاق تمام بعد از تریاق اربعه ساخته اند و منافع

این بنسبر زوست صفت آن زراوند طویل ریوند چینی پوست بیخ کبر حب

الغار مر صاف قسط تلخ خنطیانا زردجوب مساوی کوفته و بیخته

بعسل معجون سازند شربتی یک مثقال تریاق سرطان گزیدن کلب را نافع باشد هم

صفت آن سرطان محرق ده درم کندر خنطیانا از هر یک پنج درم

کوفته و بیخته بعسل سرشته شود شربتی یک مثقال تریاق عسکری جهت گزیدن عقرب

نظیر ندارد صفت آن پوست بیخ کبر خنطیانا زراوند مدحرج افسنتین طرخشقوق

مساوی کوفته و بیخته دو درم از آن سفوف سازند تریاق دیگر که ثمن منفعت دارد

تخم سداب زراوند طویل حب الغار خنطیانا پوست بیخ کبر افسنتین زردچوبه

بیخ حنظل فاشرا مساوی کوفته و بیخته بعسل معجون سازند تریاق دیگر

صفت آن سیر مغز گردکان از هر یک د درم سداب حلتیت مر از هر یک

یکدرم کوفته و بیخته با انجیر معجون سازند شربتی سه درم با شراب تریاق دیگر

که گزیدن عقرب را نفع تمام دارد صفت آن مر مکی جنطیانا زراوند طویل

حب الغار قسط فودنج سداب جند بیدستر عاقرقرحا شونیز زنجبیل فلفل

حلتیت مساوی کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی مقابل یک جوز

با شراب تریاق دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن زراوند مدحرج پوست

بیخ کبر از هر یک نیم درم کوفته و بیخته با شراب بیامیزند و بنوشند تریاق

کربانی که جهت گزیدن رتیلا نافع باشد صفت آن شونیز ده درم دوقو زیره

از هر یک پنج درم ابهل جوز السرو از هر یک سه درم سنبل الطیب حب الغار

زراوند مدحرج حب بلسان دارچینی خطبیا نا جندبیدستر تخم حندقوقی

تخم کرفس از هر یک دو درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی یک درم

با شراب کهنه تریاق دیگر در گزیدن افعی و عقرب مثل تریاق کبیر است صفت

آن افیون ده درم فلفل سه درم زراوند مدحرج جندبیدستر از هر یک

نیم درم و نیم کوفته و بیخته بشراب معجون سازند شربتی مقدار یک جوز

تریاقی که دفع مضرت افیون و بنگ باشد صفت آن حلتیت جندبیدستر

ابهل فلفل مساوی کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی مقابل فندق

در شراب کهنه نافع باشد تریاق دیگر که گزیدن عقرب را نافع باشد صفت

آن ریوند چینی زراوند طویل پوست بیخ کبر عاقرقرحا مساوی کوفته و بیخته

بشراب شیرین یکدرم سفوف سازند تریاق زر مروارید ناسفته مرجان
لعل
أبهل عقیق یشب عاج طباشیر طراثیث کشنیز خشک بریان کرده صندل
سبز
سفید بهمن سفید و سرخ قرنفل سعد زیره کرمانی بذر مصطگی کردیا نارو
آس
کل ارمنی شادنج عدسی صمغ عربی آرد کنار آرد سنجد حب الآس
درم
عذبه دانه عناب بریان سه درم پوست بیرون پسته عجم زرنب سه
ز
ورق نقره یکدرم تخم خرفه بریان کرده خشخاش سفید دانه انگور
بزرگ از هر یک نیم درم عود خام زرالنبج سفید از هر یک دو درم
رب به شیرین رب سیب مورد معجون سازند باب الثانی در بیان
صرع
اوجاع کبد و معده وطحال و کلیه و رحم و نسیان و تاریکی چشم و

وربو وصداع وجذام وبرص ولقوه ورعشه وفالج وجميع امرض
عتیقه مزمنه وانواع سوء المزاج بارد و رطب را نافع است قولنج را
بکشاید استسقا که از سردی وضعف جگر باشد زایل کند واسهال آن
بی مشقت باشد وادرار بول وحیض کند وسنگ گرده ومثانه بریزاند
وحرارت غریزی را تقویت دهد وبدن را از اخلاط فاسده پاک سازد
وبادها را پراکنده کند وسده جگر وسپرز بگشاید وزنگ را نیکو گرداند
صفت آن صبر سقوطری پانزده درم غاریقون بیست درم زعفران ودار
چینی صبر سقوطری پانزده درم غاریقون بیست درم زعفران ودار چینی
وح مصطکی روغن بلسان از هر یک سه درم ریوند چینی یکدرم ونیم

عود بلسان قنرهیون فنافل سفید و سیاه دار فلفل مرخطیانا

حب بلسان قفاح اذخر موحاما از هر یک دو درم کما دریوس قسط

افیتمون از هر یک چهار درم اسارون سلیخه سقمونیا از هر یک شش

مثقال سنبل سه درم و نیم ادویه کوفته و بیخته بروغن بلسان چرب کرده

با سه چندان عسل بسرشد شربتی چهار مثقال و قوة این معجون تا چهار

سال بماند تا پنج تیادریطوس دیگر منفعت این قریب بمنفعت اول است

صفت آن عنبر سقوطری شیدرم غاریقون بیست دو درم زعفران

وج دارچینی مصطکی سورنجان سلیخه از هر یک سه درم کما دریوس

فلفل ابیض اسارون عود بلسان از هر یک دو درم فلفل سیاه

صفت آن قاقله کبار و صغار بسباسه دارچینی از هر یک چهار درم زنجبیل

دار فلفل از هر یک ده درم دواله مصطکی عنبر از هر یک دو درم قرنفل

قرنفل زعفران از هر یک دو درم جوز بوا پنج درم مشک یکدرم کوفته و بیخته

بعسل سپرشند شربتی یک مثقال جوارش دیگر عنبر یک مثقال قند سفید یکمن قند را

بقوام آورند و فرو گیرند و عنبر دران داخل کرده بتیر بزنند و بروی سنگ ریزند

جوارش مصطکی سردی معده و جگر را نافع بود و بلغم دفع کند و آب رفتن

از دهان باز دارد صفت آن مصطکی سه درم کوفته بایکمن قند و سی درم

گلاب بروی سنگ ریزند جوارش جالینوس این را خاصیت بسیار است همه

اعضا را قوت دهد و دیوانگی را ببرد و بوی دهن را خوش کند و با دماغ

بشکند و بسیاری بول که از سردی مثانه بود باز دارد و باه را قوت دهد

و صداع و سعال بلغمی و بواسیر و نقرس و قوبا و بهق و حصاة کلیه و

مثانه را نافع بود و سیاهی موی را محافظت کند و گفته‌اند که پیوسته بر

بدین جوارش مداومت کنند از جمیع امراض مذکوره ایمن باشند صفت آن

سنبل قاقله کبار سلیخه دارچینی خولنجان قرنفل سعد زنجبیل فلفل دار

فلفل قسط بحری عود بلسان اسارون تخم مورد قصب الذریره زعفران

از هر یک دو درم مصطکی پنج درم قند سفید بوزن ادویه کوفته و بیخته

با دو چندان عسل بسرشند شربتی دو مثقال تا سه مثقال پیش از طعام

و بعد از طعام توان خورد و بعضی اطبا خطیانا و حب الغار و قتنه زیره انک پنج درم

اضافه کنند **جوارش تمر** قولنج و عسر البول را بگشاید صفت آن زیره کرمانی

مدبر بوره ارمنی فطراسالیون زنجبیل فلفل سفید از هر یکی دو درم

و نیم سقمونیا مشوی پنج درم خرمای دانه بیرون کرده و مغز بادام مقشر

بریان کرده از هر یک ده مثقال ورق سداب ده درم خرما را در سرکه

بخیسانند یک شبانه روز و بکوبند و از پشت غربال بیرون کنند و عسل

کف گرفته وزن ادویه بر سر جمله ما کنند و بجوشانند تا بقوام آید

و داروها کوفته و بیخته با آن بسرشند شربتی پنج مثقال تا هفت مثقال آن بکار برم

جوارش مشک خفقان و بواسیر را نافع بود و بادهای معده را دفع کند

صفت آن خیربوا قافله زنجبیل دار فلفل فلفل از هر یک ده درم مشک خالص

نیم مثقال قند سفید شصت درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند جوارش کافور

اسهال صفراوی باز دارد تشنگی و حرارت بنشاند صفت آن زرشک ده

درم گل سرخ هشت درم طباشیر کهربا فوفل از هر یک چهار درم تخم حماض

بریان کرده هفت درم حب الآس شش درم بشیب سیب ده درم بست غبیرا

ده درم انار دانه بریان کرده پنج درم کافور سه درم زعفران ثنا بلوط

از هر یک پنج درم فوفل چهار درم شراب حماض بسرشند شربتی دو درم

جوارش کندر اسهال بلغمی را باز دارد و معده را گرم کند صفت آن

کندر شصت درم فلفل دار فلفل از هر یک دوازده درم زنجبیل خولنجان

از هر یک ده درم جوز بوا از هر یک پنج درم قرنفل خیربوا نیز پنج درم

مشک نیم درم قند سفید شصت درم کوفته بیخته بعسل سرشته شربتی

سه درم جوارش خوزی طعام را هضم کند و اسهال باز دارد و سپرز را

بگدازد و کسی را که بیم استسقا باشد نافع بود و ادرار بول کند صفت آن قسط

قرفه سنبل حب بلسان سلیخه از هر یک ده درم جوز بویا عدد قاقله

کبار قرنفل انیسون اکلیل الملک شیطرج نارمشک از هر یک چهار درم

بسباسه درونج عقربی از هر یک سه درم ریوند چینی زراوند مدحرج اشنه

از هر یک پنج درم هلیله سیاه پوست هلیله کابلی بروغن زیت بریان کرده

از هر یک بیست درم بلیله ده عدد حب الآس هم وزن همه ادویه نبات

دو وزن ادویه در گلاب بگدازند و قوام آورند داروها کوفته و بیخته

بان سبز شنند و بعد از دو ماه استعمال نمایند جوارش اطباشیر تب و اسهال صفراوی را

نافع باشد صفت آن طباشیر سفید حب الآس گل سرخ از هر یک ده درم

تخم حماض صمغ عربی از هر یک هفت درم گلنار سماق عصاره لحیة التیس از

هر یک شش درم زعفران و افیون از هر یک دو درم کوفته بیخته بشراب

سیب بسرشند شربتی سه درم جوارش سماق اسهال صفراوی باز دارد

صفت آن سماق بیست درم حب الآس ده درم خرنوب سی درم صمغ عربی

گلنار انار دانه از هر یکی پنج درم کوفته و بیخته با مویز منقی دیگر باره بکوبند

شربتی سه درم جوارش انجدان قولنج بگشاید و بادها دفع کند و حشار حامض را

نافع بود صفت آن فلفل دار فلفل از هر یک پنج درم ایرسا زنجبیل

از هر یک شش درم انیسون نان خواه رازیانه مصطکی تخم کرفس از هر یک
دو درم انجدان پانزده درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی
دو درم **جوارش نارمشک** طبع را نرم سازد و قولنج را بگشاید صفت آن
خیربوا یکدرم قاقله دارچینی از هر یک دو درم نارمشک قرنفل از
هر یک سه درم دارفلفل پنجدرم زنجبیل شش درم سقمونیا درم هشت
نبات سی درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی یکدرم تا
جوارش دیگر که اسهال صفرا کند بی مشقت صفت آن مصطکی عود
خام از هر یک یکدرم تربد سفید چهار درم سقمونیا نیمدرم کوفته و بیخته
بعسل بسرشند شربتی پنجدرم باب گرم **جوارش بسباسه** بواسیر و سردی معده

و بدهضمی را نافع باشد و بادها شکند صفت آن سبباسه قاقله کبار

قرفه از هر یک پنج درم قاقله صغار زنجبیل دار فلفل دارچینی اسارون

از هر یک یکدرم فلفل دارچینی اسارون از هر یک یکدرم فلفل دو

درم قرنفل یکدرم و نیم قند سفید بیست درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند

شربتی یک مثقال جوارش مقلیاثا زحیر و مغص و بواسیر را نافع بود صفت

آن تخم تره تیزک بریان کرده زیره کرمانی مدبر از هر یک یکدرم مصطکی شش

درم هلیله کابلی بریان کرده بروغن گاو یکدرم کوفته بیخته و بگلاب

بسرشند جوارش سمسم معده را قوه دهد و شهوت ردیه زنان حامله را

دفع کند و رنگ روی را نیکو گرداند و اشتهای طعام آورد صفت آن

زرنباد تخم کرفس زیره کرمانی و نانخواه از هر یک دو درم زنجبیل کندر
فلفل دار فلفل قاقله دارچینی از هر یک سه درم شکر طبرزد نود مثقال
کوفته و بیخته بگلاب بسرشند جوارشی که حفظ زیاد کند صفت
آن نانخواه زنجبیل از هر یک ده درم شونیز هلیله کابلی از هر یک پنج درم
کوفته و بیخته و بعسل بسرشند شربتی یکمثقال جوارش مسهل تنقیه معده و دفع
فضلات ردیه کند و قوت دهد صفت آن تربد سفید ده درم زنجبیل
پنج درم قند سفید پانزده درم شربتی سه درم جوارش شهریاران نسخه دیگر
قولنج بگشاید و فضلات ردیه را دفع کند و معده را قوت دهد صفت آن
فلفل زنجبیل زیره کرمانی سداب بوره ارمنی خولنجان قرفه از هر یک

یکدرم و نیم سقمونیا ده درم عسل چهل درم شربتی یکدرم و نیم تا سه درم

جوارش داچینی ضعف گرده و مثانه و معده را نافع بود و بادها بشکند

و اخلاط غلیظ را دفع کند صفت آن دارچینی عود هندی راسن از هر یک

شش درم قرنفل فلفل سیاه دارفلفل سنبل اسارون از هر یک پنجدرم

زنجبیل ده درم نعناع هشت درم خیربوا و قرفه از هر یک دو درم مصطکی

رازیانه انیسون سلیخه از هر یک سه درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند جوارش

حب الآس هیضه و اسهال معدی را نافع بود و قی که از بلغم بود و رطوبت

باز دارد صفت آن حب الآس ده مثقال هلیله سیاه و بلیله آمله طباشیر

از هر یک بیست درم فلفل سیاه دارفلفل زنجبیل از هر یک ده درم

مصطکی قرد مانا کردیا انیسون نریزه کرمانی سنبل سلیخه قاقله قسط

از هر یک شش درم جوز بوا تخم کرفس نانخواه از هر یک پنج درم ساج هندی

حماما از هر یک چهار درم کوفته بیخته و بعسل بسرشتند شربتی یکدرم جوارش

اسقف قولنج ولقوه و بواسیر بادی و بادها که در معده باشد سود

دار صفت ان سقمونیا تربد سفید از هر یک پنج درم فلفل قاقله از هر یک

سه درم زرنبیل دارچینی آمله قرنفل بسفایج جوزبوا از هر یک دو درم

و نیم قند سفید نود درم کوفته بیخته و بعسل بسرشتند شربتی چهار مثقال است

جوارش هندی اوجاع مفاصل را و نقرس را و وجع ظهر و قولنج را

نافع بود صفت ان سقمونیا ده درم خیربوا قاقله دارچینی زرنبیل قرنفل

نارمشک قرنفل فلفل سفید هر یک پنج درم ترید سفید صد درم قند

سفید صد درم کوفته بیخته و بعسل بسرشند **جوارش زنجبیل** ضعف معده و امعا

و هیضه را نافع باشد طعام را هضم کند و بادها بشکند و اسهال باز دارد

زنجبیل بیست درم صمغ عربی خیربوا هر یک ده درم قرنفل دارچینی هر یک

پنج درم جوزبوا یک عدد زعفران یکدرم نشاسته چهل و دو درم طبرزد (شکر نود مثقال)

جوارش قیصر قولنج و نقرس را نافع کند و اخلاط غلیظه لزجه را دفع کند

دارفلفل زنجبیل هلیله زرد سقمونیا ترید سفید هر یک دوازده درم (کرفس) سیسم

نانخواه عاقرقرحا نمک طبرزد هر یک شش درم قند سفید شانزده درم کوفته

و بیخته بعسل بسرشند **جوارش فواکه** معده را و دل و احشا و جگر را قوت دهد و قی

بازدارد و صفرا دفع کند و بتقلیل بدان منع خمار کند صفت آن آب

انار ترش و شیرین آب به آب امرود آب غوره آب زرشک آب سماق

آب لیمون مجموع را مساوی بجوشانند تا بربع آید فرو گیرند و قند

بقوام زیاده آورند و تیر زنند و آب بهار ابر آن میریزند چندانکه خواهند

و بر روی سنگ ریزند **باب الحاء حب ایارج** دماغ و اعضا را از

فضول و اخلاط بلغمی پاک گرداند و صرع و سکته و امراض عین را

نافع باشد صفت ایارج فیقرا و تربد سفید از هر یک یکدرم حب النیل و

غاریقون افتیمون از هر یک نیم درم شحم حنظل و نمک هندی از هر یک

دانگی و نیم کوفته بیخته با آب رازیانه بسرشند و حب سازند **حب الصبر** اوجاع

مفاصل را ونقرس و فالج ولقوه را نافع باشد صفت آن صبر سقوطری
یک مثقال تربد سفید یکدرم حب النیل غاریقون از هر یک نیم
درم شحم حنظل دانگی و نیم نمک هندی قدری مقل کتیرا انیسون
از هر یک دانگی کوفته بیخته و باب کرفس حب سازند **حب سورنجان**
مفاصل و نقرس و عرق النسا را نافع باشد صفت آن صبر سقوطری
ماهی زهره از هر یک یکدرم سورنجان و تربد از هر یک یکمثقال کتیرا دانگی
حب النیل نیم درم شحم حنظل دانگی نمک هندی دانگی و نیم کوفته و بیخته باب
کرفس حب سازند **حب سورنجان دیگر** مفاصل و جمیع امراض مذکوره را نافع است و این
بنسخه دیگر همین خاصیت دارد صفت آن ایاره فیقرا تربد سفید ماهی زهره از هر یک

یکدرم سورنجان پوست هلیله زرد غاریقون افتیمون از هریک نیم درم

سقمونیا کثیرا تخم حنظل از هریک دانگی کوفته بیخته و باب آب را زیانه حب سازند

حب سورنجان بکر صبر یکدرم پوست هلیله زرد تربد سفید از هریک نیم درم

سورنجان سقمونیا از هریک دانگی و نیم تخم کرفس و نمک هندی

از هریک دانگی باب آب را زیانه حب سازند حب شبیار درد معده را نافع باشد

و قوت باصره بدهد و درد سر و تاریکی چشم ببرد صفت آن صبر سقوطری سه درم

و پوست هلیله زرد و ورق گل سرخ مصطکی تربد سفید از هریک یکدرم

سقمونیا نیم درم کوفته بیخته و حب سازند شربتی یک تا سه مثقال در وقت

خواب فرو برند و بخسبند حب قوقایا حب جالینوس است صداع

و درد چشم را نافع بود و فضلهای غلیظ را از بدن فرود آرد صفت آن غصاره

افسنتین مصطکی از هر یک یکمثقال شحم حنظل سقمونیا از هر یک نیم درم صبر

سقطوطری یکمثقال کوفته بیخته و بآب کرفس حب سازند شربتی یک مثقال

حب غاریقون سده را بکشاید و استسقا و امراض کبد را نافع باشد صفت آن افیمون

صبر سقوطری از هر یک شش درم غاریقون چهار درم انیسون فطراسالیون

تخم کرفس دوقو از هر یک دو درم سقمونیا یکدرم کوفته بیخته و بآب خالص

حب سازند شربتی دو درم حب آخر النافع من اوجاع الراس والمعده

منقی للرطوبه صفت آن صبر سقوطری ثلثه دراهم مصطکی درهم واحد

وبعض الاطبا یصیر فیه من الانیسون درهم ومن الهلیلج الاسود والزعفران

من كل واحد نصف درهم ومن الورد الياس والملح هندی من كل واحد
درهم ويجعل من الصبر ستة دراهم فاما الاول من الاطباء فكانوا
يجعلون جزوين من الصبر جزا واحدا من المصطكی ولا يجعلون معه غيره
تجمع هذا الادويه مسحوقه منخوله ويعجن بماء عنب الثعلب ويجب حبا كامثال
الحمص ويجفف فی الظل وترفع فی اناء والشربه منه وزن درهمين ونصف
بماء حار عند الحاجه اليه انشاء الله تعالى حب غاريقون بنسخه ديگر که هامين
خاصيت دارد طبع را نرم کند چون تيز است يکدرم ازان بنوشد صفت آن
غاريقون ده درم عصاره غافث وريوند چينی از هر يک دو درم
قند يازده درم کوفته بيخته بآب حب سازند حب منتن فالج ولقوه و مفاصل

ونقرس که از سردی باشد و درد ظهر را نافع باشد و بادهای غلیظه را دفع کند

وحیض بگشاید صفت آن سکنجبین اشق جاوشیر مقل حرمل شحم حنظل صبر سقوطری

تربد سفید پوست هلیله زرد انزروت اجزای مساوی انزروت را

در آب حل کنند داروها کوفته وبیخته با آن بسرشند و حب سازند شربتی دو

درم **حب اصطمیخیقون** بدن را از سودا بلغم و اخلاط غلیظه پاک کند صفت آن

پوست هلیله کابلی شش درم افتیمون غاریقون از هر یک سه درم اسارون

انیسون تخم کرفس از هر یک دو درم تربد سفید هفت درم افتیمون

پنج درم ایارج فیقرا نه درم قرنفل یک درم فانید چهار درم فانید را در

وده درم سقمونیا در آن حل کنند و داروها کوفته وبیخته با آن بسرشند وحب سازند

حب الذهب صداع و درد چشم را نافع باشد صفت صبر سقوطری بیست

درم پوست هلیله زرد ده درم مصطکی کتیرا سقمونیا زعفران از هر یک

سه درم ورق گل سرخ پنج درم کوفته بیخته بگلاب بسرشند حب سازند

شربتی دو درم حب که داء الثعلب را نافع باشد و سودا و صفرا و بلغم را

دفع کند صفت آن افتیمون چهار مثقال شحم حنظل سقمونیا نمک هندی

افسنتین از هر یک دو مثقال صبر سقوطری ده مثقال انزروت و بسفایج

از هر یک سه مثقال تربد سفید دوازده مثقال کوفته بیخته و بآب خالص حب

سازند شربتی سه درم حب سکبینج قولنج و بادهای غلیظ دفع کند صفت آن

سکبینج شحم حنظل از هر یک ده درم سقمونیا سه درم بآب سداب حب سازند

شربتی یکدرم حب دیگر که باد بشکند و فتق و اورام خصیه را نافع باشد

صفت آن تخم کرفس نهراسپند انیسون مصطکی زعفران از هر یک یکدرم

پوست هلیله کابلی آمله سکبنج مقل از هر یک دو درم فطراسالیون فودنه

اذخر قسط زرنباد درونج اسارون از هر یک نیم درم کوفته و بیخته بشراب

سداب حب سازند و هر روز یک درم تناول نمایند حب دیگر استسقا زقی

را نافع باشد صفت آن ریوند چینی عصارهٔ غافت تخم کرفس از هر یک

سه درم غاریقون پنج درم مازریون مدبره درم کوفته و بیخته حب سازند

شربتی دو درم حب دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن مازریون مغز بادام

از هر یک نیم درم شکر یک درم و نیم کوفته و بیخته حب سازند حب خنازیر

خنازیر و غدد و سلعه را نافع باشد صفت آن ایارج فیقرا سه درم غاریقون
دو درم و نیم شحم حنظل یکدرم و نیم انزروت چهار درم تربد سفید
هفت درم جاوشیر یک مثقال نوشادر دو درم سقمونیا یک
مثقال کوفته و بیخته باب کند تا حب باشد شربتی سه روز یکدرم حب
اصلی که همین خاصیت دارد سنبل سلیخه حب بلسان ساروان عود بلسان
مصطکی دارچینی زعفران از هریک یکدرم صبر سقوطری شانزده درم
اسطوخودوس شحم حنظل از هریک پنجدرم تربد سفید هفت درم
نمک هندی دو درم سقمونیا چهار درم کوفته بیخته و حب سازند شربتی
چهار درم حب شبیار نج سنیطر عرق النساء و جاع مفاصل و وجع ظهر را نافع باشد

صفت آن پوست هلیله زرد ده درم صبر سقوطری هشت درم فلفل دار
فلفل از هر یک یکدرم خردل سه درم شیطرج نمک هندی شحم حنظل
زنجبیل از هر یک دو درم فانید چهار درم بآب کرنب حب بسازند شربتی
سه درم بآب کرم **حب غافث** یرقان و ورم جگر را سود دارد صفت آن
غافث صبر سقوطری پوست هلیله زرد مساوی کوفته بیخته و بآب کرفس
حب بسازند شربتی دو درم **حب دیگر** که بهق و برص و صرع و امراض سوداوی را
نافع باشد صفت آن ایارج فیقرا پنج درم افتیمون ده درم لاجورد مغسول
هفت درم شحم حنظل خربق سیاه از هر یک دو درم انیسون
سنبل از هر یک یکدرم کوفته بیخته و بآب کرفس حب سازند شربتی دو درم و نیم

حب شاهتره جرب را نافع باشد صفت آن پوست هلیله زرد هلیله سیاه
از هر یک پنج درم صبر سقوطری هفت درم سقمونیا دو درم و نیم کوفته
و بیخته به آب شاهتره حب سازند شربتی دو درم حب مقل بواسیر را نافع
باشد صفت آن پوست هلیله کابلی و مقل از هر یک پانزده درم بذر سپند
ده درم سکبینج پنج درم خردل دو درم مقل و سکبینج را در آب کنند تا حل کنند
و داروهای دیگر را کوفته و بیخته و با آن بسرشند و حب سازند حب مقل نوعی دیگر
شقاق را سود دارد و طبع را نرم کند و محروری مزاج را نافع باشد صفت آن
پوست هلیله کابلی بیست درم مقل ده درم کثیرا پنج درم انجیر سی عدد انجیر را
در آب بپزند تا مهرا شود و بپالایند و مقل و کثیرا در آن حل کنند و پوست هلیله را

کوفته و بیخته بآن بسرشند و حب سازند شربتی دو درم حب مقل بنسخهٔ دیگر در معده

و امعا و بواسیر را نافع بود صفت آن هلیله سیاه و بلیله و آمله از هر یک جزوی

مقل برابر همهٔ ادویه مقل را در آب کنند تا حل کنند داروهای دیگر را در آن بسرشند

و حب سازند شربتی دو درم و نیم حب مقل که چون سه شب متوالی بخورند وجع بواسیر را

تسکین دهد صفت آن هلیله سیاه بلیله آمله مقل از هر یک چهار درم نمک هندی

صعتر مصطکی سورنجان اشق بان خواه سیر اسپند شیطرج از هر یک یک درم سنبل زعفران

دارچینی وج زنجبیل و فاقله سلیخه از هر یک هشت درم صبر سقوطری بیست درم

سکبینج دو درم سکبینج و مقل را در آب کنند تا یک شب بگذارند تا حل شود باقی ادویه را

کوفته و بیخته بآن بسرشند و حب سازند شربتی دو مثقال حب الآفاق

بادها را دفع کند و طبع را نرم کند و قولنج بگشاید صفت آن زنجبیل قرنفل
دارچینی فلفل دارفلفل بازمشک مصطکی از هر یک یکمثقال سقمونیا هفت مثقال
قند سفید هفت مثقال کوفته بیخته و حب سازند هر یک مقدار نخودی هر حب
یک مجلس دفع کند حب بهرامی استسقای لحمی را نافع باشد صفت آن
صبر سقوطری دوازده درم افسنتیمون شش درم سقمونیا چهار درم سنبل سلیخه
تربد سفید مصطکی از هر یک دو درم زعفران یکدرم و نیم غاریقون و حب سه درم
حماما یکدرم کوفته بیخته و حبها سازند شربتی دو درم و نیم دیگر حبی بهق و برص را
نافع است صفت آن ایارج فیقرا یک مثقال لاجورد مغسول سنبل انیسون
شحم حنظل کثیرا سقمونیا از هر یک دانگی کوفته و بیخته با آب کرفس حب سازند

حب ایارج ایارهٔ فیقرا نیم مثقال افتیمون اسطوخودوس بسفایج نمک هندی

غاریقون از هر یک نیم دانگ تربد سفید پوست هلیله زرد شحم حنظل کثیرا

از هر یک دانگی کوفته بیخته با آب حب سازند حب دیگر هم جهت صرع نافع است

صفت آن صبر سقوطری یکدرم غاریقون نیمدرم شحم حنظل دو دانگ

سقمونیا دانگی و نیم مصطکی سنبل از هر یک کوفته و بیخته با آب حب سازند

بطبیخ اسطوخودوس بنوشد حب دیگر وهو حب الصبر نافع من اوجاع

الراس والمعده صفت آن صبر سقوطری سه درم مصطکی و گل سرخ

از هر یک کوفته بیخته با آب حب سازند شربتی دو درم حب نوع دیگر

صفت آن تربد سفید هلیله زرد مصطکی گل سرخ مساوی و صبر سقوطری

بوزن ادویه کوفته وبیخته باب کاسنی حب سازند شربتی وقت خواب

یک مثقال تا دو درهم حبی منسوخه دیگر صفت آن ایاره فیقرا ترید سفید از یکی

یکدرم حب النیل افتیمون از هر یکی نیم درم شحم حنظل وغاریقون وعاقرقرحا

خصیة الثعلب از هر یکی دانکی ونیم محموده کثیرا از هر یکی دانکی ونیم کوفته

وبیخته بگلاب حب سازند حبی دیگر ایاره فیقرا یک مثقال ترید سفید

یکدرم غاریقون لاجورد مغسول پوست هلیله زرد سورنجان از هر یک نیم درم

سقمونیا دانکی وبسفایج افتیمون وکثیرا از هر یک دانکی کوفته وبیخته بگلاب

حب سازند حبی دیگر جرب وحکه را نافع باشد صفت آن پوست هلیله زرد

صبر سقوطری از هر یک یکدرم سقمونیا ورق گل سرخ از هر یک دانکی کوفته

وسحیه بکلان حب سازند حب ایارج صفت ان ایاره فیقرا و تربد سفید

غاریقون از هر یک یکدرم اسطوخودوس بوزیدان از هر یک نیم درم

سکبینج شحم حنظل حب النیل از هر یک دانگی و نیم کتیرا دانگی کوفته و بیخته باب

سازند حب استرخا و خدر صفت ان ایاره فیقرا تربد سفید غاریقون

از هر یک یکدرم اسطوخودوس بوزیدان عود الصلیب از هر یک یکدرم

و نیم شحم حنظل مصطکی از هر یک دانگی محموده نیم دانگ با آب رازیانه حب سازند

حب استسقا تربد سفید یکدرم ریوند چینی نیمدرم غاریقون زراوند مدحرج

زراوند طویل از هر یکی دانگی و نیم مقل الیهود تخم الجزره از هر یک دو دانگ فرفیون

بروغن گل چرب کرده دانگی کوفته و بیخته با آب خالص حب سازند حب دیگر

جهت استسقا صفت آن ایاره فیقرا تربد سفید از هر یک یکدرم غاریقون
اسارون ریوند چینی تخم الخجره افسنتین از هر یک یکدرم نمک هندی دانگی
مقل دو دانگ با آب رازیانه حب سازند حب سباطشری بنفشه دو درم پوست هلیله
زرد تربد سفید از هر یک یکدرم نمک هندی رازیانه تخم کرفس از هر یکی
نیم درم محموده دانگی و نیم با آب خالص حب سازند حب صبر ایاره فیقرا تربد سفید
صبر سقوطری از هر یک یکمثقال حب النیل نیم مثقال شحم حنظل نمک هندی
از هر یک نیم درم انیسون یکدرم فلفل مصطکی کتیرا از هر یک دانگی با آب
رازیانه حب سازند حب بق تربد یکدرم و نیم غاریقون ایاره فیقرا افتیمون از
هر یک چهار دانگی هلیله سیاه شیطرج عصاره افسنتین از هر یک دو دانگی سقمونیا

سه نخود مقل و انیسون از هر یک دانگی با آب حب سازند حب لقوه تربد یک درم
و نیم ایارج فیقرا افتیمون از هر یک چهار دانگ سورنجان نیم درم بلیلی زیره
زنجبیل از هر یک دو دانگ محموده مقل از هر یک دانگی با آب حب سازند حب شبیار
تربد سفید یک درم پوست هلیله کابلی غاریقون از هر یک نیم درم صبر چهار دانگ
گل سرخ دو دانگ مقل دانگی محموده نیم دانگ با آب حب سازند حب غشی و تشنج
صفت آن سفرجلی مسهل سه درم تربد یک درم و نیم سورنجان چهار دانگ
بوزیدان ماهی زهره قنطوریون فستق از هر یک دو دانگ با آب حب سازند
حبی که درد نقرس را در ساعت بنشاند صفت آن انیسون زیره کرمانی فلفل سفید
دارفلفل مغز حب القرطم از هر یک دو درم سلیخه یک درم زنجبیل فرفیون از

هر یک چهار درم مصطکی شش درم سورنجان بیست درم با آب رازیانه حب بندند

شربتی دو درم با آب زیره کرمانی **حب جا** تربد یک درم و نیم غاریقون

ایارهٔ فیقرا افتیمون از هر یک چهار دانگ قنطوریون دقیق عصاره

افسنتین ماهی زهره از هر یک دو دانگ شحم حنظل و سقمونیا از هر یک سه درم

مقل و افیون از هر یک دانگی با آب رازیانه حب بندند **حب اختلاج** تربد سفید

درم و چهار دانگ افتیمون نیم درم عصاره افسنتین از هر یک دانگی و نیم از ایارهٔ

حب النیل شحم حنظل مقل افیون مصطکی از هر یک دانگی با آب حب بندند

حب مقل صبر تربد یک مثقال سورنجان نیم درم شحم حنظل حب النیل نمک

هندی محموده تخم حنظل از هر یک دانگی و نیم ایارهٔ فیقرا یک درم کل شرح افیون

مصطکی از هر یک دانگی مقل دو دانگ با آب خالص سازند حب دیگر تربد یکدرم ایرسا
نیم درم ایاره فیقرا و غاریقون از هر یک یکدرم محموده دانگی مقل دو دانگ
بنفشه نیم درم با آب حب سازند حب عاقرقرحا ایاره فیقرا از هر یک نیم درم
جندبیدستر شیطرج هندی بزرالبنج از هر یک سه درم سکبینج شحم حنظل ایرسا از هر یک چهار درم
کوفته و بیخته با آب حب سازند شربتی دو درم و نیم حب دیگر صبر یکدرم
محموده دانگی و نیم غاریقون چهار دانگ عصاره غافث دو دانگ با آب کاسنی
حب سازند حبی که نافع است جهت نقرس حار صفت آن سورنجان یکدرم
محموده دانگی و نیم تخم کرفس دانگی صبر یکدرم کوفته و بیخته با آب خالص حب سازند
حبی دیگر که بلغم را از مفاصل جذب کند صفت آن سعد و بوزیدان سورنجان

از هر یک نیم درم ماهی زهره دو دانگ تربد چهار دانگ شحم حنظل دانگی و نیم

فرفیون دانگی با آب حب سازند حب بنگر که وجع الظهر را نافع باشد صفت آن

شحم حنظل سکبینج از هر یک دو درم صبر چهار درم جند بیدستر و مقل از هر یک

یکدرم کوفته بیخته با آب حب سازند شربتی دو درم حب ربوبا اوجاع مفاصل را

در روز و ساعت باصلاح آورد صفت آن صبر سقوطری تربد سفید از هر یک

هشت درم پوست هلیله زرد بوزیدان سورنجان از هر یک دو درم انیسون

سقمونیا از هر یک یکدرم مقل یکدرم و نیم با آب گندنا حل کرده حب سازند

شربتی سه درم با آب گرم حب لاجورد سودا را دفع کند و امراض سوداوی را

نافع باشد صفت آن لاجورد مغسول سه درم قرنفل انیسون سقمونیا از هر یک

یک درم غاریقون بسجند درم افتیمون بسفایج از هر یک چهار درم ایارج فیقرا

شش درم با آب کرفس حب سازند شربتی سه درم بماء الجبن بدهند حب کوکب تولی

اعضای سر و معده را از اخلاط پاک کند و فالج و داء الثعلب را نافع باشد

و چون یکدرم ازین حب بیکدرم ایارج فیقرا داخل کرده بخورند چشم را روشن کند

و مانع نزول آب شود و اخلاط فاسده را از بدن بیرون کند صفت صبر سقوطری

وسقمونیا شحم حنظل عصاره افسنتین مصطکی از هر یک دانگی و نیم مقل دو دانگی

کثیرا نیمدرم با آب حب سازند حب العشره لقوه و رعشه و فالج را نفع کند صفت

ان فلفل زنجبیل دارفلفل شیر آمله سعد کوفی مصطکی از هر یک دو درم

دارچینی سلیخه سنبل اسارون از هر یک دو درم صبر سقوطری بیست درم

باآب کرفس حب سازند شربتی دو درم و نیم حب الصبر سرفه کهنه و ربو و ضیق

النفس را و امراض سینه را نافع باشد صفت آن غاریقون تربد سفید هر یک

سه درم اصل السوس شحم حنظل ایارج فیقرا و انزروت از هر یک دو درم

باآب حب سازند شربتی یک مثقال بآب العسل حب بنفشه امراض چشم و سینه را

نافع باشد و صفرا دفع کند صفت آن بنفشه دو درم تربد سفید یک مثقال

محموده دانگی و نیم رب السوس نیم درم باآب حب سازند حب الملوک

نافع است کسی را که از مسهلات بد طعم کراهیت داشته باشد و مسهل را قی کند

صفت آن تربد سفید یک درم و چهار دانگ غاریقون چهار دانگ

پوست هلیله زرد مصطکی هلیله سیاه از هر یک دانگی و نیم افتیمون نیم درم

کاوزبان فرنجمشک بادرنجبویه محموده بیا شیر زعفران کل سرخ از هر یکی دانگی

کوفته بیخته و بگلاب حب بسازند حب دیگر از نسخه قولنج بگشاید و بادهای غلیظ

دفع کند صفت آن صبر سقوطری سنجد ره تربد سفید ده درم پوست هلیله زرد

پوست هلیله کابلی از هر یک سه درم نمک هندی دو درم مصطکی زعفران

سادج قسط سلیخه ریوند چینی سنبل زنجبیل انیسون تخم کرفس فلفل فرنفل

خیربوا دارچینی کثیرا قافله از هر یک نیم درم سقمونیا دو مثقال مشک دانگی

کوفته و بیخته بگلاب حب سازند شربتی سه درم حب افتیمون اعضا سر و معده

را از سودا پاک کند صفت آن ایارج فیقرا شحم حنظل غاریقون حجر ارمنی افتیمون

مقل از هر یک دو درم و نیم تربد سفید شش درم محموده یک درم بات

حب سازند شربتی دو درم و نیم حب بسفایج بلغم و سودا از معده و دماغ
پاک کند صفت آن ایارج فیقرا ده درم بسفایج دو درم شحم حنظل شش درم
اسطوخودوس افتیمون از هر یک دو درم و نیم تربد هشت درم سقمونیا یکدرم
و نیم با آب حب سازند شربتی دو درم و نیم حبی که جمیع امراض سوداوی
و صفراوی را نافع باشد صفت آن پوست هلیله زرد شش درم پوست بلیله آمله
مقشر گل سرخ نمک هندی از هر یک دو درم ایارج فیقرا پنج درم شاهتره
سقمونیا عصاره افسنتین از هر یک سه درم تخم کرفس پنج درم غاریقون
چهار درم کوفته و بیخته با آب کاسنی حب سازند شربتی سه درم حب السعال
صفت آن صمغ عربی نشاسته کثیرا از هر یک سه درم مغز دانه مغز کدو

و مغز تخم خیار از هر یک دو درم مغز بادام مقشر خشخاش سفید از هر یک چهار
درم شکر طبرزد فانید از هر یک هفت درم کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا حب سازند
اگر سرفه بلغمی باشد رب السوس و مویز منقی از هر یک چهار درم زعفران
یکدرم اضافه نمایند حب السعال نافعست اطفال را که از بسیاری سرفه
قی کند و سرفه خشک که مانع از خواب باشد در شب و نوازل را دفع کند صفت
آن نشاسته صمغ عربی خشخاش افیون از هر یک یکدرم رب السوس دو
درم با فلانسه درم بلعاب بزرقطونا حب سازند حب سعال ثاً مغز بادام مغز تخم
خیار نشاسته صمغ عربی خشخاش از هر یک یکدرم رب السوس دو
درم با فلانسه درم بلعاب بزرقطونا حب سازند حب السعال حاً بوست بیخ رازیانه

برسیاوشان تخم کرفس رب السوس مغز بادام مساوی کوفته و بیخته و
به آب حب سازند **حب السعال دیگر** که سرفهٔ خشک را نافع باشد صفت آن نشاسته
صمغ عربی رب السوس مغز تخم خیارین تخم خطمی رب کثیرا کوفته و بیخته به لعاب
به دانه حب سازند **حب السعال** که مدقوق را و مسلول را نافع باشد و سرفهٔ گرم
و خشک را ببرد صفت آن صمغ عربی کثیرا مغز بادام مغز بهدانه تخم خطمی رب
السوس خشخاش تخم خرفه قند سفید از هر یک سه درم باقلا مقشر مغز تخم خیار
مغز تخم کدو از هر یک پنج درم به لعاب بزرقطونا حب سازند **حبی دیگر** که سینه را
پاک کند و آواز صاف گرداند و حرارت و سرفهٔ دایم را نافع است
صفت آن مغز بادام شیرین مغز بادام تلخ بزرک بریان کرده چلغوزه

از هر یک دو درم کثیرا انیسون صمغ عربی اصل السوس رب السوس از هر یک

نیم درم فانید و قند از هر یک چهار درم با آب رازیانه و قدری عسل حب سازند

حب المشک بوی دهن خوش کند و لثه را قوة دهد صفت آن فلفل و قرنفل

خولنجان عاقرقرحا از هر یک یکدرم گل سرخ صندل سفید هلیله زرد از هر یکی

دو درم طباشیر نیم درم مشک و کافور از هر یکی دانگی کوفته بیخته بگلاب

حب سازند حب النکهت همین خاصیت دارد صفت ان قاقله جوز بوا قرنفل کافور

دارچینی خولنجان فوفل از هر یک یکدرم مشک دو دانگ پوست ترنج

کبابه بسباسه از هر یک یکمثقال سعد دو درم بگلاب حب سازند حبی دیگر که همین

منفعت دارد صفت آن سک قرنفل قرفه جوز بوا سنبل پوست ترنج عود خام

مساوی بآب زردآلو حب سازند هر یک مقدار نخودی هر صباح یک و مسایی یکی

ازان در دهن نگاه دارد حبی دیگر که بوی سیر و پیاز و شراب از دهان برد

صفت آن پوست ترنج مرمکی قرنفل تخم مشک هیل زرنبیل کبابه بسباسه سعد از هر یک

پنج درم مشک طباشیر از هر یک نیم درم عنبر نیم مثقال صندل سوده بگلاب

ده درم صمغ عربی دانگی بگلاب حب سازند حبی دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن

کبابه قرنفل قرفه طباشیر از هر یک دو درم مشک دانگی عنبر نیم درم عود

یکدرم کوفته و بیخته بگلاب که صمغ عربی در آن منقوع باشد سرشته حب سازند

حب مقلی قابض خون رفتن از بواسیر گم کند صفت آن هلیله پوست بلیله آمله

مقشر مقل از هر یک دو درم مرجان کهربا ودع سوخته از هر یک یکدرم

مقل را در آب کنند تا یا آب آهنگران حل نموده داروها را اصلاح کرده با آن بسرشند
و حب بسازند شربتی دو درم حب مقل دیگر که بهمین جا صیبت دارد هلیله کابلی بریان
بروغن گاو سی درم کهربا ده مثقال مقل را بر همه باب کنند تا حل کنند دوا دیگر را
کوفته و بیخته با آن بسرشند و حب بسازند شربتی دو درم حب ممسک طبیعت
ببندد و خون رفتن از شکم باز دارد صفت آن سماق دو درم مازو یکدرم
پوست انار یکدرم حب الآس ده درم عجم الزبیب سه درم کوفته و بیخته
با آب لعاب صمغ عربی حب بسازند شربتی دو درم با آب مورد بدهند و از عقب
آن بار آب سرد بخورند حبی که اسهال خون باز دارد صفت آن مازو و کرمانی برنج
افیون مساوی با آب حب سازند شربتی دو دانک حبی که اسهال بلغمی را باز دارد

مر قرفه جند بیدستر افیون مساوی کوفته و بیخته و حب سازند هر یک مقابل

فلفلی شربتی سه حب یا پنج حب الزحیر اسهال کهنه و زحیر را نافع بود گاهی حرارت

و تب نباشد صفت آن جند بیدستر اسارون صمغ سائله بزرالبنج سیاه کندر

مساوی با آب حب سازند شربتی دو درم حبی که در ساعت شکم ببندد صفت آن

افیون یکدرم اقاقیا دو درم گل کرسماق حب الآس از هر یک چهار درم

کوفته و بیخته بآبی که صمغ عربی در آن منقوع باشد حب سازند شربتی نیم مثقال

حبی که نعوظ تمام آورد و در طول انزال اثری تمام دارد صفت آن عود

قرنفل کبابه چینی فلفل قرفه از هر یک سه درم زعفران نیم درم بالنگو و

دو درم دار فلفل تخم بابونه مروارید از هر یک یکدرم کوفته و بیخته با قند

بقوام آورند و بسرشند و حب سازند هر یک بمقدار نخودی حبی که مسکن اوجاع عصبست
صفت آن مصطکی حب الغار مرمکی زعفران فلفل قرنفل جندبیدستر
سنبل هندی عاقرقرحا از هر یک مثقال مشک دانگی افیون یکمثقال نیم
بگلاب حب سازند شربتی یکدرم حبی دیگر که مکرر التجربه آمده در دهان بگذارد صفت آن
مصطکی یکمثقال مشک دو دانک قرنفل نیم مثقال حب سازند حبی دیگر
افیون زعفران بزر البنج نشاسته کثیرا رب السوس تخم کاهو صمغ عربی
مساوی کوفته بیخته و حب سازند مقدار نیم نخودی شربتی یک عدد و یا دو حبی دیگر
نافع من حمی الربع و البلغمیة و القولنج و وجع المعدة و الکبد و وجع النفس
صفت آن یوخذ عصارة الغافث و عصارة افسنتین و مصطکی و هلیلج اصفر و اسود

وحب النيل وغاريقون وشحم حنظل وشاهترج كل واحد درهمين سقمونيا نصف

٩٢

مثقال صبر سقوطري منخل الجميع يدق وينخل بحرير ويعجن بماء عنب الثعلب ويحبب

ويجفف في الظل ويستعمل عند الحاجة الشربة منه وزن مثقال الى درهمين

حب آخر مسهل برفق يوخذ تربد ابيض محكوك درهم غاريقون اربعة

دوانيق افسنتين دانق يدق الجميع وينخل بحرير ويعجن ويحبب وهو شربة تامة

حب آخر وهو حب جالينوس النافع من اوجاع الراس ويجلو البصر و

ينقض عن البدن الفضول الرديه صفته ان صبر سقوطري عصارة

افسنتين او ورق الافسنتين ومصطكي وسقمونيا وشحم حنظل اجزاء هذه الادوية سواء الجميع

مسحوقة منخولة ويعجن بماء الكرفس مغلي مصفي ويحبب حبا كامثال الحمص بل اصغر

ویجفف فی الظل ویرفع فی اناء والشربة منه وزن درهمین دراهم واحد

تا جا زنافع انشاء الله تعالی حقنه لینه حمیات و سرسام و امراض حاده

را نافع بود و طبع را نرم کند صفت آن عناب سپستان بنفشه شعیر مقشر

نیلوفر سبوس گندم خطمی خشک اکلیل الملک از هر یکی کفی انجیر عدد پنج و در سه

رطل آب بجوشانند تا برطلی آید و پالایند و شکر سرخ پنج درم روغن بنفشه

بادام ده درم روغن کنجد ده درم الکابه پنج درم اضافه نمایند و نیم گرم

حقنه کنند حقنه لینه دیگر انجیر ده عدد اصل السوس دو درم و سپستان عدد سی

و کشک جو یک کف بنفشه نیلوفر از هر یک پنج درم بابونه کف جمله را در سه

من آب بجوشانند تا یک من آید و صاف نمایند و ده درم لعاب بزرقطونا

وبیست درم روغن بنفشه بادام وده درم انگاره ودو درم بوره ارمنی یک و
درم نمک اضافه نمایند وبیست درم شکر سرخ در آن حل کنند وسه نوبت برزنند
حقنه معتدل حلبه برگ انجیر عناب سپستان بنفشه وخطمی بابونه اکلیل الملک
شبت سبوس گندم از هر یک کفی به بزند چنانچه رسمست وبپالایند وده درم
فانید ودو درم بوره ارمنی ویک درم نمک هندی وپانزده درم روغن شیره
اضافه کنند ونیم گرم عمل نمایند حقنه حاره شحم حنظل افتیمون بسفایج از
هر یک یکدرم ونیم تا دو درم فودنج یک کف دست به بزند وبپالایند
وبیست درم شکر سرخ وده درم روغن بابونه اضافه نموده استعمال نمایند
حقنه دیگر قولنج بلغمی ودرد پشت وبادهای غلیظ را نافع باشد صفت

جلبه بزرگ قنطوریون بابونه خشک نیمکوفته خطمی از هر یک سه درم انجیر سی عدد انزروت

عناب سپستان از هر یک سی عدد سبوس گندم برگ چغندر برگ کرز

شبت سداب از هر یک دسته سکبینج مقل جاوشیر از هر یک سه درم مغز تخم کافیشه

کوفته بیست درم به بپزند و بپالایند چنانکه رسم است و یکدرم نمک هندی

و دو دانگ بوره ارمنی و نیمدرم جندبیدستر و دو دانگ شحم حنظل و ده درم

آنگاه و بیست درم شکر سرخ اضافه نمایند و استعمال نمایند حقنه دیگر

استرخا و فالج و امراض بلغمی را نافع باشد صفت آن سنای مکی پنجدرم

شبت و بابونه کافیسه نیمکوفته و بیدانجیر نیمکوفته از هر یک کف رشیا و نشان

بادرنجبویه قنطوریون دقیق از هر یک دو درم شکر سرخ پانزده درم آنگاه

ده مثقال آب برگ چقندر روغن بنفشه از هر یک ده درم نمک هندی

و بوره ارمنی از هر یک نیم درم بطریق معهود عمل نمایند حقنه دیگر قولنج صفراوی

صفت آن سنای مکی دو توله گاوزبان شبت از هر یک سه درم

رازیانه انیسون و بسفایج از هر یک دو درم بابونه سبوس گندم گل

خطمی از هر یکی کفی گل سرخ شکر سرخ آب برگ چقندر از هر یکی ده مثقال

آب کاسه کلقند از هر یک ده درم بوره ارمنی نیم درم پخته و صاف کرده

چنانچه رسم است عمل نماید حقنه دیگر که پیش رود و ده اسهال صفرائی اسود دارد

صفت آن آب برگ خرفه آب لسان الحمل از هر یک چهل مثقال مغز تخم

بروغن گل آمیخته یک بیضه اقاقیا نیم درم دم الاخوین چهار دانگ کاغذ

سوخته وسفیدآب کهربا مرجان گل مختوم از هر یک یکدرم بنکید بگیر ممزوج

سازند استعمال نمایند حقنه دیگر که قروح امعا و اسهال دموی را نافع باشد

صفت آن کشک جو برنج شسته بریان کرده از هر یک سی مثقال بپزند و بالا اند

وسفیدآب نشاسته اقاقیا و گلنار نیم درم غاریقون زعفران اسباف و

افیون از هر یک یکدرم زرده تخم مرغ عددی در نه درم روغن گل حل نمایند

و با پیه بز و استعمال کنند باب الخار حدیقون برودت معده و حشا و جگر را

نافع بود و هاضمه را قوه دهد و از برای پیران مفید باشد صفت آن سزا کهنه

ده رطل عسل صاف سه رطل زنجبیل ده درم قاقله خیربوا زعفران از هر یک

یکمثقال قرنفل و مشک از هر یک نیمدرم دارچینی و دارفلفل از هر یک یکدرم

ادویه را نیکوب کنند سوای مشک و زعفران در کیسه کنند و سر کیسه را
نرم ببندد و شراب عسل را بجوشانند و کیسه را دران افکنند و هر ساعت
بدست بمالند تا شراب بقوام اید پس کیسه را بردارند و مشک و زعفران را
دران حل کنند و نگاه دارند **خضاب** که موی را سیاه کند صفت ان مازو
رطل کثیرا روی سوخته شیانی از هر یک پنج درم نمک اندرانی نوشادر
از هر یک دو درم مازو را در روغن زیت بپزند تا نسق شود و با ادویه دیگر بکوبند
و باب گرم بسرشند و بگذارند تا چهار ساعت بگذرد بعد از ان سر و ریش را
بشویند و خشک کنند و خضاب بدان بمالند و بعد از شش ساعت باب گرم بشویند
خضاب دیگر وسمه چهل درم حنا پنج درم کوفته و بیخته بروغن گل خمیر

کرده باب گرم بسرشند وشب بمالند وصباح بآب گرم بشویند خضاب بلی

گل شقایق ده درم آمله مقشر پوست باقلای تر از هر یک پنج درم کوفته و بیخته

بسرکه بسرشند وسه روز در آفتاب بنهند وسرکه اضافه میکنند و بعد از ان

استعمال نمایند خضاب دیگر جوز السرو در سرکه جوشانیده بیست درم مازو

سبز در روغن زیت پخته تا سوخته شود شش درم مس سوخته پوست گردکان تر

از هر یک ده درم برسیاوشان شب یمانی اقاقیا آمله از هر یک شش درم

قرنفل دو درم کوفته و بیخته باب گرم بسرشند و خضاب نمایند و بعد از سه ساعت

بشویند خضاب پوست گردکان تازه شب یمانی پوست انار مس سوخته

لادن مساوی کوفته و بیخته باب گرم بسرشند و خضاب نمایند خضاب

حنا چهار درم وسمه هشت درم روی سوخته شب یمانی نمک اندرانی مازو

سنبر بریان کرده در روغن زیت خبث الحدید از هر یک سه درم کوفته و سحیق

با آب گرم سبز شده استعمال نمایند **خضاب** شکوفه گردکان مقل مازو روغن

زیت صلایه کنند و استعمال نمایند و بعد از شش ساعت بشویند **خضاب**

مازو شش توله برادة النحاس دو ماشه طین ملتانی دو ماشه شب یمانی دو ماشه

اجزا را خوب صلایه کنند و بآب ملیله یک شبانه روز در ظرف آهنی بخیسانند بعد آن

وقت خواب بریش بمالند و یک برگ انجیر بالایش بسته بخوابند و علی الصبح

بآب گرم بشویند که مجرب است **خضاب** زیره مس ده توله مازو سی توله

نوشادر دو توله زاج سفید یکتوله و ربع مازو را در تیل شیرین چربی مازو را

وریزه مس را خوب صلابه نموده تکرار واقع ناگید بکر باب امله انجه فرص سازند

وخشک کنند سر وقتیکه خواهند بقدر احتیاج باب امله سایند بکار برند

که مجربست خضاب دیکر وسمه را بقدر حاجت صلابه باز هره شیر سیاه خمیر کنند

بر ریش خشک شود بعد ازان باب امله اندکی روغن خوشبو اضافه نموده

بشویند باب الدال دوا وانرا که دوا الملوک نیز گویند اوجاع مفاصل و بواسیر

و ناصور و برص و بهق سفید و سیاه و جذام را نافع باشد و حواس را

قوی گرداند و باه را زیاده کند و هر که این معجون را استعمال نماید

موی او جز انکه سفید شده باشد دیگر سفید نشود صفت آن هلیله سیاه

و بلیله و آمله از هر یک سی و هشت مثقال شونیز بیست و چهار مثقال فلفل و شق

دارفلفل زرنجبیل فلفمویه از هر یک سپید دو مثقال قاقله صغار زنار
مشک سعد از هر یک دو مثقال کبابه عسل بلادر از هر یک شش مثقال فانید
نصف مثقال فانید را کوفته در پاتیل کنند و در آب بگدازند و داروها را کوفته
و بیخته و عسل بلادر با آن بسرشند و اقراص سازند هر یک دو مثقال و دانگی
و نیم و هر بامداد یک قرص از آن بخورند و در آن سال معجون استعمال
کنند از ترشیها و نباتات پرهیز کنند؛ والمشک حلو ضعف دل و معده و خفقان
و صرع و ضیق النفس و فالج و لقوه و تب ربع و امراض سوداوی سود دارد
و بادهای زنان آبستن را دفع کند و رنگ را نیکو گرداند صفت آن زربناد
درونج عقربی از هر یک یک درم مروارید ناسفته کهربا بسد ابریشم مقرض از هر یک

نیم درم بهمن سرخ ساذج هندی اشنه سنبل قاقله قرنفل جندبیدستر
از هر یکی چهار دانگ زنجبیل دارفلفل از هر یک دو دانگ مشک دانگی
ونیم کوفته و بیخته و بعسل بسرشند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی یکدرم
تا دو درم دواء المسک تلخ رطوبات معده را ببرد و خفقان سوداوی را و ورم حنجره را
نافع باشد صفت آن افتیمون و صبر سقوطری از هر یک چهار درم
مشک و مر سنبل ناردین ساذج هندی مروارید ناسفته از هر یکی دو درم
جندبیدستر یکدرم و نیم بعسل معجون سازند شربتی یک مثقال دواء المسک بارد
تخم کشنیز تخم کاهو تخم خیارین تخم کدو و طباشیر سفید صندل از
هر یک نیم مثقال ابریشم مقرض مروارید ناسفته کهربا مرجان مشک از هر یک

دو مثقال ورق نقره پنجاه عدد وشربت بقدر حاجت **دواء لک کبیر**

صلابه کبد وطحال ومعرض استسقا وبرودة معده را نافع باشد

وسده بگشاید وبول براند وسنگ گرده ومثانه بریزاند وبدن را لاغر کند

صفت آن لک مغسول دو وقیه تخم کرفس جبلی زیره کرمانی زنجبیل از هر یک

هشت درم کمافیطوس تر وفاخشک از هر یک چهار درم وچهار دانگ

خبطیانا زراوند مدحرج از هر یک یکدرم صبر سقوطری سنبل از هر یک دوازده

درم فوه پانزده درم حب بلسان سلیخه مصطکی قصب الذریره اسارون

مقل از هر یک شش درم کندر چهار درم دارفلفل زراوند طویل ابهل از هر یک سه درم

وتخم رب السوس بیست وهشت درم ریوند چینی وجعده اذخر از هر یک دو درم

فلفل قسط از هر یک ده درم سیسالیوس شش درم کوفته بیخته و بعسل معجون

سازند شربتی یک مثقال **دوا الک صغیر** منافع این قریب بمنافع کبیر است

صفت آن لک قسط تلخ فقاح اذخر ترمس حب الغار حلبه فلفل از هر یک ده

درم ریوند چینی یازده درم کوفته بیخته و بعسل بسرشند شربتی یکدرم بطبیخ افتیمون با آب

گرم **دوا الکرکم کبیر** امراض جگر و سپرز را که از سردی بود نافع باشد

و سده بگشاید و بادها دفع کند و گرده و مثانه را قوه دهد و بول براند

و استسقا را که سبب آن ورم جگر باشد و ورم سپرز سود دارد صفت آن زعفران

دوازده مثقال اسارون و فو و انیسون و فطراسالیون و ریوند چینی از

هر یک چهار درم سنبل شش درم قسط و سلیخه و فقاح اذخر و حب بلسان

از هر یک چهار درم رب السوس جعده مصطکی غافث از هر یک سه درم

روغن بلسان نیم درم مر صاف چهار درم فوه دو درم کوفته و بیخته

بعسل سرشته شربتی از یک درم تا دو درم با ماء العسل دواء الکرکم کبیر

منافع این قریب بمنافع کبیر است صفت آن زعفران سلیخه سنبل از هر یک

دو درم مر فقاح اذخر دارچینی از هر یک یک درم کوفته و بیخته و یک شبانه روز

در شراب انگوری تر کرده روز دیگر بعسل معجون سازند شربتی یک مثقال

دبید الورد منافع آن قریب بمنافع دواء الکرکم است صفت آن

سنبل الطیب مصطکی زعفران طباشیر سفید دارچینی اذخر مکی اسارون قسط

غافث تخم کشوث روناس لک میعی مغسول تخم کاسنی تخم کرفس ریوند چینی

حب بلسان عود بلسان قرنفل هیل [illegible] هندی از هر یک مساوی

ورد احمر منزوع الاقماع وزن جمیع ادویه کوفته و بیخته با سه چندان

عسل کف گرفته سرشته شوند و معجون سازند دواء الکبریت امراض بلغمی و سوداوی

و تبهای کهنه و نافض و تنگی نفس و سرفه بلغمی و ریم که از سینه بیرون آید

و استسقا و سپرز و عسر البول را نافع باشد و سنگ گرده و مثانه بریزاند

و مضرت ادویه سمیه چون افیون و شوکران و بیخ لفاح را دفع کند و از جهت گزندگی

عقرب و رتیلا نافع باشد صفت آن گوگرد زرد بزر البنج سفید قند دمانا میعه سائله

مر از هر یکی هشت درم سداب و قسط تلخ از هر یک ده درم افیون و زعفران

از هر یک دو درم سلیخه دوازده درم فلفل سفید بیست دو درم کوفته و بیخته

بعسل بسرشد و معجون سازند شربتی یک مثقال دحمرثا بادها بشکند و قولنج

را نافع باشد صفت ان تخم سزا سپند حلبه حرمل از هر یک سی درم درونج

عقربی عاقرقرحا شلفل دارفلفل اسارون سلیخه قسط زعفران زنجبیل

از هر یک دو درم کوفته بیخته و بعسل بسرشد شربتی دو درم دواء الحلتیث

تب ربع و گزیدن عقرب و رتیلا و مانند ایشان را نافع باشد و از جهت

تب بابسکنجبین دهند بعد از آن که چهل روز گذشته باشد و از جهت گزندگی جانوران

زهردار در شراب دهند صفت آن حلتیث حب الغار فلفل مساوی کوفته و بیخته

بعسل معجون سازند شربتی مقدار یک جوز بوا دواء الماذریون استسقا و اکثر

امراض سوداوی و بلغمی را نافع باشد صفت ان ماذریون در سرکه خیسانیده

۱۰۹

یک شبانه روز در سایه خشک کرده یکدرم زیره کرمانی نمک هندی

پوست هلیله زرد از هر یک نیم درم افتیمون تربد سفید از هر یک یکدرم کوفته

و بیخته بعسل معجون سازند شربتی دو درم دواء الثمر حمیات بلغمی را

نافع باشد صفت آن زنجبیل و مصطکی از هر یک ده درم تربد سفید بیست درم

شکر طبرزد چهل درم شربتی هر شب یکمثقال دواء الکرسین ضعف باه را

که سبب آن حرارت باشد نافع باشد صفت آن ترنجبین سفید سی درم در ده رطل

شیر تازه بجوشانند تا بقوام آید هر شب ده ملعقه بخورند دواء الحنک در تقویه باه

بی نظیر است صفت آن خسک خشک را بکوبند و بیزند و در آب خسک تر

سه شبانه روز در آفتاب بپرورند و هر روز تازه میکنند چندانکه از آب خسک

ترسه وزن خشک خشکر اکار رود پس خشک کنند و سه درم ازان باده

درم شیر تازه و ده درم نبات بجوشند و سه درم از قدری زنجبیل کوفته

و بخته اضافه نمایند دواء البصل تولید منی کند و نعوظ آورد به غایت مقوی

باه است صفت آن آب پیاز یک جزو عسل دو جزو بجوشانند تا بقوام آید

و در وقت خواب یک ملعقه بنوشند ازان دواء الحرف جهة ضعف معده

بروغن
که سبب آن برودت و رطوبت باشد نافع است صفت آن هلیله سیاه

کاو بریان کرده ده درم حرف مقلو پنج درم نان خواه صعتر فارسی از

هر یک سه درم حب الحدید ده درم شرتی دو درم با شراب کهنه دواء الحنطا طیف

خناق بلغمی و سوداوی را نافع است چون بدان غرغره کنند و یا خارج حلق طلا کنند

صفت آن تخم کرفس انیسون نانخواه بزر اسپند دارچینی مرزاوند

طویل زعفران از هر یک ده درم گل سرخ بیست عدد قسط در ما و الخطاطیف

از هر یکی سی درم نشاسته سنبل از هر یک پنج درم مازو سبز ده عدد کوفته

و بیخته بعسل بسرشند و استعمال نمایند دوا لجرل همین خاصیت دارد صفت آن

بزر اسپند تخم ترب حلتیت مربوره ارمنی نوشادر مساوی کوفته و بیخته

استعمال نمایند دیاقوزا منع نزلات کند و سرفه خشک را بغایت نافعست

صفت آن خشخاش سفید با پوست بیست عدد تخم خطمی کتیرا صمغ عربی

تخم خبازی به دانه شیرین از هر یک پنج درم اصل السوس بیست درم

بزرقطونا ده درم مجموع را در شش رطل آب باران خیسانیده دو شبانه روز

تا نرم شود پس با آبش نرم بپزند تا مهرا شود و بهم آید بعد ازان صاف

کرده و یک من قند سفید اضافه نمایند و بقوام آرند دوا از نسخهٔ کبیر قریب

المنفعت نسخه اول صفت آن خشخاش سفید با پوست و خشخاش سیاه

از هر یک ده مثقال بنفشه صمغ عربی از هر یک پنج مثقال اصل السوس سه

درم آب انار شیرین بیست مثقال قند سفید صد درم شربت سازند حب به

بیمست دوای دیگر آکله و ناسور و لحم زاید را نافع است صفت زرنیخ

سرخ زرنیخ زرد از هر شش درم مرکی دو درم آهک آب ندیده پانزده درم

زنگار یک درم کوفته و بیخته و بسرکه بسرشند و قرص سازند داروئی که مو ابرو باند

و دراز و سیاه کند صفت آن برنجاسف برگ مورد شونیز بریان کرده

مساوی کوفته و بیخته بروغن مورد یا بروغن زیت سرشته استعمال نمایند

داروئی که گند پا را ببرد صفت ان شب یمانی در جل کنند و پای را بدان

بشویند یا پای را باب برگ مورد و برگ سوسن بشویند نافع است داروی دیگر

که حب القرع و کرم دراز را بکشد و اخراج کند صفت ان قنبیل سرخس ترمس

حب النیل از هر یک نیم درم درمنه ترکی دو درم تربد سفید و باربرنگ کابلی

مقشر از هر یک یکدرم نمک هندی دانگی کوفته و بیخته با شیر و شکر بیامیزد

و بیاشامد داروئی که همین منفعت دارد صفت ان باربرنگ کابلی مقشر سه درم

تربد سفید دو درم قنبیل یکدرم حب النیل نمک هندی از هر یک نیم درم

کوفته بمویز منقی بسرشند و تناول نمایند داروی دیگر که چون بر آتش نهند از دود ان

جانوران گزنده بگریزند صفت آن زفت رومی گوگرد زرد و شاخ گوزن با آرد
مساوی زفت را بگدازند و داروها را کوفته و بیخته و با آن بسرشند و استعمال نمایند
دارویی که حبس عرق کند صفت آن برگ مورد و ورق گل سرخ صندل
بگلاب بجوشانند و جامه را تر کرده بپوشند دارویی که نافع است از جهة
کرم که در گوش باشد صفت آن شراب دو درم عسل سه درم روغن گل
یک درم سفیده تخم مرغ دو عدد مجموع را باهم مخلوط سازند پشم پاره کنند
و نیم گرم در گوش نهند و بر آنجانب تکیه کنند تا یکساعت و بعد از آن یکباره
آن پشم پاره را بیرون کشند کرم بیرون آید دارویی که از جهت گزند
عقرب و حیه بالخاصیه نافع باشد صفت آن آهک برگ توت کوفته بروغن دنبه

بسر شد و بر محل زخم نهند یا آهک و زرده تخم مرغ بهم آمیخته بر زخم نهند

درد ساکن کردد و اگر کژدم را در روغن بجوشانند و بپالایند کسی را که کژدم بگزد

آن روغن بر موضع آن گزندگی مالند درد ساکن شود و اگر با عسل آن روغن

بیامیزند چون کودک از مادر بزاید از آن بنهند رم بکام کودک مالند در همه

عمر او را کژدم نگزد و اگر بگزد هم درد نکند و اگر چرک گوش خر بر موضع گزندگی عقرب

مالند درد نکند و اگر سرگین سبز که تر کنند و بمالند همین عمل کند و اگر آن کژدم را

کسی را گزیده باشد بگیرند و با نمک سوده در روغن چراغ گرم کنند و بر زخم کژدم

نهند همین عمل کند و اگر برگ تاک را بخیزند و بر موضع نهند فی الحال درد

ساکن کردد و اگر مغز جوز و انجیر و سیر کوفته بر زخم مار نهند نافع باشد

داروی آتشک زیبق مغسول هفت مثقال حنا و لادن مصطکی سورنجان

از هریک دو درم تربد سفید پنج بنفشه از هریک سه درم روغن زیت

پانزده مثقال روغن گل ده مثقال آب لیمون پنج مثقال سه بزبستی مثقال و اگر دانه

یا جراحت باشد توتیا و سفیداب مرداسنگ از هریک دو درم زنگار

نیم درم اضافه نمایند و بطریق معهود مرهم ترتیب نمایند و بدستور بمالند

داروی که بیهوشی آورد صفت آن افیون پنج درم خشخاش سیاه ده درم با

در سه رطل آب بجوشانند تا به رطلی آید و نیم رطل گندم پاک بجوشانند با آن آب

تمام شود پس گندم را خشک کنند و بکوبند و یک مثقال از آن هر کرا دهند

بیخود شود داروی دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن خشخاش سیاه و تخم کاهو

از هر یک نیم درم و بزر البنج نیم مثقال و در هر یک نسخه دیگر دو مثقال نیز گفته اند بجو

شانند و صاف کنند و با قند بقوام آورند مثقال از ان سکر باشد

و اگر دشنه در شراب کنند هر که بخورد بیهوش شود و اگر خواهند که مستی زود تر هشیار شود

سرکه کهنه با گلاب هندیا دوغ گاو با برف سرد کرده بنوشند

داروئی که نافع است از جهت جگر و جرب و سعفه از قسمتش خوانند صفت آن

پوست هلیله زرد شش درم سنا مکی و شاهتره از هر یک دو درم افتیمون یکدرم

و نیم کوفته بیخته و تا مشمش کوفته بسرشند شربتی متقابل یک جوز

داروی دیگر که شهوه ردیه زنان حامله را دفع کند صفت آن مصطکی

یکدرم عود خام نیم درم زیره کرمانی دانگی و نیم کوفته و بیخته باده درم گلقند

سرشته بوشند. داروئی که نافع است جهة درد دندان که بسبب ان برودت
باشد و از اتریاق الاسنان نیز گویند صفت آن جند بیدستر حلتیت فلفل مر
زراوند مدحرج زنجبیل سعد افیون بزر البنج مساوی کوفته و بیخته بعسل بسرشند
و بنبه از ان حل کنند و بر دندان نهند داروئی دیگر که نافع است از جهة درد دندان
که بسبب آن حرارت باشد صفت ان افیون نیم دانگ در روغن گل حل کنند
و قدری بنبه بر دندان نهند همین عمل کند داروئی که همین منفعت دارد صفت آن
فلفل عاقرقرحا موزج زنجبیل از هر یک یک جزو بوره ارمنی یک جزو و نیم کوفته
و بیخته بعسل بسرشند و استعمال نمایند داروئی دیگر که دندان سوراخ دار را
نافع است صفت آن فلفل عاقرقرحا بارزد مساوی اجزا مکی کوفته بکوبند و با نبه زد

بسر شود و در سوراخ دندان نهند دوای دیگر که لثه را محکم کند و گوشت [illegible]

برویاند صفت آن کندر زراوند مدحرج و بیخ سوسن دم الاخوین کرسنه مساوی

کوفته و بیخته و بسر شود و استعمال نمایند دوای دیگر که درد دندان را ساکن کند آن صفت

عاقرقرحا مویزج از هر یک سه درم تخم مرو یک درم آب گشنیز تازه بست مثقال

شیر گاو ده مثقال جوشانیده حب سازند و بر دندان نهند و اگر سداب تازه

تازه با مویز بکوبند و بر دندان نهند همین منفعت دارد دوای آخر یخرج

الرطوبات یوخذ صفت انیسون و قاقله صغار من کل واحد وزن

درهمین و دارچینی و ملح هندی و سقمونیا من کل واحد وزن نصف درهم

و دارفلفل وزن دانق و نصف و سکر وزن اربعه دراهم بماء حار عند الحاجة الیه

انشاء الله تعالی دواء آخر النافع من الفضول اللزج و یسهل المرة السوداء

والبلغم یوخذ صفت ان شبرم اربعة دراهم و افتیمون افریطی و صبر سقوطری

من کل واحد وزن درهمین و اهلیلج اصفر منزوع النوا وزن درهم و بزر الکرفس

و نمک کرمانی و انیسون و کرویا من کل واحد وزن دانق و نصف یجمع هذا

الادویه مسحوقة و منخولة و الشربة منها وزن درهم و نصف بماء حار ان شاء الله

دواء آخر المسهل للمرة السوداء و البلغم یوخذ ماذریون بزر الحنظل و

افتیمون و تربد ابیض من کل واحد وزن درهم و نمک کرمانی ملح هندی

و اهلیلج اصفر منزوع النوا من کل واحد وزن درهم یجمع هذا الادویة

مسحوقة و منخولة و الشربة منها وزن درهمین بماء حار عند الحاجة ان شاء الله تعالی

دواء آخر يوخذ سقمونيا وزن ستة قراريط وملح هندي اربعة قراريط وزنجبيل وزن ثلثة قراريط وشكر وزن عشرة قراريط تجمع هذا الادويه مسحوقة ومنخوله يوخذ منها عند الحاجت بماء حار ان شا الله تعالى

دواء آخر النافع من الامتلاء وغلظ البدن يوخذ سقمونيا وصبر سقوطري ومصطكي وشحم الحنظل الجيد وقاح قنبتين من كل واحد جزو سوا تجمع هذه الادويه مسحوقه ومنخوله وتعجن بعسل منزوعه الرغوه والشربه منه على قدر الحاجه بماء حار وبعض الاطبا يضيف بشحم الحنظل ليحدة وذلك خطا كثير دواء آخر يسهل فضلا العاب الزجاج يوخذ تربد وزنجبيل وسكر اجزا متساوي تجمع هذا الادويه مسحوقه ومنخوله والشربه منها وزن درهمين

بماء حار ان شاء الله تعالى دواء اخر يسهل المرة السوداء المحترقة وينفع من اليرقان
يوخذ سقمونيا وسكر من كل واحد وزن سبعة قراريط يجمعان مسحوقين
منخولين ويشربان بماء بارد ان شاء الله تعالى دواء اخر يسهل البلغم اللزج والمرة السوداء
بماء حار يوخذ صبر سقوطري وزن عشرة قراريط وسقمونيا وزن سبعة قراريط
افتيمون وزن اثنا عشر قراريط غاريقون ابيض وزن سبعة قراريط وبسفايج
وزن خمسة قراريط يجمع هذه الادوية مسحوقة منخولة ويستف منها قدر الحاجة
ويشرب بعدها ماء حار ان شاء الله تعالى دواء اخر يخرج البلغم والمرة السوداء بسهولة
عليه يوخذ صبر سقوطري وزن درهمين وسقمونيا وشحم الحنظل من كل واحد وزن
درهم وبزر الكرفس وانيسون من كل واحد نصف درهم يجمع هذه الادوية مسحوقة

ومنخوله ويعجن بعسل منزوعة الرغوة والشربة منه وزن ثلثة دراهم بماء حار

ان شاء الله تعالى دواء آخر يوخذ سقمونيا وزن سبعة دراهم

وبزر الكرفس وبزر الرازيانج من كل واحد وزن اربعة دراهم وكمون

كرماني ونانخواه من كل واحد نصف درهم ودقيق السميذ رطل ونصف

ويعجن حتى يستوي ويخبز منه قرص واحد ويفصل منه على عشرين فصلا ويلصق

في تنور لين النار ويترك حتى يصبح بصحاجيد امستويا ويخرج من التنور والشربة

منه قطعة بماء حار او سكنجبين عند الحاجة الله ان شاء الله تعالى دواء آخر

نافع من النقرس والفالج واللقوة واوجاع المفاصل واسترخاء العصب

والامراض التي من البرد والرطوبة واوجاع الطحال ويجلو البصر ويحد السمع يوخذ

ملح اندرانی نسته اوراق وفلفل وزن اثنا عشر درهما ورحب سنبل وزوفا یابس

والخدان وبزر الکرفس وفطراسالیون وساذج هندی وغاریقون ابیض

وسقمونیا وحرف قرطم من کل واحد اربعه دراهم یجمع هذا الادویه مسحوقة

ومنخوله وترفع فی اناء زجاج ویستعمل عند الحاجة الیه ان شاء الله دوای آخر

یسهل البلغم والمره الصفرا بلا مشقه یوخذ عود هندی حرف وسنبل

ومصطکی من کل واحد وزن درهم وتربد ابیض وزن اربعه دراهم

وسقمونیا وزن درهم یدق هذا الادویه وینخل ویعجن بعسل منزوع الرغوة

او سکر باراء الواحد ثلثه ویرفع فی اناء والشربه منه وزن درهم مباح عند

الحاجة الیه ان شاء الله تعالی دوای دیگر صفت آن زاج سفید دو مثقال

ونیم مازو سبز دو مثقال ونیم سیاه دانه بوداده دو مثقال اجزا را کوفته وبیخته
با نفط ضم نموده نیمگرم کرده بمالند بعد از مالیدن دست و پا را با آتش
گرم کنند تا احساس آتش شود بدین دستور صبح و شام بمالند و بصابون
وآب گرم بشویند دوای مدر اخر یوخذ زبد البحر ویسحق بما ویسقی المحصور منه
ویفرک ذکره ثم یطرح له فی مخرج البول فتیلة فانه سریع ینفرج باذن الله تعالی
دوای آخر یوخذ کافور ریاحی ویعجن بماء الورد ویلبس منه الفتیلة
الی آخر الحشفة ویفرک الحشفة بالید حتی ینفرج الیه علته دوای دیگر جهة دفع سنگ مثانه
باید که ترب اندرون او را خالی کنند و چهار درم تخم شلغم در آن اندازند و سر آن
بگیرند و در میان خمیر گرفته در آتش نرم نهند تا پخته شود بعد از آن بیرون آورند

واندک سرد کنند و سه روز ناشتا بخورد و سنگ را بریزاند بتوفیق الله ۱۲۹

تعالی بغایت مجربست **دوای دیگر** اگر کسی سنگ مثانه داشته باشد

آب بیخ ترب را ده درم بگیرد سه روز ناشتا بیاشامد سنگ بریزاند هر چه باشد

مجربست **دوا آخر یقوی الباه** یوخذ شمع وعسل من کل واحد جزئین

یذاب فی السمن بماء حار ویخلط معه من الزفت جزء واحد ویجعل مثل المرهم

وتدفع الی صاحب العله لیمضغه فان رایت یابسا فاخلط معه شیئا من

الزیت او دهن البلسان ومصطکی اذا مضغ نافع **دوا آخر**

للحبل یوخذ دهن احمر وکثیرا واسقنقور ومرارة الثور وزرنباد ودرونج من کل واحد

مثقال لولو وخردل ابیض وفلفل ابیض من کل واحد نصف مثقال

يجمع هذه الادويه مسحوقه منخوله ثم تعجن بعسل منزوع الرغوه و يستعمل منه

ثلثه ايام كل يوم مثقال واحد حتى يصفى المنى من العسكر ثم يبايد بالجماع در

فى يوم الرابع بعد الطهر انشاء الله تعالى دوا الحبل للمراه التى لا تحبل تو خذ

مقل اربعه دراهم دهن البلسان درهمان اصل الجاوشير و اصل

النرجس من كل واحد درهم عسل ثلثه دراهم يحل المقل فى الخمر ثم يخلط معه

الادويه مدقوقه منخوله ثم يعطى عليه دهن البلسان يستعمل و يحبل دواى ديگر

مروه و شونيز و تخم گشنيز و فلفل مساوى بكوفته و با گوشت قيمه خمير جمعه

نامى كباب سازند و بخورند يا بعسل معجون سازند دوا اغنى صفت آن چند سير

حلتيت قرنفل دارچينى شونيز مرمكى عسل اللبنى از هر يك سه مثقال افيون سه دام آب

خسک فلفل از هر یکی یک مثقال شربتی نیم مثقالی پیش از نوبت بیکساعت

بنوشند **دوای دیگر** که بیخ را بسوزانند و بدندان بمالند تیزی که فراوی را بکند

و گوشت بیخ دندان را محکم سازد و خون را باز دارد **دوای دیگر** اگر عود را

بسوزانند و با نمک بیامیزند و دهان را بشویند بوی دهان را ببرد **دوای دیگر**

که از جهت بواسیر خونی صفت آن پوست هلیله و بلیله و آمله از هر یکی پنج

مثقال لحم کند تا سه مثقال بسد و کهربا و ودع سوخته از هر یکی دو مثقال

و نیم مقل ده مثقال کوفته و بیخته و مقل را بآب کند تا حل کرده و باقی

داروها را بآن سرشند و حب سازند بآب آهنگران **باب الدال در وره ملکایا**

در بیخ و ابتدای رمد را نافع است صفت آن انزروت پرورده بشیر خر

نشاسته صمغ عربی نبات مصری مساوی کوفته و بیخته بجز استعمال نمایند

ذرور صغیر نافع است از جهة کمنة المدة و درد چشم که از رطوبت باشد

صفت آن انزروت مربی پنج درم شیاف مامیثا دو درم صبر زعفران

تخم گل از سرک پنج درم افیون چهار دانگ کوفته و بیخته استعمال نمایند

ذرور دیگر قرحه و مور سرج را نافع است صفت آن سرمه اصفهانی شادنج

عدسی مغسول صلایه کرده ذرور سازند ذرور صغیر بنوعی دیگر صفت آن

انزروت مربی ده درم صبر زعفران حضض از سرک دو درم مر صافی دو درم

کوفته و بیخته استعمال کنند ذرور ابیض ابتدای رمد را نافع است صفت آن

اقلیمیای نقره سفید آن صبر سقوطری از سرک دو درم کثیرا سپید دو درم صمغ عربی

چهل درم گل سفید شصت درم نشاسته سی درم افیون ده درم کوفته

بحریر بیخته با آب رازیانه پرورده ذرور سازند ذرور رمادی جرب

و سیل و دمعه را نافع باشد صفت آن مامیران چینی یکدرم توتیای کرمانی

پرورده و شیح سوخته پرورده توبال مس مغسول سرمه اصفهانی

سوخته و پرورده از هر یک ده درم کوفته و بحریر بیخته استعمال نمایند

ذرور انزروت قرحه را پاک کند صفت آن نشاسته درم انزروت پرورده

سفیداب رصاص از هر یک دو درم کوفته و بحریر بیخته ذرور سازند

ذرور معسل بیاض را نافع بود چون در قرنیه نتو نباشد صفت آن

سرگین خطاف عاقرقرحا انزروت زنگار مسحوق و بنیا اقلیمیا کوفته

وبحریر بیخته بعسل مصفی بسرشند و استعمال نمایند ذروری دیگر که

موی سرج و بثره و قرحه رطب را نافع بود صفت آن سفیداب ارزیزسته

درم قلیمانقره دو درم و دو دانگ انزروت نیم درم افیون دو دانگ

صمغ عربی یکدرم و دو دانگ مس سوخته دو حب شادنج مغسول چهار

درم کوفته و بحریر بیخته استعمال نمایند ذروری که دمعه و جرب و ضعف

بصر را نافع بود و پیر را موافق بود صفت آن توتیای مغسول ده درم پوست هلیله

زرد صبر سقوطری دارفلفل زرد چوبه از هر یک پنج درم فلفل دو درم

کوفته بیخته استعمال نمایند ذروری که نافع است از جهت درد چشم

کهنه و سرخی و آب رفتن صفت آن توتیای مغسول نشاسته سفیداب ارزیز

١٣٢

مساوی کوفته بحریر بیخته ذرور سازند ذرور اطهر شیاف مامیثا شادنج

مغسول حماما از هر یکی دانگی و نیم سرمه اصفهانی فلفل زنگار از هر یکی یکدرم

کوفته و بحریر بیخته ذرور سازند ذروری که نافع است از جهه جرب

وسبل و ظفره و آکله جفنی صفت آن اقلیمیا صمغ عربی از هر یک سه درم

زعفران شنجرف فلفل از هر یک دو درم افیون یکدرم و نیم صلایه کرده

استعمال نمایند ذروری که از جهه درد چشم اطفال را نافع بود صفت آن

انزروت مربی چشمک از هر یکی ده درم مامیران چینی دم الاخوین

از هر یک دو درم کوفته و بحریر بیخته استعمال نمایند ذروری که نافع است از جهت کمنه

دارفلفل دو دانگ هلیله زرد حضض مکی مرمکی از هر یک دو درم زبد البحر

یکدرم مامیران دو دانگ صبر سقوطری دانگ و نیم کوفته بحریر بیخته

استعمال نمایند ذرور سنبل توتیای مغسول دو مثقال مامیران چینی دو

درم زبد البحر حضض یکی صبر سقوطری دار فلفل پوست هلیله زرد از هر یک

یکدرم انزروت مربی چهار مثقال صمغ عربی یکمثقال کوفته بحریر بیخته ذرور سازند

ذرور بیاض شادنج شش درم مس سوخته سرب اصفهانی توبال مس سوخته

از هر یک سه درم شادنج مغسول مرصاف از هر یک یکدرم صدف

سوخته مامیران چینی از هر یک دو درم صلایه کرده استعمال نمایند

ذرور کافوری نافع است از جهت حرارت چشم و رمد صفت آن صدف سوخته

مروارید ناسفته از هر یک دو درم نشاسته یکدرم کافور دانگی صلایه کرده

ذرور سازند و استعمال نمایند ذروری گوشت برویاند خون رفتن
از جراحت باز دارد و رعاف را باز دارد صفت آن انزروت مرکند دم
الاخوین مساوی کوفته و بیخته استعمال نمایند ذروری دیگر که همین خاصیت دارد
صفت آن انزروت مرکند دم الاخوین کلنار گل ارمنی از هر یک نیم درم
عدس مقشر یک درم کوفته و بیخته ذرور سازند ذروری که گوشت فاسد
شده را بخورد و سر جراحت به بندد و سخت کند در وقت به بستن دوال
سر جراحت بگشاید و تری برچیند و گوشت برویاند صفت آن انزروت چهار درم
دم الاخوین دو درم گل مختوم و مرداسنگ و مر و کندر از هر یک یک درم
ونیم گل ارمنی شیاف مامیثا از هر یک یک درم صبر سقوطری زراوند مدحرج

از سرکه یک درم کوفته و بیخته استعمال نمایند ذروری که نافع است از جهت
خروج مقعد و رحم صفت آن سفیداب ارزیز کلنار شب یمانی مازو هستای
کوفته و بیخته مقعد را بروغن بادام چرب کرده بران افشانند ذروری که استرخای
مقعد را نافع است صفت آن جفت بلوط مازو قشار کندر شنج سوخته کلنار
شاخ گوزن سوخته مرداسنگ صدف سوخته اقلیمائی نقره مساوی کوفته
ذرور سازند ذروری دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن جفت بلوط کلنار جوز السرو
و کاغذ سوخته از سرکه سه درم کوفته و بیخته بر مقعد افشانند
ذروری که سوختگی آتش و روغن گرم و مانند آنرا نافع باشد صفت آن مردا
سنگ و آهک و حنا از سرکه قدری بکوبند و جای سوخته را بروغن

کل جرب کنند واین دارو بهار برفشانند و در سه روز خشک شود باب الرابع

روغن قسط فالج ولقوه ومعده وجگر سرد را نافع است و سیاهی

مو را نگاه دارد و عصاب را قوت دهد صفت آن قسط ده درم فلفل فرفیون

از هر یک سه درم عاقرقرحا چهار درم جند بید ستر دو درم شراب کهنه

صد درم روغن زیت پنجاه درم قسط و فلفل و عاقرقرحا را نیم کوب کنند و در شراب

خیسانند یکشب و صباح شراب را بجوشانند تا به نیمه آید بعد از آن روغن زیت

بران بریزند و چندان بجوشانند که شراب دور رود و روغن بماند بعد از آن

جند بید ستر و فرفیون را کوفته و بیخته در انجا ریزند در زمانی که از آتش فرو

گرفته باشند روغن بنفشه قسط دیگر درد جگر و معده سرد و مفاصل و استرخا را نافع است

صفت آن قصب الذریره سنبل ساذج میعه سایله بیخ سوسن قرفه اشنه

قسط از هر یک بیست درم اسن خشک سلیخه عود بلسان از هر یک ده درم

مصطکی قرنفل از هر یک پنج درم مجموع را نیمکوب کرده در سه من آب بخیسانند

تا یک من باز ماند و با نیم من روغن کنجد بجوشانند تا آب برود و روغن بماند

روغن قسط نوعی دیگر که سردی جگر و معده را نافع بود و چون بمالند و چون

بمحلی که موی رفته باشد بمالد موی برویاند و اعصاب را محکم کند صفت آن

قسط تلخ صد درم مرزنجوش چهل درم سلیخه شش درم مجموع را نیم کوفته کنند

و در شراب خیسانند یکشبانه روز روز دیگر بجوشانند و بپالایند و با چهار ستیر

روغن زیت یا روغن کنجد بروش نرم بجوشانند تا روغن بماند

روغن قسط بنسخهٔ دیگر امراض بارده را نافع باشد و محلل ریاح و مواد غلیظه
و مقوی اعصاب است صفت آن قرنفل سلیخه از هر یک ده درم قصب الذریره
سنبل ساذج قرفه اشنه قسط از هر یک بیست درم خند بیدستر سنخ بنفشه
از هر یک سی درم مر با دیجند رم همه کوفته در آب خیسانند تا مهرا شود و بعد
از ان صاف نموده روغن کنجد دو من بدستور متعارف ترتیب نمایند
روغن شونیز فالج و لقوه و تشنج را سود دارد صفت آن شونیز بیست درم
مغز بادام تلخ سی درم بکوبند و روغن از ان بکشند **روغن افسنتین**
معده و جگر و جمیع اعضا را قوت دهد صفت آن روغن زیتون یا روغن
بادام تلخ یا روغن جوز یا روغن تخم زردالو تلخ نیم من افسنتین تازه و ...

دو سیر و نیم در شیشه کنند و چهل روز در آفتاب پا ونزند روغن کنجد که برای جراحت بغایت نافع است صفت آن روغن کنجد دو صد و پنجاه مثقال

قسط تلخ و اصل السوس و تربد و زرنباد و جوبه و دارهلد و دانتون یعنی بیخ

حب السلاطین از هر یک هفت مثقال و نیم کوفته اول روغن مذکور را

بجوش آرند و مقدار سی و ده مثقال برگ نیم تازه یا خشک صلایه نموده

قرص ساخته در روغن مذکور انداخته بپزند وقتی که کف بر طرف شود

همان قدر برگ کنار سائیده قرص بسته در روغن مذکور انداخته بجوشانند

وقتی که صهبا بریان شود بعد از آن ادویه مسطوره داخل نموده بجوشانند

وقتی که ادویه بریان شود کف بر طرف شود دو دود آید فرود آورند صاف نموده نگاه دارند

وعند الحاجت استعمال نمایند روغنی دیگر که از بابت فتح دوست از جهه جراحات استعمال کنند نافع بود و چند مرتبه بتجربه رسیده است صفت آن

روغن کنجد صد و بیست و پنج مثقال برگ نیم دو مثقال و نیم قسط تلخ دو

درم مرداسنگ دو مثقال و نیم روغن مذکور را بجوشانند بعد از آن قرص

سم اندازند وقتی که کف برطرف شود قسط و مرداسنگ را باریک کوفته بیخته

داخل نموده بجوشانند وقتی که بریان شود از آتش فرو گیرند و صاف

نموده استعمال نماید روغن شیخ صنعان زرد چوبه دویست مثقال دارهلد

دویست مثقال دیدار و اصل السوس چوب کز چوب بقم چوب آبنوس

برگ حنا پوست خار مغیلان و دو چنبر از هر یکی دویست مثقال اهل پنجاه مثقال

هوجوه دویست مثقال قند صد مثقال جوزبوا ده مثقال شنجرف یازده مثقال
کات سفید یازده مثقال مرداسنگ یازده مثقال قنبیل مغسول کنبیله
زال اشق یازده مثقال مومیائی کانی پنج مثقال جدوار مجرب ده مثقال اراج
سفید یازده فوفل صد مثقال آب برگ تنبول دویست مثقال برگ نیم
نیز مثقال و در نسخه اصفجاهی مرحومی آصف خان این اجزا اضافه
میکردند اجزا اینست قند سفید صد مثقال بلغار یازده مثقال فلفل دراز
صد مثقال موم سفید هفت مثقال و نیم یازده جنس وکه در اول نسخه نوشته شد
در یک من و نیم آب خالص باتش نرم ملایم بجوشانند چنانچه بکف بیاید تا ربع بماند
آب بعد ازان صاف نمایند و باقی اجزا را با آب پان تا بنیم و اجزا که

داخل آب پان و آب نیم جوشانند شود دانیست هو جو بیل جوز بوا کبیله
قوفل مرداسنک روغن کنجد چهار استار مثقال اما خالص اول بابند داخل کرده
بالش نرم بجوشانند چنانچه کف نیاید بعد از آن همه اجزا را داخل کرده
سوای مومیائی بجوشانند انقدر که تمام آب سوخته شود و از آتش فرود آرند
صاف نموده مومیائی را داخل نمایند و احتیاط کنند که وقت جوش
دادن روغن بسوزد تم بالخیر رحمه الله المصنف روغن فرفیون همه دردهای
کهنه که از سردی باشد زایل کند و فالج و استرخا را سود دارد صفت آن
قسط ده درم کندش چهل درم جند بیدستر بیخ درم فودنه کوهی خشک دو درم وازده
درم عاقرقرحا هفت درم مویزج سه درم جمله را نیکو کوفته کنند و در چهار صد

درم شراب کهنه به نهند تا سه بخش برود و یک بخش بماند و نصف آن
روغن خیری با آن بیامیزند و بپزند تا شراب برود و روغن بماند پس در نهند
درم روغن و دو درم فرفیون تازه اندازند و یک جوش بدهند و بردارند
روغن سوسن برودت و اختناق رحم را سود دارد و گرده و مثانه سرد را
گرم سازد صفت آن سلیخه حب بلسان قسط از هر یک ده درم قرفه قرنفل
مصطکی از هر یک پنج درم زعفران دو درم گل سوسن سی عدد زردی از
سوسن دور کنند و یک رطل و نیم روغن کنجد در شیشه کنند و داروها را
کوفته بر روی آن کنند و نزدیک آفتاب نهند در سایه و چهل روز بگذارند
پس بیرون آرند و نگاه دارند روغن سبد اخیرشاه مسهل بلغم بود و اعضا را از رطوبت

پاک کند صفت آن پید انجیر بریان کرده بکوبند و بجوشانند و کف میگیرند
و نگاه دارند تا تمام کف دارند که آب زرد بماند آن آب بریزند و آن
کف بردارند و بجوشانند تا تمام روغن صاف شود روغن پید انجیر مرکب
فالج و لقوه و سدهٔ جگر و سپرز را نافع باشد و قولنج بگشاید صفت آن
نانخواه صعتر فودنهٔ کوهی تخم کرفس انیسون مصطکی اسارون از هر یک
بیست درم بیخ کرفس بیخ بادیان بیخ سوسن از هر یک ده درم شیطرج و مقل
از هر یک پنج درم سکبینج جاوشیر و زرنباد و درونج عقربی از هر یک
سه درم سنبل دارچینی قاقله خیربوا و کبابه دار فلفل جوزبوا بسبا
شونیز قسط کرده یا از هر یک چهار درم مجموع نیمکوفته در آب بگشایند و

بچسپانند و بجوشانند تا نرم شود و پالایند و صد و پنجاه درم روغن بید انجیر

سازد بر روی آن ریزند و بجوشانند تا آب برود و روغن بماند شربتی

دو درم با ماء الاصول **روغن ترب** مانند روغن زیت بود و گرم تر از روغن

بید انجیر باشد و درد گوش را نافع بود و بادی که در گوش باشد دور کند

صفت آن ترب با آب سه جزو بگیرند و روغن کنجد یک جزو و بجوشانند تا آب برود

و روغن بماند **روغن خسک** عسر البول را نافع بود صفت آن خسک ده مثقال

زنجبیل چهار مثقال نیلوفر بجوشانند و پالایند و یک چهار یک روغن

کنجد اضافه نمایند و بجوشانند تا آب برود و روغن بماند **روغن کدو** بوییدن

و مالیدن آن سرسام و مالیخولیا را نافع است صفت آن کدو تازه ستانند

184

وپوست آن بجز اشد و با تخم و پیخشم بکوبند و آب آن بگیرند چهار من و یکمن

روغن کنجد بر وی بریزند و بجوشانند تا آب برود و روغن بماند اما بهتر است

که مغز کدو دانه خشک باشد مانند روغن بادام روغن ریحان فالج و درد

زانو را نافع باشد مانند روغن ترب صفت آن آب ریحان ده جزو

روغن کنجد بگیرند و بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن لاله معده

سرد را گرم کند صفت آن برگ لاله از نبات آن جدا کنند و در شیشه کنند

و روغن زیت بر وی ریزند و در آفتاب بپا و نزند بگاه روغنی که درد گوش را

که از گرمی باشد زایل کند صفت آن روغن گل ده درم بادام روغن

شیرین پنج درم سرکه کهنه سی درم همه بگیر ممزوج سازند و بجوشانند تا سرکه برود

و روغن بماند و در گوش چکانند **روغن کندر** درد گوش را که از سردی باشد

زایل کند صفت آن کندر پنج درم صبر سقوطری و مر و مصطکی جند بیدستر

حضض مکی زهره گاو از هر یکی یک درم روغن بادام تلخ بیست درم شراب کهنه

چهل درم ادویه را کوفته با شراب و روغن بجوشانند تا روغن بماند و بپالایند

و در گوش چکانند **روغن مصطکی** معده را قوت دهد صفت آن روغن و

زیت پنجاه درم در شیشه کند و ده درم مصطکی بر وی بیش ریزند و دیگی تا نیمه

آب کنند و آن شیشه در میان آن دیگ آب نهند و آتش کنند تا آب بجوشد

چندانکه مصطکی گداخته شود **روغن مورد** موی را نگاه دارد و آنچه ریخته شده باشد

برویاند صفت آن یک پیمانه آب مورد سه جزو و روغن زیت یک جزو و با یکدیگر بجوشانند

تا آب برود و روغن بماند و قدری لادن دران اندازند تا بگدازند

و فرو گیرند روغن دیگر که موی را محافظت کند صفت آن پوست هلیله

کابلی ماز و برگ مورد از هر یک یکجزو و در شراب ریحانی خیسانند یکشبانروز

پس بزنند و بپالایند و یکجزو روغن کنجد دران ریزند و در هر صد درم روغن

ده درم لادن در وقت فرو گرفتن بیندازند و فرو گیرند و شب موی را بدان چرب نمایند

و صباح در حمام بشویند روغن دیگر که موی را سیاه کند و از افتادن نگاه دارد

صفت آن بسباسج هندی حماما حضض مکی لادن آمله از هر یک پنج درم کوفته

در سرکه سه رطل آب بزنند تا برطلی آید و یک رطل روغن کنجد بران ریزند

و میجوشانند تا آب برود و روغن بماند و هر روز سر را آب گل کنجد و برگ

چغندر می شویند و این روغن بمالند **روغن غنی** که موی را سیاه کند و تا شش ماه
سیاهی او بماند صفت آن جوز هندی بستانند سر آن را بر گیرند و مغز آن
بیرون کنند و نیز ده درم از آن مغز بادام ده درم آمله و دو درم براده آهن و نیم درم
بوره ارمنی در هم بسایند تا خوب صلایه کنند و در میان آن جوز کنند و سر آن
بخمیر محکم کنند و تمام آن جوز را در گل حکمت گیرند و در میان آتش نهند
چندانکه یک ساعت بخوبی بگدازد و از آتش بیرون آورند و روغن که از آن
زاینده شود در موی بمالند که مقصود حاصل شود **روغن حنا** موی را سیاه کند
و عرق النسا و اوجاع مفاصل را نافع باشد صفت آن یک من حنا چهار دانگ
در دو من آب بجوشانند تا نیمه آید و بپالایند و با نیم من روغن کنجد بجوشانند

تا آب برود و روغن بماند روغن آمله موی را سیاه کند و قوی گرداند صفت آن

آمله مقشر برگ مورد پوست بیخ صنوبر مساوی کوفته در آب بپزند تا مهرا شود

و صاف کنند بهمان روغن کنجد اضافه نمایند و بجوشانند تا روغن بماند

روغن سپید در دو هفته بر هر موضع که بمالند موی سپید شود صفت

آن یکی بگیرد یک خربوزه و سوراخ کند و دانه از وی بیرون آرند و سی عدد زرده

تخم مرغ در اندرون آن اندازند با پنج سیر روغن زیت و برگ مورد کوفته

و براده آهن صیقل کرده از هر یک ده درم سوراخ خربوزه را محکم گرفته در گل گیرند

و یکشب در تنور نهند و روز دیگر بیرون آورند و گل را از آن جدا کنند و این خربوزه

را با روغن زیت بمالند تا نرم شود نگاه دارند روغنی که سهر بافراط آورد

و چون بر سر و بینی مالند خواب را برطرف کند صفت آن نوشادر نمک نفطی تخم

۱۰۱

سپندان تخم جرجیر فلفل سیاه زنجبیل کاکنج مساوی کوفته کنند و در آب بخیسانند

تا تمام شود پس صاف نموده با هم چندان آب از روغن بید انجیر بجوشانند چندانکه

آب برود و روغن بماند روغن به معده را قوه دهد و حبس عرق کند و اگر بر روی

کشکاب جو کنند و باز خورند اسهال باز بندد صفت آن آب دو جزو آب

برگ مورد یکجزو روغن گل یکجزو بجوشانند تا آب برود و روغن بماند

روغن بادرنبو استسقا را نافع باشد صفت آن برگ بادریون چهار و یک

در سه من آب بجوشانند تا به نیمه آید و سه وقیه روغن بادام در آن افکنند

و بجوشانند تا روغن بماند شربتی یکدرم با شیر شتر اعرابی نافع باشد

روغن بنفشه بادام سرد تر بود جرب را مالیدن نافع باشد و صلابت

مفاصل را نرم کند و در ناخن مالیدن صحت آن نگاه دارد و دفع بی خوبی کند

صفت آن مغز بادام شیرین که تلخ در میان آن نباشد سفید کند و به دو

نیمه سازد و خشک گردانند و هر دو من بادام را یکمن بید مشک بر رویش ریزند

و در خریطه کرباس کنند نوزده روز در میان بید رها کنند بعد از آن بید را

از آن جدا کنند و بنفشه تازه بی علف بر رویش بریزند و چند روز در زیر جامه

خواب کنند تا نیک بوی بنفشه گیرد بعد از آن معلق بیاویزند تا نیک خشک گردد

بنفشه از آن جدا کنند و اگر بنفشه تازه کنند بنفشه را بهتر بود و روغن بکشند چنانچه

رسمست روغن گل بادام روغن گل بادام معتدل بود در حرارت

و برودۀ دماغ را نافع باشد و فهم بیفزاید و اسهال مراری را باز دارد

و درد سر که از گرمی بود سود دارد و چون در آب سرکه بزنند صاحب حب

و حکه را نافع بود صفت آن چون بنفشه بادام است که بجای بنفشه ورق

گل سرخ کنند بر ده من بادام دو من ورق گل سرخ روغن گل سرخ

و شقایق و زنبق و یاسمین و نرگس و سداب و شبت و بابونه هر چه تازه

باشد دستور آنست که در شیشه کنند و در آفتاب آویزند و روز دیگر روغن

بروی ریزند و در آفتاب بگذارند روغن آجر که آن را دهن المبارک گویند

خواص بسیار دارد و گرمتر و لطیفتر از نفط سفید است که امراض بارده را

نافع بود و بغایت خوب است و سودمند بود جهت گزیدن عقرب و کسی را

که افیون وبزر البنج داده باشند و خورده باشد بسیار بسیار نافع است

صفت آن آجر سرخ آب ندیده را پاره پاره کنند و در آتش اندازند که سرخ شود

و با امبر برگیرند و در روغن زیت اندازند و بعد ازان بیرون آورند و در

شیشه کنند که بگل حکمت گرفته باشد و سرش را بموی اسپ بگیرند و گلگلی نهند

که سوراخ در ته آن باشد و پر خم کنند و بعد ازان ماوو آتش دران اندازند و خزفی

در زیر شیشه نهند و روغن که بچکد نگاه دارند **روغن سورنجان** مفاصل را نافع باشد

صفت آن سورنجان مصری و اذخر و بیخ کرفس تازه از هر یک ده مثقال قصب الذریره

پنج مثقال سورنجان و قصب الذریره را نیمکوفته سازند یکشبانه روز در روغن دیگر

بجوشانند تا مهرا شود و بپالایند و آب کرفس اضافه نمایند و با یک چهار یک

روغن زیت بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن کرد بوتسیر را

نافع بود صفت آن آب کنند تا یک من روغن کنجد نیم من باده درم

مقل بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن باتوره جهة دفع سرعت

انزال نظیر ندارند و چون کف پا را بان چرب کنند صفت آن باتوره بیندی

از پوست پاک کنند و نیم کوفته در میان شیشه کردن در از کنند و سر شیشه را

بموی اسپ محکم کنند و شیشه را گل حکمت گیرند و در کاسه بزرگ که آتش

و آن کرد ترتیب نمایند و پنج کاسه را سوراخ کنند و سر شیشه را زان سوراخ

بیرون آورند و در زیر شیشه بالاتر نهند و کاسه را بر بالای پایه بگذارند

و آتش از بالای شیشه کنند در اندرون آن کاسه روغنی که از آن بچکد نگاه دارند

روغن عقرب سنگ مثانه را پاره پاره کند و بیرون آورد صفت آن بگیرند

چینی سعد هندی حیطیانا پوست بیخ کبر از هر یک وقیه روغن بادام تلخ

یک رطل داروها را کوفته در شیشه کند و روغن بر آن ریزند و یک هفته

در آفتاب نهند و بعد از آن بپالایند و ده عقرب در آن اندازند و سر شیشه

به بندند و یک هفته دیگر در آفتاب بگذارند پس بپالایند و دو قطره از آن

در احلیل چکانند روغن باردین منقول از قانون است اوجاع بارده

احشا و قولنج و مغص ریحی را نافع باشد و بادهای غلیظ را دفع کند

و درد گوش را ساکن گرداند و چون در بینی چکانند صداع و شقیقه بارده را

سودمند بود و رنگ را نیکو گرداند و رحم را گرم کند و چون در احلیل چکانند

امراض مثانه را نافع بود و این روغن اشرف روغنهاست و منافع این بسیار
است صفت آن قصب الذریره سعد ورق الغار عود بلسان لک ساذج
برگ مورد اذخر ابهل ارمنی قسط دانا مرزنجوش مساوی هم کوفته در شراب
و آب بخیسانند یک شبانه روز صاف نموده با روغن کنجد بجوشانند تا آب برود
و روغن بماند روغن ناردین نسخه دیگر اورام صلبه معده را نافع باشد
صفت آن روغن بان یک رطل سنبل رومی نیم وقیه مصطکی سعد قسط اذخر
قصب الذریره از هر یک یک درم کوفته در شیشه کنند و سرش محکم سازند
و یک هفته در آفتاب بگذارند بعد از آن صاف کنند و دوایه دیگر باره در آن
ریزند و همچنین تا سه نوبت بعد از آن صاف کرده استعمال نمایند رماد العقا

سنگ کرده ومثانه بربراند صفت ان بگیرند چند عقرب را در دیگ نهند تو

وسرش محکم سازند و در تنور گرم نهند شش ساعت پس بیرون آورند

کوفته وبحریر بیخته استعمال نمایند باه را بیفزاید پشت وکرده را گرم کند

ومحکم سازد ومعده را قوه دهد وبلغم دفع کند وبوی دهن خوش کند

واب از دهن باز دارد وبادها بشکند وریگ مثانه پاک کند ومنی بیفزاید

صفت ان تخم گندنا تخم شلغم تخم کرفس تخم شبت نانخواه رازیانه

مغز تخم خربزه مغز تخم بادرنگ بیخ کرفس از هر یک پنج مثقال عاقرقرحا

قرفه زعفران مصطکی عود خام از هر یک پنج درم بسباسه قرنفل کبابه

بهمنی فلفلمویه از هر یک سه درم عنبر اشهب یکمثقال عسل سه وزن ادویه

عنبر را در عسل کف گرفته بگذارند و ادویه کوفته و بیخته با آن بسرشند و

109

بعد از دو ماه استعمال نمایند شربتی دو مثقال نوع دیگر منی بیفزاید و

باه را قوت دهد و پشت و گرده را قوت و محکم سازد و امر مجامعت را عظیم نافع

باشد صفت آن تخم کرفس تخم گندنا تخم شلغم تخم شبت نانخواه رازیانه

مغز تخم خربوزه مغز تخم بادرنگ بیخ کرفس مغز حب الذلم مغز حب القلقل مغز نارجیل تازه

مغز چلغوزه از هر یک پنج مثقال بسباسه قرنفل فلفلمویه کبابه زنجبیل عاقرقرحا

تخم اسپست تخم جرجیر تخم پیاز حب الرشاد انجره تخم گندنا خولنجان

جوزبوا کل قرفه دار فلفل از هر یک سه درم قرفه و زعفران کندر مصطکی

عود از هر یک چهار درم تخم هلیون بوزیدان بهمن سرخ بهمن سفید سقاقل

لسان العصافیر از هر یک نیم درم بصل الفار بریان کرده یک درم خصیة الثعلب
قضیب گاو سوده مغز کله گنجشک نر خشک مرباکنش خرما از هر یک ده مثقال
عنبر اشهب دو مثقال مشک خالص نیم مثقال قند سفید بوزن ادویه مجموع
بطریق معهود معجون سازد گرم مزاج دو مثقال بخورند و در عقب آن ده
درم شیر تازه ده درم شکر در آن حل کرده بیاشامد و سرد مزاج نیم درم
فرو برده بعد از آن یک کاسه ماء العسل بیاشامد **باب السفرجل مسهل**
معده را قوه دهد و اشتهای طعام آورد قولنج نگشاید صفت آن به اصفهانی
نیم من از پوست و دانه پاک کند و در سرکه یا شراب بجوشانند تا مهرا شود
وا رغربال بیرون کنند و یک من عسل صاف کرده بر سر آن ریزند و بجوشانند

اسارون قوّد و قوا از هر یک یکدرم فلفل دار فلفل بارزد قسط از هر یک

شش درم زعفران نیم درم بارزد را در عسل بگدازند درو بار اکوفته و بیخته

بان سرشند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی نیم مثقال تا دو درم

باب گرم سکنجبین بادیان صفرا دفع کند و محرور مزاج را موافق باشد و تپهای

حاده و جگر گرم را نافع باشد و تشنگی بنشاند و سده جگر و سایر بدن

بگشاید و بول براند صفت آن قند سفید یکمن در دیگ کند و یک چهار یک

سرکه صاف بروی آن ریزند و بجوشانند تا بقوام آید و یک وقیه گلاب

بر سر آن ریزند و فرو گیرند سکنجبین بزوری بارد سده جگر بگشاید و بول براند

و استسقای و تپهای حاده را نافع باشد و تشنگی بنشاند صفت آن پوست بیخ کاسنی

هفت درم تخم کاسنی تخم خربوزه تخم خیارین از هر یک پنج درم نکوفته
در آب و یک بهار و یک سرکه خیسانند یک شبانه روز روز دیگر بجوشانند
و بپالایند و یکمن قند سفید بقوام آورند و بر سر آن کنند و دیگر باره بقوام
آورند و فرو گیرند سکنجبین بزوری حار ... سده بگشاید از جگر و معده و بول آرد
و فضول از معده پاک کند و مستسقی را نافع باشد صفت آن کاسنی نکوفته
تخم کشوث تخم کرفس رازیانه انیسون پوست بیخ رازیانه پوست بیخ کرفس
از هر یک ده درم در آب و سرکه خیسانیده چنانچه ذکر رفت و یکمن قند
اضافه کنند و بقوام آورند سکنجبین یوندی یرقان و درد جگر را
که از گرمی باشد سود دارد صفت آن تخم کاسنی نکوفته بیست درم تخم شاهتره

۱۴۰

وتخم کشوث از هر یک ده درم ریوند چینی پنجدرم ریوند را کوفته در صره به بندد

و با ادویه دیگر در دو من اب بجوشانند و زمان زمان کیسه ریوند را بدست بمالند

تا شیره تمام باز دهد بعد از ان صاف کنند و با یک من قند و چهل مثقال

سرکه بجوشانند تا بقوام اید شربتی پانزده درم با پنج درم گلاب بنوشند

سکنجبین ریوندی نوع دیگر درد جگر را سود دارد و سده بگشاید و طبع را

نرم کند صفت آن ریوند چینی سی درم تربد سفید بسفایج و تخم کاسنی کوفته

از هر یک بیست درم غاریقون مغربل پنجدرم مجموع را در دو من آب بپزند

و سه درم و دو دانگ زنجبیل کوفته اضافه نمایند و صاف کنند و با یک چهار

سرکه و یک من و نیم قند سفید چنانچه ذکر رفت بجوشانند بقوام آورند سکنجبین

بزوری معتدل سده سپرز و جگر بگشاید و بول براند و تپهای مرکبه را

نافع باشد صفت تخم کاسنی رازیانه تخم کرفس از هر یک سه درم بیخ کاسنی

پوست بیخ رازیانه از هر یک هفت درم مجموع نیمکوفته در سه رطل آب و بیست

درم سرکه خیسانند یک شبانه روز روز دیگر بجوشانند و با یکمن قند بقوام آورند

سکنجبین اناری تپهای کهنه و محرقه و جگر و معده گرم را سود دارد و تشنگی

بنشاند صفت آن آب انار شیرین و آب انار ترش از هر یک نیم من بجوشانند

تا بقوام آید و قدری زرشک در سرکه صاف یکبار رویک و قند سفید یکمن اضافه

کنند و بجوشانند تا بقوام آید و اگر عوض سرکه تمر هندی کنند شاید **سکنجبین لیموئی**

همین خاصیت دارد صفت آن آب پنجاه مثقال سرکه صاف و گلاب و آب لیمو

از هر یک سی مثقال قند سفید یکمن بجوشانند و بقوام آورند سکنجبین سفرجلی

معده و جگر را قوه دهد و اشتهای طعام آورد و سده جگر بگشاید و ناقها را

نافع باشد و طعام را بهضم کند صفت آن ت به صاف کرده یکمن با یک چهار یک

سرکه و یکمن قند سفید بجوشانند تا بقوام آید و اگر بجای سرکه لیمون کند

صواب باشد سکنجبین بنبجه بکر که صلابه سپرز را نافع بود صفت آن این بود چنین

غاریقون پوست بیخ کبر پوست درخت بید فوه کزمازج افتیمون غافت تخم کشوث

تخم کاسنی از هر یک ده درم در یک چهار و یک سرکه و آب چندان بجوشانند و

با یکمن قند بقوام آورند سکنجبین بکر که حرارت خمار و صفرا بنشاند و اسهال صفرا را

باز دارد و کسی را که آبله بدید آمده باشد نافع بود صفت آن سرکه کهنه و گلاب

195

از هر یک چهار و یک برگ گل سرخ پنجاه درم گلنار بیست درم کوفته

در سرکه و گلاب خیسانند سه شبانه روز پس بجوشانند و بپالایند و با

یکمن قند سفید بقوام آورند **سکنجبین افتیمونی** مالیخولیا و اصحاب توحش

و صرع را نافع بود صفت آن افتیمون ده درم بسفایج فستقی تربد سفید

از هر یک شش درم گاوزبان پرسیاوشان تخم کاسنی از هر یک پنج درم

حاشا ورق گل سرخ کمافیطوس از هر یک چهار درم تخم بادروج

تخم فرنجمشک بادرنجبویه ریباد درونج عقربی بهمن سفید بهمن سرخ شادنج

هندی قاقله سنبل از هر یک سه درم گلقند افیانی بوزن ادویه در سرکه

و آب خیسانند یک شبانه روز و بجوشانند و با یک من قند بقوام آورند

سکنجبین فو [illegible] جگر اسطوخودوس رازیانه شاهتره از
هر یک پنج درم افتیمون بسفایج فستقی سنا مکی پوست بلیله کابلی
از هر یک ده درم بکوفته در پنجاه و پنج درم سرکه تند یک شبانه روز بخیسانند
و صاف کنند و با نیم من قند بقوام آورند سکنجبین فو استسقا و صلابت
طحال و ورم صلب جگر را نافع بود و سده بگشاید صفت آن رازیانه
پوست بیخ رازیانه پوست بیخ کبر تخم کاسنی خشک و فافوه غافت افسنتین
از هر یک ده درم تخم کشوث تخم کرفس پوست بیخ کرفس جعده سنبل اسارون
از هر یک هفت درم در صد درم سرکه بخیسانند و با یک من قند بقوام آورند
سکنجبین عنصلی ضیق النفس و ربو و سرفه بلغمی را نافع بود صفت آن

سرکه عنصلی یکچهار و یک با عسل مصفی بجوشانند تا بقوام آید بکار برند

سکنجبین عنصلی به نسخه دیگر استسقا و درد پهلو که از سردی باشد و سرفه

کهنه بلغمی و فالج و لقوه و سرسام بلغمی و ضیق النفس را نافع باشد

و سده جگر و سپرز بگشاید و تجربه کرده‌اند صفت آن سرکه عنصلی

یک من زنجبیل رازیانه انیسون حلتیت عاقرقرحا بودنه دشتی از هر یک ده

درم تخم کرفس زیره کرمانی قردمانا از هر یک پنج درم دو به نیمکوفته

کنند در سرکه عنصل و یک چهار و یک عسل صاف خیسانند و یک هفته در آفتاب

نهند بعد از آن بپالایند و پیش از طعام سی درم استعمال نمایند **عسل عنصلی**

بیخ دندان سخت کند چون بدندان مضمضه کنند و از جهة عرق النسا و ضیق النفس

و ربو را مفید بود و بوی دهن خوش کند صفت آن بگیرند پیاز عنصل
و بکارد چوبین پاک کنند و در ریسمان کشند چنانچه بیکدیگر نچسبند و چهل روز
در سایه نگاه دارند تا خشک شود بعد از آن در ظرفی کنند و سیر یکمن باز
ده من سرکه کهنه داخل کنند و دو ماه در آفتاب بنهند و بکار دارند
سفوف طباشیر دل گرم را سود دارد صفت آن گل سرخ و طباشیر از هر یکی
سه درم گشنیز خشک دو درم بسد مروارید ناسفته کهربا از هر یک نیم درم
کافور دانگی و شربتی دو درم با سکنجبین سفرجلی سفوف درونج خفقان سرد را
سود دارد صفت آن درونج عقربی لسان الثور از هر یک شش درم
زرنباد دو درم کوفته و بیخته شربتی یک مثقال با گلاب یا شراب کهنه یا با ماء العسل

سفوف ... معده سرد و تر راسود دارد صفت ان قرنفل و کبابه از ۱۸۲

هر یک پنج درم مصطکی و سنبل از هر یک سه درم عود خام مست درم شکر

طبرزد بوزن همه شربتی یک مثقال با ده درم کلقند سفوف قاطع شهوة طین

و شهوة ردیه زنان حامله را نافع باشد صفت آن قاقله خیربوا کبابه مساوی

شکر بوزن همه شربتی دو درم با آب گرم سفوف حماض تخم کاسنی

تخم کرنب زرشک منقی سماق عدس مقشر گل سرخ طباشیر مساوی

کوفته بیخته و شربتی سه درم با یک طسوج کافور در آب انار حل کرده بنوشند

سفوف ... کرنب دفع سرعت منی کند صفت آن تخم کرنب مغز بادام

تخم فودنه از هر یک سه درم نانخواه و نمک و سداب زیره کرمانی از

سر یکی یکدرم کوفته بیخته و در آب انار حل کرده بنوشند شربتی سه درم

سفوف انیسون بادهای معده دفع کند و معده را از اخلاط غلیظ

پاک کند صفت آن انیسون نانخواه تخم کرفس از سر یکی پنج درم کندر چهار درم

فقاح اذخر و قسط و مصطکی از سر یکی سه درم سپندان سفید سی درم

کوفته بیخته با فانید سپید بسرشند شربتی پنج درم سفوف جوز اسهال بلغمی را

باز دارد صفت آن جوز بوا بریان کرده سه درم نانخواه یکدرم کندر نیم درم

کوفته با آب گرم بنوشند سفوف مقلیا بواسیر و مغص و اسهال کهنه

و بواسیر و زحیر و ضعف معده را نافع باشد تره تیزک بست درم زیره کرمانی

در سرکه خیسانند و خشک کرده و بریان کرده پنج مثقال بزر کتان تخم گندنا

وهلیله سیاه در روغن زیت بریان کرده از هر یک دو مثقال مصطکی

یک مثقال مجموع را کوفته سوده ای تره تیزک شرعی دو درم با آب سرد سفوفی

که سلس البول را نافع است صفت آن بلوط پنجاه درم کندر سی درم گشنیز خشک

بریان کرده گل ارمنی صمغ عربی از هر یک دو درم گلنار کزمازج از هر یک

پنج درم شرعی سه درم با آب خالص سفوفی که همین خاصیت دارد صفت آن

کندر سعد خولنجان زیره کرمانی شاه بلوط حب الآس مساوی کوفته و بیخته

استعمال نمایند سفوف نمک معده را و جگر و اوجاع مفاصل و ترمی ضعفی

که سبب آن امتلا باشد نافع بود صفت آن نمک طعام سی درم فلفل سفید

بیست درم زنجبیل پانزده درم انیسون هفت درم جرجیر نانخواه نوشادر

فلفل سیاه فودنه از هر یک ده درم کوفته بیخته و شربتی سه درم باب گرم
سفوف هلیله ورم جگر را نافع باشد صفت آن هلیله سیاه پوست
هلیله کابلی از هر یک چهل درم تخم کرفس و انیسون و رازیانه از هر یک
پنج درم کوفته بیخته و شربتی سه درم با شیر شتر سفوف دیگر که ورم جگر را
سود دارد و بول براند صفت آن تخم خربوزه تخم خیارین از هر یک بیخ درم
تخم کاسنی تخم کشوث از هر یک سه درم تخم کرفس انیسون رازیانه رب
السوس از هر یک دو درم عصاره زرشک چهار درم ریوند چینی
یک مثقال لک مغسول چهار دانگ زعفران و سنبل مصطکی و افسنتین
از هر یک یکدرم کافور دو دانگ شربتی سه درم سفوف قرص نخود سفید

پنجاه درم در سرکه و آب یکشبانه روز بجنبانند و خشک کنند و برنج شسته
خشک کرده و نان میده خشک کرده سی درم مغز بادام مقشر شصت
درم کشک جو کشک گندم از هر یک سی درم خشخاش سفید سی درم شکر
طبرزد نیم من مجموع کوفته در یکدیگر ممزوج سازند و هر صباح سی درم
با شیر تازه بیاشامند سفوف [illegible] از جهة زحیر مجربست صفت آن
تخم تره تیزک بریان کرده بزرقطونا بریان کرده اسبغول بریان کرده
از هر یک دو درم زیره کرمانی تخم گندنا تخم شبت تخم خشخاش انیسون
تخم کرفس بزر البنج از هر یک دو درم و نیم افیون سه درم و دانگی
کوفته بیخته دو درم از آن سفوف سازند سفوفی که نفث الدم را

نافع باشد صفت آن طباشیر گل سرخ گل ارمنی گل مختوم سادج
عدسی مغسول تخم خرفه از هر یک پنج درم بسد کهربا مروارید نا سفته خشخاش
سفید رب السوس اقاقیا عصاره لحیة التیس از هر یک سه درم بزرقطونا
بیست درم افیون دو درم مجموع کوفته بیخته و سوای بزرقطونا سفوف سازند
شربتی دو درم با آب انار یا با آب برگ خرفه و اگر حرارت قوی نباشد
سه درم کندر اضافه این داروها نمایند سفوف حب الرمان صعف معده و اسهال
دموی و مراریه را نافع باشد صفت آن انار دانه بریان کرده
ده درم بلوط سماق زیره کرمانی مدبر حب الآس سنجد کشنیز خشک بریان
کرده خرنوب ارد کنار از هر یک پنج درم عود خام پنج درم آمله یک و نیم مثقال

کوفته بیخته بارب به استعمال نمایند شربتی سه درم سفوف طین

وانرا سفوف النساء نیز گویند اسهال مراری و دموی را نافع باشد

صفت آن بزرقطونا تخم ریحان تخم مرو نشاسته تخم حماض بریان کرده

صمغ عربی گل ارمنی طباشیر مساوی کوفته سوای نشاسته تخم اول

یکدیگر بیامیزند شربتی سه درم بروغن گل بادام چرب کرده بگلاب

ترکرده فرو برند سفوف از ترکیب حکیم ارزانی اسهال صفراوی را و مغص را

نافع باشد صفت آن نشاسته صمغ عربی تخم خبازی بریان کرده

از هر یک پنج درم گل ارمنی دو درم کوفته و بیخته سفوف سازند

سفوف ابن ماسویه جهت تزحر و وجع امعا و سحج نافع است

صفت ان تخم خطمی مقشر و تخم خیارین مقشر از هر یک پنج درم نشاسته

بریان کرده سه درم صمغ عربی و گل ارمنی از هر یک دو درم کوفته

و بیخته شربتی سه درم صباح و سه درم شبانگاه تا که طباشیر و گل

ارمنی و صمغ عربی دران منقوع باشد نافع بود سفوف زرشک شکم بندد

و ضعف معده را نافع بود صفت ان سماق نانخواه زرنبیل انار دانه بریان نموده

زرشک منقی اردکنار از هر یک دو درم نبات سفید بیست درم کوفته

و بیخته شربتی یک مثقال سفوف سماق تشنگی نشاند و اسهال معدی را

نافع باشد صفت ان سماق ده درم حب الاس و انار دانه بریان کرده

از هر یک پنج درم خرنوب پانزده درم صمغ عربی و گلنار از هر یک دو درم

129

کوفته بیخته و شربتی یک مثقال **سفوف سورنجان** نقرس و مفاصل و

عرق النسا را نافع بود صفت آن سورنجان مصری ده درم سنای مکی

هفت درم پوست هلیله زرد مغز بادام مقشر از هر یک سه درم زعفران

نیم درم سقمونیا یکدرم قند سفید سی درم و اگر ماده بلغمی باشد تربد سفید

پنج مثقال اضافه نمایند و سقمونیا نیم درم نیز اضافه کنند **سفوف سرطان**

سرطان مسلول را بغایت نافع باشد صفت آن سرطان نهری

سوخته ده درم طین قبرسی صمغ عربی خشخاش سفید و خشخاش سیاه

مغز تخم خربوزه از هر یک پنج درم کوفته بیخته و شربتی یکمثقال با شراب

انار شیرین با شراب خشخاش **سفوفی** که سنگ را از گرده و مثانه اطفال پاک کند

صفت آن مغز خربوزه صمغ عربی صمغ الوقلت مسیا و یکوفته بیخته و شربتی
نیم درم تا یک درم سفوفی که خفقان گرم را نافع باشد صفت آن
گل ارمنی و کشنیز خشک از هر یکی یکدرم طباشیر و کهربا از هر یکی نیم درم کافور نیم
دانگ کوفته و بیخته با دوغ گاو دهند سفوفی که از برای درد
شکم و نفخ و قولنج مکرر بتجربه رسیده خوشا بخصوص بلغمی مزاجان را صفت
آن پوست هلیله کابلی را زنیانه زنجبیل نمک سیاه اجواین زیره سفید مجموع را
کوفته بیخته دو درم تا چهار درم با آب گرم وقت خواب بخورد سفوفی
ارسطاطالیس که از بهر اسکندر ساخته بود مقوی باه و قوت
پشت و گرده بدهد و بر هاضمه یاری دهد و اشتهای طعام آورد و بوی دهن

خوش کند و دل را قوت دهد و نشاط و ذرب و تباهی معده و امتلا
را نافع باشد صفت آن قرفه ساذج هندی عود قماری هیل اسارون.
مصطکی پوست هلیله کابلی تخم شبت نارمشک زیره کرمانی مدبر دارچینی
اشنه فلفل دراز فلفل گرد زرنب سنبل قرنفل انار دانه جوزبوا قاقله کبار مشک
و عنبر و کافور جو دانه اجزا مساوی سوای عطریات مشک و عنبر و کافور
نصف وزن نبات مصری برابر جمیع اجزا باشد مجموع را کوفته و بیخته
نگاه دارد شربتی یکدرم تا سه درم **سفوفی** که معده را قوت دهد و طبع را قبض
کند و ریاح را تحلیل دهد صفت آن زرنباد حب الآس زنجبیل دو درم
فلفل گرد یک درم دارچینی دو درم زرنبیل یکدرم انیسون رازیانه

پوست بیرون پسته پوست اترج از هر یکی دو درم تخم کرفس

هلیله کابلی بوده از هر یکی یکدرم تخم کشنیز مصطکی قاقله نعناع زرشک بیدانه

از هر یک دو درم سماق یکدرم عود قماری زعفران زیره کرمانی مدبر از هر یکی

دو درم مجموع را کوفته و بیخته نگاهدارد شربتی یکمثقال **سفوف** جهة قولنج

صعب را نافع بود صفت آن مصطکی و نبات از هر یکی دو مثقال و نیم

زنجبیل اجواین رازیانه زیره مدبر از هر یک یکدرم مجموع را کوفته و بیخته

نگاه دارد شربتی دو درم ناشتا با آب سرد فرو برد که مفید است

سفوفی که جهت اشتها و قوت باه و ضعف معده و درد دل و درد گرده

و ریگ مثانه و دفع بواسیر و پیچ شکم نافع باشد صفت آن قصب الذریره

فلفل دارعود هندی صندل مقاصری مساوی کوفته اگر صفراوی
باشد با نبات لعوق سازند و اگر بلغمی مزاج باشد با عسل لعوق سازند و اگر
با ورق طلا ممزوج سازند بهتر بود سفوف عنبار معده سرد و تر را
نافع بود و جگر را قوت دهد صفت آن لک مغسول حب الآس بلوط
مصطکی مازو عود بلسان پوست انار از هریک چهار درم تخم گل کندر
از هریک یکدرم نبات پنجاه درم شربتی سه مثقال یکهفته استعمال نمایند
و گوشت نخورند سفوفی که فواق بلغمی را نافع بود و دفع کند
صفت آن تخم کرفس و فطراسالیون و سعد از هریک دو درم و نیم
دو قو پوست بیرون پسته انیسون فودنه اسارون قسط شیرین

زیره کرمانی از هر یک سه درم وج نیم درم شربتی دو درم
درد جگر و تهیج را بر وصفت ان گل سرخ هشت درم زرشک بیدانه
پنج درم سنبل مصطکی وعصاره غافث و افسنتین رومی و تریود حبنی
از هر یک دو درم قتاح اذخر و اسارون رب السوس از هر یک دو درم
و نیم زعفران یکدرم شربتی دو درم با سکنجبین که حرارت جگر
بنشاند و خمار دفع کند و اسهال صفراوی باز دارد و غلبه خون ساکن کند
و کسی که آبله برخواهد امد سود دارد صفت آن ورق گل سرخ ده درم
طباشیر بیست درم سماق تخم حماض عدس مقشر زرشک تخم خرفه
تخم کاهو خشخاش سفید از هر یکی پنجدرم صندل دو درم و نیم کافور یکدرم

شربتی سه درم با شراب حماض یا شراب غوره یا شراب انار سفوف کهربا

خون بسیار که از رحم رود باز دارد صفت آن کهربا گل ارمنی گلنار

دم الاخوین لک مساوی نکوفته بیخته و شربتی سه درم با یک دانگ افیون

در یک وقیه نعناع و سماق حل کرده بدهند سفوفی که از بهر بول

الدم نافع باشد صفت آن سادج مغسول دم الاخوین وسد کهربا

شب یمانی گلنار تخم خرفه گل ارمنی گل قبرسی مساوی نکوفته بیخته و شربتی

دو درم با شراب سماق سفوف سورنجان اوجاع مفاصل را

نافع باشد صفت آن سورنجان هفت درم زیره کرمانی بریان

کرده فودنه از هر یکی دو درم فلفل یکدرم قند سفید دوازده درم کوفته

وبیخته شربتی سه درم سفوف حجر الیهود سنگ گرده و مثانه را پاره

پاره کند و بیرون آرد صفت آن مغز کدو و مغز تخم خیارین تخم خرفه

مغز تخم خربوزه از هر یک پنج درم خسک مربی چهار درم حجر الیهود

حب قلت از هر یکی سه درم تخم کرفس سی سالیوس از هر یکی یکدرم

صمغ عربی کثیرا از هر یکی یک مثقال کوفته و بیخته شربتی دو درم با شراب

خسک سفوف حجر الیهود بنسخه دیگر صفت آن تخم قلب پانزده درم

مغز تخم خربوزه تخم خیارین مغز تخم کدو از هر یکی چهار درم و تخم سیسالیوس

دو درم صمغ عربی نشاسته و کثیرا از هر یکی چهار درم حجر الیهود شش درم

قند سفید هشتاد و هشت درم کوفته و بیخته با آب نخود سیاه شربتی دو درم

سفوف ممسکه در ساعت شکم به بندد صفت آن بشاه بلوط سه درم
مازو پوست انار از هر یک چهار درم کرد سماق شش درم حب الآس هفت
درم کوفته و بیخته شربتی سه درم باب سرد سفوف مقوم کندر عود خام از
هر یک یکدرم خشخاش ده درم تخم کاهو پنج درم زعفران دانگی نبات
بیست درم کوفته و بیخته شربتی یکدرم سفوف که فی شهوة زنان آبستن را
دفع کند معده را قوت دهد و اشتهای طعام آرد صفت آن زرنباد
تخم کرفس نانخواه زیره کرمانی از هر یک دو درم کندر کنجد مقشر ده درم
نبات نود مثقال کوفته و بیخته سفوف سازند شربتی دو مثقال سفوف
که دفع سرعت انزال کند صفت آن طباشیر خشخاش افیون کندر ریزنک

یکدرم جوز السرو سه درم کوفته بیخته و شربتی دو درم شراب خشخاش

سفوفی که مدقوق و مسلول و قروح سینه و نفث الدم را نافع بود

صفت آن صمغ عربی نشاسته کثیرا مغز دانه خشخاش سیاه تخم کاهو تخم خطمی از

هر یک شش درم صندل سفید دو درم سکر العشره طباشیر از هر یک

سه درم ورق گل سرخ تخم خبازی تخم خرفه از هر یک پنج درم مغز

تخم خیارین مغز تخم کدو عصاره لسان الحمل گل مختوم گل ارمنی گل قبرسی

از هر یک چهار درم زعفران یکدرم کوفته بیخته شربتی دو مثقال با نیم

دانگ کافور و دانگ رب السرطان بشراب خشخاش و شیره تخم خرفه

نافع باشد سفوفی که بادهای بد را دفع کند و استسقای طبلی را

نافع باشد صفت آن تخم کرفس رازیانه انیسون اسارون شیطرج هندی ریوند

از هر یکی دو درم زیره کرمانی سه درم سنبل سعد از هر یک یکدرم

و نیم کوفته و بیخته شربتی یکمثقال سفوفی که اسهال معدی را نافع باشد

صفت آن انار دانه بریان کرده آرد کنار از هر یک پنجدرم از هر یکی دو درم

کشنیز خشک بریان کرده پنجدرم خرنوب شامی و خرنوب نبطی و بلوط

در سرکه خیسانیده یکشبانه روز در سایه خشک کرده بریان کرده

از هر یک پنج درم سماق سه درم کوفته شربتی دو درم سفوفی که قرحه

مثانه را نافع باشد صفت آن دم الاخوین شادنج مغسول نشاسته

تخم کرفس از هر یکی نیمدرم صمغ عربی یکدرم مومیائی دو دانگ کاکنج

دو درم کوفته و بیخته شربتی یکدرم و نیم با شراب خشخاش بنوشند

سفوف لولو ذوسنطاریائی کبدی را نافع باشد و معده و دل

و جگر را قوه دهد و حرارت و تشنگی بنشاند صفت آن مروارید ناسفته چهار درم

بسد سوخته گلنار طباشیر خرنوب گل ارمنی گل قبرسی تخم گل صندل

سفید بارتنگ بریان کرده تخم حماض بلوط بریان کرده تخم مورد

آرد کنار آرد سنجد کشیر خشک بریان کرده سماق صمغ عربی زرشک

بیدانه نبت جو بریان کرده از هر یک طراثیث تخم خرفه بریان کرده بزرقطونا

از هر یک سه درم گل مختوم مصطکی از هر یک یکدرم انار دانه پنج درم بریان کرده

کهربا اقاقیا مغسول از هر یک دو درم مجموع کوفته بیخته سوی بزرقطونا

و بار تنک سفوف سازند **سفوف زرشک** صفت آن تخم حماض زرشک
بی دانه تخم زرشک کشنیز خشک بریان کرده کل سرخ خرنوب نبطی بلوط
طباشیر از هر یکی یکدرم سماق حب الآس از هر یکی دو درم انار دانه جهار
درم کوفته و بیخته سفوف سازند **سفوف خرنوب** اسهال معده را
و استرخای معده را نافع باشد صفت آن خرنوب نبطی بی دانه
زیره کرمانی مدبر سماق پست کنار حب الآس مصطکی بلوط کشنیز خشک
بریان کرده مساوی کوفته و بیخته شربتی یکمثقال با رب مورد نافع باشد
سفوف البزور بادها بشکند و معده را قوه دهد صفت آن اکر دیا
و انیسون زیره کرمانی قاقله قرفه نانخواه تخم کرفس از هر یک دو درم

قرنفل یکدرم زنجبیل دارچینی دارفلفل از هریک دو دانگ قند سفید

بیست مثقال کوفته و بیخته شربتی دو درم سفوف حب الصنوبر شکم بندد

و معده را قوه دهد صفت آن دانه انگور صمغ عربی از هریک چهار درم

حب الآس سماق از هریک دو درم مصطکی گلنار از هریک یکدرم کوفته

و بیخته سفوف سازند سفوفی که نافع است از جهة اسهال که با آن سرفه باشد

صفت آن حب الآس نشاسته بلوط خشخاش خرنوب از هریک دو درم

صمغ عربی یکدرم کوفته و بیخته شربتی سه درم سفوفی که همین خاصیت دارد

صفت آن صمغ عربی طباشیر گل ارمنی حب الآس از هریک چهار درم

بزر سیاوشان کندر از هریک یکدرم خرنوب نبطی مقل از هریک سه درم

کوفته و بخته شرتی سه درم شراب خشخاش سفوفی که حرقة البول را
و وجع الکلیه و مثانه را نافع باشد و بول براند صفت آن مغز تخم خربزه
سی درم مغز تخم خیار مغز تخم کدو و تخم خرفه مقشر خشخاش سفید از
هر یک ده درم نشاسته کثیرا رب السوس از هر یک سه درم بزر البنج سفید
دو درم قند سفید برابر همه شرتی نیم درم صباح و سه درم شبانگاه
با شراب خشخاش سفوف دیابیطس صمغ عربی گل ارمنی گلنار
سماق بلوط از هر یک یکدرم نشاسته کثیرا تخم کاهو تخم خرفه مقشر از
هر یک سه درم صندل سفید یکدرم کوفته و بخته شرتی سه درم با آب انار
ترش سفوف مفاصل سورنجان ده درم سقمونیا چهار دانگ کباب

یکدرم قند سفید سی درم کوفته وبیخته شربتی سه درم سفوف ۱۹۰
رمان صمغ عربی گل ارمنی سماق بلوط ازهریک پنج درم نشاسته کثیرا تخم
کاهو خرفه ازهریک سه درم صندل سفید یکدرم کوفته وبیخته
شربتی دو درم باب انار ترش سفوفی که بواسیر و اسهال و مغص و
زحیر را نافع باشد صفت آن تخم تره تیزک بریان کرده ده مثقال برگ
بریان کرده بزرقطونا تخم مرو ازهریک سه درم تخم کرفس بریان نموده
گل ارمنی تخم مرو ازهریک دو درم صمغ عربی یکدرم کوفته وبیخته سوای
تخم تره تیزک و بزرقطونا سفوف سازند سفوفی که نافع است ازجهت یرقان
و درد جگر و قی صفراوی را نافع باشد صفت آن لک مغسول بمثقال

طباشیر زعفران یکدرم ریوند چینی دانگی و نیم کافور دانگی شربتی دو درم

با شراب مرتندی یا شراب آلو ... بلوط معده را قوت دهد و اسهال باز

دارد صفت آن بلوط شاه بلوط دانه مویز آرد کنار از هر یک ده درم

خرنوب نبطی حب الآس از هر یک بیست درم کوفته بیخته و شربتی سه

مثقال ... که نافع است از جهت حرارت و یرقان و نفث الدم و سده

جگر را نافع باشد صفت آن بهدانه نشاسته مغز تخم کدو و مغز خیار

از هر یک چهار درم گل ارمنی لک مغسول گل سرخ سنبل اصل السوس

از هر یک یکدرم طباشیر نیم درم مصطکی دو دانگ شربتی یکدرم با آب

سرد ... که همین خاصیت دارد صفت آن مویز دانه تخم حماض انار دانه

صمغ عربی از هر یک سه درم حب الآس بلوط از هر یک چهار درم خشخاش

سفید یکدرم کوفته بیخته شربتی سه مثقال سفوفی که از جهة اسهال

کبدی بی نظیر است صفت آن انجبار گلنار از هر یکی دو مثقال کهربا

مرجان دو مثقال طباشیر پنج مثقال گل سرخ سه مثقال کافور

دانگی صندل سفید دو مثقال زرشک بی دانه دو مثقال ریوند خطائی

یک مثقال تخم حماض دو مثقال کوفته بیخته استعمال نمایند شربتی یک مثقال

ده سه روز پیوسته آن خورد سفوف حسین از جهة سرعت انزال

که سبب آن حرارت باشد نظیر ندارد صفت آن بزر قطونا دو درم

تخم خرفه سه درم کشنیز خشک یکدرم و نیم شربتی یکمثقال سفوف سازند

سفوفی که نافع است ازجهة فواق امتلائی صفت آن تخم کرفس سعد
زیره کرمانی مساوی یکو فته و بیخته شربتی یک مثقال سفوفی که نافع است
ازجهة ضعف معده که سبب آن حرارت باشد صفت آن کهربا کل سرخ زرشک
پنج درم عود دو درم زرشک ده درم آمله طباشیر از هر یک سه درم
سنبل یکدرم زعفران و کافور از هر یک دانکی کوفته و بیخته شربتی یک
مثقال با شراب انار سفوفی که رنگ را سرخ کرداند صفت آن زوفا خشک ده
درم زعفران سه درم قند سفید سیر ده درم کوفته و بیخته شربتی دو درم
سفوفی که سده سپرز بکشاید و طحال را نافع باشد صفت آن تخم کاسنی
کزمازج از هر یک پنج درم حب الفقد یک درم و نیم کوفته و بیخته شربتی دو درم

با سکنجبین سفوفی که نافع بود جهت درد کلیه و مثانه که سبب برودة باشد صفت این

قسط سنبل قردمانا حماما تخم کرفس مساوی کوفته و بیخته شربتی یکدرم

سفوفی که بدن را لاغر کند صفت آن لک مغسول دو درم نانخواه تخم سداب

زیره کرمانی از هر یک چهار درم مرزنگوش بوره ارمنی از هر یک یکدرم

کوفته و بیخته شربتی هر روز یک مثقال با قند بنوشد سفوفی که همین خاصیت دارد

صفت آن لک مغسول سندروس از هر یک چهار درم مرزنگوش نیم درم

زراوند مدحرج جنطیانا از هر یک دانگی و نیم کوفته و بیخته شربتی

دو دانگ سفوفی که قطع سیلان منی کند و سرعت انزال را نافع باشد

صفت آن تخم سداب سه درم تخم فنجنکشت بیخ سوسن از هر یک

دو درم کلنار ورق گل سرخ از هر یک یکدرم و نیم کوفته بیخته دو درم در
دوغ یا در آب غوره حل کرده بنوشند سفوفی که نافع است از جهت
قروح کلیه و مثانه صفت آن گل مختوم دم الاخوین نشاسته کندر مغز
تخم خیار مغز تخم کدو رب السوس لک مغسول ربوند چینی مغز حب الصنوبر
خشخاش بزر البنج مساوی کوفته و بیخته شربتی دو درم مسحج سفوفی
که وجع کلیه و مثانه را تسکین دهد صفت آن کندر بزر البنج دانگی افیون
قیراطی مغز تخم خیارین سه درم تخم کاهو تخم خرفه از هر یک یکدرم
کوفته بیخته شربتی دو درم خشخاش بنوشند سفوفی که از جهت استرخاء
زبان نافع است صفت آن دارچینی حماما سنبل از هر یک سه درم ساذج

و نانخواه زراوند طویل تخم کرفس شبت مصطکی سیسالیوس و فوا

انیسون از هر یک یکدرم مروارید ناسفته کهربا از هر یک دو درم کوفته

و بیخته شربتی یکدرم با آب گرم یا شراب کهنه سفوفی که در آبستنی معین باشد

صفت آن تراشه عاج نبات از هر یک مثقال زن سه شب سفوف سازد

و شب چهارم مرد با او جماع کند آبستن شود بشرط آنکه بعد از طهر مجامعت کنند

و بعضی گفته اند تراشه عاج را زن هفت روز متوالی هر روز دو درم

بماء العسل بیاشامد بعد از آن جماع دهد آبستن شود انشاء الله تعالی سفوفی

که بول براند و حرقت بول را نافع باشد صفت آن مغز تخم خیارین

مغز تخم کدو تخم خرفه خشخاش نشاسته کثیرا رب السوس از هر یک سه درم

بزر البنج دو درم قند سفید برابر ادویه شربتی سه درم با شراب خشخاش

سفوفی که قی الدم را نافع باشد صفت آن گل ارمنی صمغ کلنار دم

الاخوین کندر از هر یک نیم درم کوفته و بیخته و ده درم رب به بنوشند

سفوفی که شهوه طین و شهوات ردیه زنان را نافع باشد صفت آن

انیسون تخم کرفس زیره کرمانی نانخواه از هر یک ده درم فلفل سفید دو درم

و نیم قرنفل پنج درم کوفته و بیخته شربتی هر صبح و شام یک مثقال سفوفی

که همین خاصیت دارد صفت آن مصطکی زیره کرمانی نانخواه قاقلیه مساوی

نبات برابر همه کوفته و بیخته سفوف سازند سفوفی که بلغمی را نافع باشد

صفت آن کندر مصطکی از هر یک پنج درم عود خام هفت درم انار دانه

بازده درم قرنفل قاقله جوزبوا بسباسه سعد نعناع از هر یک چهار

درم پوست ترنج فرنجمشک از هر یک ده درم گل سرخ شش درم سنبل

آمله از هر یک پنج درم کوفته و بیخته سفوف سازند شربتی دو درم

سعوطی که صداع گرم و خشک را نافع باشد صفت آن آب کاهو و روغن

نیلوفر از هر یک جزوی شیر دختران دو جزو بیکدیگر ممزوج سازند

و در بینی چکانند سعوطی که درد پیچ و درد چشم اطفال را نافع باشد

صفت آن کندش حضض یکی کندر از هر یک یکدرم صعتر زعفران از

هر یک نیمدرم کوفته و بیخته و بآب حب سازند و بوقت حاجت بشیر دختران و روغن

بنفشه بادام بسایند و در بینی چکانند سعوطی که صداع بلغمی و ریحی را دور

نافع باشد صفت آن صبر سقوطری مرکندر حضض چند بید ستر زعفران صعتر

دار فلفل فلفل سفید از هر یک یکدرم کندش دو درم مشک نیم درم

کوفته و بیخته بآب مرزنگوش سرشته قرصها سازند و بوقت احتیاج بآب

مرزنگوش بسایند و در بینی چکانند سعوطی که سکته و لقوه را سود دارد صفت

زهره کلنگ بآب مرزنگوش یا آب سداب سائیده بچکانند یا جند بید ستر

با ماء العسل در بینی چکانند سعوطی که صداع حار را نافع باشد صفت آن

روغن بنفشه بادام روغن نیلوفر روغن کدو آب کاهو شیر دختر آن

مساوی بهم بیامیزند و در بینی چکانند سعوطی که فالج و لقوه را نافع باشد

صفت آن صبر شونیز بوره ارمنی مساوی در آب چغندر حل کرده در بینی چکانند

سعوطی که شقیقه سر درا نافع باشد صفت آن روغن بادام تلخ آب
مرزنگوش در بینی چکانند سعوطی که زکام و صداع حار را نافع باشد
صفت آن آب مورد و عرق بید صندل و کافور با یکدیگر مخلوط سازند
و در بینی چکانند سعوطی که صداع بارد را و نسیان را سود دارد صفت آن
جوز بوا درمنه ترکی قرنفل مرزنگوش از هر یک یک مثقال بسباسه چهار
مثقال کوفته و بیخته با آب مرزنگوش در بینی چکانند سعوطی که خنازیر را
نافع باشد صفت آن بسباسه گاوزبان از هر یک یک درم زهره خاره پشت گاو
از هر یک یک دانگ و نیم زعفران نیم درم کندش دو درم با سرکه و روغن گل
در بینی چکانند سعوطی که همین خاصیت دارد صفت آن دار فلفل مامیران شیطرج

از هر یک یکدرم مشکطرامشیع فنجنکشت از هر یک سه درم با رو
غن گل در بینی چکانند سعوطی که فالج و لقوه را و شقیقه و جمیع امراض بارده را
و رطبه که در چشم و سر باشد سود دارد صفت آن حضض مر از هر یک
ده درم عدس و صعتر از هر یک پنج درم صمغ عربی سداب زهره کلنگ
جاوشیر جندبیدستر شونیز از هر یک سه درم نبات و زعفران از هر یک
دو درم فرفیون صبر از هر یک نیم درم کوفته بیخته و با آب خالص قرص سازند
هر یک بمقدار عدسی وقت حاجت یکی از آن با آب مرزنگوش و روغن
بنفشه بادام سائیده در بینی چکانند سعوطی که رعاف را باز دارد
صفت آن کاغذ سوخته پوست تخم مرغ سوخته اقاقیا مازو بسبکه

اندا حشا و سوخته پوست انار ترش کندر مر صدف سوخته شادنج

مغسول از هر یک قدری کوفته و بیخته با آب بادروج در بینی چکانند

سنون سورنجان ضعف اسنان را نافع باشد صفت آن

سورنجان قرنفل سعد کزمازج پوست هلیله زرد صندل سفید و گل سرخ

مساوی کوفته و بیخته سنون سازند سنون دیگر که همین خاصیت دارد

صفت آن پوست هلیله زرد و نمک هندی از هر یک پنج درم قرفه یازده

درم دارچینی سعد از هر یک سه درم شب یمانی سماق از هر یک دو درم عاقرقرحا

هفت درم نوشادر و دارفلفل امله زعفران از هر یک یکدرم گل کرسنه مثقال

قاقله کلنار از هر یک چهار درم زرنباد شانزده درم کوفته بیخته سنون سازند

سنونی که حافظ صحت اسنانست صفت آن شاخ گوزن سوخته گز

مازج سعد سنبل از هریک چهار درم نمک اندرانی یکدرم کوفته و بیخته سنون سازند

سنونی که دندان را از چرک پاک سازد صفت آن نمک اندرانی

جو سوخته زبد البحر سماق سقمونیا مساوی کوفته و بیخته سنون سازند

سنونی که دندان متحرک را محکم سازد گلنار شب یمانی اقاقیا مساوی کوفته

و بیخته سنون سازند سنونی که همین خاصیت دارد صفت آن شب یمانی

گلنار گزمازج مساوی کوفته و بیخته و بسرکه بسرشند و در سایه خشک کنند

و دیگر باره بکوبند و سنون سازند سنونی که نافع است از جهت درد دندان

که بسبب آن ورم لثه باشد صفت آن تخم خرفه کشنیز سماق عدس مقشر صندل سفید

عاقرقرحا کافور مساوی کوفته بیخته بر لثه افشانند بعد از آن گلاب و سرکه را

یکساعت در دهن نگهدارند نشسته باشند سنونی که بیخ دندان سخت کند نمک اندرانی

و خون باز دارد صفت آن شاخ گوزن سوخته پوست هلیله زرد

سوخته گل سرخ از هر یک دو درم گلنار یکدرم کوفته بیخته بر لثه و دندان

افشانند سنونی که دندانرا محکم کند و خون رفتن باز دارد و بوی دهن را

خوش کند صفت آن هلیله بلیله آمله مقشر گل سرخ گلنار اقاقیا شب یمانی

قرط طباشیر عاقرقرحا مساوی کوفته بیخته و سنون سازند سنونی که خون رفتن

از بیخ دندان باز دارد صفت آن شب یمانی سوخته یکدرم نمک بریان کرده

دو درم سماق سه درم کوفته و بیخته سنون سازند سنون الملوک درد دندان را

نافع بود و بوی دهن خوش کند صفت آن مر اهل خور السر و عاقرقرحا مساوی

کوفته و بیخته استعمال نمایند سنونی که ناصور بن دندان را باصلاح آورد

صفت آن پنج سوسن عاقرقرحا از هر یک یکدرم شب یمانی گلنار مازو

سماق از هر یک دو درم کوفته بیخته و سنون سازند سنونی که زردی و سیاهی از

دندان ببرد و بوی دهان خوش کند صفت آن کزمازج زنجبیل زبد البحر

دار فلفل قاقله از هر یک دو درم نمک بریان کرده ده درم جو سوخته

هفت درم کوفته بیخته استعمال نمایند سنونی که خون از لثه

باز دارد و بوی دهن خوش کند صفت آن شب یمانی پنجدرم فودنج کوهی

ده درم کوفته و بیخته سنون سازند سنون مجرب که نافع است از جهة درد دندان

که سبب آن رطوبت باشد صفت آن فلفل دو درم و نیم بوره ارمنی یکدرم

و نیم عاقرقرحا زنجبیل مویزج از هر یک یکدرم کوفته و بیخته استعمال

نمایند سنونی که لثه را محکم کند و بوی دهن را خوش کند صفت آن

سعد گل سرخ از هر یک پنجدرم گلنار کرمانی فوفل از هر یک سه درم دم الاخوین

کندر قرنفل نمک اندرانی مصطکی بوزینه سوخته از هر یک دو درم عود خام

یکدرم کوفته و بیخته استعمال نمایند سنونی که بیخ دندان سخت کند و خون

رفتن باز دارد صفت آن پوست انار ترش ده درم شب یمانی هشت درم عاقرقرحا

گل سرخ کرمانی سماق از هر یک چهار درم نمک هندی پوست هلیله زرد از هر یک

ده درم کوفته و بیخته سنون سازند سنونی که خون رفتن از بیخ دندان باز دارد

صفت ان کات هندی فوفل کلنار گل سرخ سماق دم الاخوین کوفته و بیخته
٢١٢
شب به پاشند و صباح بگلاب و آب سماق مضمضه کنند سنونی که
دندان را سیاه باشد سفید کند صفت ان پوست هلیله زرد ده درم فلفل چهار
درم چهار ماسه درم ساذج هندی و درم مازو سوخته هشت درم
کوفته و بیخته بر دندان به پاشند سنونی که لثه را استحکم گرداند و انشف رطوبات
کند و بوی دهان خوش کند صفت آن گل انار ده درم نوشادر دو درم
موی سرخ سه درم مازو یکدرم پوده نه سوخته ده درم نمک بعسل سرشته
و سوخته ده درم کوفته بیخته استعمال نمایند سنونی که دندان را جلا دهد
و لثه را مستحکم گرداند و بوی دهان خوش کند صفت آن نی بجای نی سوخته دو درم

شیح سوخته و نمک اندرانی و زبد البحر و جو سوخته و چوب تاک سوخته از هر یک
ده درم عاقرقرحا کبابه گل گر از هر یک پنج درم قرنفل سماق از هر یک
چهار درم کوفته و بیخته سنون سازند سنونی که خون را باز دارد و لثه را
محکم کند صفت آن گل گرا مله از هر یک عصاره لحیة التیس گل مختوم اهل از
هر یک یک درم دار چینی نیم درم کوفته و بیخته استعمال نمایند سنونی
که دندان را سفید کرداند و بوی دهن خوش کند صفت آن زبد البحر دو
درم نمک بریان کرده دو درم عود سوخته و جو سوخته و سفال چینی
گرمازج گلنار عاقرقرحا قرنفل سازج گل سرخ و سعد دندان آن از هر یک
پنج درم زراوند طویل سک حب الآس از هر یک سه درم کوفته و بیخته بر دندان بمالند

سنونی که چون در محلّی که داروی آتشک مالیدن دهن
و بیخ دندان افشانند منع جوشش دهن کند و اگر دهن جوشیده باشد
بعد استعمال نماید باصلاح آورد صفت آن زراوند حرج برگ مورد کندر
بیخ سوسن گلنار دم الاخوین مازو سماق کوفته و بیخته استعمال نمایند
سنونی که قلاع را نافع بود و بوی دهن خوش کند و بیخ دندان را
محکم کند صفت آن شیاف مامیثا طباشیر تخم گل لسان الحمل پوست بلیله زرد
گلنار برگ زیتون گزمازج شب یمانی مساوی کوفته و بیخته استعمال نمایند
سنونی که آکله و ناصور بیخ دندان را نافع بود و خون رفتن باز دارد
صفت آن مرتوشا در بیخ سوسن زرنیخ سرخ عاقرقرحا مساوی کوفته بیخته

استعمال نمایند سنونی که همه خاصیت دارد صنعت آن بیخ سوسن

عاقرقرحا از هر یک یک درم شب یمانی کلنار مازو سماق از هر یک دو درم کوفته

و بیخته سنون سازند سنونی که دندان متحرک را محکم سازد صفت آن مرتوتیا

شب یمانی نشاسته سماق گل سرخ پوست انار زرشک و شیرین استخوان هلیله زرد

سک کلنار مازو کزمازج مساوی کوفته و بیخته و بر بیخ دندان افشانند نافع باشد

سنون دیگر اکله دهان و لثه را نافع باشد محکم دارد صفت آن پوست انار

زرشک و شیرین از هر یکی سی درم مازو کلنار شب یمانی کاغذ سوخته عاقرقرحا

از هر یک ده درم سماق پانزده درم نمک هندی نوشادر از هر یک پنج درم

کوفته و بیخته و سبزه که سبز شده و گلوله سازند و در سایه خشک کنند و در وقت حاجت دیگر باره

بکوبند و استعمال نمایند شربت ریباس دیگر استخار را و ورم لثه را نافع بود

و دندان را محکم کند و زهر را پاک سازد صفت آن ابوسبب انار دو درم گلنار

زرد چوبه سماق شب یمانی مازو از هر یک یک درم کوفته و بیخته استعمال نمایند

باب الشربة شربت افسنتین معده را از اخلاط فاسد پاک کند صفت آن افسنتین رومی

پنج درم ورق گل سرخ بیست درم تربد سفید ده درم در دو من آب بجوشانند

و بپالایند و یک من قند اضافه نمایند و بقوام آورند شربت افسنتین دیگر بعد بکر

معدهٔ ضعیف را و جگر سرد و سپرز را سود دارد و طبع نرم کند و بادهای را زود

دفع کند صفت آن افسنتین پنجاه درم سلیخه بیست درم تخم کرفس سی درم در

دو من آب بجوشانند تا به نیمه آید و با یک من قند شربت سازند شربت

افسنتین دیگر افسنتین پنجاه درم انیسون گل سرخ سلیخه اسارون از هر یک

ده درم مصطکی سنبل از هر یک هفت درم در دو من آب بجوشانند بعد از

از مصطکی وصاف کنند و با یک من و نیم قند بقوام آورند بعد از آن مصطکی را

صلایه نموده ممزوج سازند شراب افسنتین که معده را از صفرا پاک کند

و سوء المزاج گرم را زایل کند صفت آن ورق گل سرخ هفت درم شاتره

افسنتین از هر یک پنج درم آلوی سیاه بیست عدد تمر هندی بیست درم

مویز منقی سی عدد در دو من آب بجوشانند تا به نصفی آید صاف سازند

و نیم من شکر سفید در آن حل کنند بقوام آورند شربتی ده درم با یکدرم صبر

سقوطری شراب سعال سرفه کهنه را بغایت مفید بود و سینه را از اخلاط

پاک کند و ربو و ضیق النفس را نافع باشد صفت آن انجیر سفید شش وقیه
بیار غضل یک وقیه مویز منقی دو وقیه انیسون نیم وقیه در قدری خل الخمر
و آب خیسانیده سه روز بجوشانند و صاف کنند و دو رطل عسل اضافه کنند
و بقوام آورند شراب نارنگ معده را قوه دهد و قی باز دارد و دل را قوی گرداند
صفت آن آب به و آب سیب آب انار ترش و شیرین آب امرود از هر یکجزو آب
زرشک آب سماق و آب غوره آب تمر و آب ملجی و آب کیل از هر یک یکجزو
بجوشانند تا به ثلثی آید و آن مقدار قند که کفاف باشد اضافه نمایند
و بجوشانند تا بقوام آید شراب انار ترش قی باز دارد و صفرا دفع کند
و معده را قوت دهد صفت آن آب انار ترش دو من نعناع تازه و دو شاخه عود خام

آمله مصطکی از هر یک دو درم توبت بیرون بسته بخدرم کوفته در آب
بجوشانند سوای مصطکی تا به نیمه آید صاف کنند و با یک من قند بقوام آورند
بعد از آن مصطکی را داخل نمایند شراب انار منعنع مزاق بنشاند و قی
باز دارد و معده را قوت دهد صفت آن انار ترش و شیرین با تخم بکوبند
و آب آن بگیرند دو من و یک من قند و یک من و یکوقیه نعناع اضافه
نمایند و بقوام آورند شراب آلو مسهل صفرا و بلغم دفع کند صفت آن آلوی سیاه
یک صد عدد و ملح هندی یک چهار و یک ترید سفید بنفشه از هر یک
بیست درم در کیسه کنند و در نخمین آب بجوشانند تا یک من باز ماند بک بمالند
و بپالانید و یکمن ترنجبین اضافه کنند و شربت بزنند و فرو گیرند و یک مثقال

سقمونیا دران حل کنند **شراب خشخاش** منع نزلات و رشیش سینه

و سل را نافع بود و بیخوابی زایل کند صفت آن خشخاش بزرگ با پوست صد عدد

نیکو فته کنند با دو من و نیم آب باران به پزند و بپالایند و یکمن و نیم قند

شربت به پزند و اگر خشخاش بی پوست پزند بیست مثقال تخم خشخاش نکوبند

و پزند و با یک من قند بقوام آورند لیکن با پوست اولی تر است **شربت سیب**

معده و دل را قوت دهد و مفرح بود و قی ساکن کند و اسهال صفراوی

باز دارد صفت آن سیب اصفهانی اندرون و بیرون پاک کرده در هاون سنگی

یا چوبین بکوبند و آب آن بگیرند ده من بجوشانند تا بدو من آید و یکمن قند اضافه نمایند

و بجوشانند تا بقوام آید **شراب به** دل را قوت دهد و معده را قوی گرداند

واشتهای طعام آورد و طبع را ببندد و قی و غثیان باز دارد صفت
آن به ترش و شیرین اندرون پاک کنند و آب آن بگیرند و بپزند و بهمن آب به یکمن قند
اضافه کنند تا بقوام آید شراب ریباس اسهال صفراوی را نافع باشد و قی باز دارد
و تشنگی بنشاند و معده را قوت دهد صفت آن ریباس را بستانند و خاک را بچینند
بیندازند و در هاون سنگین یا چوبین بکوبند و آب آن بگیرند و صاف کنند و بجوشانند
تا به ثلثی آید و به ماندی نگذارند بگیرند پس و بپالایند و بهر یکمن آب یکمن قند اضافه کنند
و بقوام آورند شراب حماض صفرا بشکند و قی باز دارد و معده و دل را
قوه دهد و خفقان گرم را نافع باشد صفت آن احماض بیجانه سفید بمثقال قند
یک من آب بپزند شراب لیمو معده را قوه دهد و اشتهای آورد و صفرا بشکند و قی

بازدارد و هاضمه را قوی گرداند و دفع خمار کند صفت آن مانند شراب
حماض است شراب نارنج تشنگی بنشاند و دماغ را قوت دهد و درد سر که
از گرمی باشد ساکن گرداند صفت آن آب نارنج یک من بجوشانند تا به نصفی آید
و کف زرد آن بردارند و با دو من قند بقوام آورند شراب غوره تشنگی بنشاند
و تب گرم را سود دارد و خمار را دفع کند صفت آن آب غوره بگیرند و بجوشانند
تا به نصفی آید و کف آن بگیرند و زمانی بگذارند و بپالایند و سیر یک من آب غوره را یک
من قند اضافه نمایند و نیز بپزند شراب عود معده را قوت دهد و بوی دهان را
خوش کند و هاضمه را قوی گرداند صفت آن عود هندی آمله مقشر از هر یک
ده درم سنبل قرنفل جوز مصطکی از هر یک دو درم مجموع کوفته و بیخته

در کیسه کتان ریزند و در سه چهار رطل گلاب بر سر آن ریزند و بجوشانند

و کیسه را نیک بمالند تا قوت آن بگلاب دهد و یکمن قند بقوام آورند و فرو گیرند

و نیم درم مشک سوده در آن حل کنند و آن گلاب بر سر آن ریزند و دیگر باره

بجوشانند تا بقوام آید **شراب حب الآس** معده را قوت دهد و اسهال باز دارد

صفت آن حب الآس و امرود خشک از هر یک پنجاه درم قرط طراثیث

از هر یک ده درم آب به و آب سیب و آب انار از هر یک یکمن داروها را کوفته و بجوشانند

بجوشانند در آبهای مذکوره تا بثلثی آید و بپالایند و دیگر باره بجوشانند تا بقوام آید

شراب حب الآس نسخه دیگر اسهال و سرفه را نافع باشد صفت آن حب الآس بکوبند

و بجوشانند تا نیک تیره شود و بپالایند و به هر دو جزو از آن ده جزو قند

اضافه کنند و اگر قدری طباشیر در ان حل کنند بهتر باشد شراب دینار
طبع را نرم کند و جگر و دل را قوت دهد و سده بگشاید و سوء القنیه و استسقا و ذات
الجنب را نافع باشد و تشنگی بنشاند صفت آن تخم کاسنی بهم کوفته و رق گل
سرخ از هر یک بیست درم پوست بیخ کاسنی چهل درم نیلوفر گاوزبان
از هر یک ده درم تخم کشوث در کتان بسته سه درم بجوشانند تا مهرا شود
و صاف کنند با یک من قند بقوام آورند و فرو گیرند و ده مثقال ریوند
چینی در آن حل کنند شراب زوفا سرفه بلغمی را نافع بود و سینه و شش را
از اخلاط پاک کند و ربو و ضیق النفس را سود دارد صفت آن عناب سی دانه
سپستان پنجاه عدد انجیر زرد بیست عدد بنفشه چهار درم پرسیاوشان

هفت درم بجوشانند و بپالایند و یک من قند اضافه کنند و بعضی بجذام

فراسیون مویز منقی پنجاه عدد و اصل السوس یکتوله و نیم زوفا خشک

سه توله حلبه یک توله و نیم تخم کرفس یکتوله و نیم اذخر یک توله جو مقشر یکتوله

و نیم تخم خبازی یکتوله و نیم سنبل الطیب یکتوله تخم خطمی یکتوله و نیم

تخم کتان یک توله و نیم یکشب در سه آثار آب بخیسانند و صبح بجوشانند

آنقدر که بیک سیر آید صاف کرده باد و سیر قند بقوام آورند و داخل کرده

بردارند **شراب تمر هندی** طبع را نرم کند و صفرا اشکند و معده را قوه

دهد و قی باز دارد صفت آن تمر هندی نیم من بجوشانند و شیره اش بگیرند

و بپالایند و یک من قند اضافه کنند و بقوام آورند **شراب صندل** دلرا

قوت دهد و خفقان گرم و جگر گرم را نافع باشد و تشنگی را بنشاند صفت آن
صندل سفید سائیده بیست مثقال در گلاب خیسانیده یک شبانه روز
دیگر اندک جوش دهند و شیرابش بگیرند و با یک من قند شربت بزند
و اگر خواهند شربتی ممزوج کنند بعد از نیم قوام که آید جزوی آب غوره ممزوج کنند
تا بقوام آید فرو گیرند **شراب انجیر** گرده و مثانه را قوه دهد و منی بیفزاید و باه را
قوت تمام دهد و درد پشت را زایل گرداند صفت آن انجیر دو من در پنج
من آب بریزند تا یک من و نیم بماند و باز یک من نخود سفید در پنج من آب بریزند
تا یک من و نیم آید سرد و از بدست بمالند و صاف کنند و یک من و نیم عسل صاف کرده
بر سر آن بریزند و دارچینی خولنجان قرنفل سنبل از هر یک یک درم زعفران

نمد رم در کیسه بسته دران اندازند و بجوشانند تا بقوام اید شربتی پنج مثقال

شراب بنفشه ذات الجنب و ذات الریه و تب و سرفه و صداع و درد چشم را و

درد گرده را نافع باشد و بول براند و سینه را نرم کند صفت آن بنفشه تازه یک چهار

یک بجوشانند و پالایند و با یکمن قند شربت بزنند و اگر بنفشه تازه نباشد

یکوقیه بنفشه خشک کنند و بسیار بجوشانند **شراب نیلوفر** صداع حار را و تبهای

صفراوی را و سرفه و ذات الجنب را و ذات الریه را نافع باشد صفت آن گل نیلوفر

یکوقیه و اگر تازه باشد یک چهار یک بجوشانند و با یکمن قند شربت بزنند

شراب عناب ماشرا و آبله و حصبه و درد سینه و سرفه و غلبه خون را

نافع باشد صفت آن عناب یکچهار یک در دو من آب بجوشانند و بدست بمالند

و بپالایند و با یک من قند بزنند شراب گاوزبان دل را قوت دهد و سودای

مرا جرا نافع بود و خفقان را زایل کند صفت آن آب گاوزبان تازه یکمن

با یک من قند بجوشانند و کف بردارند و بقوام آورند و بیست مثقال گلاب

در آن ریزند و فرو گیرند و اگر گاوزبان تازه نباشد یک چهار یک خشک کنند

شراب بادرنجبویه دل را قوت دهد و خفقان سرد را نافع بود و تشویش سودائی

را زایل کند صفت آن بادرنجبویه بتابند و آب آن بگیرند نیم من و با یک من قند

شربت بزنند و اگر تازه نباشد پنجاه مثقال خشک کنند شراب هلیله اوجاع

مفاصل و تبهای گرم را نافع باشد و طبع نرم کند صفت آن هلیله زرد

صد عدد و نیم کوفته در ظرفی کنند و آب بر سر آن ریزند و نگاه دارند و دیگرات

بر سر آن ریزند و سه روز در آفتاب نهند و آب اول و دوم با هم بیامیزند

وصد و پنجاه مثقال ترنجبین در آن داخل کرده حل کنند و صاف کنند

و بر آتش نهند و بقوام آرند و فرو گیرند و یک مثقال سقمونیا در آن

حل کنند شرابی که فواق بنشاند خاصه آنچه از طعام باشد صفت آن زیره

کرمانی فودنه انیسون کندر از هر یک ده درم در دو من آب بجوشانند تا بنصف آید

و بپالایند و جرعه جرعه بنوشند شراب هلیون ریاح را کم کرده و مثانه پاک گرداند

صفت آن هلیون سی مثقال در دو من آب بجوشانند و بپالایند و با یک

من قند شربت بزنند شراب بزوری معده و جگر را نافع بود و درد ها

دفع کند و مفاصل را سود دارد صفت آن پوست بیخ کاسنی سی درم تخم کاسنی

پوست بیخ رازیانه از هریک بیست درم رازیانه تخم کرفس پوست بیخ کرفس
از هریک ده درم تخم کشوث درکتان بسته پنج درم بجوشانند و بپالایند
و با یک من و نیم قند شربت بزنند شربت بزوری بادیان تخم کرفس
از هریک پنج مثقال نیم کوب در یک کاسه آب بجوشانند تا به نیم آید صاف کنند
و هفتاد مثقال قند سفید اضافه نموده شربت بزنند شربت بزوری تخم کاسنی
نیم کوفته و تخم بادرنگ نیم کوفته از هریک پنج مثقال پوست بیخ کاسنی
دو مثقال قند سفید هشتاد مثقال بدستور سابق بزوری گرم بزنند
شربت دیگر مسهل صفرا بود و تنهائی مرکبه را نافع بود صفت آن گل
سرخ تازه نیم من در نه من آب بجوشانند تا به هفت من آید بپالانید و نیم من دیگر

برگ گل دران آب بجوشانند و دیگر بالایند چند نوبت با یک من آید صاف کنند
۲۳۱
و با یک من قند سفید شربت بزنند شربتی سی درم با ده درم سکنجبین و آب
یخ یا برف شراب توت درد گلو و خناق را نافع بود صفت آن
آب توت سیاه بگیرند و صاف کنند و بجوشانند تا بنیمه آید و بهر پنج رطل از آن
آب سه رطل قند صاف اضافه کنند و بقوام آورند شراب انار بی عجم
جگر را قوت دهد و تشنگی بنشاند صفت آن بگیرند آب انار شیرین و بجوشانند
تا بنیمه آید و بهر یک من از آن آب یک من قند سفید اضافه کنند و بقوام آورند
زایل کند
شراب عنبر درد معده را و اعصاب را سود دارد و خفقان را بردا
صفت آن عسل دو من در دو من آب بجوشانند و کف بردارند و بقوام آورند

وعنبر و زعفران سوده از هر یک یکمثقال اضافه کنند شربتی پنج درم شربت

۲۳۴

مشک معده را قوت دهد و مرض بلغمی را نافع باشد و پیران را موافق باشد

صفت آن عسل یک من قند سفید یک من در دو من آب بجوشانند و بقوام

آورند یک مثقال مشک و یکدرم زعفران سوده اضافه نمایند شربتی سه درم

شرابی که نافع است از جهة اسهال دموی و ضعف معده صفت آن

رب به شیرین سی مثقال گلنار عدسه آمله صندل سفید حب الآس از هر یک

یکمثقال گلاب و قند از هر یک بیست مثقال بطریق معهود شربت سازند شربتی

سه درم شربت ابریشم جگر را و دل و حشا را قوت دهد و سدد بگشاید

و استسقا و جمیع امراض بارده را نافع بود و باه را زیاده کند و نشاط

اورد صفت آن ابریشم پنجاه درم در آب آهنگران بخیسانند سه شبانه روز
و در دیگ بجوشانند تا به نیمه آید صاف کنند و خولنجان و وج ترکی مصطکی
رومی از هر یک سه درم زعفران یکدرم صلایه کرده اضافه نمایند و با یک من
قند شربتی بزنند شربتی چهار درم **شراب اسطوخودوس** صرع و مالیخولیا و صداع
و جمیع امراض دماغی که سبب آن برودت باشد سود دارد صفت آن اسطوخودوس
بر سیاوشان عود صلیب از هر یک پنجدرم اصل السوس گاوزبان رازیانه
پوست بیخ کرفس تخم خطمی بنفشه گل سرخ از هر یک سه درم زبیب منقی
سپستان از هر یک یازده دانه جوشانیده و صاف کرده با یک من قند بقوام آرند
شراب اصل مفا پوست کبح پوست بیخ رازیانه از هر یک بیست مثقال تخم کرفس رازیانه

انیسون نانخواه ماهیزهره سورنجان از هر یک ده درم پوست بیخ کرفس
بیست درم قند سفید یکمن بطریق معهود شربت سازند شراب اصول مواد
غلیظه را نضج بدهد و سده بگشاید و بادها بشکند و سوء القنیه و استسقا و جمیع
امراض بارده جگر و معده را نافع بود صفت آن پوست بیخ کرفس پوست
بیخ کاسنی از هر یک سی درم پوست بیخ کبر پانزده درم رازیانه تخم کرفس
تخم کاسنی از هر یک بیست درم انجیر زرد بیست دانه مویز منقی چهل دانه
فقاح اذخر سنبل اسارون سلیخه از هر یک ده درم قند سفید یک من
شربت پزند شراب کندر درد پشت را نافع بود و باه را قوت دهد صفت آن
کندر شسته پاکیزه ده من میان آن را بیذار زند و درم درم کنند و در دیگ سنگین

اندازند و آب بر بالای آن بریزند و سر دیگ بگل حکمت یا خمیر محکم کنند
چنانچه بخار از آن بیرون نرود با آتش نرم پزند و بگذارند تا سرد شود پس سر
دیگ بگشایند و نیک بمالند و آب آن بستانند و صاف کنند و با همسنگ آن
عسل در دیگ ریزند سنبل و خولنجان و قرنفل دارچینی از هر یک یکدرم زعفران
نیم درم مجموع را نیکوب نموده در کیسه کنند و در آن دیگ اندازند و هر لحظه
بدست بمالند و میجوشانند تا بقوام آید **شراب الخبا** اسهال دموی را و نفث الدم
و سیلان طمث را نافع باشد و معده و جگر گرم را هم نافع بود صفت آن صندل سرخ
و سفید سائیده از هر یک پنج مثقال الخبا هفت مثقال اقاقیا دو مثقال
قند سفید نیم من شربت پزند **شراب حب الآس نسخه دیگر** آمله مقشر یک مثقال

حب الآس دو مثقال پوست بیخ انجبار گلنار گل بیخ تخم حماض بریان
از هر یک دو درم رب به شیرین گلاب از هر یک بیست مثقال شراب صندل
سی مثقال بدستور معهود شربت سازند شرابی که از جهت مالیخولیا و امراض
سودائی را نافع است صفت آن تخم کاسنی تخم فرنجمشک تخم بادرنجبویه
از هر یک ده درم گاوزبان سه درم بادرنجبویه هفت درم و نیم ابریشم دو درم
و نیم اصل السوس پنج درم رازیانه بسفایج از هر یک سه درم و نیم در شش
مقابل ادویه گلاب دو مقابل ادویه آب سیب شیرین بجوشانند تا به ثلث آید
و با یک من قند شربت بزنند شراب قند بلغم دفع کند و سردمزاج را نافع باشد
صفت آن زنجبیل دارچینی از هر یک پنج درم سنبل قاقله از هر یک

قرنفل یکدرم مجموع نیمکوفته در هفت رطل آب بجوشانند تا به پنج رطل آید
و پالایند و با پنج من قند سفید بقوام آورند و نیم درم زعفران سائیده اضافه
نمایند **شراب عسل** معده و جگر را گرم کند صفت آن سنبل مصطکی
دارچینی قاقله عود هندی هیل جوزبوا از هر یک یکدرم قرنفل نیمدرم
مجموع نیمکوفته در سه رطل آب بجوشانند تا بقوام آید **شراب خمار** در دفع خمار
بی نظیر است صفت آن آلوی سیاه تمر هندی بیدانه از هر یک یک رطل
عناب پنجاه عدد در شش رطل آب بجوشانند تا دو رطل آید و پالایند و آب انار
ترش و شیرین آب سیب و آب لیمو از هر یک نیم رطل اضافه نمایند و یک رطل
قند بقوام آورند **شراب فنجنوش** سرعت انزال را نافع است صفت آن

آب انگور خام شش رطل سماق مازو و گلنار گل سرخ گشنیز خشک کندر صعتر

سعد از هر یک ده درم زعفران مرشکانی از هر یک یکدرم خبث الحدید مثقالی

بجوشانند تا به ثلثی آید صاف کنند و استعمال نمایند دوآر بخیث

مقوی اعضای رئیسه است و نسیان و امراض بلغمی و سوداوی را نافع باشد

صفت آن آب انگور صد من به تبریزی سه من سیب اصفهانی دو من

گلاب نیم من آب خالص ده من دارچینی قرنفل مصطکی سنبل کبابه چینی

خیربوا خولنجان از هر یک پنج درم عود خام بسباسه و اله از هر یک

سه درم زعفران دو مثقال مشک نیم مثقال عنبر یک مثقال سیب و به را

در آب انگور بجوشانند تا مهرا شود و بعد از آن برکشند و صاف کنند

مشک و زعفران و عنبر را در گلاب حل کنند و اضافه نمایند و ادویه نیم کوفته در کیسه

کنند و در محل جوشانیدن کیسه را در دیگ اندازند و بدست میمالند تا شیره

باز دهد و چون شیرهٔ انگور را در خم ریزند کیسه را نیز در خم اندازند و بعد از

شش ماه استعمال نمایند **شراب خبث الحدید** معده را قوت دهد و هاضمه

را قوی گرداند و لون را نیکو کند و باد بواسیر را نافع بود صفت آن تخم

کرفس رازیانه زیره کرمانی انیسون نانخواه الجدان صعتر کاشم کرویا

کشنیز خشک فلفل دار فلفل کندر دارچینی سنبل قرفه جوزبوا تخم جرجیر

تخم بار سعد زنجبیل از هر یک یک مثقال خبث الحدید ده مثقال در شش

مقابل در شش مقابل اجزا شراب بجوشانند تا به نیمه آید و صاف کنند

شربتی هر روز سه درم **شراب ریحانی** بسیار و امراض بلغمی را نافع
باشد معده را قوت دهد و برازرا موافق بود صفت آن شیره انگور صد من
در خم ریزند و شش من قند اضافه کنند و دارچینی و قرنفل بسباسه
جوز بوا از هر یک ده درم مجموع را نیمکوفته در کیسه کرده در خم اندازند
و سر خم بگیرند و بعد از شش ماه استعمال نمایند باید که خم را اول پاک بشویند
و اندرون آن موم گداخته بگردانند و بمشک و عنبر بو یا کرداند **شرابی**
که دل را و معده را قوت دهد و امراض سوداوی و بلغمی را نافع باشد
صفت آن آب سیب سه رطل آب به شیرین دو رطل در دیگ سنگین کنند
و قرنفل یکدرم و نیم عود هندی دو درم گاوزبان بادرنجبویه گل سرخ

ازهریک سه درم کوفته در کیسه بسته در دیگ اندازند وباب سیب
وبجوشانند تا بنیمه اید ودر خم اندازند وشراب ریحانی دو من بر بالای ان
ریزند وقند سفید یکرطل ونیم اضافه نمایند وسر خم بگیرند وبیست روز
در آفتاب بگذارند وبعد ازان صافی نموده استعمال نمایند شیاف ابیض
سلاق وغلظ اجفان وجرب رمد را نافع بود وصفت ان شادنج عدسی
مغسول ده درم مس سوخته هشت درم سبد مروارید ناسفته شادنج ازهریک
چهار درم صمغ عربی کثیرا مرصاف ازهریک دو درم دم الاخوین
زعفران ازهریک یکدرم صلایه کرده شیاف سازند شیاف احمر بحار
سبل وظفره وسلاق وبیاض انا نافع باشد صفت ان شادنج مغسول شش درم

صمغ عربی یک درم مس سوخته زاج سوخته از هر یک دو درم افیون

صبر سقوطری از هر یک یک دانگ و نیم کوفته و بحریر بیخته شیاف سازند شیاف اخضر

جرب و سبل و بیاض را نافع باشد صفت آن زنگار سه درم اقلیمیای نقره

اشق صمغ عربی سفیداب ارزیز از هر یک دو درم صمغ و اشق را در آب

سداب حل کنند و داروها کوفته و بحریر بیخته بدان بسرشند و شیاف سازند

شیاف ... کمنه و جرب و سبل و سلاق و شعیره و شعر زاید را نافع

صفت آن زنگار شش درم صمغ عربی اشق از هر یک چهار درم اقلیمیای نقره یا طلای

افیون از هر یک دو درم بارزد یک درم کوفته و بحریر بیخته با آب سداب بسرشند

و شیاف سازند شیاف طرخماطیقون کمنه و جرب و سلاق و استرخای جفن

وریح و سبل را نافع بود صفت آن بادنج معسول دوازده درم صمغ عربی

ده درم زنگار قلقطار سوخته از هریک پنج درم مس سوخته چهار درم افیون

و زعفران از هریک یکدرم بآب رازیانه بسرشند و شیاف سازند شیاف ابیض

اسفیوی رمد گرم را نافع بود و درد صعب را بنشاند و تخدیر کند صفت آن

سفیداب ارزیز هفت درم صمغ عربی پنج درم افیون کثیرا از هریک یکدرم بسفیده

تخم مرغ سرشته شیاف سازند شیاف انزروتی ابتدای رمد را نافع باشد

صفت آن سفیداب ارزیز هشت درم انزروت مربی بشیر خر کثیرا از هریک

چهار درم بسفیده تخم مرغ سرشته شیاف سازند شیاف گل احمر بنسخه محمد زکریا

رمد را نافع است و حدت آن کمتر از حدت ابیض بود بهترین و سبکترین شیافات

صفت آن گل سرخ چهار مثقال زعفران سفیداب ارزیز از هر یک دو
مثقال افیون و صمغ عربی از هر یک یکمثقال بکوبند و بسته و معهود شیاف سازند
شیاف ریوبا رمد را در روز اصلاح آورد صفت آن شیاف مامیثا انزروت
مری از هر یک هشت درم زعفران دو درم افیون نیم درم کثیرا انکدرام
کوفته بحریر بیخته بآب باران سبز شده و شیاف سازند با سفیده چشم مرغ
در چشم کشند **شیاف ریوبا** به نسخه دیگر رمد را نافع بود و سرخی چشم را بیرون
آرد اماس بنشاند و درد را تسکین دهد صفت آن اقلیمیای نقره و روی
سوخته از هر یک سه مثقال کثیرا اقاقیا صمغ عربی از هر یک دو مثقال افیون
زعفران از هر یک یکمثقال کوفته و بحریر بیخته بسفیده تخم مرغ سرشته شیاف سازند

شیاف قیصیر ظفره و لحم زاید را نافع باشد صفت آن اشادنج مغسول
دوازده درم صمغ عربی سوخته از هر یکی شش درم قلقطار سوخته و زنگار
از هر یک دو درم با آب رازیانه سرشته شیاف سازند **شیاف خلوقی** باد را پراکنده کند
والتحام ملتحمه را بنشاند صفت آن مس سوخته سه درم اقاقیا دو درم کثیرا صمغ عربی
سنبل زعفران از هر یک یکدرم با آب باران شیاف سازند **شیاف اسود** بادها را
که در چشم باشد کشیدن کردن نافع بود صفت آن مس سوخته و توتیا و [illegible]
از هر یک یکدرم و نیم زعفران شیاف مامیثا از هر یک نیم درم مروارید ناسفته
بسد از هر یک یکدرم اقاقیا نیم درم کوفته بیخته و با آب باران شیاف سازند
شیاف ابیض کندری قرحه و ماده غلیظه را نافع باشد صفت آن اسفیداج

هشت درم افیون از زروت مربی کثیرا از هر یک یکدرم صمغ عربی چهار
درم کندر نیمدرم باب باران شیاف سازند شیاف قرحه و موی
سرج را نافع باشد و حرارت نشاند و صفرا را پراکنده سازد صفت آن
اقلیمیای طلا سفیداب ارزیز مس سوخته سرمه اصفهانی صمغ عربی کثیرا سوخته از
از هر یک هشت درم افیون از هر یک یکدرم باب باران شاف سازند
شیاف بار بار زنهنیکره منفعت این قریب بمنفعت اولست صفت آن
ابار سوخته سرمه اصفهانی مس سوخته توتیا کثیرا صمغ عربی از هر یک شش درم
افیون نیمدرم کوفته بیخته و شاف سازند و بعضی اقلیمیای طلا و سفیداب ارزیز
از هر یک شش درم کندر چهار درم اضافه میکنند شیاف کندر

منقول است از کامل الصناعه صفت ان اقلیمیای سفید آب ارزیز مس سوخته

از هر یک هشت درم و سرب سوخته کوکرد زرنیخ چهار درم سرمه اصفهانی

سی درم شسته صمغ عربی و کثیرا از هر یک هشت درم افیون و حضض از هر یکی

یکدرم کنند بحد درم کوفته و بیخته شیاف سازند شیافی که ابتدای آب را

نافع است صفت ان خربق سفید یک وقیه فلفل نیم وقیه اشق یکدرم با آب

ترب شیاف سازند شیاف روشنایی جرب و طفره و انتشار و ابتدای

آب نزول را نافع باشد صفت آن اقلیمیای نقره و طلا مروارید ناسفته از هر یک

دو درم کافور و مشک از هر یکی دانگی صلایه کرده شیاف سازند شیاف اصفهانی

از جهت ابتدای نزول آب و تاریکی چشم را نافع است صفت انزروت مربی

شیاف مامیثا از هر یک هشت درم مر بوره ارمنی فلفل سفید از هر یک چهار

درم زرنیخ زرد دو درم زعفران یک درم و نیم کوفته بیخته شیاف سازند

شیاف احمر بجهت یکمد هلیله زرد توتیای هندی از هر یک پنجدرم فلفل سفید

صمغ عربی از هر یک سه درم زعفران یکدرم با آب رازیانه شیاف سازند

شیاف اکبر قرحه و بثره را نافع باشد و گوشت برویاند صفت آن اشق انزروت

از هر یک پنج درم کندر ده درم زعفران دو درم اشق را در لعاب حلبه حل سازند

و باقی ادویه بدان سرشند و شیاف سازند **شیاف سماق** جرب و خارش

و سوزش و حجوز را نافع باشد صفت آن سماق سی مثقال با آب باران بپزند و بپالایند

و باز بجوشانند تا غلیظ شود و بگذارند تا سرد شود و ده درم سفیداب ارزیز

بان سبز شوند و شیاف سازند و بعضی آب سماق را بجوشانند تا غلیظ
می شود و گرد سماق با آن بسرشته شیاف می سازند **شیاف دینار**
جون سنبل رقیق بردارد صفت آن زردچوبه و شادنج مغسول صبر سقوطری
شیاف مامیثا مساوی کوفته و بیخته با آب باران شیاف سازند
شیاف وردی صعوبت درد چشم را در حال بنشاند صفت آن ورق
گل سرخ پانزده درم زعفران هشت درم افیون ده درم سنبل دو درم صمغ عربی
یکدرم با آب باران شیاف سازند **شیاف اسود نسخه** رمد و قرحه عین و دمعه
و سبل را که با حرارت باشد نافع باشد صفت آن اقلیمیا طلا اسفیداب ارزیز
صمغ عربی افیون از هر یک چهار درم مس سوخته سنبل نشاسته از هر یک یکدرم

ونیم اقاقیا نشسته بیست و چهار درم کوفته و بحریر بیخته بعضی را آب سبو کرده

باب عنب الثعلب شیاف سازند شیاف ابیض استرخای جفن و تاریکی

بصر و ابتدای آب را نافع است صفت آن اقلیمیای طلا فلفل افیون از هر یک

چهار درم صمغ و شیاف مامیثا از هر یک هشت درم انزروت نمک هندی

زرنیخ زوفا از هر یک یکدرم بوره ارمنی دوازده درم با آب برازیانه شیاف سازند

شیاف ازرق که جرب و غلظ جفن و سبل کهنه را که با آن حرارت باشد و حمرة

و بیاض و تاریکی چشم را زایل کند صفت آن افیون اقلیمیا نقره از هر یک یکدرم

سفیداب ارزیز صمغ عربی زنگار اشق از هر یک دو درم با آبی که اشق در آن حل کرده

باشد شیاف سازند شیاف دیگر که نافع است ابتدای مدّ را و درد ساکن کند

وخواب آورد صفت آن شیاف مامیثا هفت درم زعفران افیون حضض

صمغ عربی از هریک دو درم کثیرا انزروت از هریک چهار درم جندبیدستر

یکدرم کوفته و بیخته شیاف سازند شیاف دیگر که نافعست قرحه حاره خندیده چشم را

خشک کند و گوشت برویاند صفت آن سفیداب ارزیز دو درم کندر انزروت

از هریک یکدرم افیون نیم درم کافور دو دانگ کوفته و بیخته شیاف سازند

شیاف انکاری جرب باد سبل را نافع است صفت آن صمغ عربی

سفیداب ارزیز زنگار مساوی با سفیداب شیاف سازند شیاف غوره

جرب و حکه و پلک را نافع بود صفت آن زنجبیل نیم درم هلیله زرد صمغ

عربی توتیای مغسول از هریک دو درم حضض مکی چهار درم زردچوبه و زعفران از

هر یک دو درم با آب غوره شیاف سازند **شیاف غرب** صبر کندر گلنار

انزروت دم الاخوین سرمه شب یمانی از هر یک یکدرم زنگار دانگی

و نیم به گلاب شیاف سازند و سوراخ را از چرک پاک سازند و در آنجا چکانند

شیاف [illegible] قرحه و سعفه و بثره و موسرج و نتو قرنیه و عنبیه و کمنه المدة

و رمد کهنه را نافع بود صفت آن برگ گل تازه هفتاد دو مثقال و اقلیمیای

نقره محرق مغسول صمغ عربی از هر یک بیست و چهار مثقال زعفران شش

مثقال افیون سرمه از هر یک سه مثقال زنگار توبال نحاسی سنبل از هر یک

دو مثقال مر صافی چهار مثقال کوفته و بیخته با آب باران شیاف سازند

شیاف نیارجون به نسخه دیگر رمد سوداوی را نافع باشد صفت آن

سفیداب ارزیز قلیمیا از هر یک ده درم افیون نشاسته از هر یک

یکدرم انزروت کثیرا یکدرم ونیم کوفته بیخته و شیاف سازند شیاف آبار

به نسخه دیگر اقلیمیای طلا توتیا سرمه سفیداب ارزیز روی سوخته کبند

از هر یک دو درم دم الاخوین افیون از هر یکی یکدرم انزروت یکدرم ونیم

کوفته بیخته و شیاف سازند شیاف کبند قرحه و بثره را نافع باشد صفت آن

اشق انزروت از هر یک پنجدرم کندر ده درم زعفران دو درم لعاب

حلبه شیاف سازند شیاف قلقند از برای ظفره نافع است صفت آن

روی سوخته پنجدرم زنگار دو درم نوشادر قلقند بوره ارمنی از هر یک یکدرم

زرنیخ سرخ نیم درم بسرکه بسرشند و هفته نگهدارند پس شیاف سازند

شیاف زرد طرفه را نافع بود صفت آن مر کندر زعفران از هر یک یک درم

زرنیخ سرخ نیم درم کوفته و بیخته شیاف سازند و بآب کشنیز تازه در چشم

چکانند شیاف مرارات انتشار و ابتدای نزول آب را نافع بود صفت آن

زهره کلنگ زهره بز کوهی زهره باز زهره کبک مجموع را خشک کرده ده درم

تخم حنظل سکبینج فرفیون از هر یک یک درم با آب رازیانه شیاف سازند

شیاف مرارات بنوعی دیگر ضعف بصر و ابتدای آب را نافع باشد

صفت آن زهره باشق زهره عقاب زهره خروس زهره روباه زهره شبوط

خشک کرده مساوی با آب رازیانه شیاف سازند شیاف مرارات بنوع دیگر

زهره کلنگ زهره خروس زهره کبک زهره گرگ زهره بز کوهی زهره باشق

زهره کبوتر زهره خرگور زهره شیر زهره تعلق زهره خوک زهره روباه

زهره خرگوش زهره ماهی از هر یک خشک کرده یکدرم سکبینج فرفیون

شحم حنظل از هر یک یکدرم سکبینج را در آب دیان حل کنند و دواها را

کوفته و بیخته بآن بسرشند و شیاف سازند شیاف دیگر که قایم مقام مرارات است

صفت آن زهره بز کوهی در ظرف مسین خشک کرده ده درم شحم حنظل نیم درم

سکبینج ده درم نوشادر و فرفیون از هر یک یکدرم با آب سداب تازه

شیاف سازند شیاف علانی حکه و جرب و سلاق و ظلمة و دمعه

و سبل و ظفره و خشونت اجفان را نافع است صفت آن توتیای مغسول شش درم

ماميران چینی شیاف مامیثا از هر یک پنج درم دار فلفل زنجبیل زبد البحر حضض هندی

پوست هلیله زرد شادنج از هر یک سه درم زعفران دو درم کثیرا صمغ
عربی از هر یک دو مثقال آب غوره شیاف سازند شیاف جلیلث خیالات
و ابتدای آب را نافع باشد صفت آن جلیلث و خربق سفید از هر یک ده درم
سکبینج سه درم با عسل بسرشند و شیاف سازند شیاف دینارجون ابوعبید بکر
سبل و جرب و ظفره را نافع است و چشم را جلا دهد صفت آن قلیمیای طلا
سفیداب ارزیز از هر یک ده درم کثیرا مرار از هر یک پنج درم مروارید ناسفته
بسد دم الاخوین از هر یکی چهار درم زنجار سرخ نبات اقاقیا از هر یکی
نیم درم افیون هفت درم زعفران نشاسته روی سوخته از هر یک دو
درم کوفته بحریر بیخته شیاف سازند شیافی که جرب و سبل و لحم زاید را

نافع است صفت ان شادنج هندی شش درم صمغ عربی پنج درم زنگار

سه درم مس سوخته قلقطار سوخته از هر یک دو درم افیون مر انزروت یکی

یکدرم زعفران نیم درم باب سداب شیاف سازند شیاف دیگر

که همین خاصیت دارد صفت آن زنگار سه درم سفیداب ارزیر اقلیمیای نقره

صمغ عربی اشق از هر یک دو درم اشق را باب سداب حل کنند و داروها را

کوفته و بیخته باین بسرشند و شیاف سازند شیافی که تره و قرحه را سود دارد

و نشان قرحه را ببرد صفت اثبات خ کوزن سوخته و شسته و سرب سوخته و شسته

از هر یک چهار درم توبال مس سوخته و شسته دو درم صمغ عربی سه درم افیون

یکدرم شیاف سازند شاف مسهل قولنج بگشاید بلغم و صفرا دفع کند

و درد پشت را نافع باشد صفت آن سکنجبین مقل جوشیر اشق نمک هندی

٢٥٣

تخم حنظل بوره ارمنی سقمونیا تربد حب النیل مساوی صمغ ها را با آب سداب

حل کنند و داروها را کوفته و بیخته با آن بسرشند و شیاف سازند از یکی درم

شیافی که پشت درد و جمیع انواع مفاصل را که سبب آن سردی و بلغم باشد

نافع بود صفت آن سکنجبین جاوشیر مقل بوره ارمنی اشق حب النیل سورنجان

شقاقل شحم حنظل تخم کرفس رازیانه انیسون نمک هندی انزروت

جند بیدستر زرنباد قسط سعد ماهی حرج سداب خشک مساوی بکوفته

و بیخته با آب سداب تازه بسرشند و شیاف سازند شیاف دیگر که درد پشت

و اوجاع مفاصل و بواسیر را نافع بود صفت آن سکنجبین جاوشیر مقل بارزد

شحم حنظل بید انجیر ماهی زهره بوزیدان از هر یک یکدرم بزر البنج یکدرم و نیم

سورنجان تربد از هر یک سه درم جند بیدستر نیم درم بآب کنند و

شیاف سازند شیاف جنبیر زعفران حضض مر کندر افیون مساوی بکوبی

کوفته و بیخته شیاف سازند شیاف خیار چنبر قولنج بگشاید و طبع نرم کند

صفت آن بنفشه دو درم خطمی سه درم سنای مکی پنجدرم نمک هندی

یکدرم خیار چنبر شکر سرخ از هر یکی ده درم شیاف سازند شیاف بنفشه

که همین منفعت دارد صفت آن بنفشه پنجدرم سقمونیا و نمک هندی از هر یکی

دو درم بوره ارمنی تربد از هر یکی سه درم قراقروت فانید از هر یک

پنج مثقال شیاف سازند شیاف تقلیع ذوی طنین را که سبب

آن ریح غلیظ باشد و وجع یعنی گوش و طرشی که سبب آن اخلاط

غلیظ بود زایل کند صفت آن بوره ارمنی سه درم جند بیدستر زراوند مدحرج

عصاره افسنتین از هر یک پنج درم فرفیون دانگی قسط دانگی و نیم کوفته

و بیخته بزهره گاو سرشند و شیاف سازند در وقت حاجت یکی از آن

در روغن بادام تلخ حل کرده در گوش چکانند **شیاف قولنج** بوره ارمنی

ده درم شحم حنظل مقل سکبنج از هر یک پنج درم سقمونیا دو درم و نیم شکر سرخ

ده درم و نیم شیاف سازند **شیاف فرفیون** ضعف مثانه و سلسل البول

دقیق را نافع بود و باه را قوت دهد صفت آن نارجیل حب صنوبر حب المحلب مقشر

مغز بادام تلخ کرمدانه حب الزلم از هر یکی دو درم فرفیون جند بیدستر سداب

از هر یک سه درم مقل ازرق ده درم با آب کنند تا حل کرده شیاف سازند
شیافی که مقوی باه است صفت آن حلتیت فرفیون از هر یک یکدرم
مشک نیم درم کوفته بیخته و شیاف سازند شیافی که همین خاصیت باه دارد
صفت آن سه بز سوسمار زهره گرگ حب القطن عاقرقرحا مساوی کوفته و بیخته
بروغن سنبل شیاف سازند شیافی که استسقای طبلی را نافع بود و بادها
دفع کند صفت آن سداب حرمل رازیانه تخم کرفس تخم بنفشه سفید بوره ارمنی از
هر یک یکدرم شکر سرخ پنجدرم با آب سداب شیاف سازند شیافی
که خون رفتن از بواسیر باز دارد صفت آن کندر انزروت دم الاخوین
گلنار سرمه زاج سفید از هر یک یکدرم نگار دانکی کوفته و بعسل سرشته شوند

وشیاف سازند شیافی که همین خاصیت دارد صفت آن قنطوریون

دقیق بیخ سوسن انزروت از هر یک یکمثقال مازو نیم مثقال زنگار دانکی

بعسل سرشته شیاف سازند شیاف دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن

اقاقیا لحیة التیس گلنار گل ارمنی از هر یک یکدرم ودع سوخته سفیداب

از هر یک نیم درم باب لسان الحمل یا به آب خرفه سرشته شیاف سازند

شیافی که همین عمل کند صفت آن عصاره لحیة التیس جفت بلوط

اقاقیا دم الاخوین از هر یکی یکدرم صدف سوخته مر سفیداب از هر یک نیم درم

باب لسان الحمل شیاف سازند شیافی که در عقب مسهل استعمال کنند

اگر در اسهال تقصیری باشد و گرم مزاجرا موافق باشد صفت آن زر الحتین نیم درم

صابون رقی تخم خطمی نمک طعام از هر یکی دو درم شکر سرخ پنج درم شیاف

۲۹۳

سازند **شیافی** که اسهال دموی را نافع بود صفت آن مر اقاقیا صمغ عربی

بزر البنج برنج بریان کرده مساوی کوفته و بیخته با آب مورد سرشته شیاف سازند

شیافی که نافع است از جهت زحیر و اسهال دم و اعراض صفت آن صمغ

عربی اقاقیا افیون بازو بزر البنج کندر گل ارمنی برنج بریان کرده مساوی

کوفته و بیخته با آب مورد یا با آب کشنیز تازه سرشته شیاف سازند و بیش از مجامعت

استعمال کنند **شیافی که شکم بندد** صفت آن اقاقیا صمغ عربی کلنار

کزمازج بلوط برنج بریان کرده مساوی کوفته و بیخته به آب مورد سبز سرشته

و شیاف سازند **شیاف بوط** صفت آن اقاقیا آمله کلنار صمغ عربی مساوی کوفته

و پخته با آب مورد بسر شد و شیاف سازند و پیش از مجامعت استعمال نمایند

۲۶۷

شیافی که از جهت کرم کوچک که کدو دانه خوانند که در امعای سفلی اطفال

باشد سود دارد صفت آن پخته شحم حنظل قنطوریون نمک هندی معرا استخوان زرد

آلو تلخ مساوی کوفته بیخته شیاف سازند باب الصاد صبغی که بهق و برص را برنگ

بدن آورد صفت آن تخم ترب شیطرج قوه کندش خردل کوفته و بیخته بسرکه کهنه

ترکنند و در آفتاب بمالند صبغی که برص را رنگین کند صفت آن مرشوره

شب یمانی قوه کوفته بیخته و بدرد شراب ترکنند و چند نوبت بمالند

صبغی که همین خاصیت دارد صفت آن شیطرج عاقرقرحا حضض خردل اشنو نیز

گل شقایق مرزنجوش زردچوبه قوه مساوی کوفته بیخته بخون بز سرشته بمالند

صبغی دیگر که همین عمل کند صفت آن شیطرج فوه نیل شب یمانی گل سرخ
کوفته بیکشبانه روز در سرکه بخیسانند روز دیگر بمالند صبغی که بهق اسود را
ببرد و برنگ بدن آورد صفت آن تخم ترب ده درم کندش قسط
از هر یک دو درم بسرکه کهنه بمالند صبغی که رنگ را سرخ گرداند صفت آن
زعفران فوه کندش مر مصطکی مساوی کوفته با آب سبوس سرشته شب بمالند
وصباح با آب گرم بشویند صبغی که نشان آبله و جراحات و ریشها ببرد
و برنگ بدن آورد صفت آن مرداسنگ شنبلیخ نی کهنه آرد نخود برنج
استخوان پوسیده مغز تخم خربزه حب البان قسط کوفته و بیخته بلعاب حلبه
و بزر کتان شب بمالند و صباح بسبوس و آب گرم بشویند صبغی دیگر

که همین خاصیت دارد صفت آن ایرسا قسط مرداسنگ مغسول شاخ گوزن

۲۶۶

سوخته بوره ارمنی اشق کوفته بماء الشعیر بمالند ابن الصّبا ضماد ابن التّمن

صلابت طحال را نافع بود صفت آن مقل دو درم اشق یکدرم ارد باقلا

گرسنه نخود اکلیل الملک بزرک حلبه بابونه ترمس سنبل ازهریک نیمدرم

انجیر زرد بیست و چهار درم کوفته و بیخته با روغن بابونه ضماد کنند

ضمادی که نافع است از جهت اورام صلبه معده و جگر صفت آن زعفران

صبر ازهریک یکدرم افسنتین و سنبل ازهریکی یکدرم و نیم کوفته و بیخته با آب گرم

ضماد کنند ضماد حی العالم که نافع است از جهت ورم جگر و حرارت صفت آن

بنفشه چهار مثقال حی العالم گل سرخ صندل سفید ازهریک چهار درم

قصب الذریره دو مثقال کافور یک درم کوفته و بیخته و باب کشنیز ضماد کند
اما کشنیز تازه باشد ضماد دیگر که ورم جگر را نافع است صفت آن جو سوخته
در سرکه خیسانیده ما مهرا شود و بیخته درم طباشیر سفید فوفل از هر یک نیم درم
افسنتین گل سرخ قصب الذریره صندل سفید شیاف مامیثا از هر یک
یکدرم کافور دانگی کوفته و بیخته بر سته کتان مالند و بر موضع جگر اندازند
ضماد شوصه صفت آن بنفشه سوس گندم آرد و باقلا اکلیل الملک
مساوی کوفته و بیخته بروغن بنفشه بادام ضماد کنند ضماد دماییل
بزرک حلبه از هر یک ده درم سبعه چهار درم موم سفید بیست درم
کوفته بروغن یاسمین ضماد کنند ضمادی که شکم بنبدد صفت آن

اقاقیا مرآمله کند سعد اذخر سنبل مصطکی از هر یک پنج درم کعک
ده درم کوفته و بیخته بآب به ضماد کنند ضمادی که معده را
گرم کند و قوت دهد صفت آن سعد مصطکی سنبل قسط تلخ افسنتین از
هر یک پنج درم اذخر آمله قرنفل دارچینی قصب الذریره از هر یک ده درم
کوفته و بیخته بآب به ضماد کنند ضمادی که ورم کهنه معده را
تحلیل کند صفت آن مقل حب البان تخم کرنب از هر یک ده درم
سنبل اشق مصطکی از هر یک پنج درم موم سه درم روغن ناردین
پانزده درم صمغ ها را در شراب کهنه حل کنند و باقی دوا را کوفته و بیخته
اضافه نمایند و با موم و روغن ضماد کنند ضمادی که همین خاصیت دارد

صفت آن جلبشب یمانی خطمی بزرگ بابونه مصطکی از هر یک پنج درم
سنبل سعد قصب الذریره اذخر از هر یک دو درم موم سه درم روغن بابونه
پانزده درم بطریق معهود ضماد کنند ضماد الصندلین از جهة معده و جگر گرم را
نافع است صفت آن صندل سفید و سرخ گل سرخ شیاف مامیثا کافور
کوفته و بیخته با آب عنب الثعلب و قدری سرکه ضماد نمایند ضمادی
که استسقای زقی و استسقای که با آن حرارت باشد نافع بود صفت آن
اذخر جو سعد کوفی پشکل گوسپند کهنه بوره ارمنی گل ارمنی مساوی کوفته
و بیخته با سرکه ضماد کنند ضمادی که نفخه طحال ارسود دارد و صلابت را
نرم کند صفت آن سداب ده درم بوره ارمنی فودنه از هر یک سه درم

اشق هفت درم کوفته بیخته و بسرکه کهنه ضماد کنند ضماد الاشق صلابت

طحال را سود دارد صفت آن اشق مقل بوره ارمنی نمک هندی از

هر یک چهار درم اشنه کرنا زج از هر یک شش درم سداب هشت درم

گوگرد دو درم انجیر ده عدد انجیر را در سرکه بپزند و اشق و مقل را در آن

حل کنند و بلدارند و باقی ادویه را کوفته و بیخته اضافه نمایند و ضماد کنند

ضمادی که وجع رحم را و بواسیر را تسکین دهد صفت آن زعفران افیون

بزر البنج بیه مرغ از هر یک دو درم خطمی بزرگ از هر یک پنج درم زرده

تخم مرغ نیم پخته یک بیضه بروغن استخوان زردآلو ضماد کنند ضمادی

که از جهت فتق نافع باشد صفت آن جوز السرو دو درم سعد صمغ عربی

مرزنجوش با زوفا اقاقیا کندر ازنبرک یکدرم کوفته و بیخته بشراب کهنه

۲۷۱

ضماد کنند ضمادی دیگر که همین خاصیت دارد صفت ان حب السرو صبر و رق

سداب زرد و بابونه مساوی کوفته و بیخته بروغن قسط طلا کنند ضمادی

که همین منفعت دارد صفت ان مصطکی کندر زرنب حب السرو برگ سرو

مرزنگوش بلوط مساوی کوفته و بیخته بسبر که ضماد کنند ضمادی که نقرس

بارد را سود دارد و بقایای اورام بارده را بتحلیل دهد صفت آن مقل حلبه کندر زرل

اشق کوفته و بیخته بشراب ضماد کنند ضمادی که پیکان را از بدن دور کند

و بیرون کشد صفت ان اشق بیاض نرگس مرزنگوش بیخ نی کوفته بعسل ضماد کنند

ضماد اصطمحیقون برود معده طحال و کبد را نافع بود صفت آن افستین

سنبل سلیخه صبر سقوطری از هر یک سه درم عود بلسان زعفران از هر یک

۲۸۲

دو درم موم سفید هشت درم موم را در روغن ناردین یا روغن قسط

یا روغن زنبق بگدازند و باقی ادویه کوفته و بیخته با آن بسرشند و ضماد

کنند ضمادی که ضعف معده را که بسبب حرارت باشد نافع بود صفت آن

حب الآس آمله عود کلنار برگ مورد پوست به پوست سیب گل سرخ

قصب الذریره صندل سرخ عدس مقشر فوفل شیاف مامیثا گل ارمنی

کوفته و بیخته بگلاب و آب کاسنی ضماد کنند ضمادی که نقرس و اورام

حاره را نافع بود صفت آن صندل سرخ و سفید کوفته و بیخته بگلاب

و آب سیب ضماد کنند ضماد قسطاریون که لقوه و فالج و صداع و درد چشم

وشقیقه و درد دندان را نافع بود و نزلات را از چشم مانع کند و چون بر صدغین ضماد کنند و چون بر پیشانی و بر مثانه ضماد کنند بول را بند و چون بر گزندگی مار نهند درد ساکن کند و چون بر شکم ضماد کنند اورام اعضای باطنه را نافع بود صفت آن برگ شفتالوی خشک موم سفید از هر یک سه درم مقل یکمثقال مرداسنگ دو درم رعی الحمام دو درم موم سفید ده درم ابهل سه درم روغن زیت چهل درم موم و ابهل را در روغن زیت بگدازند و رعی الحمام را کوفته و بیخته اضافه کنند و ضماد نمایند ضماد دیگر که ورم خصیه که از برودت باشد نافع بود صفت آن آرد باقلا با بونه حلبه نبره موبیزمنقی روغن کنجد ضماد کنند ضماد دیگر که خنازیر را تحلیل دهد

باب طا طلای که از جهت صداع حار نافع باشد صفت آن صندل سرخ و سفید تخم کاهو از هر یک سه درم گل نیلوفر و گل سرخ و سفید از هر یک چهار درم زعفران یکدرم افیون شیاف مامیثا از هر یک دو درم بیخ لفاح یک مثقال با آب برگ کاهو تر ساخته بر صدغین طلا کنند طلای دیگر که ورم پس گوش را نافع بود صفت آن صندل سرخ فوفل شیاف مامیثا صبر زعفران مرمساوی بکلاب طلا کنند طلای زعفران آرد جو گلنار اقاقیا عصاره لحیة التیس افیون صندل سفید از هر یک سه درم کافور دانگی بکلاب تر ساخته بر پیشانی طلا نمایند طلای دیگر که همین خاصیت دارد اقاقیا نشاسته گل ارمنی گلنار مساوی یکوفته و بیخته با آب مورد یا آب

برگ تاک یا به آب لسان الحمل سرشته بر پیشانی بمالند طلای که مو را
از ریختن نگاه دارد صفت آن بر سیاوشان لادن و افتیمون حب الغار
مساوی کوفته و بیخته در روغن مورد بیزند و طلا کنند طلای
که از شکستن و ریختن و شکافتن مو نگاه دارد صفت آن برگ چغندر لعاب بزرک
بزرقطونا در حمام طلا کنند و بر سر و ریش بمالند طلای دیگر که سبوس سر و ریش را
ببرد صفت آن آب برگ چغندر چهل درم بوره ارمنی دو درم زهره گاو
یک درم بعسل سرشته و بر سر و ریش طلا نمایند طلای که منع انبات موی کند
صفت آن وزغ را در سایه خشک کنند و بسایند و خون لاک پشت نهری
خشک کرده و آهک و بوره ارمنی مردارسنگ صدف سوخته از هر یک

قدری با آب بسرشند چون موی بغل و عانه برکنده باشند بران طلا
کنند و نیک بمالند دیگر از انجا موی نروید و جمیع مخدرات و مکدرات و مبردات
همین خاصیت دارد و مثل انکه اگر موی از موضعی برکنند و آن موضع را از بنگ و
افیون و شوکران بخشه طلا کنند چند بار منع انبات کند طلائی
که درین باب مجرب است صفت آن شیرهٔ انجیر و خایهٔ مورچه و زبد البحر و رتیسی
برنج از هر یک قدری بیکدیگر ممزوج سازند و موی را برکنند و سه بار
بران موضع طلا کنند منع انبات کند و اگر پیش از بلوغ و انبات
بغل و عانه را طلا کنند موئی از انجا نروید طلائی که موی را برویاند
و داء الثعلب را نافع باشد صفت لادن سوخته چوب کتان گل شقایق

با روغن مورد طلا کنند یا برگ مورد کوفته با لادن و مر روغن
مصطکی بمالند یا اقاح اذخر و قرنفل سعد و مازو کوفته بیخته و با آب طلا
کنند یا سم استر سوخته با روغن دنبه بمالند بعد از آنکه بیار غسل چند نوبت
مالیده باشند که آبله کرده باشد نافع بود و اگر زبد البحر و بیخ آسف سوخته
بروغن زیت طلا کنند همین عمل کند **طلائی** که حکه و جرب یابس را
نافع بود صفت آن مغز استخوان زرد آلوی تلخ تخم ریباس از هر یک بیست درم
نمک طعام و زیبق مغسول از هر یک دو درم مجموع را در بیست درم ماست
ممزوج سازند و در حمام طلا کنند و یکساعت بگذارند پس بشویند
طلائی که همین خاصیت دارد صفت آن زیبق مغسول حنا شحم حنظل اقلیمیا نقره

عدس مقشر مساوی بسرکه و روغن کل طلا نماید طلای که همین خاصیت
دارد صفت آن مغز بادام تلخ سنای مکی مرداسنک از هر یک
سه درم کشنیز ده درم بسرکه و روغن کل طلا کنند طلای که از جهت
جرب رطب نافع باشد صفت آن کندش و مرداسنک از هر یک
ده درم نمک پنج درم بروغن کل و سرکه تر ساخته در حمام طلا نمایند
طلای که همین خاصیت دارد صفت آن زرد چوبه بوره ارمنی مر قسط تلخ
کندش از هر یک یک درم میعه سایله پنج درم بروغن کل تر ساخته
در حمام طلا کنند و سه ساعت بگذارند پس به سبوس و آب کرم بشویند
طلای که همین خاصیت دارد صفت آن کوکرد زرد یک مثقال بنه بز

دو مثقال روغن گل ده مثقال سه را در روغن بگدازند و گوگرد صلایه کرده

بدان ممزوج سازند و شب بمالند و صباح بحمام بروند باب گرم بشویند

طلای که همین منفعت دارد صفت آن زیبق مغسول پنج درم گندش

دو درم زراوند طویل هفت درم بروغن گل سه روز طلا کنند **طلا**

نوعی دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن عاقرقرحا مویزج خردل

حنا زیبق مغسول گوگرد موم مساوی بروغن دنبه ممزوج ساخته

طلا کنند **طلائی نوعی دیگر** که از جهت جرب نظیر ندارد و مکرر تجربه رسیده صفت آن

گوگرد و حنا از هر یک یکمثقال پوست هلیله زرد زیبق مغسول شیطرج هندی

از هر یک نیم مثقال فلفل اذکی روغن دنبه بیست مثقال بیکدیگر ممزوج سازند

وشب بمالند وصباح بشویند در حمام بسبوس وسرکه واب گرم طلا

که ازجهت حکه نافع است صفت آن تخم خشخاش وتخم اسفناج کوفته در سرکه

خیسانیده در حمام بمالند طلای که حکه خصیه را نافع است صفت آن ماش

ماميثا اقاقيا از هر یک چهار درم اشنان دو درم نوشادر دانگی زعفران

یکسوج کوفته وبیخته بروغن گل وسرکه تر کرده طلا کنند طلای که همین

خاصیت دارد صفت آن صندل ماميثا اقاقيا از هر یک سه درم صبر نوشادر

از هر یک چهار دانگ نشاسته یکدرم بگلاب وسرکه طلا کنند طلای

که همین خاصیت دارد و قوبا را نافع باشد صفت آن گوگرد دو درم سفیداب

هشت درم مویزج یکدرم بسرکه طلا کنند طلای دیگر که همین خاصیت دارد

صفت آن خربق سفید چهار درم ترمس صدف سوخته نطرون از
هر یک سه درم کوفته و بیخته با سرکه ترساخته طلا کنند طلائی
که همین منفعت دارد صفت آن اشق ترمس از هر یک یکدرم بوره ارمنی
دو درم بسرکه کهنه سرشته طلا کنند و بعد از ساعتی با آب گرم بشویند
طلائی که قلع ثالیل میکند صفت آن زاج شب یمانی تخم جرجیر کوفته
و بیخته بزهره گاو سرشند و چند نوبت طلا کنند طلائی که سوختگی
آتش را نافع بود صفت آن عدس مقشر گل سرخ بپزند تا مهرا شود
و سفیداب و آرد جو روغن گل بان بیامیزند و طلا کنند طلائی که ثالیل و آماس
نرم که بعد از بیماریهای دراز در پشت چشم ورم پیدا شده باشد زایل کند

صفت آن صبر اقاقیا مر سعد شیاف مامیثا زعفران حضض گل گل

ارمنی کوفته و بیخته بسرکه و آب عنب الثعلب طلا کنند طلاء آخر که صداع

را نافع است صفت آن مر زعفران افیون بزر البنج کندر مساوی با گلاب

ترکرده بر صدغین طلا کنند نیلوفر بنفشه تخم کاهو از

هر یک سه درم پوست خشخاش شیاف مامیثا از هر یک دو درم صندل

سرخ و سفید از هر یک دو مثقال کوفته و بیخته با آب برگ کاهو تر ساخته

بر پیشانی و صدغین طلا کنند طلاء که اسهال و قی باز دارد صفت

آن گل سرخ یک درم اقاقیا گلنار ماز و شب یمانی جوز السرو صندل

سرخ و سفید عدس مقشر از هر یک سه درم طباشیر دو درم

باب به بر شکم طلا کنند و بر معده و پشت طلائی که ورم جگر حار را
۲۶۲۳
نافع بود صفت آن بنفشه خطمی آرد جو از هر یک هفت درم گل سرخ چهار
درم طباشیر دو درم صندل سرخ و سفید برگ مورد از هر یک سه درم بابونه
اکلیل الملک تخم کاسنی تخم کشوث نیلوفر از هر یک دو درم شیاف مامیثا
سه درم ریوند چینی یک درم سنبل هندی درم کوفته و بیخته بگلاب و آب کاسنی
طلا کنند طلائی که ورم حار خصیه را نافع بود صفت آن بابونه اکلیل الملک
خطمی شیاف مامیثا بوش دربندی از هر یک سه درم بنفشه دو درم
کوفته و بیخته بگلاب و آب کاسنی طلا کنند طلائی که افراط حیض باز دارد
صفت آن عدس گل سرخ از هر یک پنج درم اقاقیا گلنار صندل لبن از

هر یک سه درم گل ارمنی چهار درم بلوط طباشیر از هر یک یکدرم کوفته و بیخته

بابت برعانه و پشت طلا کنند طلای [illegible] که از جهت نبات اللیل نافع بود

صفت آن خطمی بابونه اکلیل الملک از هر یک چهار درم بپوشش در بندی ریس از

هر یک یکدرم شیاف مامیثا یکدرم و نیم آرد باقلا سه درم کوفته

و بیخته بابت کرفس طلا نمایند [illegible] که از جهت سعفه تر که بر روی اطفال

باشد نافع بود صفت آن سفیداب ارزیز سه درم گل سرخ دو درم

گلنار زرد چوبه از هر یک یکدرم کافور طوحی موم سفید دو درم

و نیم روغن گل ده درم موم را در روغن بگدازند و باقی ادویه کوفته و بیخته

با آن بسرشند و طلا کنند طلای دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن

اشنان سبز مرداسنگ از هر یک پنج درم گل ارمنی حضض پوست انار از هر یک
سه درم حنا و سنبل از هر یک چهار درم اقاقیا شیاف مامیثا صندل از
هر یک دو درم بگلاب ترساخته طلا کنند طلائی دیگر که از جهت سعفه نافع باشد
صفت آن برگ مهک چهار درم حنا ماز و از هر یک دو درم بروغن دنبه
طلا کنند طلائی که همین خاصیت دارد صفت آن آب برگ چغندر
روغن دنبه از هر یک صد درم بجوشانند چندانکه آب برود و روغن بماند
بعد از آن برگ مهک و حنا از هر یک پنج درم کوفته بیخته و بآن ممزوج سازند
و طلا کنند طلائی دیگر که از جهت سعفه که در روی اطفال پیدا می شود
صفت آن زردچوبه حنا زراوند مرداسنگ پوست انار بروغن گل

و سرکه طلا کنند **طلای** که از جهت سعفه کهنه نافع باشد صفت آن

نمک سوخته زاج سوخته گوگرد خاکی زیبق مغسول مازو زردچوبه زراوند

مردارسنگ کوفته بیخته بروغن گل و سرکه طلا کنند **طلای**

سعفه تر را نافع باشد صفت آن نمک و اشنان بسرکه ترکرده چند بوب بمالند

واگر صابون رقی بگلاب زنند تا کف برآورد و بعد از ان بیخ بنفشه

و موم سفید و روغن بنفشه بادام از هر یک قدری اضافه نمایند و طلا

کنند و یکساعت بگذارند پس بآب گرم بشویند سعفه از بر طرف و مستاصل نماید

طلای که شپش را دفع کند صفت آن مویزج شوره از هر یکی دو درم

زرنیخ سرخ یکدرم و نیم زیبق مغسول یکدرم بسرکه و روغن گل کنند و اگر ازا

بروغن کافور چرب کنند و بآبی که در آن گل سرخ و برگ مورد ثنا جوشانیده
باشند بشویند بغایت نافع باشد طلای دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن
مویزج زرنیخ سرخ زراوند طویل مساوی بروغن زیت بر بدن طلا کنند
در حمام بعد از آنکه عرق کرده باشند طلا که کلف را ببرد صفت آن پوست
تخم مرغ اشنان با آب خربزه پرورده آرد جو بیخ نی پوست عدس آرد
باقلا و فلفل کف دریا بامیران چینی مساوی با آب ترب طلا کنند
طلای که برص را ببرد صفت آن سپندان سفید زرنیخ سرخ مشای
بشیره تازه طلا کنند طلای که اثرهای زردی از رو ببرد صفت آن
زراوند مدحرج شیطرج هندی از هر یک دو درم آرد باقلا آرد نخود عدس سرخ

از سر یک بخدرم سفیده تخم مرغ ترساخته شب طلا کنند صباح بشویند
۲۸۸

بآبی که خرفه دران نمکیده و قنتر جوشانیده باشند بشویند طلای که

حصف را نافع باشد صفت آن نمک هندی کوفته و بیخته بسرکه ترساخته

در حمام بمالند و یکساعت بگذارند پس باآب سرد بشویند باسبوس

طلائی که جرام را نافع باشد صفت ان نطرون اشق فرفیون گوگرد زرد

برگ انجیر مساوی بسرکه طلا کنند طلای از جهت کلف نافع است

صفت آن ترمس تخم ترب تخم جرجیر قسط مغز بادام تلخ بوره مغز

فلفل مقل مساوی با آب برگ ترب طلا کنند طلا که بهق و برص را زایل کند

صفت ان قوه کند ش شیطرج خردل تخم ترب شحم حنظل جربوق سیاه

وسفید موی رخ سقمونیا از هر یک یک جزو شقایق دو جزو کوفته در سرکه

خیسانند یک شبانه روز دیگر طلا کنند طلای که بهق اسود و ابیض را

سود دارد صفت آن گل شقایق سقمونیا شیطرج تخم ترب خردل صمغ

الو از هر یک یک مثقال کوفته در سرکه خیسانند یک شبانه روز بعد از انکه در حمام

کنیسه بر آن مالیده باشند طلا کنند و مروارید صلایه کرده با سرکه مالیدن

همین عمل کند طلای که حب القرع و کرم دراز اطفال را اخراج کند صفت آن

افسنتین سه درم برگ شفتالو ده درم زهره گاو یک عدد بر حوالی ناف طلا کنند

طلای که چون بر سر اقرع مالند موی بر آرند صفت آن فلفل کوفته

وبیخته بزهره خوک وعسل سرشته طلا کنند طلای که از [illegible]

جهت شعره و برده نافع است صفت آن کندر از هر یک یکدرم لادن ۲۹

شب یمانی بوره ارمنی از هر یک دانگی و نیم موم نیم درم بروغن زیت طلا کنند

طلائی که بر پیشانی و پشت چشم مالند ابتدای مدرا سود دارد و ماده را

ردع کند صفت آن شیاف مامیثا صبر حضض مکی گل سرخ صندل سرخ

فوفل زعفران مساوی با آب گشنیز تر یا آب کاسنی طلا نمایند طلائی که نزله و درد را

نافع است صفت آن صبر یکدرم شیاف مامیثا اقاقیا مر بسد از هر یک

دو درم زعفران نیم درم کوفته و بیخته با آب مورد یا آب کاسنی طلا کنند

طلائی که ورم چشم را بنشاند و درد ساکن کند صفت آن عدس مقشر

صندل گل سرخ از هر یک دو درم کافور دانگی و نیم با آب کاسنی بر پیشانی

وچشم طلا کنند طلای که همین خاصیت دارد صفت آن صبر شیاف مامیثا ۲۹۱
حضض مکی زعفران افیون اقاقیا اکلیل الملک صندل سرخ مساوی با آب عنب
الثعلب یا گلاب طلا کنند طلای که صداع بارد را نافع باشد صفت آن صبر
و مشک و فرفیون دانکی جندبیدستر صمغ عربی عود زعفران از هر یک
دو دانگ افیون دانگی و نیم با آب کرفس یا به آب مرزنگوش سرشته سازند
و بر کاغذ پارچه کشند و بر پیشانی و صدغین طلا کنند یا بچسبانند
طلایی که حمره را نافع بود صفت آن صبر زعفران اقاقیا فوفل اکلیل الملک
صندل سرخ شیاف مامیثا به آب کاسنی یا به آب عنب الثعلب طلا نمایند
طلایی که سکته را نافع باشد صفت آن خردل جندبیدستر سرکه کهنه

بر سر طلا کنند بعد از آنکه سر تراشیده باشد طلائی که لقوه را سود

دارد صفت آن صبر حضض مکی از هر یک یکدرم زعفران دو دانک

به گلاب طلا کنند طلائی که جحوظ عین را سود دارد صفت آن صبر حضض

اقاقیا عصاره حی العالم به آب عنب الثعلب طلا نمایند طلائی از اورام

حار را نافع باشد صفت آن صندل سرخ شیاف مامیثا از هر یک سه

درم گل ارمنی ده درم فوفل اقاقیا حضض مکی از هر یک ده درم سفیداب

ارزیر مرداسنگ از هر یکی یکدرم قیمولیا پنج درم کوفته و بیخته به آب

کاسنی سرشته و گلولها بسازند بر مثال کعبتین در وقت حاجت یکی از آن

بآب گشنیز تازه بسایند و طلا کنند طلائی که شکم ببندد و اسهال باز دارد

صفت آن اقاقیا سعد مرکند رکعک جوزالسرو و مازو کل سرخ امله منقی

کل ارمنی کاورس برنج عدس بلوط کلنار بزرالبنج صندل با آب مورد

یا آب به بر شکم طلا کنند طلای که بر خصیه اطفال طلا کنند نگذارند که

بزرگ شود صفت ان قیمولیا سفیداب ارزیز از هر یک دو درم شب یمانی

مازو از هر یک یکدرم بنک یکدرم و نیم کوفته و بیخته بالعسل و روغن مورد

چند نوبت طلا کنند طلای که استسقای لحمی را نافع باشد صفت آن

دردهنه ترکی و صدف سوخته بوره ارمنی سرکین کاو کهنه متساوی بسرکه

طلا کنند طلای که منع آبستن کند و اگر آبستن باشد بچه بیندازد صفت ان

سداب خشک نطرون مساوی کوفته و بیخته با آب سداب تر بسرشند

و برقضیب طلا کنند و مباشرت نمایند طلای برای آبستن معین باشد
صفت آن حب بلسان جاوشیر مقل با دآورد مساوی کوفته و بیخته بزهره گاو
برقضیب طلا کنند و بگذارند تا خشک شود بعد از آن محل را معصر کنند زن
آبستن گردد طلای که همین خاصیت دارد صفت آن برگ سنجد خشک بکوبند
و با زهره گاو برقضیب طلا کنند و مباشرت نمایند طلای که کراهت
عرق زایل کند صفت آن مشک گل سرخ سنبل سعد شب یمانی مرار سک
قدری کوفته و بیخته بگلاب تر ساخته بر بدن طلا کنند طلای
که صنان زایل کرداند صفت آن ارس زراوند طویل برگ خیار کاغذ
آبگینه مجموع سوخته زعفران مساوی کوفته و بیخته بآب مورد بسرشند و گلولها

سازند و خشک کنند بعد از آن بغبل انجبار اشنند تا خون آلوده شود

و یک گلوله از آن بگلاب سوده در آن مالند و یک شبانه روز بگذارند دیگر

آن تیس نباشد طلای که حبس عرق کند صفت آن برگ مورد گلنار

مازو مساوی کوفته و بیخته با آب غوره یا با آب برگ مورد تر سازند

و بر بدن طلا کنند طلای دیگر که ضماد آن نافع باشد صفت آن سنگ شانی

مرکل سرخ برگ مورد مردار سنگ نعل ارباب اشنان بشویند و داروها

را کوفته و بیخته بگلاب ساخته طلا کنند طلای که منع نزلات کند صفت

آن اقاقیا صبر شیاف مامیثا حضض گل ارمنی صمغ عربی کوفته

و بیخته بسفیده تخم مرغ بسرشند بر پیشانی و شقیقه طلا نمایند

طبیخی که حیض را براند صفت آن اسارون یکدرم سداب نیم درم

۲۹۹

رازیانه دو درم لوبیا سرخ پنج درم عسل ده درم بجوشانند و صاف کنند

و سه روز متوالی باز خورند طبیخ دیگر که هم نجاح حیض دارد و منفعت مردان را نیز

چون منی ایشان محتبس شده باشد صفت آن انیسون درمنه ترکی ترمس

سداب رازیانه تخم کرفس از هر یک دو درم انجیر پنج عدد گلقند ده مثقال بجوشانند

و صاف کنند و سه روز متوالی باز بخورند و دیگر استراحت کنند و سه روز

دیگر بخورند همچنین عمل کنند تا ادرار واقع شود طبیخ دیگر که قی باز دارد

و معده را قوت دهد صفت آن انار دانه ده درم مصطکی نعناع خشک

از هر یک یکدرم در یک رطل آب بجوشانند تا به نیمه آید صاف کنند و عود

وسک از هر یک یکدرم کوفته و بیخته اضافه کنند و بار خورند **مطبوخ**

که حیض براند صفت آن لوبیای سرخ حلبه انیسون فوه از هر یک چهار درم

سداب سه درم در سه رطل آب بجوشانند تا برطلی آید صاف کنند و قدری

شکر اضافه نمایند و هر صباح چهار درم بنوشند **مطبوخ دیگر**

که همین عمل کند صفت آن لوبیای سرخ سه درم فراسیون فوه از هر یک

چهار درم فودنه ده درم در پنج رطل آب بجوشانند تا نیمه آید صاف کنند

و قدری سکنجبین اضافه کنند هر صباح سه درم بنوشند **باب العین**

عطوسی که فالج و لقوه و سکته و امراض بارده راس را نافع بود

و شقیقه و دماغ را قوت دهد و از اخلاط پاک کند و عسر البول را سود دارد

واخراج مشیمه کند صفت آن کندش شونیز فرفیون فلفل جندبیدستر زراوند

حب بلسان مشک عاقرقرحا بوره ارمنی مساوی بکوفته و بحریر بیخته در بینی دمند

عطوسی که همین خاصیت دارد صفت آن شحم حنظل فلفل اسطوخو

دوس جندبیدستر از هر یک سه درم کندش هشت درم کوفته و بحریر بیخته

قدری در بینی دمند [illegible] زعم اصحاب اکسیر است که از برای

سرعت انزال نظیر ندارد صفت آن زیبق پنج مثقال با قدری سرکه بدسته

آبگینه یا آهن سنگ صلایه نمایند تا کشته شود و سه مثقال نمک هندی

سوده داخل نمایند و مغرفه آهنی را از سرکه سازند و بنهایند در آن مغرفه

ریزند و بر سر آتش نهند و سه مثقال روی سوخته صلایه کرده اندک اندک

بجوز دان میدهند و بدستهٔ آبگینه با آهن بهم میزنند تا ملغمه شود بعد ازان
ازان بوصله منقالی پاک بپالایند آنچه در کرباس ماند بستانند و چندان
باب بشویند که تمام پاک شود و چرک ازان برود و پس ازان گلوله سازند
و میان آنرا سوراخ کنند و ریسمانی ازان بگذرانند و در آب لیمو اندازند
و شب بگذارند تا محکم شود مانند حجری بعد ازان آنرا در روغن تازه بجوشانند
و در محل حاجت در دهن نگاهدارند و چون خواهند که انزال شود
از دهن بیرون آورند اب الغیس عمرعمر از جهت ثقل لسان که سبب آن
بلغم باشد صفت آن نوشادر سه درم زنجبیل نمک هندی شونیز عاقرقرحا
مویزج سعتر ایاره فیقرا ریسا از هریک هفت درم بوره ارمنی وج از هریک

ده درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند با سکنجبین غرغره نمایند

غرغره که قروح حلق را نافع باشد صفت آن زاج سفید کاغذ

سوخته مازو کندر جلنار زعفران از هر یک پنج مثقال نمک سوخته

نوشادر از هر یک نیم مثقال کوفته بسرکه غرغره کنند غرغره که همین

خاصیت دارد صفت آن مازو سبز کاغذ سوخته زنگار زاج سفید سوخته

کوفته و بیخته بسرکه غرغره نمایند غرغره که همین خاصیت دارد

صفت آن کندر یک درم مازو سوخته یک عدد زنگار نیم درم کاغذ فرنگی

سوخته یک ورق زعفران دو دانگ کوفته و بیخته در سرکه و عسل حل کرده

نیم گرم غرغره نمایند غرغره که فالج و لقوه و صرع را نافع باشد

و دماغ را از اخلاط پاک کند صفت آن ایارهٔ فیقرا وج مویزج خردل
عاقرقرحا زنجبیل فودنه اصل السوس سعتر پوست بیخ کبر کوفته و بیخته
بعسل غرغره کنند **غرغره** که ثقل لسان و سکته و فالج را سود دهد
صفت آن مویزج خردل زنجبیل عاقرقرحا فلفل دارفلفل کرد بوره
ارمنی ایرسا مرزنگوش مساوی کوفته و بیخته بسکنجبین غرغره کنند **غرغره**
خناق و ذبحه صفراوی و دموی را نافع باشد و حرارت دل ها نشاند
صفت آن گل سرخ طباشیر نشاسته تخم گل زعفران از هر یک دو
درم تخم کرفس سه درم مازو و سماق از هر یک پنج درم قند چهار ده
درم کوفته بسکنجبین غرغره کنند **غرغره دیگر** که دماغ را از فضول پاک کند

صفت آن مویزج دانگی و نیم عاقرقرحا خردل از هر یک نیم درم کوفته
و بپخته بسکنجبین عسلی غرغره کنند غرغره دیگر که قلاع و لثه را و استرخای
لثه را و ذبحه را نافع بود صفت آن سماق برگ مورد گل سرخ و زیره موی آن مساوی
جوشانیده و صاف کرده رب توت ده درم اضافه نمایند و غرغره
نمایند غرغره دیگر که سقوط لهات را که از سبب رطوبت باشد نافع باشد
صفت آن گلنار شش درم شب یمانی دو مثقال نمک اندرانی دو مثقال
و نیم اقماع الرمان و تخم گل از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بپخته در رب
توت غرغره کنند غرغره که قلاع سوداوی را نافع باشد صفت آن
سماق گل سرخ گشنیز گلنار برگ مورد خرنوب جوشانیده غرغره کنند

غرغره نافع است از جهة سرفه که سبب آن نزله باشد صفت آن

گل سرخ گلنار خرنوب بجوشانند و صاف کنند و بشیر خوب اغرغره

کنند غمزه که روی اسفید و صاف و براق کرداند صفت آن

آرد جو آرد نخود آرد باقلا نشاسته کثیرا تخم ترب کوفته و بخته بشیر تا بمالند

و شب روی مالند و صباح باب گرم و سبوس بشویند غسول

همین خاصیت دارد صفت آن آرد جو آرد باقلا آرد نخود از هر یک جزو

و عدس مقشر کثیرا نشاسته زعفران از هر یک بندرم مغز تخم خربوزه

و بنفشه از هر یک دو درم بسفید تخم مرغ سرشته شب بمالند

و صباح باب که در آن پوست خربوزه و بنفشه جوشانیده باشند بشویند

عشوسیالی که همین منفعت دارد صفت آن باقلا مقشر کرسنه ترتیزک

تخم ترب مغز تخم خربزه بنفشه نخود نشاسته کوفته و بیخته روی را

بدان بشویند باب القاف قبحی معده را قوة دهد و بواسیر را

نافع بود و باه را زیاده کند و رنگ را نیکو گرداند و دفع سرعت

ازال کند صفت آن پوست هلیله کابلی هلیله سیاه پوست هلیله آمله

مقشر شیطرج سنبل فلفل دارفلفل زرنپل سعد از هر یک ده درم تخم سشبت

تخم گندنا از هر یک چهار درم خبث الحدید صد درم عسل سه وزن

ادویه خبث الحدید را چهارده شبانه روز در سرکه خیسانند بعد از ان

در سایه خشک کنند و بروغن بادام برشته صلایه نمایند خیدا که بر روی آب

بایستد و به آب فرو زود و باقی ادویه کوفته و بیخته اضافه نمایند
و بعسل معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی دو درم و بعضی
دو درم مشک اضافه میکنند فیروزنوش ممسک معده را قوت دهد و باه را
زیاده کند و سرعت انزال دفع کند صفت آن پوست هلیله زرد پوست هلیله
کابلی شیطرج هندی تخم کرفس خیربوا قسط تلخ سلیخه قرنفل بسباسه
خولنجان انار مشک از هر یک شش درم پوست بلیله آمله مقشر نانخواه دار
فلفل از هر یک چهار درم تودری قرفه سنبل جوزبوا زنجبیل فلفلمویه از
از هر یک هشت درم سعد ده درم مشک ده مثقال عنبر یک مثقال
خبث الحدید مدبر بوزن ادویه روغن گاو چهل مثقال عسل مصفی دو وزن زر

ونیم ادویه بطریق معهود معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند

شربتی ده درم به نبیذ زبیب یا بشیر گوسفند تازه بنوشد **هیرا نوشین**

نسیان و قولنج و بعض سیری و امراض زنان حامله را که سبب آن

برودة باشد سود دارد و بادهای غلیظ دفع کند صفت آن فرفیون

عاقرقرحا سنبل زعفران از هر یک هفت درم فیون زرالنجیر از هر یک

بست درم کوفته بعسل بسرشند و بعد از شش ماه استعمال نمایند

فنداد یقون درد معده و امعا را سود دارد و معده گرم کند

و باد را بشکند صفت آن انجدان تخم سداب تخم کرفس زنجبیل حاشا

مغز حلغوزه از هر یک شش درم فلفل هشت درم عسل دو وزن ادویه

شربتی یک مثقال یا دو مثقال **فنداذیقون** به نسخه دیگر منافع سرفه

قریب یکدیگرند صفت آن زنجبیل فلفل و سنبل از هر یک شش درم مصطکی

نانخواه از هر یک چهار درم تخم کرفس و فودنه از هر یک چهار درم زیره

کرمانی سلیخه حب بلسان عاقرقرحا از هر یک دو درم ساذج هندی

یکدرم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند **فلونیای رومی** تبارک این معجون

مبارکست نزله ها را باز دارد و دردها ساکن گرداند و قی دم و اسهال

دموی و قولنج و هیضه و سیلان طمث را نافع باشد صفت آن

فلفل سفید بزر البنج دارفلفل از هر یک بیست مثقال افیون ده مثقال

زعفران پنج مثقال تخم کرفس کوهی سنبل الطیب از هر یک چهار مثقال

تخم کرفس نبطی سه مثقال ساذج هندی سلیخه حب بلسان
عاقرقرحا فرفیون از هر یک یکمثقال و در بعضی نسخها بعوض تخم کرفس
نبطی دو قوهست مجموع کوفته و بیخته بعسل معجون سازند و بعد از شش ماه
استعمال نمایند شربتی نیم مثقال تا یکدرم از جهت قولنج در طبیخ شبت
و از جهت درد گرده در طبیخ جعده و درد معده در طبیخ انیسون و از جهت سپرز
با سکنجبین و از جهت گرده و مثانه در طبیخ رازیانه و از جهت باز داشتن خون
در طبیخ سماق دهند **فلونیای فارسی** استفراغ خون از هر موضعی که باشد
دور کند و رحم را قوة دهد و بادهای رحم را دفع کند و محافظت
جنین نماید و اسهال و قی باز دارد درد ها بنشاند و دماغ را قوت دهد

و حافظه را زیاد کند صفت آن فلفل سفید بزر البنج از هر یک بیست درم

افیون و گل مختوم از هر یک ده مثقال زعفران پنج مثقال تخم کرفس نبطی سه

مثقال بادج هندی سلیخه حب بلسان عاقرقرحا فرفیون از هر یک

یک مثقال و در بعضی نسخه ها بعوض تخم کرفس نبطی دو قوت مجموع

کوفته و بیخته بعسل معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی

نیم مثقال باید رم ازجهه قولنج در طبیخ شبت و ازجهه درد گرده در

طبیخ جعد و درد معده در طبیخ انیسون و ازجهه سپرز با سکنجبین و از

وازجهه باز داشتن خون در طبیخ سماق دهند فلونیای فارسی نسخه دیگر

استفراغ خون از هر موضعی که باشد دور کند و رسم را قوه دهد و باه را

رحم را دفع کند و محافظت جنین نماید و اسهال و قی باز دارد و درد ها
بنشاند و دماغ را قوه دهد و حافظه زیاد کند صفت آن فلفل سفید
بزر البنج از هر یک بیست درم افیون گل مختوم از هر یک ده درم زعفران
پنج درم فرفیون سنبل عاقرقرحا از هر یک دو درم جند بیدستر
یکدرم زرنباد و درونج مروارید ناسفته مشک از هر یک نیم درم
کافور دانگی و نیم کوفته و بیخته بعسل بسرشند و بعد از شش ماه
استعمال کنند شربتی یکدرم **فلونیای دیگر که** حکیم میرزا جان گیلانی
از جهت خان احمد ساخته بود صفت آن اذخر اسارون از هر یک
یک مثقال انیسون پنج مثقال ساذج هندی درونج عقربی

تخم هلیون تخم خرفه تخم الخبره از هر یکی دو مثقال سنبل الطیب سه مثقال

حب بلسان عود بلسان از هر یکی دو مثقال خصیة الثعلب خولنجان همچنین

زرشک بیدانه بادرنجبویه طباشیر پوست ترنج نعناع خشک کوفت بیرون

بسته تخم کرفس ریوند چینی دو مثقال مروارید سه مثقال کهربا دو مثقال

مشک سه مثقال بسد دو مثقال لعل دو مثقال یاقوت دو مثقال عنبر اشهب

سه مثقال ورق طلا صد عدد ورق نقره صد عدد جدوار خطائی

دو مثقال تودری زرد دو مثقال تودری سرخ دو مثقال سعد کوفی

دو مثقال کبابه دو مثقال سلیخه دو مثقال دارچینی سه مثقال

قرنفل دو مثقال نارمشک دو مثقال فلفل سیاه دو مثقال فرفیون

دو مثقال جندبیدستر پنج مثقال مصطکی یازده مثقال زعفران
ده مثقال بزرالبنج بیست و پنج مثقال دارفلفل ده مثقال افیون مصری صد
مثقال همه را کوفته و بیخته باسه وزن آن دو به عسل صاف کرده بقوام
بسرشند و همه را در یک ظرف کلان بریزند و می باید ظرف پر نباشد
که راه نفس را باشد و سر آن را محکم سازند و در میان جو دفن کنند
و بعد از شش ماه استعمال کنند **فلونیای فارسی** صفت آن سنبل الطیب
پنج مثقال ساذج ده مثقال بهمن سفید پنج مثقال بهمن سرخ پنج مثقال زعفران
یازده مثقال زرنباد درونج عقربی قرنفل قاقله پوست بیرون پسته
تخم کاسنی گل سرخ عود قماری زرنکی پنج مثقال مومیائی دو مثقال

بسباسه جوز بوا دارچینی پوست ترنج فلفل سفید مصطگی از هر یکی

پنج مثقال عنبر اشهب یکمثقال افیون ده مثقال ورق طلا پنجاه عدد

ورق نقره صد عدد سه وزن ادویه عسل مصطفی بقوام آورند بدان

بسرشند بعد از شش ماه استعمال نمایند **فلونیا بابت حکیم عزالله**

صفت آن بزرالبنج ده مثقال سنبل سه مثقال گل مختوم پنج مثقال

زعفران ده مثقال عاقرقرحا فرفیون از هر یکی دو مثقال زرنباد

درونج از هر یکی یک مثقال مروارید سه مثقال مشک مرجان کهربا

از هر یکی دو مثقال ورق گل سرخ دارچینی از هر یکی پنجمثقال پوست

بیرون پسته تخم کاسنی طباشیر تخم خرفه از هر یکی دو مثقال صندل

سه مثقال قرنفل پوست ترنج بهمن سرخ بهمن سفید جدوار خطائی
آمله مقشر از هر یکی دو مثقال مصطکی گل ارمنی از هر یکی سه مثقال
فادزهر نیم مثقال ورق طلا صد عدد ورق نقره دویست عدد
افیون بیست مثقال عنبر اشهب جوزبوا بسباسه اشنه قر تخم مشک
از هر یکی یک مثقال سعد کوفی دو مثقال بادرنجبویه سه مثقال تخم بادرنجبویه
سه مثقال عود پنج مثقال ابریشم مقرض سه مثقال قاقله ساذج از هر یکی
دو مثقال خولنجان دارفلفل از هر یکی دو مثقال کافور دو دانگ پنج
بنفشه پنج مثقال لاجورد مغسول یک مثقال زنجبیل فلفل اسود کبابه چینی
مومیایی از هر یکی دو مثقال گلاب عرق بید مشک گاوزبان از هر یکی

رطلی نبات سفید عسل کف گرفته سه وزن ادویه بقوام آورند بدان
بسرشند بعد از شش ماه استعمال نمایند فودنجی در درد معده و جگر که سبب
آن برودت باشد و حمیات بلغمی و تب ربع و تبهای کهنه را سود دارد
صفت آن فودنه نهری و فودنه کوهی فطراسالیون سیسالیوس از
هر یک دوازده درم تخم کرفس بابونه حاشا از هر یک چهار درم
کاشم یازده درم فلفل سیاه چهل و چهار درم کوفته و بیخته با سه وزن ادویه
عسل مصفی بسرشند شربتی یکدرم باب گرم فلافلی در درد معده و شهوه
کلبی نافع باشد و بادهای غلیظ را دفع کند و طعام هضم گرداند صفت آن
فلفل دار فلفل از هر یک سی درم حب بلبسان ده درم حماما و سنبل از هر یک

دو درم زنجبیل تخم کرفس سیسالیوس سلیخه اسارون راسن از هر یک

یکدرم کوفته و بیخته با سه وزن ادویه عسل بسرشند شربتی یکدرم

با آب گرم **فلدفنیون** اکله و عفونت لثه را نافع باشد و گوشت

مرده را ببرد صفت آن اقاقیا دوازده درم زرنیخ زرد زرنیخ سرخ از هر یک

یکدرم مرچهار درم آهک نارسیده هشت درم شب یمانی شش درم کوفته و بیخته

بسرکه بسرشند و قرص نمایند و در سایه خشک کنند و در وقت حاجت

استعمال نمایند **فتیله** که رعاف را باز دارد صفت آن کلنار

گرد آسیا مازو از هر یک نیم درم افیون دانگی کوفته و بیخته و بعصاره سرگین خر

بسرشند و تار عنکبوت بگردانند و در بینی نهند بعد از آن که بینی را

بگلاب و سرکه شسته باشند فتیله که همین خاصیت دارد صفت ان بازو
سوخته در سرکه انداخته دو درم زاج سیاه چهار درم شب یمانی
شش درم کافور دانگی کوفته و بیخته فتیله از کتان سازند و بدان
و بدان بگردانند و در بینی نهند فتیله که همین منفعت دارد صفت آن
کاغذ سوخته پوست تخم مرغ سوخته اقاقیا پوست انار از هر یک دو درم
کوفته و بیخته و بآب بادروج یا آب لسان الحمل سرشته فتیله بدان
تر سازند و در بینی نهند فتیله که گند بینی برد صفت آن مر پوست انار
ترش از هر یکی دو درم قصب الذریره بزر البنج از هر یکی یکدرم و نیم زاج
قرنفل از هر یک یکدرم فتیله از شراب تر کنند و داروها را کوفته و بیخته

بدان آلوده کنند و در بینی نهند فتیله که ریش بینی را نافع بود

۳۱۶

صفت آن زاج سیاه شب یمانی مرمازو توبال مس سوخته از هر یکی

پنج درم زراوند طویل شش درم کندر دوازده درم کوفته و بیخته مجموع در

دو من آب بریزند و بپالایند و باز بجوشانند تا بقوام عسل آید و فتیله از آن

آلوده کنند و در بینی نهند فتیله که خشم را نافع بود صفت آن

صبر و سعد و سنبل گل سرخ قرنفل کوفته و بیخته با آب فودنه سرشتند

و در بینی نهند بعد از آنکه بینی را بگلاب و سرکه چند نوبت شسته باشند و اگر

شونیز را بریان کرده یک شبانه روز در سرکه کهنه خیسانند و با قدری

روغن زیت در بینی چکانند همین عمل کند فتیله که نافع است از جهت

ریم که از گوش آید و وجع آن صفت آن انزروت تخم مرو یعبل سرشته
فتیله از بدان تر کنند و در گوش نهند فتیله که گرانی گوش را ببرد صفت
آن انجیر سفید فربه و بشکافند و تخم و عسل از آن جدا کنند و بوره و قردمانا
و خردل کوفته بدان بسرشند و فتیله سازند و در گوش نهند و خردل
و انجیر کوفته در گوش نهند همین عمل کند فرزجه که اخراج مشیمه و جنین مرده کند
صفت آن زراوند مدحرج ابهل ترمس خرف از هر یک جزوی کوفته
و بیخته به زهره گاو بسرشند و فرزجه سازند فرزجه دیگر که همین خاصیت دارد
صفت آن حنا بزر خبازی خردل سفید مقل سفید ازرق از
هر یک جزوی کوفته و بیخته با قطران بسرشند و فرزجه سازند

فرزجه دیگر که مانع آبستن شود صفت ان بخم خند قوقی سرکین فیل

خردل حب قلقل استخوان غور ما و بکو فه و بیخته بطبعه بسرشند

و بر پشم پاره بردارند بر کیر آبستن نشود و اگر آبستن باشد بچه بیندازد

و گفته اند که زنی حبه از حب الخروع بلع کند یکسال آبستن نشود و اگر دو

دانه دو سال و سه علی هذا فرزجه دیگر که بچه مرده بیندازد صفت آن

اشنان فارسی عاقرقرحا شونیز سداب فراسیون مساوی کوفته و بیخته

بروغن زیت بسرشند و استعمال نمایند فرزجه دیگر که در آبستن معین

باشد صفت آن سرکین بز کوهی مایه خرکوش از هر یکی قدری کوفته

و بیخته بعسل گرم کرده بسرشند و به پشم پاره فرزجه سازند فرزجه

که همین عمل کند صفت آن مشک زعفران سوده بزیره کاو بسرشند

و به پشم پاره احمال نمایند فرزجه که همین خاصیت دارد صفت آن

مایه خرگوش دارچینی عنبر زاج نبات مساوی کوفته و بیخته بگلاب بسرشند

و استعمال نمایند فرزجه که همین عمل کند صفت آن مامیران چینی

سورنجان صبر رازیانه زبد البحر از هر یک دانگی با شکر سرخ فرزجه سازند

فرزجه که همین نفع دارد صفت آن میعه جند بیدستر قسط مر بارزد جاوشیر

مقل مشک کوفته و بیخته فرزجه سازند بعد از طهر چند نوبت و بعد از

چهار ساعت نمایند مباشرت فرزجه که همین عمل کند صفت آن مایه خرگوش

و سرگین او بعسل سرشته به پشم پاره بردارند سه شب بعد از ان مجامعت کنند

فرزجه که بچه مرده را فرود آورد صفت آن مر و جاوشیر خربق

سفید مساوی کوفته و بیخته بزهره گاو بسرشند و حمال نمایند فرزجه

که حیض براند صفت آن اشنان عاقرقرحا جاوشیر سداب از هر یک

یکدرم فرفیون نیمدرم کوفته و بیخته بقطران سرشته فرزجه سازند

فرزجه که منع حمل کند صفت آن مازو حب الآس مساوی کوفته و بیخته و

باب گرم سرشته فرزجه سازند و پیش از مجامعت بر دارند فرزجه

که دفع وجع رحم و بواسیر را نافع بود و ورم صلب رحم را نرم کند

صفت آن بسبط افیون موم مساوی به پشم پاره بر دارند

که اورام رحم را نافع باشد صفت آن کندر انزروت دم الاخوین

حب الآس گل ارمنی اقاقیا کوفته و بیخته با آب لسان الحمل سرشته
به پشم پاره احمال نمایند فرزجه که رحم را قوه دهد و فرج را تنگ و خوشبو گرداند
صفت آن سماق سنبل مرزنگوش قشار کندر صعتر اذخر خیری گل سرخ
پوست بیخ کبر ترمس مسا و بکوفته و بیخته بروغن بان سرشته و به پشم پاره
بر دارند فرزجه بکر که همین خاصیت دارد صفت آن فقاح اذخر سعد عود
قرنفل از هر یک یکدرم عنبر نیم درم مشک دانگی امله نیم دانگ کوفته و بیخته
بگلاب سرشته و به پشم پاره احمال نمایند فرزجه که حکته الرحم که آن را
النسا گویند نافع بود صفت آن اسداب نعناع پوست انار عدس مقشر در
گلاب قدری سرکه بر زند و به پشم پاره بخود برند فرزجه که همین نفع آرد

صفت آن زعفران کافور از هر یک دانگی مردار سنک دو دانگ ۳۲۴

حب الغار نیم درم کوفته و بیخته به سفیده تخم مرغ و بر او غن گل

بسرشند و فرزجه سازند فرزجه که حیض برنبدد صفت آن کلنار

کندر مازو سبز سرنه اقاقیا شب یمانی کوفته و بیخته بالسان الحمل بسرشند

و فرزجه سازند و بر پشت و عانه طلا کنند فرزجه که همین خاصیت دارد صفت این

کاغذ سوخته عقاقیا کلنار عصاره لحیة التیس گل سرخ مازو و صمغ

کتان سوخته مساوی کوفته و بیخته بسرکه بسرشند و استعمال نمایند

فرزجه که حیض براند صفت آن مرفو دنه از هر یک چهار درم ابهل

هشت درم سداب ده درم مویزمنقی بیست درم کوفته و بیخته بزهره گاو

بسرشند و فرزجه سازند فرزجه که ورم صلب رحم را نافع

باشد صفت آن کندر مقل ازرد از هر یکی یک درم زعفران جاوشیر اشق

از هر یک یک درم مصطکی جند بیدستر میعه سائله روغن سوسن بط

روغن بابونه از هر یک سه درم صمغها را در میبختج حل سازند و بیه را در روغن

بگدازند و باقی ادویه کوفته بیخته با آن بسرشند و استعمال نمایند باب

القاف قرص عنصل بستانند پیاز عنصل و در خمیر گیرند و در

تنور کنند تا پخته شود و بعد از آن مغز آن را که نرم شده باشد بگیرند و در

هاون بکوبند و بوزن آن آرد کرسنه اضافه نمایند و با قدری شراب

بسرشند و دست را بروغن گل چرب کنند و قرص ببندند بعد از آن

استعمال نمایند **فصل افعی** بدانکه انواع افعی بسیار است و آنکه در
تریاق فاروق مستعملست اشقر باید زیرا که سیاه و سخت زهرناک باشد
زهران بد بود و سفید ضعیف باشد و اشقر معتدل بود جوان و تندرست
باید و نشان جوانی ان آنست که حرکتهای او قوی باشد و زود حرکت بود
و نشان تندرستی و قوه آنست که سر برافراشته دارد و چشمهای او سرخ
و دلیر بود و ماده باید بود زیرا که زهر ماده ضعیفتر از زهر نر بود و نشان
مادگی آنست که در دهان او چهار دندان زهر باشد که از انیش دندان
گویند از هر جانب دو دندان زهر باشد و نر را یکی باشد و مخرج ثقل او
و فرج او بدنبال نزدیکتر باشد و دنبال دراز نباشد و این را ماران

کلته دم خوانند و نیز باید که پوست شکم او صلب باشد زیرا که صلابت
علامت آن بود که تن او رطوبات فضلیه کمتر است و سر پهن باید از
برای آنکه سر پهن علامت قوت دماغ است و در میان فصل بهار باید گرفت
که آفتاب در ثور باشد و اگر بهار طبع زمستان داشته باشد در آخر بهار
باید اول تابستان باید گرفت تا قوی باشد و ماوای او درختان باید
خاصه درخت بلوط و آب زرد رنگ نباید و در زمین شوره نباید بلکه در
صحرای کیزه باید و بهتر آن باشد در محلی که او را گیرند تنگ نشوند تا اضطراب
بسیار نکند و خشم آلوده نگردد و تشنه و بیمار نشود و کشتن او چنان باید
که مقدار چهار انگشت از سر و دنبال او بیک ضرب بیندازند به تیغ تیز

چنانچه قطعا هیچ پوست بروی نماند یکضرب زیراکه زهر در دهان
وجانب سر او باشد وفضلهای جانب دنبال و چون کشته باشند
نظر کنند اگر خون از و بسیار آید و تا دیرگاه حرکت کند نیک باشد
واگر زود از حرکت فرو ایستد ضعیف باشد بدین کار نشاید وانکه شایسته
این کار باشد شکم او بشکافند و پاک کنند و پوست او باز کنند و آنرا
بآب صاف چند نوبت بشویند پس در آب صاف و اندک نمک با چند
شاخ شبت بجوشانند تا مهرا شود و گوشت از استخوان آن جدا شود
بگذارند تا سرد شود و آب از آن بپالایند و آن گوشت را با یکچهار یک وزن نان سفید
بریان کرده با کیره بکوبند و با آن آب که از آن پالوده باشد بسرشند

و دست و بینی را بروغن بلسان چرب کرده اقراص سازند هر یکی

یکمثقال و در سایه خشک کنند چنانچه مطلقا اثر آفتاب نرسد و آن اقراص

و در ظرف آبگینه نگاهدارند و باید که در محل پختن افعی و کوفتن و قرص

ساختن بینی بکیرند تا بوی آن بدماغ نرسد قرص اندروخورون مستعمل در تریاق

فاروق و این نسخه اصح است از نسخ دیگر و حسابش چنین الحق است صفت آن دار شیشعان قصب

الذریره سادورن عود بلسان فو سلیخه مصطکی از هر یک شش مثقال

فقاح اذخر زعفران از هر یک دوازده مثقال دارچینی حماما از هر یک

چهار مثقال اقحوان بیست مثقال کوفته و بیخته بشراب بجائی شراب مسکر

و دست بروغن بلسان چرب کنند و قرص سازند و در سایه خشک کنند

قرص غافث
مستعمل مشرودیطوس صفت آن مویز منقی چهار درم علک البطم چهار

درم اذخر مرازیر یک دوازده درم دارچینی مقل اظفار الطیب بسیس رومی

سلیخه اکلیل الملک سعد حب الغار ازیر یک سه درم قصب الذریره

درم زعفران یکدرم قفر الیهود دو درم و نیم کوفته و بیخته و بشراب بسرشند

واقراص سازند قرص اندرو معمول که در مخلصه اکبر مستعمل است صفت آن

حماما دار شعشعان قسط قصب الذریره قرنفل فلفل ابیض نانخواه ازیر یک

سه مثقال فوه یک مثقال سنبل الطیب ساذج هندی ازیر یک شش مثقال

کوفته و بیخته بشراب بسرشند و اقراص سازند و در سایه خشک کنند

قرص کبد الارانب معده ضعیف را قوه دهد و نگذارد که فضول بدان مندفع شود

وچون بر پیشانی طلا کنند صداع را نافع باشد و منع نزلات کند و
چون با زرد در میان او بیامیزد و بر دندان کرم خورده نهند درد ساکن کند
وچون با آب مرزنگوش در گوش چکانند درد بنشاند و نفث الدم و سیلان
خون از هر موضع که باشد باز دارد و سرفه کهنه را سود دارد و تنهای وی را
نافع بود و چون با آب مرزنگوش و با آب شبت پاشاند جمیع زهرهای
گزندگان جانوران را نافع بود و اگر بشراب بنوشند اسهال و موی و قروح
امعای مثانه را نافع بود صفت آن مر جند بیدستر سنبل سلیخه گل مختوم
پوست بیخ لفاح از هر یک چهار درم افیون زعفران قسط کوکب الارض
وانزاطلق نیز گویند از هر یک پنج درم انیسون و فوسیالیوس بزر البنج

میعه سایله تخم کرفس از هر یک بیست درم صمغها را در شراب ریحانی حل نمایند

و داروهای دیگر را کوفته و بیخته با آن بسرشند و اقراص سازند قرصی

یکدرم در سایه خشک **قرص طباشیر ملین** سرفه و خشونت سینه و تهابی

محرقه را نافع بود و طبع را نرم کند و تشنگی بنشاند صفت آن طباشیر سفید چهار درم

تخم خشخاش سه درم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو از هر یکی دو مثقال نشاسته

صمغ عربی و خشخاش کتیرا از هر یک یکدرم بلعاب بزرقطونا سرشته

اقراص سازند **قرص طباشیر ممسک** تهابی صفراوی را نافع بود و شکم بندد

و خون باز دارد و تشنگی بنشاند صفت آن گل سرخ یازده درم صمغ

عربی نشاسته تخم حماض گل ارمنی از هر یک ده درم طباشیر سماق

زرشک منقی از هر یک هفت درم کوفته و بیخته بگلاب بسرشند قرص بازند

قرص بسد لؤلؤی مروارید ناسفته طباشیر از هر یک مثقال بسد

کهربا تخم حماض بری طراثیث صمغ عربی از هر یک دو درم خشخاش بریان

کرده پنج درم کوفته و بیخته بگلاب بسرشند و قرص سازند قرص طباشیر

کافوری تب دق و محرقه و سرفه گرم را نافع بود و تشنگی بنشاند

صفت آن طباشیر گل سرخ صندل سفید تخم خیارین تخم کاسنی

تخم کاهو خرفه مقشر از هر یک یکمثقال کافور دانگی کوفته و بیخته به

بلعاب بزرقطونا سرشته اقراص سازند قرص کهربا خون از شکم رفتن باز

دارد صفت آن کهربا بسد مروارید ناسفته تخم خرفه از هر یک پنج درم

شاخ بز کوهی سوخته پوست بیضه سوخته صمغ عربی از هر یک سه درم

کشنیز خشک بریان کرده خشخاش سفید و سیاه از هر یک شش درم

ودع سوخته بزر البنج از هر یک دو درم کوفته و بیخته بلعاب بزر قطونا

اقراص سازند **قرص کلنار** خون رفتن بازدارد صفت سلیخه گل ارمنی

صمغ عربی از هر یک چهار درم گل سرخ کلنار اقاقیا از هر یک سه درم

کثیرا دو درم کوفته و بیخته باب کلنار اقراص سازند **قرص زرشک کبیر**

ورم معده و جگر و تبهای بلغمی و استسقا را نافع بود صفت آن

عصاره زرشک مغز تخم خیارین مغز تخم خربزه از هر یک سه درم

گل سرخ ترنجبین از هر یک شش درم تخم کشوث رب السوس طباشیر

تخم کاسنی مصطکی سنبل عصاره غافث فوه لک مغسول ربوند چینی

از هر یک دو درم زعفران نیم درم کوفته و بیخته با آب کشنیز سرشته

اقراص سازند قرص زرشک صغیر زرشک منقی یازده درم تخم کاسنی تخم خرفه

تخم خیارین از هر یک سه درم گل سرخ پنج درم ربوند چینی سنبل از هر یک

یکدرم بلعاب بزرقطونا اقراص سازند قرص زرشک حار زرشک پنج درم لک

مغسول ربوند چینی عصاره غافث سنبل انیسون مصطکی از هر یک

یکدرم کوفته و بیخته اقراص سازند قرص زرشک بارد صفت آن زرشک

رب السوس یکدرم و نیم مغز تخم خیارین تخم خرفه تخم کاسنی از هر یک

دو درم و نیم بگلاب اقراص سازند شربتی دو مثقال با سکنجبین و آب کاسنی

وآب عنب الثعلب **قرص ریوند** ورم وصلابت جگر وسبزه وبهای

کهنه را نافع بود صفت آن ریوند چینی شش درم قوه لک مغسول منقی

از هر یک سه درم تخم کرفس افسنتین عصاره غافت از هر یک یکدرم را

کوفته وبیخته با آب خالص اقراص سازند **قرص خشخاش** ریش سینه وشش را

نافع بود صفت آن گل سرخ صمغ عربی از هر یک چهار درم نشاسته

کثیرا رب السوس از هر یک دو درم خشخاش سفید وسیاه از هر یک

سه درم زعفران نیم درم طباشیر نیم درم با آب خالص قرص سازند شربتی یک

مثقال با دو مثقال با شربت خشخاش **قرص گل** در درد معده وتبهای

بلغمی اسود دار صفت آن ورق گل سرخ شش درم رب السوس

چهار درم سنبل یکدرم طباشیر دو درم عصاره غافث چهار درم کوفته

و بیخته به سکنجبین سرشته اقراص سازند قرص گل به نسخه دیگر اقوی از اول

صفت ان گل سرخ ده درم اصل السوس عصاره غافث افسنتین از هر یک

چهار درم مصطکی سنبل اسارون عود خام اذخر از هر یک یکدرم کوفته

و بیخته بگلاب اقراص سازند قرص گل به نسخه دیگر شطر الغب و تبهای مرکبه را نافع

باشد و معده را قوه دهد صفت آن گل سرخ اصل السوس سنبل الطیب

از هر یک چهار درم طباشیر افسنتین از هر یک دو درم تخم کشوث درم

به گلاب قرص سازند قرص غافث یرقان و درد جگر و سپرز و تب بلغمی و تبهای

کهن را نافع باشد و سده بگشاید عصاره غافث بیست درم کوفته و بیخته

باب صافی بسرشند واقراص سازند قرص کاکنج قروح کلیه و
مثانه وبول الدم را نافع باشد صفت آن مغز تخم خیارین حب کاکنج
مغز بادام رب السوس نشاسته صمغ عربی دم الاخوین کثیرا کندر از هر یک ده
درم تخم کرفس دو درم افیون یکدرم بآب صاف اقراص سازند شربتی
یک مثقال تا یکدرم قرص مقل ورم صلب معده را نافع باشد
صفت آن گل سرخ ده درم سنبل دو درم زعفران مر از هر یک درم
قسط و مغز بادام تلخ از هر یک یکدرم و نیم مصطکی دو درم و نیم مقل سه
درم مقل را در شراب حل کرده دارو ها را کوفته و بیخته بآن بسرشند
و اقراص سازند قرص کافور یرقان و تب گرم را سود دارد صفت آن

زرشک منقی طباشیر گل سرخ از هر یک هفت درم تخم کاهو تخم خرفه
تخم کاسنی کثیرا از هر یک سه درم مغز تخم خربزه مغز تخم کدو از هر یک پنج درم
صندل سفید رب السوس از هر یک دو درم کافور یک درم بلعاب بزر قطونا
سرشته اقراص سازند شربتی دو درم با سکنجبین بزوری قرص کافور به نسخه دیگر
تب دق و غب و محرق را نافع بود و تشنگی بنشاند صفت آن طباشیر
تخم خرفه تخم کاهو از هر یک پنج درم کاسنی رب السوس صندل سفید از هر یک سه
درم مغز تخم کدو مغز تخم خیارین از هر یک هفت درم ترنجبین ده درم
کافور نیم مثقال بلعاب بزر قطونا سرشته اقراص سازند قرص شبرم
استسقای را نافع باشد صفت آن شبرم هلیله زرد مساوی کوفته

وبحبه قرص سازند شربتی دانگی با سکنجبین و بتدریج افزایند **قرص لک**

استسقای لحمی را سود دارد و سده بگشاید صفت آن لک مغسول

ریوند چینی از هر یک سه درم اسارون زراوند جنطیانا سنبل مصطکی

تخم کرفس انیسون نانخواه اذخر ابهل فلفل دارفلفل از هر یک یکدرم کوفته

وبحبه آب صافی اقراص سازند شربتی یک مثقال **قرص افسنتین**

درد معده را که پس از طعام پیدا شود سود دارد صفت آن افسنتین تخم

کرفس انیسون از هر یک پنجدرم سلیخه بیست درم فلفل جندبیدستر

افیون از هر یک دو درم کوفته وبحبه با آب صافی اقراص سازند

قرص افسنتین بنسخه دیگر حمیات بلغمی را و عسر البول و برودت جگر و معده را

نافع باشد وسده طحال بگشاید صفت آن افسنتین تخم کرفس بادیان

مغز بادام مساوی کوفته وبیخته بآب خالص بسرشند واقراص سازند

شربتی یک مثقال قرص کبر اوجاع طحال را نافع باشد وسده بگشاید

صفت آن پوست بیخ کبر اشق از هر یکی چهار درم زراوند طویل دو درم

فنجنکشت فلفل از هر یک شش درم اشق در سرکه کهنه حل کنند وباقی

ادویه کوفته وبیخته بآن بسرشند واقراص سازند قرص افسنتین

که تب بلغمی وجگر ضعیف را نافع بود صفت آن انیسون افسنتین مغز بادام

تلخ سنبل صبر از هر یک چهار درم عصاره غافث سادج هندی اسارون از

هر یک سه درم مصطکی وتخم کرفس از هر یک یک درم کوفته وبیخته

170

به گلاب اقراص سازند شربتی یکدرم با طبیخ افتیمون قرص اریسا سبز

صلب را نرم سازد صفت آن اریسا چهار درم فلفل سفید اشق زرنیک

دو درم اشق را در سرکه حل کنند و باقی ادویه را کوفته و بیخته با آن سرشند

و اقراص سازند شربتی دو درم با سکنجبین قرص فنجنکشت سده جگر را بکشاید

و سده سپرز را صفت آن فنجنکشت تخم کاسنی تخم خرفه مغز کدو مساوی کوفته

و بیخته با سکنجبین بسرشند و اقراص سازند و در طبیخ افسنتین استعمال نمایند

قرص عود قی و هیضه باز دارد صفت آن عود چهار درم کبابه مصطکی

قرنفل سنبل زرنیک دو درم قند سفید دوازده درم کوفته و بیخته

اقراص سازند شربتی دو درم قرص فوه طحال را نافع باشد صفت آن

قوه دوازده درم پوست بیخ کبر ایرسا زراوند طویل ازهریک دو درم

کوفته وبیخته بسکنجبین بسرشند واقراص سازند ودر طبیخ افسنتین استعمال

نمایند **قرص عود** بنوعی دیگر معده را قوت دهد وطعام هضم کند واشتها

آورد صفت آن قرنفل مصطکی ازهریک سه درم قاقله سنبل بساسه

ازهریک دو درم عود خام قرفه پوست ترنج ازهریک پنج درم

زعفران جوزبوا زرنباد دارفلفل ازهریک یکدرم قند سفید بوزن ادویه

کوفته وبیخته اقراص سازند **قرص کندری** وهیضه بازدارد صفت

آن کندر سه درم قرفه پنج درم کبابه چینی قاقله ازهریک دو درم

کافور ومشک ازهریک دانگی قرنفل یکدرم کوفته وبیخته اقراص سازند

و شربتی یک مثقال با ده درم شراب انار منعنع قرص برای قی
و هیضه باز دارد و خواب آورد صفت آن قرنفل ده درم اک قرفه
راسن از هر یک دو درم افیون پوست لفاح از هر یک یکدرم کوفته
و بیخته اقراص سازند قرص حب الآس اسهال و قی باز دارد صفت آن
سماق حب الآس کزمازج گل ارمنی نشاسته بریان کرده بلوط از
هر یک ده درم مقل یکدرم پوست انار مازو از هر یک پنج درم کوفته
و بیخته اقراص سازند شربتی دو درم با آب به با آب سیب قرصی
که قی بلغمی و سوداوی را قطع کند و معده را قوت دهد صفت آن
پوست بیرون پسته گل سرخ از هر یک چهار درم عود خام مصطکی از

هر یک سه درم سک پنج درم کوفته و بیخته با آب سیب اقراص سازند

قرص بسد قی الدم را نافع باشد صفت آن بسد مغسول ده درم کندر

اقاقیا گلنار صمغ عربی از هر یک چهار درم کثیرا گل مختوم از هر یک سه درم

دارچینی یکدرم کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی یک مثقال بشراب الجبار

قرص سه قریب النفع است از قرص بسد صفت آن سرمه اصفهانی شادنج

عدسی مغسول دم الاخوین از هر یک سه درم شاخ بز کوهی سوخته اقاقیا از

هر یک یکدرم لادن عنبر از هر یک نیمدرم برسیاوشان یکدرم

و نیم کوفته با آب لسان الحمل اقراص سازند شربتی دو درم قرص الطین

قرحه مثانه و بول الدم را نافع باشد صفت آن گل مختوم طباشیر کثیرا صمغ عربی

صمغ فارسی تخم خرفه مغز تخم خیارین مغز تخم خربوزه مساکوفته
بلعاب بزرقطونا سرشته اقراص سازند قرص سنبل ورم بلغمی جگر و معده
را نافع بود صفت آن سنبل فقاح اذخر سلیخه ریوند چینی قصب الذریره
از هریک سه درم زعفران انیسون مر قسط فلفل از هریک یکدرم مقل مصطکی آ تر
دو درم اشق را و مقل را در مثلث حل کرده و داروهای دیگر را کوفته بیخته
بان بسرشند و قرص سازند شربتی دو درم جهت ورم معده با مثلث
و از جهت ورم جگر با سکنجبین دهند قرص کرنارنج ترکیب جالینوس که سپرز را صلب
بکداز د صفت آن کرنارنج چهار مثقال فلفل اشق اسارون از هریک دو مثقال
اشق را در سرکه عنصل حل کنند و داروهای دیگر کوفته و بیخته بآن بسرشند

واقراص سازند شربتی یک مثقال با سکنجبین قرص کهربا نسخه دیگر بول

الدم را نافع بود صفت آن کهربا صمغ عربی نشاسته کثیرا جو مقشر

تخم کدو از هر یک سه درم گلنار اقاقیا از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته

بلعاب بزرقطونا سرشته اقراص سازند شربتی دو درم با شیره تخم خرفه

قرص شب همان خاصیت دارد صفت آن شب یمانی شاخ گوزن

سوخته کثیرا گل ارمنی گلنار تخم خرفه مساوی کوفته و بیخته با آب خرفه

اقراص سازند قرص شب بنوع دیگر شب یمانی شاخ گوزن سوخته

دم الاخوین گلنار از هر یک سه درم کثیرا شش درم صمغ عربی دو درم

کوفته و بیخته با آب خرفه بسرشند و اقراص و با شراب حب الآس دهند

قرص بزور جرب مثانه را نافع باشد صفت آن مغز تخم

خربزه ده درم مغز تخم خیارین بنج درم مغز تخم کدو شیرین تخم خطمی

مغز بادام شیرین کتیرا نشاسته رب السوس خشخاش گل ارمنی تخم کرفس

از هر یک دو درم بزر البنج یک درم کوفته و بیخته اقراص سازند و بشراب بنفشه

بدهند قرص بنفشه تب با سرفه را نافع باشد صفت آن بنفشه مغز بادام

شیرین مغز تخم کدو و مغز تخم خیارین کتیرا گل سرخ از هر یک بنج درم

رب السوس گل ارمنی نشاسته از هر یک سه درم مصطکی یک مثقال

سنبل یک درم کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی یک مثقال قرص بنفشه

به نسخه دیگر چون با تب و سرفه قبض طبیعت باشد نافع بود صفت آن بنفشه ده درم

تربد بسفایج پنجدرم رب السوس سه درم و نیم سقمونیا سه درم مصطکی

یکدرم و نیم کثیرا نیمدرم کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی دو درم و نیم بجلاب

دهند قرص غاریقون سپرز غلیظ را بگدازاند صفت آن غاریقون گل سرخ

از هر یک پنجدرم طباشیر زرشک از هر یک دو درم عصاره غافت سنبل از هر یک

مغسول ریوند چینی پوست بیخ کبر در سرکه خیسانیده و خشک کرده از هر یک

یکدرم و نیم کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی دو درم با سکنجبین قرص صمغیه

ضعف معده و ضیق النفس و سلس البول را نافع باشد صفت آن گل

سرخ سنبل از هر یک سه درم صمغ عربی نار مشک از هر یک دو درم مصطکی

یکدرم گلنار طباشیر از هر یک یکمثقال و نیم کوفته و بیخته قرص سازند شربتی

سه درم با کلقند **قرص صمغ** دشواری وجع و وضع حمل را

آسان کرداند و بچه مرده و زنده را در ساعت بیرون آورد صفت آن

مروجا و سیر سکنجبین از هر یک یکدرم حلتیت نیم درم مجموع یک شربت با

سداب یا آب طبیخ حلبه دهند و تبخیر اینها نیز همین عمل کند **قرص کهربا** [illegible]

اسهال دموی و افراط طمث و قی الدم را نافع بود صفت آن بیخ انجبار

چهار درم گل سرخ صمغ عربی کهربا تخم خرفه از هر یک سه درم گلنار

نشاسته گل ارمنی بسد طباشیر رب السوس از هر یک دو درم اقاقیا

یکدرم و نیم کوفته بیخته و با آب مورد قرص سازند **قرصی** که استسقا را

نافع بود صفت آن گل سرخ سه درم عود سنبل مصطکی سلیخه قاح ادخر

دارچینی افسنتین از هر یک یکدرم کوفته بیخته اقراص سازند قرصی که
همین خاصیت دارد صفت آن مغز بادام تلخ افسنتین اسارون انیسون
غاریقون مساوی کوفته و بیخته قرص سازند قرص املاء و من تخم کرفس
انیسون دارچینی از هر یک شش درم افسنتین مصطکی از هر یک چهار درم
فلفل مرافیون جند بیدستر از هر یک دو درم با آب خالص قرص سازند
شربتی یک مثقال قرص اکبر که فواق امتلائی را نافع باشد صفت آن قسط تلخ
صبر سقوطری ادخر تمام فودنه کوهی نعناع خشک بید انجیر تخم کرفس کندر
اسارون از هر یک یکدرم افیون دانکی و نیم گل سرخ نیم درم کوفته و بیخته
بمثلث بسرشند و اقراص سازند قرصی که خون شکم و زحیر و نفث الدم را

نافع باشد صفت آن گل مختوم گل ارمنی قرظ طباشیر کثیرا بلوط
آرد کنار حب الآس از هر یک دو درم تخم حماض بری صمغ عربی
گلنار از هر یک چهار درم نشاسته گل سرخ از هر یک سه درم تخم کرفس
سماق مصطکی از هر یک یکدرم مازو و زیره کرمانی در سرکه خیسانیده
و بریان کرده از هر یک یک مثقال کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا
اقراص سازند شربتی یکدرم قرص طباشیر سل و دق و نفث الدم
را نافع باشد صفت آن گل ارمنی گل مختوم نشاسته گل سرخ از هر یک
شش درم سرطان سوخته ده درم کثیرا طباشیر شادنج مغسول
از هر یک پنج درم رب السوس سه درم کوفته و بیخته بآب لسان الحمل

اقراص سازند **قرص سل** تخم خیارین ده درم تخم خرفه اصل السوس

از هر یک چهار طباشیر و سرطان محرق از هر یک دو درم نشاسته کثیرا از هر یک

یک درم کوفته بلعاب بزرقطونا سرشته اقراص سازند شربتی یک مثقال **قرصی**

که اسهال و سعال و نفث الدم را نافع باشد صفت آن تخم حماض

بریان کرده زرشک منقی نشاسته طباشیر حب الاس شاه بلوط از هر یک

پنج درم زعفران یک درم گل مختوم صمغ عربی از هر یک ده درم کهربا بسد

از هر یک سه درم کوفته و بیخته بآب خالص اقراص سازند شربتی دو درم

قرص دیگر نفث قدیم را نافع بود صفت آن رب السوس صمغ عربی

نشاسته مغز تخم کدو از هر یک دو مثقال انزروت مربی ریوند چینی از هر یک

یکمثقال مغز بادام سه مثقال کوفته بلعاب بزر قطونا سرشته قرص
سازند شربتی دو مثقال قرص مشک بنسخه محمد ذکریا معده و جگر بارد را
نافع باشد و قوت دهد و غشی و خفقان بارد را و اوجاع معده بارد را
نافع باشد صفت آن مصطکی عود قرنفل دارچینی سنبل سک جوزبوا
کبابه هیل پوست ترنج قاقله از هر یک یکمثقال مشک دانگی کوفته و بیخته
بشراب ریحانی سرشته اقراص سازند شربتی یکمثقال قرص طباشیر
نسخه ثابت بن قره صفت آن حب الآس تخم حماض مقشر از هر یک
دو درم صمغ عربی نشاسته از هر یک یکدرم کوفته و بیخته بلعاب
بزر قطونا اقراص سازند شربتی دو درم قرص طباشیر نسخه دیگر صفت آن

طباشیر رب السوس از هر یک ده درم تخم خشخاش کاهو پوست تخم خرفه

پانزده درم گل سرخ کشنیز خشک از هر یک پنج درم اقاقیا صندل سفید

گل ارمنی گلنار از هر یک دو درم کافور نیم درم کوفته و بیخته بگلاب

قرص سازند شربتی سه درم باب انار ترش **قرص نفث الدم** کندر دم الاخوین

گلنار از هر یک سه درم و دو دانگ کهربا پنج درم شادنج گل مختوم

از هر یک ده درم شب یمانی دو درم و نیم افیون دارچینی از هر یک

دو درم مجموع را کوفته و بیخته ده قرص سازند شربتی یک عدد باب خرفه

قرص مفرح دل و دماغ را قوت دهد و یرقان و خفقان را نافع باشد

صفت آن گل سرخ دو درم طباشیر مروارید ناسفته بسد صندل سفید

از هر یک یکدرم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو از هر یک دو درم
تخم خرفه سه درم زعفران نیمدرم کوفته وبیخته بلعاب بزرقطونا
اقراص سازند شربتی یک مثقال با سکنجبین قرصی که تب ربع و صداع
و سرسام را نافع باشد و تشنگی بنشاند و خواب آورد و هذیان
دفع کند صفت آن مغز تخم خیارین مغز تخم کدو و تخم کاهو از هر یک
ده درم رب السوس نشاسته کثیرا افیون از هر یک سه درم کوفته
وبیخته باب کاهو یا بلعاب بزرقطونا بسرشت قرص سازند شربتی
عددی یا دو عدد قرص ذات الجنب بنفشه رب السوس از هر یک ده درم
نشاسته کثیرا تخم خطمی را زیانه از هر یک سه درم کوفته وبیخته بلعاب بزرقطونا

قرص بنفشه شراب درم سه شربتی بارند قرص سرشسته وبهدانه وبزرک

درم بحد کند آن صفت باشد نافع را امتلائی فواق و ریحی فواق کند

یک ازهر سعد نانخواه صعتر درم سه یک ازهر تمام سداب دانه فوج اسن را

قرص زیره نسخ طباشیر مثقال یک شربتی بارند قرص بگلاب نیم و یکدرم

کاسنی تخم آن صفت است نافع را حاره فی استسقای بازریون

جهار و یکدرم یک ازهر غافث عصاره ریقون غار بادریون درم ده

بسجه و کوفته نیم و درم دو یک ازهر خیارین تخم مغز سرخ گل دانک

استسقای دیگر قرص هندی قرص یک و روز سرو بارند قرص ده از مجموع

شیر اطبا ان صفت است نافع بود اسهال با که سپرز و جگر فساد و حار

گل سرخ گلنار زرشک سماق گزمازج تخم حماض تخم کاسنی
وتخمشنک تخم خرفه از هر یک یکدرم سعد کوفی فقاح اذخر انیسون
سنبل ریوند لک مغسول پوست بیخ کبر افیون از هر یک نیم درم کافور
دانگی کوفته و بیخته قرص سازند شربتی سه درم قرص افتیمون قولنج را
مستاصل نماید صفت آن تربد افتیمون از هر یک ده درم سکبینج پنج درم
کوفته و بیخته ده قرص سازند شربتی یکقرص هر روز بماء الاصول بدهند
قرصی که نافع است زحیر را که با آن پیچ و قراقر باشد و حرارت
نباشد صفت آن بزرالبنج شبت رازیانه از هر یک پنج درم نانخواه دو
درم و نیم افیون سه درم تخم کرفس ده درم کوفته و بیخته قرص سازند

شربتی یکمثقال قرص خرنوب اسهال دموی وغیر دموی را نافع آ

صفت آن مازو وخرنوب کزمازج کلنار از هریک سه درم افیون

صمغ عربی از هریک نیم درم کوفته بیخته قرص سازند شربتی دو درم با رب به

قرص طباشیر افیونی اسهال با فراط حرارت را نافع است صفت آن

طباشیر گل سرخ تخم کاهو تخم خرفه تخم کاسنی سماق از هریک

یکدرم کلنار صندل وافیون از هریک نیم درم تخم حماض یکدرم ونیم

کافور دانکی باب خالص قرص سازند شربتی یکدرم قرص آس

اسهال با سرفه را نافع باشد صفت آن حب الآس ده درم برسیاوشان

مغز تخم خربزه از هریک پنج درم رب السوس صمغ عربی وکندر

دم الاخوین از هر یک دو درم و نیم افیون سه درم تخم کرفس دو درم

کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی دو درم با شراب خشخاش قرص مرمکی

که حیض براند و تسهیل ولادت کند صفت آن مر سه درم ترمس یکدرم

سداب فودنه قردمانا مشکطرامشیع فوه جلتیت جاوشیر سکبینج از هر یک

دو درم کوفته و بیخته قرص سازند شربتی دو درم بطبیخ ابهل قرص

عشرة الادویه تب ربع و وجع کبد و ترهل را نافع باشد صفت آن

افسنتین عصارهٔ غافث از هر یک چهار درم اسارون ساذج هندی

افسنتین تخم کرفس سنبل مغز بادام تلخ مصطکی از هر یک یکدرم

صبر دو درم کوفته و بیخته بطبیخ افسنتین قرص سازند شربتی یکدرم با آب

کرم **قرص منوم حار** تخم شبت دو درم زعفران مر بزر البنج المعیر از
سرکه دانکی افیون یک طسوج کوفته و بیخته و بلعاب حلبه قرص سازند
شربتی یک مثقال **قرص منوم بارد** تخم کاهو خشخاش با قلا مقشر تخم خرفه
کاکنج از هر یک یکدرم افیون یکطسوج کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا
قرص سازند شربتی یکمثقال **قرصی** که نافع است افراط خون بواسیر را
صفت آن مرجان کهربا ودع سوخته گل ارمنی از هر یک ده درم هلیله
سیاه بلیله آمله از هر یک پنجدرم بحشم کنند تا سه درم مقل ده درم مقل را
در آب کنند تا حل کنند و دارو ها کوفته و بیخته با ان بسرشند و قرص سازند
شربتی سه درم با ده درم آب کندنا یا با آب آهنگران **قرصی** که قی و هیضه را

بازدارد و طبع به بندد و خواب آورد صفت آن قرنفل سک از
هر یک ده درم مازو و پوست انار گزنازج از هر یک پنج درم افیون
دانگی کوفته و بیخته برب به سرشته قرص سازند شربتی یک درم و نیم
قرص سعفه زردچوبه مغز بادام تلخ از هر یک یک جزو و مقل دو جزو
مقل را در سرکه کهنه سه روز متوالی بخیسانند و زردچوبه و مغز بادام تلخ را
کوفته و بیخته داخل نمایند و با یکدیگر نیک صلایه کنند و اقراص سازند
و در وقت حاجت با آب کاسنی بسایند و طلا کنند قرص مثلث صداع
و شقیقه و سهر را نافع بود چون بریشانی و صدغین طلا کنند صفت آن
افیون مصری مرمکی لادن کافور زعفران بزرالبنج پوست بیخ لفاح

از هر یک پنج درم کندر انزروت آمله گل ارمنی از هر یک ده درم کوفته
و بیخته بگلاب و آب کاهو سرشته اقراص سازند سه بهلولی تا از قرصها مهیا باشد
قرص زرنیخ آنکه دهن و لثه را نافع باشد و عفونت دفع کند صفت آن
زرنیخ زرد و سرخ آهک نزده مازو از هر یک ده درم زنگار قلقطار از هر یک
پنج درم شب یمانی اقاقیا گلنار از هر یک سه درم کوفته و بیخته و در سرکه خیسانیده
یک هفته در آفتاب بگذارند بعد از آن اقراص سازند و در سایه خشک کنند
و در وقت احتیاج دانگی از آن بلثه دهن بمالند و یکساعت بگذارند
بعد از آن روغن گل قدری در دهن نگاه دارند قرص اردو بعد از آنکه
سنبل را چیده باشند استعمال دارند صفت آن نوشادر مسحوق خبه از هر یک

دو درم توتیا دوازده درم کوفته و بیخته بر زرده تخم مرغ بسرشند و در
پوست تخم مرغ کنند و به گل حکمت بگیرند و در کوزهٔ نو نهند و در کوزهٔ
فخار بگذارند تا پخته شود و بعد از آن صلایه کرده استعمال نمایند قیروطی
که نافع است از جهت قرحه گوش و چرک که از گوش آید پاک کند صفت آن ازوت
و صبر زبد البحر بورهٔ ارمنی و دم الاخوین کندر مردسنگ زنگار خبث الحدید
کوفته و بیخته و بسرکه در گوش چکانند بعد از آن که چند نوبت ماء العسل چکانیده
باشند و فتیله از عسل تر سازند و به ادویهٔ مذکوره بگردانند و در گوش
نهند قیروطی که درد گوش که از گرانی باشد ساکن کند صفت آن
روغن گل شش درم روغن بادام شیرین پنج درم سرکه ده درم تا شش درم زرند

٣٦٥

چندانکه سرکه برود و روغن بماند و نیمگرم در گوش چکانند **قطوری**

که طنین را و گرانی گوش ببرد صفت آن کندر زعفران فرفیون جندبیدستر

خربق سفید مر از هر یک سه درم نطرون بوره ارمنی از هر یک دو درم

کوفته بیخته و در شراب حل کنند و در گوش چکانند **قطوری** که کرم گوش را

بکشد صفت آن برگ شفتالو آب برگ فودنه آب برگ ترب از هر یک نیم درم

خربق سفید بوره ارمنی سقمونیا افسنتین رومی از هر یک یکدرم کوفته

و بیخته با آبهای مذکوره بیامیزند و در آفتاب نهند تا خشک شود و بعد از ان

بسایند و در گوش چکانند **قطوری** که درد گوش از سردی باشد ساکن گرداند

صفت آن افیون جندبیدستر از هر یک دو درم کوفته و بیخته در دو من

میفنجج بپزند تا بقوام آید با روغن سوسن حل کنند و نیم گرم در گوش
چکانند **قطوری** که طرش را نافع باشد صفت خربق سفید یک مثقال
جند بیدستر نیم مثقال نطرون دانگی و نیم کوفته و بیخته با سرکه کهنه در گوش
چکانند یا با آب سرگین اسپ تازه یا با آب ترب بجوشانند و در گوش چکانند
قطوری که درد گوش را نافع باشد صفت افیون یک درم
شیاف ابیض سه درم روغن گل چهار درم سرکه کهنه سه درم
با یکدیگر مخلوط ساخته نیم گرم در گوش چکانند **قطوری** که همین خاصیت
دارد صفت آب سرکاو تازه دو مثقال روغن خیری ده درم
بجوشانند تا آب سره برود و روغن بماند قطره قطره در گوش چکانند

قطوری که درد گوش بارد را نافع بود صفت سیر بمکوفته با زهره

گوسفند بجوشانند و نیم گرم در گوش چکانند قطوری که نافع است

از جهت آب که در گوش رفته باشد صفت آن آب برگ آب پیاز بجوشانند

و در گوش چکانند قطوری که گرانی گوش ببرد صفت آن اشحم حنظل سنه درم

بوره ارمنی یک درم چند بیدستر زراوند مدحرج قسط فرفیون افسنتین از

هر یک یک مثقال کوفته و بیخته بزهره گاو سرشته کنند و گلولها سازند

و در وقت حاجت یکی از آن بروغن بادام تلخ بسایند و نیمگرم در گوش

چکانند قطوری که شب کوری ببرد صفت آن آب بداب آب کشنیز مساوی

بجوشانند تا به نیمه آید و در دو سه نوبت در چشم چکانند قطوری

که در احلیل چکانند قرحه وسوزش بول را نافع باشد صفت آن سفیدآب

کندر انزروت صمغ عربی نشاسته دم الاخوین مساوی کوفته بیخته گلولها

سازند ودر وقت حاجت یکی ازان بشیر دختران سائیده بچکانند

قطوری که دوی وطنین وگرانی گوش را نافع باشد

صفت آن شحم حنظل یکدرم بوره ارمنی نیمدرم جندبیدستر زراوند

مدحرج از هر یکی یکدرم ونیم عصاره افسنتین قسط فرفیون از هر یک دانگی

ونیم کوفته بیخته وبزهره گاو بسرشند وگلولها سازند ودر وقت

حاجت باروغن بادام دو قطره در گوش چکانند باب الکاف

کلانج مروزی استسقا وبروده معده وتنهای کهنه وسرفه

وضیق النفس و قولنج و طحال و سلعه بلغمی و بهق و اختناق رحم را

سود دارد و بول بگشاید صفت آن هلیله سیاه پوست بلیله املهٔ مقشر

از هر یک هفت درم فلفل دار فلفل زنجبیل فلفلمویه نمک هندی سرخ

نمک هندی سیاه نمک اندرانی نمک طبرزد نمک خمیر شیطرج لسان

العصافیر سعد جوز بوا قرفه قرنفل صعتر از هر یک کابلی مقشر شونیز حب

النیل زیره کرمانی ساذج هندی تخم کرفس کشنیز خشک از هر یک

پنج درم ترید سفید صد و پنجاه درم فلوس خیارچنبر ده درم مویز منقی سه من

شیره آمله یک من مویز و آمله را در شش من آب بجوشانند تا دو من آید

و بپالایند و خیارچنبر در آن حل کنند و سه من فانید در آن آب بگدازند

ونیم من روغن کنجد با آن بیامیزند و بجوشانند تا بقوام آید و دا
روهای دیگر را کوفته و بیخته با آن بسرشند شربتی پنج درم با شیر
یا آب عنب الثعلب **کلانج بار** استسقای حار را نافع است صفت
آن مازریون مدبر غاریقون مغربل پوست هلیله زرد از هریک
پنج درم عصاره افسنتین سه درم پنج سوسن گل سرخ تخم کاسنی
مغز تخم خربزه رب السوس از هریک دو درم تخم کاسنی فلوس خیار
چنبر فانید از هریک پانزده درم صاف کرده بقوام آورند و داروهای دیگر را
کوفته و بیخته با آن بسرشند شربتی دو درم تا چهار درم **کلانج حار**
نافع است بجهت استسقائی که با او حرارت نباشد صفت آن مازریون مدبر

غاریقون پوست هلیله زرد سکبینج از هر یک نیم درم ابرسا سه درم ریوند چینی
عصاره غافث سنبل انیسون از هر یک دو درم کوفته و بیخته بعسل معجون
سازند شربتی سه درم تا چهار درم **کمونی** برودت معده و شهوت
کلبی و حمیات بلغمی و سوداوی و فواق امتلائی و بلغمی و فتق و قولنج
ریحی را نافع باشد و بادها بشکند صفت آن زیره کرمانی مدبر پنجاه
درم فلفل سیاه پانزده درم زنجبیل سداب از هر یک بیست درم
بوره ارمنی نیم درم عسل سه وزن ادویه معجون سازند شربتی یک مثقال
کحل زعفران که حکه جفن و تاریکی چشم و دمعه و سبل را نافع باشد
صفت آن زعفران سنبل از هر یک دو درم دار فلفل یک درم فلفل سفید

کافور از هر یک دانگی و نیم نوشادر نیم درم مازو سه درم کوفته بحریر بیخته در چشم کشند کحل دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن شادنج

مغسول دو درم دم الاخوین سادنج سنبل دار فلفل از هر یک نیم درم مازو یکدرم قاقله مشک از هر یک دانگی کافور نیم دانگی کوفته بحریر بیخته بدان

اکحال نمایند کحل معتدل توتیای مغسول اسگد بلیله زرد صبر از هر یک چهار درم فلفل نیم درم دار فلفل یکدرم کوفته و بیخته استعمال نمایند

کحل الجواهر بصر را قوت دهد و تیز گرداند صفت آن سرمه اصفهانی هفت درم مارقشیشا پنج درم اقلیمیا طلا دوازده درم مروارید ناسفته

سه درم زعفران نیم درم سادج هندی دو درم صلایه کرده در چشم کشند

کحل الجواهر دیگر نسخه صفت آن سرمه شش درم توتیا چهار درم بسدها

قشیثا از هریک دو درم مروارید ناسفته هفت درم سادج هندی

یکدرم مشک یکطسوج صلایه کرده استعمال نمایند کحل الجواهر عید بکر

صفت ان سرمه صفهانی توتیای هندی از هریک ده درم مارقشیثا

مرجان سرخ دهنه فرنگی عقیق سرخ طلا نقره مامیران خلبی فلفل دار

فلفل اقلیمیای طلا اقلیمیای نقره روی سوخته از هریک چهار

درم سرطان بحری مروارید ناسفته سادج هندی از هریک شش درم

یاقوت سرخ لاجورد شسته زعفران توبال مس سوخته هریک دو درم

صلایه کرده استعمال نمایند کحل روشنایی نافع است از جهت ضعف بصر

وشب کوری صفت آن مس سوخته شادنج مغسول از هر یک
پنج درم فلفل دار فلفل سپید شحم حنظل زعفران از هر یک یک درم اقلیمیا یک درم
صلایه کرده استعمال نمایند کحل عزیزی بصر را تیز گرداند و تاریکی چشم ببرد
و دمعه و سبل را نافع بود صفت آن سرمه اصفهانی سوخته پنج درم
اقلیمیای طلا و نقره شادنج عدسی مغسول توتیای هندی مس سوخته
از هر یک دو درم پوست هلیله زرد شادنج هندی فلفل دار فلفل نوشادر
صبر سقوطری حضض سپید نمک زعفران سرطان بحری از هر یک یک درم زنجبیل
نیم درم کافور نیم دانگ مشک سه حبه قرنفل دو دانگ صلایه کرده
در چشم کشند کحل مازو بصر را قوت دهد و دمعه باز دارد و حکه جفن را

سود دارد صفت آن شادنج عدسی ساذج هندی از هر یک
دو درم دار فلفل دم الاخوین از هر یک نیم درم روی سوخته مازو
از هر یک یک درم قاقله مشک از هر یک دانگی کافور یک طسوج کوفته و بحریر سحیق
بدان اکتحال نمایند کحلی که بیاض و آثار قرحه چشم سرد و شعیره را
نافع باشد صفت آن زبد البحر اقلیمیای نقره سفید آب ارزیز مس سوخته از
هر یک چهار درم سنبل مروارید ناسفته از هر یک دو درم صمغ عربی
کثیرا انزروت بعر الضب نشاسته سقمونیا از هر یک یک درم کوفته و سحیق
استعمال نمایند کحلی که نزول آب را نافع باشد صفت زهره کوهی
ده درم سحیق حنظل یک مثقال فرفیون نوشادر از هر یک نیم مثقال سکبینج نیم درم

کوفته و بیخته با آب رازیانه یا آب سداب بسرشند و خشک کنند دیگر

باره صلایه نمایند و در چشم کشند کحلی که مژه برویاند صفت آن

خرما سوخته پنج درم و خاک کند چهار درم سنبل حب بلسان از یک

سه درم لاجورد شسته ده درم کوفته و بیخته بر جفن کشند کحل بنفسجی

تاریکی چشم و دمعه و جرب حکه را نافع باشد صفت آن توتیا مغسول

دو درم دم الاخوین دانکی روی سوخته دار فلفل سنبل از هر یک

نیم درم سادج هندی دو دانک قاقله مشک از هر یک دانکی کافور

نیم دانک کوفته و بحریر بیخته استعمال نمایند کحلی که صحت چشم را نگاه دارد

صفت آن توتیا ده درم شیاف مامیثا سه درم صبر سقوطری حضض مکی از

هریک یکدرم کافور داکی کوفته وبیخته باب غوره یا آب سماق بیروزند
و در سایه خشک کنند و صبح و شام در چشم کشند **کل حکمت** کل زرد پاک
جهار من بکوبند و ببیزند و یکمن کاغد و نیم من نمک در آب کنند و بدست بمالند
تا حل شود بعد ازان کل بر سران کنند و یکچهار و یک موی سر آدمی
بمقراض چیده و یک چهار و یک سرکین اسب بیخته داخل کنند و نیک بمالند
و هفت روز باب تر کنند و می سرشند انگاه وصله وصله کنند و خشک گرداند
و در وقت حاجت آنمقدار که خواهند بکوبند و باب بسرشند و استعمال نمایند
باب اللام لعوق سپستان سرفه و خشونت حلق را نافع باشد و سینه را
نرم گرداند صفت آن سپستان دویست عدد مویز منقی چهل درم فلوس

خیار چنبر پانزده درم در شش رطل آب بجوشانند تا بدو رطل آید و بدست
بمالند و صاف کنند و یک رطل قند سفید اضافه کنند و بقوام آورند
لعوق زوفا ربو و سرفه کهنه را نافع باشد و سینه و شش را از اخلاط
غلیظه پاک کند صفت آن زوفای خشک و بیخ سوسن از هر یک بیست درم
در سه رطل آب بجوشانند تا برطلی آید صاف کنند و با یک رطل قند سفید
بقوام آورند **لعوق سب الشاه** سرفه بلغمی را نافع باشد و سینه را از اخلاط
پاک کند صفت آن تخم ترتیزک دو درم اصل السوس چهار درم انیسون
رازیانه از هر یک سه درم مجموع نیمکوفته در دو رطل آب بجوشانند تا برطلی آید
صاف کنند و با یک رطل عسل صاف بقوام آورند **لعوق الکتان**

ربو و سعال مزمن را نافع بود و سینه را از اخلاط پاک کند و نفث
اعانه دهد صفت آن برزگ بریان کرده سی درم قسر دمانا ده درم
کوفته بعسل بسرشند و لعوق سازند **لعوق طباشیر** سل و قرحه ریه و سرفه را
نافع باشد صفت آن نشاسته کثیرا از هر یک ده درم طباشیر چهار درم
مغز تخم خیار مغز حلغوزه صمغ عربی عاقله از هر یک هفت درم قند سفید
شصت مثقال کوفته بروغن بادام و عسل بسرشند و استعمال نمایند
لعوق حلبه بحوحه و غلظ صوت را نرم کند و سینه را نرم کند و نفث را
اسان گرداند صفت آن برزگ ده درم حلبه مغز بادام مقشر از هر یک
چهار درم کثیرا اصل السوس مغز حلغوزه نشاسته صمغ عربی از هر یک

دو درم کوفته بعسل بسرشند ولعوق سازند **لعوق بادام** سرفه

وخشونت حلق وحنجره را سود دارد صفت آن صمغ عربی کثیرا نشاسته رب

السوس از هر یک ده درم مغز تخم کدو مغز بادام از هر یک پنج درم

قند سفید بیست درم کوفته بجلاب بسرشند و بروغن بادام چرب سازند

ولعوق سازند **لعوق رب السوس** سعال مزمن نافع بود وفضول

لزجه را از سینه دفع کند و بر نفث یاری دهد صفت آن رب السوس

کثیرا بارزد مغز بادام رازیانه مساوی کوفته وبیخته بعسل صاف و روغن

بادام بسرشند ولعوق سازند **لعوق اصل السوس** ربو وسعال مزمن را که با رطوبت

باشد نافع باشد صفت آن بیخ عنصل مشوی سه درم ابرسا دو درم فراسیون

زوفا از هر یک یک درم کوفته بعسل صاف بسرشند و لعوق سازند

لعوقی که سرفه خشک را نافع باشد و سینه را نرم کند صفت آن رب

السوس هندبا مقشر از هر یک دو درم آرد باقلا نشاسته کثیرا صمغ عربی

تخم خطمی مغز تخم خیار مغز تخم کدو مغز تخم خربوزه از هر یک پنج درم

خشخاش ده درم مغز بادام مویز منقی از هر یک بیست درم مویز را در روغن

بادام بریزند و ادویه دیگر را کوفته و بیخته با آن بیامیزند و با پانید بسرشند

و لعوق سازند لعوق خیارشنبر نسخه یحیی ابن ماسویه ورم حلق را و تب و تشنگی

و خشونت زبان را نافع بود صفت عناب پنجاه عدد سپستان صد عدد

تخم خطمی ده درم مویز منقی بیست پنج درم بنفشه اصل السوس نیم کوفته

از هر یک پانزده درم بزرقطونا بیست درم مجموع را در هفت رطل آب بجوشانند

تا ثلثی آید صاف کنند و پنج درم مغز خیارچنبر در آن بمالند و دیگرباره

صاف نمایند و یک رطل پیه سنجد و سی درم فانید داخل کنند و بجوشانند

تا غلیظ شود و بار وغن بنفشه بادام بلیسند **لعوق خشخاش** سل و قرحه

امعا و نزف دم و سرفه بلغمی را نافع باشد صفت آن جوز خشخاس سفید

پنجاه درم در دو رطل آب بجوشانند تا بر طلی آید یک رطل قند اضافه کنند

و بجوشانند تا بقوام عسل آید بعد از آن رب السوس و مغز بادام و مغز تخم کدو

از هر یک پنج درم کوفته با آن ممزوج کنند شربتی ده درم بلیسند

لعوق خشخاش به نسخه دیگر نزله گرم و رقیق را ساکن کند صفت آن

تخم خشخاش سفید ده درم نشاسته کثیرا صمغ عربی از هر یکی چهار درم
مغز تخم کدو و مغز بهدانه شیرین از هر یکی سه درم کوفته بجلاب سرشته
لعوق سازند لعوق حب القطن سینه را از اخلاط پاک کند صفت آن حب القطن ده
درم مغز بادام شیرین ده درم آرد باقلا پنج درم کرسنه فراسیون از
هر یک سه درم شصت درم فانید را در آب بگدازند و بقوام آرند و داروهای
دیگر را کوفته با آن بسرشند شربتی یک ملعقه بامداد و شبانگاه لعوق
کرنب سینه را از اخلاط غلیظ پاک کند صفت آن آب کرنب بخته
یک من و نیم با نیم من عسل بپزند و بقوام آورند بعد از آن مغز حب بلغوزه و مغز پسته دانه
وار آرد باقلا از هر یک ده درم بزرک بریان کرده حلبه از هر یک پنج درم

مغز پسته پانزده درم کوفته با آن بسرشند شربتی پنج درم بشیر خر

نافع باشد **لعوق سیر** سرفه بلغمی را سود دارد و ماده را تقطیع دهد و سینه را

پاک کند صفت آن سیر پاک کرده نیم من در نیم من روغن کاو بریزند تا مهرا شود

پس بکوبند و نیک بمالند و با یک من عسل صاف بقوام آورند **لعوق**

جلغوزه ربو و سعال مزمن را و ضیق النفس را سود دارد و سینه را از

اخلاط پاک کند صفت آن مغز جلغوزه پنج سوس صمغ عربی کتیرا ازرک

بریان کرده خرمای بیدانه از هر یک سی پنج درم کوفته با دو رطل

عسل و دو رطل روغن کاو بسرشند شربتی یک ملعقه **لعوق صبیان**

چون شیر مادر در گلو اطفال ریزند سرفه و خشونت سینه را نافع بود

صفت آن صمغ عربی کثیرا رب السوس فانید سفید از هر یک چهار
درم مغز به دانه یک درم کوفته بعسل بسرشند لعوقی که ربو و ضیق النفس را
نافع باشد صفت آن بزرک بریان کرده ده درم بادام یک مثقال روغن
بنفشه بادام و پنج درم عسل بسرشند و لعوق سازند لعوقی که همین خاصیت
دارد صفت آن بزرک کرسنه مغز بادام از هر یک ده درم مغز حلغوزه
پنج درم بیخ سوس هفت درم صمغ عربی کثیرا از هر یک سه درم بعسل صاف
سرشته لعوق سازند لعوق دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن مغز حلغوزه
چهل درم مغز بادام چهل پنج درم رب السوس بیست و پنج درم بعسل سرشته
بلیسند لطوخی که شقیقه را نافع باشد صفت آن تخم کاهو از هر یک

یک درم بزرالبنج کثیرا از هر یک دو دانگ افیون نیم دانگ کوفته و بیخته

بسرشند و بر کاغذ پاره کشند و بر شقیقه چسبانند درد ساکن گرداند

لطوخی که همین عمل دارد صفت آن زعفران افیون دم الاخوین

صمغ عربی سفیده تخم مرغ سرشته بر صدغین چسبانند لطوخی

که همین خاصیت دارد صفت آن تخم کاسنی تخم کاهو از هر یک

دو درم مر یک درم حضض مکی ثلث درم افیون نیم درم کوفته و بیخته

بلعاب بزرقطونا سرشته بر دو وصله کاغذ کشند و بر صدغین

چسبانند لخلخه که خواب آورد صفت آن تخم گل و بیخ لفاح

از هر یک درم افیون دانگی کافور دو دانگ کوفته در ظرفی کنند و بویند

لخلخهٔ دیگر که منع عفونت و صداع را نافع باشد صفت آن صندل

سائیده و گشنیز خشک و گلاب و سرکه در ظرفی کنند و ببویند لبوب کبیر

گرده را گرم کند و قوی گرداند و منی بیفزاید و نشاط آورد و باه را

زیاده کند و دل و دماغ را قوت دهد و بدن را فربه گرداند و رنگ را

نیکو سازد و اعصاب را محکم کند و در مجامعت نظیر ندارد صفت آن

مغز پسته مغز فندق مغز بادام مغز حب الخضرا مغز گردکان مغز چلغوزه

مغز حب الزلم ماهی و بیان نخود و لوند خولنجان شقاقل بهمنین بو درین

زنجبیل کنجد مقشر دارچینی زرنبک بیخ درم سنبل الطیب سعد کوفی

قرنفل کبابه چینی حب القلقل تخم کندر تخم شلغم تخم ترب تخم پیاز

تخم شبت تخم هلیون لسان العصافیر درونج عقربی زرنباد از هر یک
سه درم جوز بوا بسباسه دواله بادرنجبویه دارفلفل از هر یک دو
درم خصیة الثعلب زنجبیل تازه مغز سر گنجشک خشخاش از هر یک ده درم
قضیب گاو سوده سورنجان بوزیدان نعناع خشک از هر یک چهار درم
مایه شتر اعرابی زعفران مصطکی از هر یک سه مثقال عود خام دو مثقال
ورق طلا سی عدد ورق نقره پنجاه عدد عنبر اشهب یک مثقال مشک
خالص نیم مثقال عسل سه وزن ادویه بطریق معهود معجون بسازند لبوب صغیر
منی زیاده کند و کلیه و مثانه را قوی گرداند و نسیان را نافع باشد
و رنگ رو را نیکو گرداند و دماغ را قوت دهد صفت آن مغز بادام مغز

گردکان مغز حب الخضرا مغز چلغوزه مغز حب الزلم مغز فندق مغز پسته
مغز نارجیل حب القلقل خشخاش سفید توذرین کنجد مقشر تخم جرجیر
تخم پیاز تخم شلغم تخم اسپست همچنین زرنبیل دارفلفل کبابه چینی قرنفل
دارچینی شقاقل خولنجان تخم هلیون مساوی عسل سه وزن ادویه معجون سازند
چنانچه رسم است شربتی دو درم **باب المیم مثرودیطوس** قریب المنفعت است
از تریاق فاروق در دفع سموم لیکن تریاق فاروق در دفع سموم ازین انفع است
و مقدار شربت این در امراض مذکوره زیاده از انست صفت آن مر زعفران
غاریقون زرنبیل دارچینی کثیرا از هر یک ده درم سنبل کندر خردل
سفید عود بلسان اسطوخودوس سلیوس قسط کمافیطوس فوه علک البطم

دار فلفل عصاره لحیة التیس خند بیدستر ساذج مبعه جاوشیر از

هر یک هشت درم سلیخه فلفل سفید و سیاه سورنجان جعده اسقور

دیون دوقو اکلیل الملک حنطیانا روغن بلسان حب بلسان اقراص

فرفیون مقل از هر یک هفت درم سداب دو درم اشق سنبل رومی مصطکی

صمغ عربی فطراسالیون قتر دمانا رازیانه افیون گل سرخ مشک

طرامشیع از هر یک پنج درم انیسون وج مو فو سکبینج اسارون از هر یک

سه درم فوه اقاقیا ناف سقنقور هیوفاریقون از هر یک چهار درم

و نیم شراب ریحانی کهنه چندانکه صمغ ها در آن حل شود عسل مصفی

دو وزن ادویه بطریق معهود معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند

مخلص کبیر صرع و دوار و صداع کهنه و رعشه و فالج و تشنج
بلغمی و اوجاع مفاصل و درد دندان و وسواس و رمد بلغمی و قروح
امعا و مغص ریحی و گرده و مثانه را نافع باشد و قی الدم را باز دارد
و چون با آب لسان الحمل دهند درد معده و سبرز را نافع باشد
و دفع سموم کند و چون بر قضیب طلا کنند نعوظ آورد صفت آن
سلیخه اذخر از هر یک یک وقیه و نیم جندبیدستر فطراساليون از هر یک
پانزده مثقال تخم کرفس دو وقیه سیساليوس یک مثقال قسط دارچینی
اقراص اندرو معا میعه سائله اسارون از هر یک شش مثقال
فلفل سفید دوازده مثقال سنبل هفت مثقال حماما زعفران

دارفلفل از هر یک چهار مثقال افیون ابهل انیسون از هر یک ده مثقال
عسل سه وزن ادویه معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند
از یک درم تا یک مثقال فلاسفه و آنرا مادة الحیوة نیز خوانند
هاضمه را قوة دهد و اشتها آورد و بلغم را دفع کند و نسیان
و درد پشت و درد گرده و اوجاع مفاصل را نافع باشد و منی زیاده
کند و باه را برانگیزد و دندانها سخت کند و دل را قوة دهد و نشاط
آورد و رنگ را نیکو گرداند و بوی دهن خوش کند و پیران را موافق باشد
صفت آن زنجبیل دارفلفل فلفل دارچینی آمله مقشر پوست بلیله شیطرج
هندی زراوند مدحرج خصیة الثعلب مغز چلغوزه عروق بابونه نارجیل تازه

از هر یک ده درم تخم تشنم بابونه پنج درم مویز منقی سی درم عسل مصفی
سه وزن ادویه معجون سازند **معجون جالینوس** کرده و مثانه
سرد را گرم کند و سده بگشاید صفت آن فلفل سیاه فلفل سفید
حماما قسط سنبل الطیب قصب الذریره ساذج هندی زعفران تخم کرفس
انیسون عاقرقرحا تخم الخیره تخم سداب مساوی بکوبند و ببیزند بعسل معجون
سازند شربتی یک مثقال در ماء الاصول یا در آب بادیان و آب کرفس
معجون ابومسلم این معجون را فریاد رس نیز گویند دردها را تسکین دهد
صفت آن افیون بزر البنج از هر یک ده مثقال فرفیون زعفران
سنبل عاقرقرحا سورنجان قاقله دارفلفل از هر یک پنج مثقال کوفته

وبحیشه بعسل سرشته شربتی از دانگی تا نیم مثقال معجون بزرایا بشر قولنج

صعب را بگشاید امان دهد صفت آن خربوا قرفه ساذج هندی فلفل دار

فلفل سپید زنجبیل زرنبک کابلی آمله مقشر قرنفل از هر یک یک مثقال تخم کرفس

سنبل زعفران مصطکی از هر یک نیم مثقال ترید سقمونیا از هر یک ده

مثقال کوفته وبیخته با سه چندان عسل سرشته شربتی دو درم

معجون زبل همین خاصیت دارد صفت آن زبل الذیب چهار درم

ترید پنج درم تخم کرفس انیسون از هر یک سه درم کوفته بیخته بعسل معجون

شربتی سه درم تا چهار درم معجون تربد قولنج بگشاید وبلغم دفع کند

و درد پشت را ساکن کند صفت آن سقمونیا ده درم قاقله کبار وصغار

زنجبیل دارچینی قرفه قرنفل نارمشک فلفل مش کل و اسبج

درهم شکر زرد سفید از هر یک صد مثقال عسل بقدر احتیاج معجون

سازند شربتی دو درم **معجون کوز** صفرا و بلغم دفع کند صفت آن

مغز کافیشه مغز بادام سقمونیا از هر یک ده درم زعفران یکدرم نبات

بیست و پنجدرم نبات را در گلاب بگدازند و دارو ها را کوفته و بیخته سرشته شد

شربتی یک مثقال **معجون اسود** زحیر و سهال کهنه را سود دارد صفت آن

افیون جندبیدستر میعه بزر البنج زعفران اسارون مر تخم کرفس

سلیخه انیسون سنبل گل ارمنی گلنار مساوی کوفته و بیخته باشد

چندان عسل معجون سازند شربتی یکدرم باب مورد یا آب به

معجون حجر الیهود سنگ گرده و مثانه را بریزاند صفت آن مغز تخم خربزه

مغز تخم کدو مغز تخم خیارین حب کاکنج از هر یک پنج درم حجر الیهود

پنجاه درم صلایه کرده بعسل بسرشند شربتی دو درم تا سه درم

معجون عقرب سنگ گرده و مثانه را بریزاند و گزندگی عقرب را بغایت نافع است

صفت آن عقرب محرق سه درم و نیم خنطیانا یکدرم و نیم فلفل دار

فلفل از هر یک دو درم کاکنج پنج درم و نیم جند بیدستر چهار درم کوفته

و بیخته بعسل معجون سازند شربتی دانگی با آب کرفس معجون کاکنج

قرحه گرده و مثانه را و بول الدم را نافع بود صفت آن زر البنج تخم

تخم کرفس و رازیانه از هر یک هفت درم مغز تخم خربزه تخم حماض

افیون مغز چلغوزه بریان کرده مغز فندق مغز بادام تلخ بریان کرده

۳۹۷

از هر یک سه درم زعفران دو درم و نیم کاکنج بیست پنج عدد کثیرا چهار درم

کوبیده پنجه بسرشند شربتی یک درم با چند یقون با مار الاصول یا شراب

خشخاش بنوشند **معجون مبدل المزاج** القوه و فالج و رعشه و برص

و خدر را نافع بود صفت آن زنجبیل عاقرقرحا شونیز قسط و ج ترکی

عسل بلادر از هر یک ده درم سداب حلتیت زراوند طویل حنطیانا

شیطرج حب الغار چند بید ستر خردل از هر یک پنج درم با عسل صاف

معجون سازند شربتی یک مثقال **معجون حب الغار** نسخه محمد ذکریا توتلخ بکشاید

و استسقای طبلی و جمیع امراض ریحی را که با آن حرارت نباشد

نافع باشد صفت آن سداب خشک سه درم نانخواه زیره کرمانی کاسم

شونیز صعتر کردیا قطراسالیون مغز بادام تلخ فلفل پودنه دارفلفل و ج

زوفا حب الغار جندبیدستر از هر یک دو درم جاوشیر سه درم

سکنجبین چهار درم صمغها در شراب حل سازند و داروها کوفته و بیخته

داخل نمایند و بعسل بسرشند شربتی دو مثقال معجون زراوند

و از امعجون بوزیر گویند از تراکیب محمد زکریاست ضیق النفس و سرفه

بلغمی را نافع باشد صفت آن زراوند مدحرج قردمانا فلفل کرسنه تخم سپندان

سفید مغز بادام تلخ تخم الجزر از هر یک دو درم بعسل بسرشند

شربتی سه درم بطبیخ زوفا معجون اهل مواد بارده را نافع کند

و بادها بشکند صفت آن نانخواه و کندر و وج دارچینی مساوی کوفته

و بیخته بعسل معجون سازند شربتی دو درم **معجون السعال** نافع است

سرفه را که سبب آن رطوبت باشد صفت آن مغز حلغوزه سه درم

مغز پسته پنج درم مغز بادام مقشر بزرگ از هر یک ده درم فانید سی

درم بطریق معهود معجون سازند شربتی مقابل یک گردکان **معجون گل**

ورم جگر را نافع بود صفت آن گل سرخ چهار درم بیخ سوسن

هفت درم ریوند چینی لک مغسول از هر یک یکمثقال و نیم زعفران

سلیخه از هر یک سه درم مر نیم مثقال زعفران را در سرکه حل کنند و داروها

کوفته و بیخته بدان بسرشند **معجون حبت** قولنج را در ساعت بگشاید

صفت آن فلفل دار فلفل زنجبیل زیره کرمانی سداب خولنجان

قرفه از هر یک ده درم سقمونیا هفتاد درم شربتی یکمثقال معجون

وج ابتدای نزول را نافع باشد صفت آن وج حلیت زنجبیل راز یانه

مساوی کوفته و بیخته بعسل معجون سازند معجون لولوی

ترکیب جالینوس است هفت منفعت دارد قضیب را سخت کند و اوعیه

منی بگشاید و شهوت زیاده کند و اعصاب را قوت دهد و در خون تغیر

عظیم پیدا کند و نغوظ بسیار آورد و دوستی مرد در دل زن پیدا کند

چنانچه مرد را بسیار دوست دارد صفت آن مروارید ناسفته

و بسد از هر یک یکمثقال انیسون بهمن سفید از هر یک سه درم کل کنج

بیخ لبلاب از هر یک یکدرم فقاح اذخر کزمازج سلیخه دارچینی سارون مصطکی
از هر یک نیم مثقال صمغ عربی کثیرا از هر یک نیم درم کوفته بیخته با هم ادا حیدن
عسل بسرشند و در وقت خواب دیگ مجامعت یکمثقال با آب گرم بخورند
معجون دیگر که اعضای رئیسه را قوت دهد و باه را زیاده و نشاط
آورد و معده را قوی کرداند و اشتها آورد و رنگ را نیکو سازد
و طعام را هضم کند صفت آن دارچینی سنبل الطیب پوست بیرون پسته
جوز بوا خولنجان معات همنین شقاقل دو اله پوست هلیله کابلی دارچینی
کاوربان از هر یک سه درم مصطکی هیل زرنب زرنبل قرنفل اسارون
سادج کبابه حبشی پوست ترنج درونج عقربی زرنباد صندل سفید

حب الفلفل نعناع بسباسه هلیله سیاه بوزیدان زعفران ماه

فرفین کهربا مروارید مرجان صلایه کرده از هر یک دو درم سعد کوفی

ورق گل سرخ از هر یک چهار درم ماهی و بیان خصیة الثعلب تودری زرد

تودری سرخ از هر یک پنج درم مشک نیم مثقال عنبر اشهب یکمثقال

ورق طلا سی عدد ورق نقره پنجاه عدد قند و عسل مناسب صفت

نیم من معجون سازند چنانچه رسم است معجون عطاری القطیر بول و سرعت

انزال را نافع باشد صفت آن علک رومی کندر حبت بلوط تخم العنب

مساوی کوفته بیخته با دو مقدار عسل سرشند و معجون سازند شربتی

یکمثقال تا دو مثقال معجون کت‌ساری که همان خاصیت دارد صفت آن

کلنار بلوط شونیز کندر کشنیز خشک از هر یک ده درم زیره کرمانی

کرد یا نانخواه از هر یک پنج درم پوست بلیله هلیله سیاه پوست هلیله زرد

آمله مقشر از هر یک سه درم کوفته بیخته و با سه چندان عسل معجون سازند

شربتی و مثقال صباح و مسا و غذا کباب **معجون رشیدی**

که همان خاصیت دارد صفت ان کبابه چینی فوفل قرنفل سنبل خصیة

الثعلب مصطکی نانخواه از هر یک ده درم کوفته و بیخته با سه چندان

عسل معجون سازند شربتی دو درم **معجون بزر** در تقویت باه بی نظیر است

صفت ان تخم کندر تخم شلغم تخم پیاز تخم ترب تخم هلیون از تخم

اسپست تخم جرجیر مغز تخم چلغوزه حب الزلم بوزیدان قسط شیرین

حلتیت زنجبیل تودری لسان العصافیر شقاقل بهمنین دارفلفل حرف

قرفه مساوی کوفته و بیخته بعسل سرشته معجون سازند

شربتی سه درم باده درم شیر تازه یا شراب نوشیدن **معجون القع**

این معجون از مفرحاتست و بعضی گفته اند تریاقست و منافع بسیار

دارد صفت آن قرنفل فوفل زرنباد سنبل دارفلفل خیربوا جوزبوا

قافله کبار شیطرج لسان العصافیر درونج عقربی بادرنجبویه مصطکی

لسان الثور خولنجان فرنجمشک و مروارید ناسفته صندل سفید

زراوند مدحرج گل سرخ یاقوت رمانی بهمنین از هر یک ده درم

پوست ترنج سه درم پوست هلیله یکدرم زعفران عنبر شهب از هر یک

یکدرم ونیم مشک بمقدار درم کوفته وبیخته بعسل معجون سازند شربتی یکدرم

تا دو مثقال **معجون اسطمخیقون** تباهی مزاج را و درد معده را سود دارد

صفت آن قسط حماما سنبل سلیخه مصطکی از هر یک دوازده درم زراوند

طویل فلفل تخم کرفس تخم شبت انیسون نانخواه زیره کرمانی دوقو

فطراسالیون کاشم اسارون افسنتین انجدان فودنه نعناع

از هر یک چهار درم کوفته وبیخته معجون سازند **معجون بوس**

حافظه را قوت دهد ونسیان را نافع است صفت آن بلادر فیمو افیون

از هر یک ده درم صبر سقوطری شصت مثقال غاریقون بیست و چهار

مثقال سلیخه وج زراوند زعفران دارچینی مصطکی از هر یک شش

مثقال قسط سداب فلفل سفید از هر یک هشت مثقال عسل سه چهاریک

معجون سازند **معجون مقری** قولنج بگشاید صفت آن زنجبیل فلفل

سفید از هر یک بیست درم سقمونیا ده درم خرمای دانه بیرون کرده

مغز بادام برگ سداب از هر یک شصت درم خرما را در سرکه خیسانیده

یک شبانه روز داروها را کوفته و بیخته با نیم من عسل صاف

معجون سازند شربتی چهار درم **معجون حنطیانا** صلابت سپرز را

و جگر و درد معده و گرده و مثانه را نافع است صفت آن حنطیانا

رومی فلفل از هر یک ده درم قسط هندی سادج سنبل زرنوند حبشی

از هر یک هفت مثقال کوفته و بیخته با سه چندان عسل بسرشند

و معجون سازند شربتی دو درم با آب سداب **معجون افسنتین**

درد معده و جگر که از سردی باشد زایل کند و استسقا را نافع بود

صفت آن انیسون تخم کرفس مغز بادام تلخ کوفته و بیخته بایسته

چندان عسل بسرشند و معجون سازند شربتی دو درم **معجون سنبل**

معده و جگر را نافع باشد صفت آن سنبل الطیب اقاقیا دحر قصب الذریره

از هر یک چهار درم مویز منقی سلیخه از هر یک پنج درم زعفران

مر انیسون از هر یک یکدرم فلفل مقل از هر یک دو درم مقل و مویز

را در مثلث حل کند و داروها را کوفته و بیخته بدان بسرشند

و معجون سازند **معجون قفی** سرفه و درد جگر را و درد معده و سپرز را

سود دارد و او اصاف کند و بول براند صفت آن موبر منفعی است
و پنج درم زعفران آن سنبل سلیخه دارچینی دارشیشعان از هر یک یکدرم
قصب الذریره فقاح اذخر علک البطم مقل از هر یک دو درم
و نیم مر چهار درم انچه حل کردنیست در مثلث حل کنند و انچه کوفتنیست
بکوبند و بیزند و مجموعه را با عسل مصفی سرشته معجون سازند
شربتی یکدرم بشراب زوفا یا آب گرم بنوشند معجون قباد الملک
مفاصل و نقرس و درد سینه و تپهای کهن و ضیق النفس و سرفه
کهن و ریش روده و تاریکی چشم را نافع باشد و بادهای غلیظ را بشکند
صفت آن حنطیانا رومی اسطوخودوس قردمانا حاشا

کمافیطوس تخم سداب فراسیون اسقوردیون معه از هر یک
پنج مثقال مر زعفران قسط فلفل سفید اذخر سنبل فرفیون توبت
پنج تفاح اشق فودنه رازیانه دوقو ورق گل سرخ ناردین حب البلسان
از هر یک سه مثقال قرفه هشت مثقال سلیخه شانزده مثقال عصاره
غافث تخم خندقوقی صمغ بادام از هر یک چهار درم فیون بزر البنج
بعد از هر یک شش مثقال قند چهار درم انچه حل کردنیست در مثلث
حل کنند وانچه کوفتنیست بکوبند وبآن ممزوج سازند وبعسل معجون کنند
وبعد از شش ماه استعمال نمایند معجون قیصر خفقان بارد وصرع ودرد معده
که از سردی باشد وفواق امتلائی را نافع باشد وسده بگشاید صفت ان

جند بیدستر رب السوس سلیخه قسط تلخ فلفل افیون مبعه زعفران

سنبل از هر یک سه درم جاوشیر یک درم درونج عقربی زرنباد

مروارید ناسفته از هر یک نیم درم مشک دو دانگ کوفته و بیخته

بعسل معجون سازند شربتی مقابل یک نخود **معجونی** که از جهت

ضعف معده نافع است صفت اطباشیر پوست سنگدان خروس از هر یک

دو مثقال گل سرخ سه درم عناب خشک پوست بیرون پسته

پوست ترنج پوست هلیله زرد از هر یک یک مثقال همچنین صندلین و صعتر

و کشنیزه خشک بریان کرده حب الاس از هر یک دو مثقال

کوفته و بیخته با شرب فواکه معجون سازند شربتی دو مثقال

معجون نجاح مسهل سودا و بلغم بود و امراض سوداوی و بلغمی را
نافع باشد صفت هلیله سیاه پوست بلیله هلیله کابلی آمله مقشر
افیتمون از هر یک ده درم بسفایج اسطوخودوس و ترید سفید از هر یک
پنج مثقال غاریقون سه درم حجر لاجورد و حجر ارمنی مغسول
از هر یک دو درم و نیم سقمونیا سه درم کوفته و بیخته با وی صد و پنجاه
درم عسل بسرشند شربتی از پنج مثقال تا هفت مثقال **معجون خیارشنبر**
مسهل صفرا و بلغم بود صفت آن ترید سفید چهل درم بنفشه بیست درم
رازیانه افیتمون مصطکی از هر یک پنج درم و عسل سقمونیا خیارشنبر
از هر یک صد درم روغن بادام چهل درم قند و عسل از هر یک صد مثقال

مغز خیار چنبر را در عسل و قند حل کنند و دارو ها را کوفته و بیخته

بروغن بادام چرب کنند و در یکدیگر سرشند شربتی از پنج مثقال

تا هفت مثقال **معجون سورنجان** مسهل بلغم و صفرا باشد و مخصوص

بمفاصل و نقرس و عرق النساست صفت آن سورنجان شش

مثقال ماهی زهره زیره کرمانی پوست بیخ کبر شطرج هندی بوزیدان

از هر یک دو درم پوست هلیله زرد هفت درم تخم کرفس نمک هندی

برگ حنا زبد البحر فلفل سفید رازیانه صعتر از هر یک یکمثقال گل سرخ

زنجبیل سقمونیا کشنیز خشک از هر یک سه درم ترید سفید پانزده درم

روغن بادام چهار درم و نیم عسل صاف صد و پنجاه درم شربتی

پنج مثقال تا هفت مثقال **معجون مشک** درد جگر و ضعف معده را
نافع است و سده بگشاید و اورام صلبه را تحلیل دهد صفت آن
مشک سلیخه سنبل و ساذج هندی لک مقل ریوند چینی جنطیانا رومی
از هر یک دو درم زعفران نانخواه تخم کرفس مصطکی از هر یک سه درم
عود هندی قرنفل از هر یک نیم مثقال کوفته و بیخته و باسه چندان
عسل معجون سازند **معجون نانخواه** معده را پاک کند و اشتهای
طعام آورد و باه را قوت دهد صفت آن صعتر زوفا نانخواه نعناع شونیز
زیره کرمانی از هر یک پنج مثقال وج بسباسه رازیانه زنجبیل جوزبوا
تخم کرفس از هر یک سه مثقال حاشا دو مثقال کوفته و بیخته

باسه چندان عسل بسرشند **معجون مسهلی** درد پشت و درد باد را
نافع باشد و باه را قوت دهد و معده را پاک کند و موی را دیر سفید
گرداند و سودا دفع کند و سرعت انزال را سود دارد صفت آن
گل سرخ سعد عاقرقرحا قرنفل سنبل مصطکی زرنباد زعفران قاقلتین جوز
بوا مساوی قند و عسل مناصفه بقدر احتیاج قند را در گلاب
بگدازند و با عسل بقوام آورند و داروها را کوفته و بیخته بسرشند
معجون غیاثی اشتها آورد و بوی دهن خوش کند و حفظ به هضم افزاید
و منی بیفزاید صفت آن زعفران عاقرقرحا بزرالبنج فرفیون خولنجان قاقله کبابه
دار فلفل چند بدستر مساوی کوفته و بیخته بعسل بسرشند **معجون سیر**

معجون سیر لقوه و صرع و فالج و رعشه و بواسیر و بهق و برص را

نافع باشد و معده را قوت دهد و اشتهای طعام آورد و بلغم دور کند

و قوت بیفزاید و رنگ سرخ کند و حرارت غریزی را برافزود و سیر انزا

بغایت مفید بود صفت آن سیر پاک کرده یکمن بشیر گاو بپزند تا مهرا شود

و سه چهار یک عسل و سی درم روغن گاو بر سرش بریزند و با یکدیگر خمیر

سازند و از آتش فرو گیرند و این داروها را کوفته و بیخته باسیر آمیزند

قرنفل جوز بوا بسباسه فلفل مصطکی قاقله کبار و صغار بلیله کابلی

دارچینی زرنباد سنبل از هر یک ده درم عود خام زعفران از هر یک نیم درم

شربتی مقابل بک کرده کان معجون نمک هندی معده را پاک کند و

سبب بلغمی وسوداوی را باز دارد و دوا سبب بلغمی وسوداوی را نافع

باشد صفت آن بلیله امله پوست هلیله کابلی اسطوخودوس از هر یک

سه درم افتیمون چهار درم نمک هندی دو درم ایاره فیقرا ده

درم غاریقون چهار درم کوفته و بیخته با سکنجبین بسرشند شربتی

سه درم با آب گرم **معجون قسط** او جاع کبد و معده را نافع باشد

صفت آن داچینی سلیخه قسط از هر یک سی درم انیسون تودری حلبی

تخم کرفس از هر یک ده درم اسارون بیست و نه درم زعفران

هشت درم فقاح اذخر از هر یک بیست چهار درم مر در شراب

حل کنند دواهای دیگر را کوفته و بیخته با آن ممزوج سازند و بعسل صاف

معجون سازند **معجون ضمیری** فالج ولقوه واسترخا و امراض
بلغمی را نافع باشد وچون بر عضوی مفلوج و مسترخی طلا کنند
نافع باشد صفت آن افیون فرفیون جندبیدستر دارچینی فلفل بزرالبنج
سنبل زرنبل زعفران مساوی کوفته وبیخته بعسل معجون سازند
معجونی که نقرس بلغمی را نافع باشد صفت آن پوست هلیله زرد
سورنجان عاقرقرحا از هر یک پنج درم فلفل سفید یک درم و نیم زیره
کرمانی هفت درم راسن چهار درم زرنبل دو درم افیون نیم مثقال
کوفته وبیخته بعسل بسرشند شربتی دو مثقال **معجون سکبینج** قولنج را نافع
باشد صفت آن سکبینج تخم کرفس جندبیدستر از هر یک جزوی سقمونیا

در روغن بادام بسایند و سکنجبین را در عسل حل کنند و بیامیزند و دا
رو های دیگر کوفته و بیخته بان بسرشند شربتی سه مثقال معجون
بلغوزه عسر البول را نافع بود صفت آن دو قورباغه سبحینی ادخر جب بلسان
افیون انیسون سلیخه زعفران دارچینی اسارون فطراسالیون کما
فیطوس از هر یک سه درم مغز حب بلغوزه سی درم نعناع خشک بندرم
کوفته و بیخته بعسل بسرشند معجون یوند درد جگر و معده وارم
رحم را نافع بود صفت آن یوند سبحینی شهدانه وج بیخ ابخدان
تخم کرفس از هر یک زنانه انیسون نانخواه هیاو بکوبند و بیخته بعسل بسرشند
و بعضی بعوض شهدانه راسن کنند شربتی یک مثقال با ماء العسل معجون

فیقترا شهوات ردیه زنان را دفع کند و صداع را نافع باشد

۸۱۹

صفت آن ایارج فیقرا دوازده درم پوست هلیله پوست بلیله از هر یک

دو درم ملح نفطی دو درم و نیم کوفته بیخته و بعسل معجون سازند شربتی

سه درم یا چهار درم در طبیخ پودنه معجون پودنه بادها بشکند و طعام را

هضم کند صفت آن پودنه برگ سداب فلفل زنجبیل نانخواه کرد نا

کاشم دارچینی دار فلفل مساوی بعسل معجون سازند شربتی دو درم

معجون مقل بواسیر و ورم مقعد را نافع باشد و بادها بشکند و خون

رفتن از مقعد باز دارد صفت آن پوست هلیله کابلی آمله تخم گندنا

سفید کنند تا تخم ریحان از هر یک پنج درم مقل پنجاه درم هلیله را

درآب حل کنند و دارو ها کوفته و بخته با آن بسرشند شربتی دو درم

معجون ماسک البول سلس البول را و سیلان منی را باز دارد صفت آن

اقاقیا کلنار از هر یک سه درم صندل سرخ و سفید عد آس قصبت الذریره

تخم حماض صمغ عربی طباشیر از هر یک دو درم حب الآس دو

مثقال کند ریکدرم کوفته و بخته بجلاب بسرشند شربتی یک درم

معجون جنطیانا اسهال بلغمی و زحیر را نافع باشد صفت آن

افیون جندبیدستر میعه سایله بزر البنج زعفران مر اسارون تخم کرفس

سلیخه انیسون سنبل الطیب گل ارمنی مساوی کوفته و بخته

با سه چندان عسل معجون سازند شربتی نیم درم بار با آب سرد یا آب سماق

معجون بنفشه که امراض صفراوی را نافع باشد و سرفه را دفع کند صمغ
بنفشه مغز بادام شیرین از هر یک ده درم تخم کاسنی سه درم مغز
تخم کدو و سقمونیا از هر یک نیم درم کتیرا یک درم اصل السوس دو درم
کوفته به قند و گلاب معجون سازند شربتی دو درم به گلاب گرم کرده
معجون بقراط که نسیان و مالیخولیا و صرع و بهق و برص و اوجاع
مفاصل و درد معده را و داء الحیه و داء الثعلب و داء الفیل و تقطیر البول
و سرفه کهنه و تب ربع و تبهای بلغمی و عسر البول و بواسیر و یرقان سدی
و طحال را نافع باشد و دفع و رفع غائله سموم کند و دل را قوت دهد
و باه را زیاده کند و حب القرع را دفع کند و سنگ گرده و مثانه را

بریزاند و حیض بگشاید و بوی دهن و عرق خوش کند و گرانی بار را
ببرد و صداع را زایل کند و جمیع امراض بلغمی و سوداوی را
سود دارد و بواسیر را بغایت مفید باشد صفت آن خطبیا نا قردمانا مشک
تخم کرفس تخم مشک حب الغار زراوند طویل از هر یک یک مثقال انیسون جندبیدستر
حب بلبان عود بلسان سلیخه اسارون مصطکی از هر یک یک درم و مرج
درونج عقربی زرنباد تخم کرفس تخم جرجیر تخم پیاز تخم کندنا از هر یک
دو درم صبر سقوطری ده درم تربد سفید هفت درم عود خام
دوازده درم جوزبوا ریوند چینی قرنفل اشنه بسباسه سنبل زعفران
اسقیل بریان کرده زرنب شیطرج افلنجه دارچینی از هر یک سه درم

و ورق گل سرخ بادرنجبویه لک مغسول از هر یک بخ درم سعد حب محلب از هر یک چهار درم هلیله سیاه پوست بلیله از هر یک شش درم کوفته و بیخته بروغن بادام تلخ چرب کنند و باسه چندان عسل سرشته و در ظرف آبگینه کنند و شش ماه نگهدارند در میان جو شربتی دو درم یا پنج درم **معجون فولاد** این ترکیب هندیست و ترکیب عجیب و خواص بسیار دارد و فالج ولقوه و صرع و رعشه و نسیان و عرق النسا و مفاصل بلغمی و جمیع امراض بارده را نافع بود و حفظ زیاده کند و معده را قوت دهد و باه برانگیزد و دفع سرعت انزال کند سلس البول را دفع کند و بیر را موافق باشد صفت آن زعفران فلفل دارفلفل سنجرف

مغسول بات آب لیمو صلایه کرده کبابه چینی مصطکی انیسون سقنقور

سنبل زرنباد قرنفل دارچینی صندل زیره کرمانی سیاه دانه

تخم خربزه تخم کاسنی خشخاش عاقرقرحا بهمنین هلیله سیاه کهربا مرجان

مروارید ناسفته لسان العصافیر تخم کرفس تخم بنه تخم تاتوره زیر

گرفته بریان کرده حنطیانا مایه شتر اعرابی بحنبل مغز کنجشک مغز سر

خروس کنجد مقشر کندر بابونه جوز بوا آمله قاقله کبار شیطرج ناخواه

جوز هندی هلیون سلیخه سلیق بهنکره زیرک ده مثقال اشترخار

جلغوزه بهار کرد کان حب السنبل هندی خصیة الثعلب زرنباد

رازیانه بلادر زیر گرفته بریان کرده افتیمون زراوند طویل باآ

عنصل زراوند مدحرج شاه تره از هر یک پنج مثقال افیون مصری

آمله زیر کرده بریان کرده چهار مثقال عنبر اشهب مشک خالص

از هر یک یکمثقال ورق طلا پنجاه عدد ورق نقره صد عدد

قند سفید ربع ادویه فولاد مکلس سیصد مثقال را با دوازده مثقال بدستور

متعارف معجون سازند و طریق تکلیس کردن فولاد آنست که فولاد

جوهردار خالی از خاک گرفته باشند و صلایه کرده و پنجاه مثقال

فولاد و پنجاه مثقال گوگرد زرد پاک صلایه کرده با آن ضم کنند و در بوته

ریزند و در کوزه نهند و آتش در زیر آن کنند چندانکه گوگرد بسوزد و دود

گوگرد برنیاید بعد از آن بیرون آورند و خوب صلایه کنند و باز پنجاه

مثقال گوگرد با او صلایه کنند و بهمان طریق در بوته ریزند و در کوزه سر گیر
نهند و آتش کنند تا تمام گوگرد بسوزد پس از بوته بدر آورند باب چغندر
کهنه که خفیه صلایه کنند و بعد از آن بسرکه بشویند تا تلخی آن برود
پس با آب بشویند تا تلخی از و برود و شیرین گردد و بعد از آن خشک کنند
و باب ترب صلایه کنند چندانکه چون در آب ریزند به ته نرود
بر بالای آب بایستد والله اعلم بالصواب **معجونی** که نافع است از جهت
کسی که بواسطه درد معده طعام را قی کند صفت آن اصول اذخر سعد
از هر یکی نیم درم اشنه هلیله فلفل کندر نانخواه از هر یک نیم درم دانه
مویز کف زنجبیل دارچینی سلیخه فودنه از هر یک دانگی و نیم مصطکی

وعود خام از هر یک دو دانگ دانه کوزر را بکوبند و قدری آب اضافه

کنند و شیره آن بگیرند و بجوشانند تا غلیظ شود و دویه دیگر را کوفته

و بیخته بدان بسرشند و سر روز مقابل یک درم تناول نمایند معجون

خبث الحدید سرعت انزال وضعف معده و بواسیر را نافع باشد

صفت آن پوست هلیله کابلی پوست بلیله آمله گل سرخ از هر یک

ده درم اصل السوس جوز بوا سک سنبل اذخر مصطکی از هر یک

هفت درم مشک یک درم خبث الحدید مدبر صد درم کوفته و بیخته

بعسل معجون سازند شربتی سه درم معجون رامسن معده را او رام صلبه

و جگر را نافع بود صفت آن بوید خنثی بخیل رسن اشترغاز

از هر یک یکجز لحم کرفس بزر انیسون ناخواه از هر یک بیم جز وکوفته و بیخته
بعسل بسرشند شربتی یک مقابل بکفندق معجون سعه اسهال کهنه را
نافع باشد کاهی که با او حرارت نباشد صفت آن چند بید انیسون
افیون سعه بیانیله زربه البنج کندر مساوی بعسل بسرشند شربتی
دو درم تا سه درم معجون اسطوخودوس مصروع را نافع است صفت آن
پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی پوست بلیله آمله مقشر اسطوخودوس
از هر یک ده درم عود صلیب پنج درم معجون نسخه دیگر خاصیت همین دارد
صفت آن سلیالیوس غاریقون اسطوخودوس از هر یک ده درم
کوفته و بیخته بسکنجبین عنصلی معجون سازند معجونی که لسبا زرا

نافع بود صفت آن کندر زوج سعد از هر یک ده درم فلفل زنجبیل

از هر یک پنج درم کوفته و بیخته و بعسل بسرشند شربتی مقابل یک مثقال

نافع بود که منع سیلان کند صفت آن شاخ بز سوخته مغز بادام

تلخ کرنب فودنه کوهی ملح نفطی و سداب نانخواه مساوی کوفته و بیخته و

بعسل معجون سازند معجونی که سلسل البول را باز دارد صفت آن

کلنار ده درم کندر بلوط از هر یک بیست درم سعد اکر وبا از هر یک

پنج درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند معجونی که همین خاصیت دارد

صفت آن شاه بلوط هفت درم کلنار دو درم دار فلفل حصته الثعلب از

هر یک یکدرم معجون بزوری که در درد معده و جگر و سپرز را نافع بود

و بادها دفع کند صفت آن سلیخه تمام ما سنبل نانخواه بادیان

تخم کرفس انیسون سیسالیوس جندبیدستر تخم شبت زراوند طویل

مصطکی اسارون کردمانا متساوی کوفته و بیخته بعسل معجون سازند

معجونی که بادهای زنان آبستن را دفع کند و جنین را محافظت نماید

صفت آن زرنباد و درونج از هر یک دو درم مروارید ناسفته کهربا

از هر یک یکدرم زرنبل ده درم قند سفید دوازده درم مشک

نیم مثقال کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی دو درم **معجون مفاصل را**

سورنجان ده درم سنا مکی پنجدرم اسارون زنجبیل زیره کرمانی

دارفلفل از هر یک دو درم کوفته بعسل بسرشند شربتی دو مثقال

باب کرم **معجونی** که دفع سموم قتاله کند صفت آن طین مختوم

وحب الغار از هر یک هفت درم اجزا را کوفته و بیخته و بعسل بسرشند شربتی هفت درم

معجونی از جهت قوت باه خوبست و معده را از اخلاط پاک کند

صفت آن مویز طایفی بیدانه بیست مثقال کندر بیست مثقال

آمله منقی دو مثقال هیل دو مثقال قاقله کبار سه مثقال ز

مثقال افیون سه مثقال اجزا را کوفته و بیخته و مویز را بقدری بپزند که ملبس بقوام

آورند اجزا را کوفته و بیخته با عسل کف گرفته بسرشند و استعمال نمایند

معجون مفرح مالیخولیا و توحش را نافع بود و دل را قوت دهد و نشاط

آورد صفت آن ورق گل سرخ سعد قرنفل از هر یک پنج درم بسباسه

پوست ترنج قرفه بحت هم فرنجمشک از هر یک سه درم مشک دانگی گوفته

و بیخته بشربت سیب پر سر شد و معجون بسازند **معجون مفرح** مبهی مایل

بحرارت که حکیمی مدقق حکما قطبا احمد بجهت سلطان ابو ان طور

ابو سعید گرگان در سرات ترکیب کرده بود موافق مزاج آنحضرت بود

صفت آن یاقوت کبود یاقوت زرد یاقوت سرخ لعل از هر یک یکمثقال

مروارید ناسفته سه مثقال لاجورد مغسول یشم خطائی کهربا فیروزج

فادزهر حیوانی ماه قبض خطائی از هر یک یکمثقال مرجان سرخ دو مثقال

گل گاوزبان پوست اترج بادرنجبویه بهمن سرخ و سفید فرنجمشک قرفه

بادرنجبویه مشک درونج قاقله کبار قاقله صغار قاقل طباشیر سفید ورق

گل سرخ پوست هلیله کابلی ابریشم مقرض مصطکی دارچینی مایه سر اعرابی

خشخاش سفید از هر یک پنجمثقال بسباسه سدطوج هندی صندل سرخ

تخم کاسنی گشنیز خشک گل ارمنی مختوم گل قبرسی از هر یک دو مثقال

پوست هلیله زرد سه مثقال هلیله سیاه آمله مقشر گل نیلوفر از هر یک

دو مثقال زرشک بیدانه منقی پنجمثقال عود قماری سه مثقال مغز کدو

ریوند چینی از هر یک دو مثقال زعفران اشنه از هر یک سه مثقال خولنجان

خشک مری پنج مثقال زرنب سه مثقال زنجبیل فلفل سفید از هر یک

دو مثقال جوزبندم یکمثقال خصیة الثعلب شش مثقال تخم هلیون بسفایج

افتیمون از هر یک دو مثقال اسطوخودوس حجر ربو اصل السوس از

هر یک سه مثقال سورنجان مغاث بوزیدان از هر یک دو مثقال

محلب فوفل از هر یک یکمثقال کندر سلیخه حب البلسان ساروله مسکطرامشیع

جنطیانا از هر یک دو مثقال پوست بیرون پسته زراوند مدحرج

لسان العصافیر از هر یک سه مثقال سر سقنقور ده مثقال قرنفل

سه مثقال ملح دو مثقال ورل بری کرده سقنقور ده مثقال قضیب گاو

جوان پنج مثقال بادیان وسیمی دو مثقال عنبر اشهب سه مثقال

ورق طلا پنجاه عدد ورق نقره صد عدد مشک دو مثقال

عرق بید مشک یکمن عرق گاوزبان یکمن گلاب یکمن نبات و عسل مناصفه

کنند چنانچه شرط است معجون سازند **مفرح معتدل** دل را قوت دهد

وخفقان از نافع باشد و بخط اورد و زنگ روان نکو گرداند و نشگی

بنشاند صفت ان مروارید ناسفته لب دکا و زبان عود خام از هر یک

دو و ادرم کهربا تخم کاسنی کشنیز خشک از هر یک یکدرم صندل سرخ و سفید

طباشیر از هر یک بهشت درم افتیمون گل سرخ از هر یک شش درم دیج

هندی زرنباد تخم فرنجمشک تخم بادرنجبویه خشخاش ناسفته گل ارمنی از

هر یک چهار درم زعفران و عنبر و درونج عقربی از هر یک دو درم کافور

یکدرم مشک نیم درم کوفته و بیخته بشراب سیب بسرشند معجون سازند

مفرح حار خفقان و ضعف دل را قوت دهد که از سبب سردی بود صفت ان

گاو زبان بادرنجبویه همین تخم فرنجمشک از هر یک هشت درم املة مقشر زبان

کرده بیست درم عسل و قیماهی ده درم گل مختوم مروارید ناسفته از

هر یک یکمثقال زعفران یکدرم کبد سوخته و کهربا سوخته قرنفل زرنب

کشنیز خشک دارچینی از هر یک دو درم کبابه چینی زرنباد از هر یک سه درم

گل سرخ صندل مقاصری از هر یک پنجدرم عسل هلیله یک چهارتا یک

یاقوت و زر محلول از هر یک نیمدرم درونج عقربی یکدرم مویز منقی

نیم من قند نیم من عسل هلیله و قند و مویز را با یکدیگر بجوشانند

و بقوام آورند و داروها را کوفته و بیخته با آن بسرشند شربتی یکمثقال

مفرح بارد خفقان حار را نافع بود دلرا قوت دهد صفت آن

گل سرخ طباشیر بهمن سفید گاوزبان کشنیز خشک بریان کرده صندل سفید

از هر یک یکدرم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو از هر یک چهار درم
خرفه پانزده درم زرشک بیدانه شش درم مروارید ناسفته کهربا زعفران
و کافور از هر یک نیم درم نبات مصری صد درم نبات را در عرق بید مشک یک انار زند
و با پنجاه آب سیب بقوام آورند و داروها کوفته و بیخته بدان سرشند
مفرح بارد نسخه دیگر مروارید ناسفته بسد سوخته طباشیر کهربا وکاوزبان
گل ارمنی از هر یک دو درم مشک نیم درم قند سفید سی درم معجون سازند
مفرح دل گشای معتدل خفقان و ضعف دل را زایل کند و نشاط تمام آورد
صفت آن بهمنین از هر یک پنج درم پوست هلیله کابلی پوست بیرون پسته
پوست ترنج ابریشم مقرض مروارید ناسفته از هر یک دو درم گاوزبان

شاه تره بادرنجبویه از هر یکی ده درم کشنیز خشک طباشیر از هر یک سه

درم لبسد کهربا مازو زرنباد درونج از هر یک یکدرم عود خام گل

آب انار و آب به آب حماض آب زرشک از هر یک ده درم قند سفید و شراب سیب

از هر یک صد مثقال آب هارا با قند بقوام آورند بانرمها و داروها

کوفته و بیخته بسرشند **مفرح دلکشای** خفقان و ضعف دل را

که از سردی باشد سود دارد صفت آن پوست ترنج گل سرخ بادرنجبویه

گاوزبان مغز تخم خیاربن از هر یک پنج درم بهمن سرخ و سفید از هر یک

دو درم و نیم هلیله سیاه مغز بادام خشخاش سفید کشنیز مقشر از هر یک سه

درم زعفران دو درم دارچینی سه درم و نیم تخم کرفس یکدرم

مشک یکمثقال روغن بادام پنج مثقال نبات سفید و ترنجبین از هر یک

نیم من ترنجبین و نبات را در گلاب حل کنند بقوام آورند و داروها

کوفته و بیخته با آن بسرشند مفرح دل گشای حاجی خفقان و ضعف دل را که از سردی

باشد سود دارد صفت آن پوست ترنج گل سرخ بادرنجبویه گاوزبان مغز تخم

خیارین از هر یک یکدرم بهمن سرخ و سفید از هر یک دو درم و نیم بلیله مغز

بادام خشخاش سفید کنجد مقشر از هر یک سه درم زعفران دو درم دارچینی

سه درم و نیم تخم کرفس یکدرم مشک یکمثقال روغن بادام پنج مثقال

نبات مصری سی درم نبات را و سی ترنجبین را در گلاب حل کنند و بقوام

آورند و داروها را کوفته و بیخته با آن بسرشند مفرح دل گشای بارد

طباشیر بهمن سفید گل سرخ زرنبد کهربا مرجان مروارید ناسفته ابر

یک یکمثقال صندل سفید کشنیز خشک از هر یک دو درم خرفه مقشر درم

زرشک بیدانه ده درم زر محلول و نقره از هر یک نیم درم پوست بیرون

بسته یکدرم قند سفید یکمن با آب تریج چهل مثقال بطریق معهود معجون سازند

مفرح مسیحی دل و دماغ و جگر را قوت دهد و منی بیفزاید و اشتهای طعام

آورد و قوت جماع آورد و باه را قوی کرداند صفت آن قرفه گاوزبان

بادرنجبویه گل سرخ از هر یک پنج درم خولنجان کبابه قرنفل سنبل قاقله

کبار قاقله صغار جوزبوا تخم فرنجمشک مصطکی پوست تریج لسان العصافیر

بسباسه از هر یک سه درم اشنه چهار درم مروارید ناسفته ساذج هندی

سعد کوفی عنبر اشهب از هر یک دو درم ~~خیسیل~~ دار فلفل از هر یک یکدرم

بجز و اعظم خوب از مومیه سی مثقال عسل سه وزن دو به معجون سازند

مفرح حمزه رشیدی لعل بسباسه از هر یک پنج مثقال زعفران سه مثقال جزو

اعظم خوب ده مثقال قند سفید پنجاه مثقال قندرا در گلاب حل کنند

و بقوام آورند و دار وها کوفته و بیخته با آن بسرشند **مفرحی**

که حققان را که سودا وی باشد نافع بود و صفت آن بادرنجبویه هندی سعد

تا نخواه اشنه افتیمون تخم کرفس تخم کشک از هر یک سه درم مروارید

نا سفته بسد از هر یک پنج درم عصاره افسنتین شش درم زعفران مشک

از هر یک یکدرم بادرنجبویه ده درم پوست ترنج دو درم گاوزبان هفت درم

کوفته و بیخته باب افسنتیمون جوشانیده معجون سازند بهر کدا مفرح دلکشا بابت

حکیم علی خفقان و وسواس و ضعف دل را زایل کند جگر و گرده و مغز را

قوت دهد و لون را صافی کند و نشاط تمام آورد و بادهای سوداوی را

دفع کند و دل را قوت نهایت بخشد خواص این بسیار است که تحریر نیابد

صفت آن یاقوت سرخ دو مثقال یاقوت زرد چهار مثقال یاقوت کبود

چهار مثقال یاقوت سفید چهار مثقال لعل سه مثقال فیروزه زمرد

از هر یک یکمثقال و نیم عقیق سه مثقال حجر یشم سه مثقال لولو ناسفته

چهار مثقال بسد دو مثقال کهربا دو مثقال حجر لاجورد دو مثقال

تخم فرنجمشک پنج مثقال ابریشم محرق سه مثقال قرنفل سه مثقال

پوست بیرون پسته چهار مثقال املهٔ مقشر پوست هلیله کابلی دو مثقال
بادرنجبویه چهار مثقال گل نیلوفر سه مثقال تخم بادرنجبویه دارچینی
از هر یک سه مثقال عود قماری چهار مثقال گاوزبان پنج مثقال
عصارهٔ زرشک یازده مثقال زعفران چهار مثقال بادروج دو مثقال
درونج عقربی چهار مثقال طین ارمنی دو مثقال طین مختوم
چهار مثقال طباشیر پنج مثقال عنبر اشهب چهار مثقال مشک تبتی یک مثقال
ورق طلا و نقره از هر یک چهار مثقال کافور قیصوری قاقله کبار سه مثقال
سنبل الطیب بسبایج هندی بهمن سفید چهار مثقال آب سیب آب به آب انار
یکمن آب حماض نیم گلاب یکمن عرق بیدمشک دو من نبات مصری دو من نبات

باآب سیب و آب به بقوام آورند و معجون فرو گیرند آب حماض بر آن

ریزند و دارو ها بدان بسرشند و معجون بسازند شربتی از نیم مثقال

تا یکدرم معجون لبوب کبیر از ترکیب جالینوس باه را قوت دهد و نشاط

آورد و کرده را و پشت و دل را و دماغ را قوت دهد و نعوظ تمام آورد صفت آن

شقاقل بهمنین بوزیدان سورنجان بسباسه از هر یک پنجدرم تودری

از هر یک چهار درم سقنقور پانزده مثقال خصیة الثعلب پانزده درم

قضیب گاو خشک کرده فلفل مغز حب الزلم مغز چلغوزه مغز حب الخضرا

مغز نارجیل لسان العصافیر خولنجان قاقله کبار تخم شلغم دارفلفل از هر یک

پنج درم زنجبیل سه درم بادر مشک قرنفل بهمن سرخ و سفید خشخاش صندل

سفید کادو زبان ورق گل سرخ بادرنجبویه تخم هلیون اسارون درونج

خیربوا قرفه قرنفل جوز بوا اشنه ازهر یک پنج درم زعفران پانزده درم سعد

زرنب تخم بادرنجبویه زرنباد مصطکی کرنه تخم انست تخم کندر از هر یک

سه درم عود خام نیم درم عنبر اشهب ده درم مشک ترکی یک مثقال ابریشم

سنبل ده درم ساذج سه درم مروارید ناسفته نیم درم کهربا سه درم

زر محلول نقرهٔ محلول از هر یک سه درم لعل یکدرم و یاقوت

زرد یکدرم بشم سه درم جزو اعظم خوب صد مثقال عسل بقدر حاجت

بقوام آورند و در وی هاون کوفته و بیخته بدان بسرشند چنانچه شرط است

معجون سازند **معجون دیگر** این نسخه از مولانا شمس الدین محمد بن

هلال اردبیلی نورالله قبره و خاصیت این بسیارست اما مخصوص است

بچندین خبر اول آنکه باه زیاده کند و مجامعت و دل و دماغ را قوت دهد

و نشاط را زیاده کند بعد از مجامعت و قضیب را محکم دارد و رنگ رو را

نیکو گرداند و استعمال کند بعد از مجامعت عرق النسا و نقرس و نقصان

مجامعت و نقصان منی و از جمله مرضهای عصبانی امین گردد صفت آن

شقاقل خولنجان خصیة الثعلب بهمنین و چ تودری لسان العصافیر

از هر یک سه درم سره سقنقور سه مثقال حب البان فلفل سفید تخم

خیارین تخم جرجیر تخم خربزه تخم کندنا تخم پیاز تخم سلغم تخم

اسپست خشخاش سفید خسک مربی تخم تره تیزه تخم شبت دو قوه هلیون

خشک دانه از هر یک دو درم دارچینی قرنفل سنبل الطیب اسارون

بسباسه کبابه سعد دارفلفل جوزبوا تا مشک عود خام عنبر اشهب زعفران

از هر یک یکمثقال مشک ترکی دانگی و نیم نارجیل مغز بادام مغز پسته

مغز حب صنوبر مغز حب الخضرا مغز حب القطن کنجد از هر یک هفت درم

زنجبیل بوزیدان قسط شیرین مغز حب الزلم درونج عقربی از هر یک دو درم

ادویه را کوفته و بیخته با سه چندان عسل کف گرفته بسرشند و معجون سازند

معجون مسیلمی نسخه دیگر که از جهت شاه عباس ساخته شد صفت آن تخم تره تیزک

و تخم شلغم تخم ترب تخم هلیون از هر یکی پنج مثقال زنجبیل دار

دارفلفل تودری خصیة الثعلب نعناع سقنقور از هر یک هفت مثقال و نیم

شقاقل باقلی مغز قرطم مغز تنبه دانه از هر یک هفده مثقال و نیم کوفته
و بیخته با سه چندان عسل مصفی بقوام آورند و معجون سازند و اگر جماع
و زر محاول کنند قصوری ندارد معجون چوب چینی بنسخه حکیم عماد الدین
محمود رحمة الله علیه صفت آن زرنباد جوز بوا بسباسه فلفل ابیض
قرنفل زعفران مصطکی دارچینی زنجبیل قاقله کبابه سنبل ساذج
خصیة الثعلب از هر یک دوازده مثقال و نیم چوب چینی دو سیر دوا را
کوفته و بیخته با سه وزن عسل کف گرفته با روغن بادام چرب کرده
معجون سازند شربتی صبح دو مثقال و نیم تناول نمایند معجون
چوب چینی دیگر صفت آن چوب چینی دو سیر عاقرقرحا بسباسه از هر یکی

نیم سیر قرنفل یکسیر سیاه دانه دو سیر بادیه وزن او دو عسل کف گرفته

معجون سازند حلوای چوب چینی چوب چینی دو سیر و نیم خوب

چینی را بکارد مثل کاغذ تراشیده در نیم من آب خیسانند تا آتش نرم

بجوشانند تا نیم سیر آب بماند صاف نموده پنج سیر عسل مسعودی

نیم کرده دیگ را از بالای آتش فرود آرند و مغز بادام در آن ضم کرده

خوب آرکهچه زنند و حلوا سازند صبح و شام تناول نمایند هر وقتی

دو دوله معجون چوب چینی ترتیب حکیم مصری صفت آن چوب چینی سوهان

کرده یکسیر و نیم سنای مکی نیم سیر زنجبیل ربع سیر فلفل دراز ربع سیر

بادیان ربع سیر تخم کرفس ربع سیر مغز بادام ربع سیر مصطکی ربع

اجزا را کوفته و بیخته با سه وزن ادویه عسل کف گرفته بقوام آورند معجون

سازند شربتی صبح و شام یک تولہ سروقت تناول نمایند **سفوف چوب چینی**

روشن صفوف چوب چینی خوردن حکمای فرنگ و هند سر روز سه

مثقال صفت آن چوب چینی را کوفته و بیخته بلع نمایند و ده مثقال

چوب چینی را نیم کوب کرده بجوشانند انقدر که رنگ آب بعنبر نماید در ظرفی

بردارند و یک پیاله از آن آب بالای سفوف بخورند و بعد از نصف روز

عسل و نان بی نمک و کباب بی نمک بخورند و ملاحظه نمایند جمیع ترشیها

و سبزیهای بادی و جماع ملاحظه تمام نمایند و دوازده روز بخورند نفع

کلی حاصل شود و اگر از مباشرت اجتناب نمایند **معجون چوب چینی**

نسخهٔ دیگر مولانا عماد الدین محمود جهت تقویت باه و معده و دل و دماغ
و جگر و گرده و مثانه و سرخی رنگ و فربهی تن و بوی دهان خوش کند
و عرق را خوشبو سازد و منافع بسیار دارد صفت آن حب حسینی
بستد زر هشت پنجاه مثقال مروارید دو مثقال ریوند افتیمون سنبل الطیب از
مصطکی از هر یک سه درم عود خام مایه شتر اعرابی زعفران مشک عنبر از
هر یکی دو درم جوز بوا بسباسه از هر یکی مثقال درونج عقربی زرنباد
از هر یکی سه مثقال سمکت صیدا ماهی زرد و نبات از هر یکی سه مثقال دارچینی قرنفل
فلفل سفید زنجبیل از هر یکی دو مثقال خصیة الثعلب تخم شقاقل تخم گندنا تخم
شلغم ترب تخم کوکنجه بهمنین خسک مربی از هر یکی سه مثقال بوزیدان

سورنجان دو درم شقاقل ده درم کبابه چینی خولنجان قسط شیرین

از هر یک دو درم تودری از هر یکی سه مثقال سعد دو درم ورق

منبسط سه درم سایر ادویه مجموع را کوفته بیخته و گاوزبان و بادرنجبویه

گل سرخ دواله از هر یک ده مثقال جوشانند و صاف کرده آب آن

نگاهدارند تخم خربزه تخم خیارین تخم کاسنی تخم خرفه از هر یک ده

مثقال نرم بکوبند و شیره بگیرند و آن شیره را اضافه جلاب ول

سابق کنند و آب به شیرین و آب انار شیرین و گلاب از هر یک ده مثقال

نرم بکوبند مانند مرهم در عسل اندازند و زعفران را با گلاب حل ساخته

بعد از آن که سرد شود اضافه کنند و عنبر را دو حصه کنند یک حصه هاون

داخل کنند و یک حصه دیگر بعد از تمام اجزا کنند و بعضی دیگر این اجزا

را داخل میکنند اسارون سه مثقال آمله مقشر ده مثقال گل

مختوم سه مثقال صندل سفید صندل سرخ سه مثقال و بدستور قاعده

بذکوره معجون سازند **مربای هلیله** معده را قوت دهد و هاضمه را و طبع را

نرم کند و بواسیر را نافع بود و باصره را تیز گرداند و نسیان را زایل کند

و جوانی را نگاهدارد صفت آن هلیله کابلی بزرگ صد عدد در ظرفی

کنند و چندان آب بر سر آن ریزند که از آب بوشیده شود و خاکستر پنجاه درم تاک

بر سر آن کنند و چهار نوبت آب و خاکستر را تغیر دهند در هر سه روز

یکبار بشویند چنانچه پوست از آن جدا نشود و در دیگ کنند و آب صاف

بروغن بریزند و مشت جو نیم کوفته اضافه کنند و بجوشانند
تا جو بحش شود پس بیرون آورند دیگر باره بدان دستور بشویند و باریک
و هر یک هلیله را ده سوزن بزنند و در ظرفی کنند و چندان عسل بر آن
ریزند که از ابو شاند و بیست روز بگذارند و بعد از آن بیرون آورند
وان عسل را نگاه دارند و دیگر باره عسل بر آن ریزند و ده روز دیگر
بگذارند بعد از آن با عسل اول و دوم بجوشانند تا بقوام آید و اگر ادویه
داخل کنند بهتر باشد قرفه قرنفل زنجبیل قاقله جوزبوا مصطکی عود
از هر یک پنج مثقال مشک بمقدار زعفران یک مثقال در ظرف چینی کنند
و بعد از چهل روز استعمال نمایند **مربای شقاقل** باه را قوت دهد

ونعوط تمام آورد و مثانه را سود دارد صفت آن شقاقل تازه در آب
خیسانند یکشبانه روز و آن آب بریزند و یکشبانه روز دیگر در آب خیسانند
بعد ازان مقشر کنند و بجوشانند تا بقوام آید و در ظرفی کنند و بعد از
چهل روز تناول کنند مربای بالنک معده را قوت و فرح آورد صفت
آن گوشت ترنج را در دیگ کنند و آب بجوشانند تا نیم پخته شود و بیرون
آورند و بیفشارند و عسل صاف بر سر آن کنند و باتش نرم بجوشانند
تا بقوام آید و اگر با قند خواهند همچنین اما مربای هلیله و بالنک و شقاقل و
گردکان بعسل بهتر باشد و مربای تمر هندی و به و سیب و امثال اینها
بقند مربای جنبه باه را قوت دهد و سینه را نرم کند و نسبت گرده را

محکم گرداند صفت آن کدو بزرگ را بخراشند و پاره پاره کنند و میان
آن را ببندارند و در آب و عسل بجوشانند تا پخته شود بعد از آن بیرون
آورند و در عسل اندازند و اندک جوشش دهند و در ظرفی کنند و بعد از
چهل روز استعمال نمایند مربای زنجبیل گرده و مثانه را و معده بارد را
نافع باشد و بول براند و بهتای بلغمی اسود دارد و باه را زیاده کند
صفت آن زنجبیل آزاد خوب را در زیر ریگ کنند و بیست روز زیر ریگ دارند
بر آن بریزند بعد از آن بیرون آورند و بشویند و ریشه ریشه کنند و با عسل بجوشانند
تا بقوام آید مربای گردکان معده را قوی کند و باه را زیاده کند صفت
آن گردکان تازه که هنوز مغز بسته نشده باشد پوست از آن جدا کنند و با عسل

بجوشانند تا بقوام آید مربای ترنج قولنج ریحی را و فالج و صرع را
نافع باشد صفت آن ترنج ترکی فربه را سه شبانه روز در آب خیسانند
بعد از آن بیرون آورند و در آب و عسل بجوشانند تا بقوام آید مربای هندوانه
حرارت دفع کند و تشنگی بنشاند صفت آن بستانند پوست هندوانه
سبزی از آن دور کنند و سه شبانه روز در آب آهک خیسانند روز
چهارم در نمک آب خیسانند و یک شبانه روز دیگر بگذارند پس بیرون
آورند و سه شبانه روز در آب شیرین اندازند بعد از آن در آب و قدری
عسل بجوشانند تا پخته شود پس بیرون آورند و بگذارند تا آب او برود
و دیگر باره در عسل اندازند و بجوشانند تا بقوام آید مربای کدو سینه و شش و مثانه را

نافع بود صفت آن کدوی تازه بخراشند و مغز آن بیندازند و پاره

پاره کنند و با آب و عسل بجوشانند تا بقوام آید **مربای تمر هندی**

صفرا دفع کند و تب زایل کند و تحرور مزاج را نافع بود صفت آن

تمر هندی را از چوب و دانه پاک کنند و در گلاب خیسانند یکساعت بعد از آن

قند را بقوام آورند و تمر را بر وی ریزند و چون یک جوش بزنند فرو گیرند

مربای سیب معده را قوت دهد صفت آن سیب را از پوست بیرون

آورند و دانه را دور کنند و در آب بجوشانند تا نیم پخته شود پس با قند

بقوام آورند و صفت مربای به مثل سیب است اما سیب را درست مربا

کنند و به را نیمش **مربای به** معده را قوت دهد و قی و غثیان و هیضه و فواق

و درد جکر را نافع باشد صفت آن آب به برشس چهار من شراب

ریحانی هشت من عسل صاف دو من مجموع را در دیک زیر بد ورخبیل و

مصطکی قاقله کبار و صغار دارچینی و کبابه و قرنفل از هر یک هفت درم

و زعفران سه درم همه را نیمکوفته کنند سوای زعفران در کیسه کنند و دران اندازند

... ان زمان کیسه را سی مالند تا شیره تمام باز دهد و زعفران

سائیده اضافه نمایند و بقوام آورند ماء العسل معده را قوت دهد

و اشتها آورد و بول براند و مفاصل و امراض بلغمی را نافع باشد

صفت آن عسل یکجزو و آب دو جزو بجوشانند تا ثلثی برود و ثلث بماند

و اگر معوّه خواهند دارچینی خولنجان زنجبیل مصطکی زعفران هیل

جوزبوا و بسباسه کوفته و بیخته بقدر احتیاج اضافه نمایند **ماء الجبن**

مالیخولیا و یرقان و جرب و کلف و امراض سوداوی را نافع باشد

و صفرا براند و با افتیمون مسهل سودا و صفرا باشد صفت آن بز سرخ

و جوان صحیح البدن که چهل روز از زاید بدن او گذشته باشد

چند روز گشنیز تازه و کاهو یا کاسنی یا رازیانه یا آرد جو یا علف جو

یا شاه تره تازه بدهند بعد از آن دو رطل شیر آن بستانند و در یک دیگ

سنگین با آتش نرم بجوشانند و چون یکجوش بزنند یک رطل سکنجبین صاف

الحموضه بر سر آن ریزند و بچوب انجیر پوست کنده می جنبانند تا بهم بندد

پس از آتش فرو گیرند و در کرباس اندازند و بیاویزند تا آب از و بچکد

آن آب را بگیرند و دیگر باره بجوشانند و کف بر دارند و با سکنجبین بنوشند

هر روز یک رطل بسه دفع چنانچه میان هر دفع دو ساعت بگذرد

و ابتدا از نه نوشیدنی چند گام بر رود ماء الاصول نقرس و اوجاع

مفاصل بلغمی و سوداوی را نافع باشد صفت آن بوست بیخ رازیانه

بوست بیخ کرفس بوست بیخ کاسنی اصل السوس خطمی از هر یک ده درم

تخم کاسنی تخم کرفس سورنجان زیره کرمانی نانخواه از هر یک پنج درم

انجیر زرد و مویز منقی از هر یک بیست درم در سه رطل آب بجوشانند تا بنیمه آید

صاف کرده هر روز سی درم با ده درم کل عسل بنوشند

ماء الاصول اوجاع مفاصل حار را نافع باشد صفت آن عناب سپستان

از هر یک سی عدد و پوست بیخ کاسنی پوست بیخ رازیانه از هر یک رطل آب
ده درم تخم کاسنی رازیانه بنجدرم سورنجان سه درم در سه
بجوشانند تا به نیمه آید صاف کنند و شربتی سی درم با ده درم گلقند بنوشند

ماء الاصول دیگر که لقوه و فالج و صرع و جمیع امراض بلغمی و سوداوی را
نافع باشد صفت آن پوست بیخ کرفس پوست بیخ رازیانه از هر یک ده درم
پوست بیخ کبر پنجدرم تخم کرفس انیسون رازیانه بیخ اذخر از هر یک چهار
درم حب بلسان اسارون از هر یک دو درم سلیخه حنطیانا از هر یک
دو درم و نیم عود بلسان بوزیدان سزار اسفند از هر یک سه درم
مویز منقی بیست درم در دو من آب بپزند تا به یکمن آید و بپالایند شربتی

چهار روپیه یا دو مثقال روغن بید انجیر و پنج درم روغن بادام تلخ و
همین ما الاصول سنگ کرده و مثانه بریزاند و سده جگر و سپرز بگشاید
و استسقا را و اوجاع مفاصل را نیز سود دارد ماء الاصول دیگر سده جگر
بگشاید و برودت معده و جگر و سپرز و استسقای لحمی را نافع باشد
صفت آن پوست بیخ کرفس پوست بیخ رازیانه از هر یک هفت درم بیخ
اذخر فقاح اذخر از هر یک پنج درم سنبل مصطکی از هر یک یک درم و نیم
قوه لک منقی عود بلسان از هر یک دو درم غافث افسنتین گل سرخ
شکاعی بادآورد پوست بیخ کبر از هر یک سه درم انجیر ده عدد مویز منقی بیست
درم در سه رطل آب بجوشانند تا به نیمه آید صاف کرده شربت چهل درم

بایکدرم روغن بادام تلخ ویکدرم روغن بادام شیرین بنوشند

البزور بادهای را کنده کند و اخلاط غلیظه را دفع کند و قولنج

و استسقای طبلی را نافع بود صفت آن بانخواه کاشم زنیره کرمانی

کرویا صعتر شونیز از هر یک کفی در سه رطل آب بجوشانند تا برطلی آید

صاف کنند و هر صبح و شام بیست درم از این با سه درم روغن بید

انجیر بنوشند **طبوخ هلیله** اسهال صفرا کند پوست هلیله زرد بسبس مقال

آلوی سیاه بیست دانه سپستان سی دانه شاه تره سنا مکی

از هر یکی پنجدرم گل سرخ چهار درم عناب ده عدد زبانه تخم کاسنی

تخم کشوث از هر یک دو درم عنب الثعلب اصل السوس بنفشه نیلوفر

از هر یک سه درم ده رطل آب بجوشانند تا به نیمه آید صاف کنند شیرخشت

وتمرهندی از هر یک ده مثقال ترنجبین مغز فلوس خیارشنبر روغن بادام

چرب کرده از هر یک پانزده مثقال حل کنند و بنوشند **مطبوخ فواکه**

که حمیات حاده را نافع باشد و صفرا دفع کند صفت آن سنا مکی هفت درم

بنفشه عنب الثعلب نیلوفر از هر یک سه درم عناب سپستان آلو بخارا

آلو سیاه از هر یک بیست عدد گل سرخ چهار درم در سه رطل آب

بجوشانند تا به نیمه آید و صاف کنند و تمرهندی شیرخشت از هر یک ده درم

ترنجبین بیست درم در آن حل کنند و بنوشند **مطبوخ افسنتین** معده گرم

وضعف را نافع بود صفت آن افسنتین هندی ده درم گل سرخ شش درم

بیست درم ترنجبین سی درم گل و افسنتین را بجوشانند و صاف کنند
و تمر هندی دران حل کنند و یک درم ایارهٔ فیقرا حب ساخته فرو برند و از
عقب او این مطبوخ را بنوشند **مطبوخ افتیمون** مسهل صفرای سوخته اخلاط بلغمی
و سوداوی را دفع کند و امراض سوداوی را نافع باشد صفت آن
سنا مکی هفت درم گل سرخ چهار درم افتیمون در کیسه کرده پوست
هلیله زرد و هلیله سیاه از هر یک پنج درم بسفایج فستقی اصل السوس
رازیانه از هر یک دو درم اسطوخودوس پرسیاوشان شاه تره گاوزبان
بادرنجبویه بنفشه نیلوفر از هر یک سه درم مویز منقی سپستان از هر یک
سی دانه در سه رطل آب بجوشانند تا به نیمه آید صاف کنند گلقند عسلی ده درم

مغز خیار چنبر روغن بادام چرب کرده ترنجبین از هر یک پانزده درم
در آن حل کرده بنوشند مطبوخ سورنجان او جاع مفاصل را
نافع باشد صفت آن سنای مکی هفت درم ورق گل سرخ پوست
هلیله زرد از هر یک چهار درم سورنجان رازیانه تخم کرفس کوفته
پوست بیخ رازیانه انیسون قنطوریون دقیق از هر یک دو درم
پرسیاوشان گاوزبان از هر یک سه درم جوشانیده صاف نموده
گلقند ده مثقال ترنجبین بیست مثقال در آن حل کنند و باز خورند
مرهم شادنج بواسیر و شقاق مقعد را نافع باشد صفت آن شادنج مغسول
گل ارمنی عصاره لحیة التیس از هر یک سه درم افیون نیم مثقال و همه

سفیداب دو درم زعفران یکدرم روغن بنفشه بادام و گل بادام

از هر یک ده موم سفید پنج درم موم را در روغن بگدازند و داروها

کوفته و بیخته بدان ممزوج سازند و با ده درم شیر دختران نیک بمالند

تا مرهم شود **مرهم کافوری** ترکیدن لب و مقعد و سوزش ناصور و

و سوختگی آتش را نافع بود صفت آن مردارسنگ سفیداب از هر یک موم

پنج درم روغن گل بیست درم موم را در روغن بگدازند و دویه کوفته

و بیخته اضافه نمایند و در هاون بسایند تا هموار شود و بگذارند تا خشک شود

و یک سفیده تخم مرغ و کافور قدری داخل نمایند و مرهم سازند

مرهم سل اورام صلبه را مثل خنازیر و سرطان و سلعه را نافع باشد

وجراحتهارا از گوشت مرده وریم پاک کند وناصور را باصلاح آورد

صفت این جاوشیر زنگار بارزد مر از هر یک ده درم اشق هفت

درم کندر زراوند طویل از هر یک سه درم مقل مردارسنگ از هر یک چهار

درم موم تنبج ده درم روغن زیت یکرطل صمغها را در سرکه حل کنند و موم را

در روغن بگدازند وانچه کوفتنیست بکوبند وبان ضم کنند و در یکدیگر بمالند

تا مرهم شود مرهم باسلیقون اورام صلبه را نرم کند وبه پزاند و از ریم پاک کند

وگوشت برویاند صفت آن زفت وراتینج موم سفید از هر یک بیست مثقال

بارزد چهار درم روغن زیت سی مثقال موم را در روغن بگدازند

وباقی ادویه دران حل کرده مرهم سازند مرهم خل گوشت برویاند

وجراحت را خشک کند صفت آن مرداسنگ ده درم صلایه کرده
باده درم موم در بیست درم روغن گل حل کرده با قدری سرکه مرهم
سازند مرهم زنگار لحم زاید را بخورد و ریشهای کهنه خشک کند صفت
آن زنگار دو درم صلایه کرده با موم و علک البطم در اینج ازیر بک
پنج درم در سی درم روغن زیت کداخته در هاون کنند و با کلدرم
انزروت کوفته و بیخته نیک بمالند تا مرهم شود مرهم داخلیون
ادرام صلبه را نرم کند صفت آن مرداسنگ ده درم صلایه کرده
با یک چهار یک روغن در پاتیل کنند و بجوشانند تا نیک بکردند
و از آتش فرو گیرند و نگذارند تا سرد شود پس بگیرند لعاب حلبه و لعاب

بزرقطونا ولعاب خطمی ولعاب مرو از هر یک پنجاه درم نیم کرم کنند بر ان

بریزند و بر آتش نرم بجوشانند و کفچه زنند تا غلیظ شود و چهر بر بر کرد د

مرهم سرنج سرطان و خنازیر را نافع باشد و ورم ها پخته کرداند

صفت آن مردار سنگ پنج درم کندر انزروت اشق موم از هر یک ده درم

علک البطم وسنده روسنج از هر یک هشت درم و انچه کداختنی در روغن

زیت بکدازند و انچه کوفتنی است بکوبند با آن ممزوج سازند و در هاون

بمالند تا مرهم شود مرهم سیاه گوشت مرده بخورد و ریشها را اصلاح

آورد صفت آن مردار سنگ بکهیا زفت رومی بیست درم علک البطم

پنج درم روغن زیت نیم من موم بیست مثقال کداختنیها در روغن زیت

بگدازند و مردارسنگ صلایه کرده بران افشانند و مرهم سازند

مرهم توتیا جراحتهای قضیب را سود دارد صفت آن توتیا بیست درم

موم بیست درم توتیا با موم مذکور صلایه نمایند و سپیداج ده درم روغن

گل بر سر آن ریزند و مرهم سازند مرهم بصیری جراحتهای گوش را

نافع باشد صفت آن سرکه هفت درم عسل هشت درم در یکدیگر جوشانند

و بقوام آورند و دو درم زنگار سوده بران افشانند و مرهم سازند و فتیله را

بدان تر ساخته در گوش نهند مرهم رسانی گوشت برویاند صفت آن

سفیداب ارزیز سه درم دم الاخوین انزروت صمغ کندر از هر یک

دو درم موم سه درم روغن گل ده درم موم را در روغن بگدازند

و دارو ها کوفته و بیخته با ان ممزوج سازند و در هاون سایند مرهم
سازند **مرهم اهک** سوختگی آتش را نافع باشد صفت آن مردا سنک
خبث الفضه سفیداب قیمولیا آهک شسته روغن کل و سفیده موم سفیده
بحشم مرغ با یکدیگر مرهم سازند **مرهم اسفیداب** گوشت برویاند و جراحت
خشک گرداند و حرارت بنشاند صفت آن سفیداب ارزیر موم کافوری
از هر یک دو درم بطریق معهود مرهم سازند **مرهم شنگرف** سرطان
و خنازیر و اورام صلبه را نافع باشد صفت آن مردار سنگ پنج درم
کندر پاره زرد اشق موم سفید از هر یک ده درم علک البطم شش درم
شنجرف هشت درم روغن زیت پاره روغن کل سرخ پنجاه درم مرهم سازند

مرهم گلنار نمله متاکله را نافع باشد صفت آن مازو سبز مرداسنگ

زردچوبه از هریک یک جزو گلنار برگ مورد عصاره لسان الحمل از هریک دو جزو

با موم سفید و روغن گل مرهم سازند مرهم سرطان درد نشاند و جراحت را

باصلاح آورد صفت آن پوست در بندی اقاقیا از هریک دو درم

صندل سفید یک درم شیاف مامیثا چهار درم سرطان ماهی سوخته

یکعدد موم چهار درم روغن گل ده مثقال بطریق معهود مرهم سازند

مرهم عسل چرک از جراحت و دما میل پاک کند صفت آن عسل بر آتش نهند

تا غلیظ شود برابر آن انزروت کوفته و بیخته با آن ممزوج کنند و مرهم سازند

مرهم آتشک که آتشک را نافع باشد صفت آن سفیداب توتیا دم الاخوین از

از هر یک سه درم مرداسنگ دو درم زنگار پنج درم موم پنج درم روغن گل
بیست درم مرهم سازند **مرهم خشکریشات** مرداسنگ توتیا عناب
آب پخته کشنیز تازه موم سفید مرهم سازند **مرهم دیگر** که بواسیر را نافع
باشد صفت آن میعه سائله یک درم مقل دو درم روغن مغز زردآلو ده درم
مقل و میعه را در روغن بگدازند و مرهم سازند **مرهم دیگر** که همین خاصیت
دارد بلکه ازان اقوی و انفع است صفت آن پیه بط پیه ماکیان پیه بز از هر یک
پنج درم مغز ساق گاو پنجاه درم روغن مغز زردآلو تلخ روغن مغز
شفتالو روغن گل از هر یک ده درم میعه سائله دو مثقال مقل ازرق
بیست درم آب کندنا بقدر حاجت موم سفید پنج درم مقل را در آب کندنا

حل سازند و روغنها با موم و میعه یکدارند و مقل محلول در هاون بایکدیگر

ممزوج سازند و استعمال نمایند **مرهم دیگر** که از جهت بواسیر خاصیت

عظیم دارد بلکه از اول او کریع باشد صفت آن مقل و کوهان شتر مغز ساق

گاو مغز استخوان زرد آلو سوخته میعه ترشقیده تخم مرغ روغن

گل سرخ بهم دیگر آمیخته مرهم سازند **مرهم دیگر** که بواسیر سود دارد

و درد ساکن کرداند صفت آن مغز ساق گاو پیه مرغ کوهان شتر روغن

گل مساوی در یکدیگر بجوشانند و قدری افیون اضافه کنند

و در هاون نیک بمالند و مرهم سازند **باب النون نقوع هلیله** صفرا براند

و صداع حار را نافع باشد صفت آن پوست هلیله زرد ده درم آلو سیاه

عناب سپستان از هر یک سی عدد و تمر هندی بیست درم بنفشه تخم

کاسنی از هر یک سه درم مغز خیار چنبر ده درم ترنجبین پانزده درم شب در آب

خیسانند و صباح صاف کرده بنوشند **نقوع فواکه** صفرا را دفع

کند و تشنگی بنشاند صفت آن آلو سیاه آلو بخارا سپستان از هر یک

سی عدد تمر هندی ده درم زرد آلو خشک ده عدد قند سفید ده درم ترنجبین بیست

درم شب بخیسانند و صباح صاف کرده بنوشند **نقوع صبر** صداع صفراوی

حار را نافع باشد صفت آن آب کاسنی هشتاد مثقال صبر سقوطری اندک

در آن حل کنند و روز در آفتاب نگاه دارند و شب جای دیگر گرم نهند روز سیم بپالایند

و بنوشند **نقوع صبر نوع دیگر** صداع بلغمی را نافع باشد صفت آن

سعد سنبل قسنبتین وفقاح اذخر تخم کرفس رازیانه نانخواه زیره

کرمانی از هر یک یک کف در یکمن و نیم آب بپزند و بپزند تا بنیم من آید و پالایند

و بیست درم صبر در آن حل کنند و سه روز در آفتاب بگذارند و روز چهارم

برگیرند شربتی سی درم با سه درم روغن بید انجیر **نقوع صبر نوع دیگر**

که صداع سوداوی را نافع باشد صفت آن افتیمون ده درم اسارون

پنج درم مصطکی از هر یک سه درم ادویه نیم کوفته در سه رطل آب گرم

خیسانند و سه روز در آفتاب نهند روز چهارم صاف کنند شربتی

چهل درم با پنج درم روغن بادام شیرین **نطولی** که خواب آرد و سر سام را

نافع باشد صفت آن بنفشه تخم کاهو از هر یک پنج درم پوست خشخاش

گل سرخ نیلوفر پوست کدوی تر بابونه از هر یک ده درم و کشک جو پنجاه
درم در پنج من آب بپزند تا به نیمه آید و سر بخار بدان بدارند نطولی
که صداع ریحی را نافع باشد صفت آن بابونه اکلیل الملک برگ کرفس
رازیانه تخم کرفس زیره صعتر مرزنگوش شبت جوشانند سر به بخار
ان آن بدارند نطولی که صداع سوداوی را سود دارد صفت آن بنفشه نیلوفر
اکلیل الملک بابونه سوسن کشک جو بسفایج قرنفل جوشانند سر به بخار
آن بدارند نطولی که صداع حار و بیخوابی را نافع بود صفت آن بنفشه نیم کوفته
تخم کدو نیم کوفته بزرک بزرقطونا تخم خرفه تخم پوست خشخاش گل خشخاش
بیخ لفاح تخم خطمی تخم کاهو برگ بید گل سرخ جوشانیده سر به بخاران بدارند

نطولی که گرانی گوش را که عقب مسهل پیدا شود و سبب آن بخارات

باشد زایل کند صفت آن بابونه اکلیل الملک قیسوم از هر یک ده درم

بادام مرزنگوش اذخر پوست بیخ رازیانه پوست بیخ کرفس گل سرخ از هر یک

پنجدرم در ده من آب بجوشانند تا به سه من آید سر و گوش را به بخار آن

بدارند نطولی که نشان آبله را از اعضا دور کند صفت آن گل سرخ

هفت درم بنفشه و نیلوفر صندل سرخ و سفید نیم کوفته تخم کاهو تخم کاسنی

از هر یک چهار درم در هفت من آب بجوشانند تا به سه من آید بپالایند چون

حمام بیرون خواهند آمد بر اعضای ریزند نطولی که صداع و بیخوابی را نافع باشد

صفت آن جو نیم کوفته تخم کدو کوفته بزرقطونا تخم خرفه پوست خشخاش گل ...

تخم لفاح تخم گل خطمی تخم کاهو برگ بید گل سرخ جوشانیده سر بجا

بدارند نطولی که سنگ گرده و مثانه پاره پاره کند و بیرون آورد و بول

براند صفت آن بابونه گل سرخ اکلیل الملک خطمی خشک از هر یک ده درم

پوست خربزه خشک برسیاوشان تخم قلت نیمکوفته از هر یک پنج درم

اشنان اصل السوس پوست تخم رازیانه از هر یک پنج درم کاکنج حلبه از

هر یک چهار درم برنجاسف بنفشه از هر یک سه درم دو قو برگ نیلوفر

از هر یک دو مثقال در ده من آب بجوشانند تا به پنج من آید و در آن

بنشینند و چون بیرون آیند دو سه قطره روغن عقرب در احلیل چکانند

نطولی که همین خاصیت دارد صفت آن بابونه درمنه ترکی تمام مرزنگوش

برگ کرنب سرگین کبوتر بجوشانند و در آب بنشینند و ثفل بر عانه

طلا کنند نطولی که همین عمل کند صفت آن برگ ترب سپست آب

سداب فودنه برنجاسف سنبل مرزنگوش تمام خطمی شلغم بابونه شبت

کرنب بجوشانند تا نرم شود ثفل آن بر عانه ضماد کنند و در آب نشینند

نطولی که همین خاصیت دارد صفت آن بنفشه نیلوفر گل سرخ خطمی از

هر یک پنج درم بابونه پوست خربزه اکلیل الملک برگ کرنب از هر یک

سه درم بجوشانند و در آب آن نشینند و ثفل آن بر عانه ضماد کنند

نطولی که افراط طمث را نافع باشد صفت آن گل سرخ برگ مورد از هر یک

ده درم شب یمانی مازو نیم کوفته گلنار از هر یک سه درم اقاقیا ده درم

مجموع را بجوشانند و دران بنشینند و قرص کهربا و رب مورد بنوشند

نطولی که محافظت جنین کند و نگذارد که پیش از وقت بیرون آید

صفت آن گل سرخ هفت درم کلنار کزمازج از هر یک پنج درم برگ مورد

خشک چهار درم شب یمانی پوست انار مازو از هر یک سه درم نیم

کوفته و **بجمله** بجوشانند و در آب آن بنشینند نطولی که از جهت خروج مقعد

نافع باشد صفت آن کلنار پوست انار عفص بلوط مورد گل سرخ مازو از

هر یک قدری نیم کوفته بجوشانند و دران بنشینند نطولی که سده

بینی بگشاید صفت آن لادن و چوب گزشونیز بجوشانند و سر به بخار آن

بدارند نفوخی که گند بینی ببرد صفت آن زاج سک قرنفل مساوی

کوفته و بیخته در بینی دمند **نفوخی** که سکوت را بهوش آورد

صفت آن کندش خربق سفید کوفته و بیخته اندک اندک در بینی دمند

نفوخی که صداع بلغمی مزمن را نافع بود صفت آن عصاره قثاء الحمار

بخور مریم نطرون کوفته و بیخته در بینی دمند شونیز و عصاره قثاء الحمار

همین عمل کند شونیز فلفل و قشیسا نیز همین عمل کند **نفوخی**

که صرع را نافع بود صفت آن شحم حنظل قثاء الحمار نوشادر شونیز کندش

فلفل اسطوخودوس کوفته و بیخته بقدر احتیاج در بینی دمند نافع بود

معجون ابی سلیم ابو الفتح الگیلانی صفت آن طباشیر سفید ابریشم مقرض مصطکی

رومی زعفران سنبل الطیب گل سرخ از هر یک سه مثقال تودری حب الآس اسارون

سعد کوفی عود هندی اذخر صندل ابیض قشر الاترج سادج هندی

تخم بادرنجبویه درونج عقربی بهمن جوزبوا درشک بیدانه از یک

دو مثقال مروارید ناسفته کهربا ازنه یک سه مثقال یاقوت رمانی

یک مثقال مشک و عنبر ورق طلا ورق نقره بشد شیم سنبرا زهر یک

مثقال آمله مقشر یک رطل عسل و قند مناصفه تقوام آورند و معجون سازند

معجون راحت القلوب که ضیای اصفهانی ورد و حکمای حذاق ترتیب

داده اند صفت آن گل سرخ شش مثقال سعد کوفی تخم بقله فرفیل

مصطکی رومی هیل اسارون از هر یکی سه مثقال قاقله کبار زرباد

جوزبوا قرفه از هر یکی دو مثقال زعفران سه مثقال سنبل زرنب از هر یکی

دو مثقال ساذج هندی طباشیر مروارید ناسفته از هر یکی سه مثقال

گل مختوم دو مثقال کشنیز خشک سه مثقال بسد دو مثقال ابریشم

مقرض پوست ترنج از هر یک سه مثقال شبت دو مثقال گاوزبان

بادرنجبویه صندل سفید از هر یک سه مثقال پوست بیرون پسته

دو مثقال عنبر اشهب دو مثقال مشک یک مثقال ورق طلا پنجاه عدد

ورق نقره صد عدد دستوره آنکه یک رطل آب سیب پخته ده مثقال عسل و قند

سفید سه وزن ادویه معجون جاویدی جهت طول عمر و امثال آن

مشتمل است بر نسخه طویل شرح تیم مسما است بجاویدانی صفت آن

دارچینی هشت مثقال ساذج هندی یک مثقال قرنفل جوزبوا از هر یک مثقال

هلیله کابلی یک مثقال فلفل گرد دو مثقال فلفل دراز سه مثقال املج
چهار مثقال بلیله هشت مثقال هلیله سیاه شانزده مثقال قند ابیض

اجزا عسل مصفی سه وزن ادویه معجون سازند **معجون زرعونی**

قوه باه زیاده کند و قوت پشت و گرده بدهد و بر هاضمه یاری دهد
و اشتهای طعام آورد و بدن را قوت دهد و نشاط تمام آورد صفت آن
قرنفل بسباسه سعد حب الزلم کبابه چینی جوزبوا مصطکی دارچینی
بوزیدان انیسون ابرسا تخم الجزر تخم هلیون گل گاوزبان گل سرخ
لسان العصافیر بهمن سفید بهمن سرخ تودری سرخ عود قماری
زعفران نارجیل بادام مقشر جدوار خطائی طباشیر ابیض از هر یکی سه مثقال

ورق طلا ده عدد ورق نقره ده عدد بدستور حب سازند

معجون دیگر برای تقویت باه و اعضای رئیسه خصیة الثعلب پنج مثقال شقاقل چهار

مثقال خولنجان دو مثقال حب الفلفل سه مثقال فلفل دراز دو مثقال

گاوزبان تخم بارتنگ تخم کندر قسط شیرین از هر یکی دو مثقال

وج ترکی سه مثقال لسان العصافیر شیطرج سورنجان حلبی از هر یک سه مثقال

بهمن سرخ و سفید از هر یکی چهار مثقال مصطکی رومی پنج مثقال

جوز بوا ده مثقال بسباسه دو مثقال تودری سرخ و سفید از

هر یکی پنج مثقال پوست هلیله کابلی سه مثقال آمله مقشر پنج مثقال

زعفران عود قماری سعد کوفی از هر یکی پنج مثقال ورق گل سرخ

چهار مثقال قرنفل سه مثقال اسارون سه مثقال قاقله کبار

سه مثقال ورق طلا صد عدد ورق نقره دویست عدد مشک

دو مثقال عنبر نیم مثقال اجزا را کوفته و بیخته با روغن بادام چرب کرده

با سه وزن ادویه عسل مصفی معجون سازند حب برای تقویت باه

صفت آن جندبیدستر مرجانشا قسط جفت بلوط عاقرقرحا اجزا را بالسویه

یصنع الحب بماء الآس شربته یک درم سفوف برای ادرار بول شوره یکمثقال

تخم خیار دو مثقال زیره کرمانی سبز دو مثقال با آب ترب بکفخان

این یکنسخه است معجون جالینوس قوت معده و قوت باه بیفزاید رنگ رو

سرخ کند و دهن را خوشبو کند و گوشت بیخ دندان سخت کند و آب از رفتن

مشک یکمثقال بیخ درخت گل عباسی بیست مثقال ورق طلا و نقره
صد عدد از طلا پنجاه عدد و عسل مصفی سه وزن ادویه معجون سازند
معجون منهی نوع دیگر مسهل از قرابادین صفت آن پوست هلیله زرد هلیله سیاه
پوست بلیله امله مقشر ترنبد سفید انیسون گل سرخ اسطوخودوس بادرنجبویه
فلفل بوزیدان از هر یکی سه درم مغز بادام ده درم زنجبیل کبابه مقشر
از هر یک سه درم بهمن سفید بهمن سرخ از هر یک چهار درم زرنباد از نانه مصطکی
رومی از هر یکی دو درم کشنیز خشک سی درم درونج عقربی دو درهم قند سه وزن
ادویه عسل مصفی دو وزن ادویه بقوام آورند و معجون سازند و در بعضی نسخها تو بود
هر دو اخل میکنند بوزن بهمن **حب جدوار** حکیم میرزا خان تربیت داده

صفت آن افیون ده مثقال وج ترکی درونج عقربی زرنباد جدوار
از هر یکی یکمثقال زعفران ورق گل سرخ سنبل عاقرقرحا فرفیون
اسارون دارچینی جندبیدستر مقل انیسون طباشیر مشک کندر نعناع
آمله قرنفل از هر یکی نیم مثقال مصطکی یکمثقال عنبر عود از هر یکی نیم مثقال اجزا
کوفته و بیخته و بگلاب بسرشند برابر نخود حب سازند و در سایه خشک کنند

حب افیون که حکیم مسیح الزمان از دهلی برای شاه عباس ترتیب داده

صفت آن عود قماری دارچینی قرفه سنبل الطیب مصطکی زعفران از هر یک
پنج مثقال قرنفل حب بلسان ساذج هندی از هر یکی سه مثقال صمغ
عربی سه مثقال جندبیدستر کندر درونج عقربی از هر یک دو مثقال افیون

شش مثقال مشک نیم مثقال عنبر دو مثقال کوفته بیخته با گلاب

حب سازند مقدار نخودی **حب جدوار دیگر** که حکیم مذکور بهر مرتضی

قلیخان ترتیب داده بود صفت آن لعل یاقوت جدوار عنبر از هر یکی دو

مثقال افتیمون پنج مثقال ورق طلا سی عدد ورق نقره سی عدد

عنبر اشهب مشک از هر یکی یک مثقال مروارید سه مثقال فلفل سفید

زعفران از هر یکی دو مثقال سنبل الطیب چهار مثقال فرفیون عاقرقرحا

از هر یک چهار مثقال نانخواه علک البطم مصطکی از هر یک دو مثقال و

تخم کرفس شش مثقال زرنباد پنج مثقال اسارون شش مثقال درونج

عقربی پنج مثقال پوست بیرون پسته عود هندی از هر یک دو مثقال و

دارچینی ده مثقال اجزا را کوفته و بیخته با گلاب حب سازند و

در سایه خشک سازند قدر نخودی یا بزرگتر حب جدوار دیگر از حکیم علی

صفت آن افیون دارچینی دروَج عقرقرحا هیل عاقرقرحا فرفیون

حب العقار سنبل الطیب زرنباد زنجبیل از هر یکی دو مثقال دواله سعد هندی عود

مصطکی از هر یکی دو مثقال حب النیل بزر البنج تخم کرفس زعفران

از هر یکی مثقال اجزا را کوفته و بیخته افیون و زعفران را در گلاب حل کنند

و سرشته و حب سازند بقدر نخودی در سایه خشک کنند معجون جو چینی

که حکیم عزت الله ترتیب داده نافع است از برای کسی که جهت امراض مزمن

داشته باشد مثل آتشک و غیره و درد مفاصل و قوت شهوت او برطرف شده

ن بازدارد و سستی پاک شاید و کرم که در شکم باشد پاک شود و بادها

اسیر را سود دارد و ریگ مثانه ببرد و قضیب سخت کند

وید عجب دارم از کسی که معجون را بکار دارد و او را از طبیب احتیاج شود

ن اجواین ده درم قرنفل یکدرم تخم کرفس نیم درم تخم شبت

م مصطکی رومی یکدرم قرفه یکدرم عاقرقرحا یکدرم عود نیمدرم

ت نیم درم اسارون یکدرم بسباسه یکدرم زعفران نیم مثقال

ع را کوفته و بیخته با صد و پنجاه درم عسل مصفی بقوام آورند

بسرشند و هر صباح یکدرم تا دو درم تناول نمایند معجون

ن مقوی باه ناخنواه و زیره مدبر از هر یک پانزده درم تخم زردک

زنجبیل و فلفل و دارفلفل دو درم قرنفل سه درم بادیان کـ... پنجدرم

هر یک سه درم سنبل و زعفران از هر یک یکدرم کندر مصطـ

انیسون از هر یکی دو درم تخم شبت و سیاه دانه و حب ا

العصافیر از هر یک چهار درم در بعضی نسخها غاریقون نیز د ا

غاریقون یکدرم عاقرقرحا یکدرم عود خام دو درم دا

زرنباد یکدرم شکر ده درم در نسخها بدل شکر ترنجبین میکنند و جوز بو

بسباسه سه درم مغز تخم معصفر سه درم و در بعضی نسخها سی درم مسک

بادرنجبویه دو درم مشک دو درم این ادویه را کوفته بیخته با دو چند ان

عسل معجون سازند شربتی دو درم نافع باشد انشاالله تعالی معجون مسهل

در قمع مواد بلغمی نافع است تربد سفید مصمغ مجوف یکرطل زنجبیل یک اوقیه

فلفل سه درم مصطکی یک اوقیه همه را کوفته و بیخته با روغن

بادام چرب کرده با دو رطل عسل غلیظ صاف معجون سازند

و نگاه دارند شربتی دو درم تا پنج درم با آب گرم فرو برند که نافع است

معجون مقوی اعضای رئیسه طباشیر گل سرخ کشنیز خشک کهربا مرجان صندل

سفید نشاسته خرفه ابریشم مقرض مروارید ناسفته از هر یک دو درم

تخم خیار چهار درم تخم کاسنی گل گاوزبان مشک از هر یکی دو درم ورق نقره

صد عدد عسل مصفی سه وزن ادویه با شربت فواکه یا شربت سیب معجون سازند

بوزن پنج مثقال وقت صبح و پنج مثقال وقت خواب بخورند اگر تنها

توانند خورد و بهتر و الا نه با شکر سیاه کهنه که چهار ساله باشد مخلوط
ساخته بخورند خوراک ماش مقشر و مرغ و گوشت حلوان و روغن گاو
میتوان خورد و از ترشی و شوری و سفیدی بادی و غیره پرهیز
نماید که آزموده است و مجرب و الله شافی **نوشدارو لؤلؤی**
نافع اعضای رئیسه و مقوی آن مروارید ناسفته بیست مثقال ساذج دو
مثقال فرنجمشک و مثقال ورق گل سرخ شش مثقال سعد پنج م
قرنفل مصطکی از هر یک پنج مثقال اسارون سه مثقال هیل سه مثقال
سواقاکبار دو مثقال بسباسه دو مثقال جوزبوا قرفه زعفران
سنبل الطیب زرنب از هر یکی دو مثقال سیر آمله چهل مثقال عسل و قند مصفا

سه وزن ادویه معجون سازند **نسخه مرهم برای آتشک** سنک رزه

سه مثقال سنک پلیته سه مثقال مردار سنک سه مثقال کوشت سه مثقال

توتیا دو مثقال موم سفید سه مثقال مر و سه مثقال انزروت سه مثقال

کرده کوسفند را در روغن بکیرند در ظرف آهنی نخبه مرهم سازند **مرهم دیگر**

برای جراحات آتشک مجرب سنکجراحت یکمثقال سنک پلیته یکمثقال انزروت

موم سفید قسط تلخ یکمثقال مور توتیا سه مثقال در پیه کوسفند جمع را

کوفته بیخته و مرهم سازند **مرهم دیگر برای جراحت آتشک**

زال مردار سنک از هر یکی یکمثقال شنجرف ربع مثقال مور توتیا ربع مثقال

اجزارا کوفته بیخته یکجا نموده با مسکه کاو بیامیزند بعد ازان در دهان کالی

انداخته با هفت آب بشویند و در ظرفی نگاه دارند و استعمال نمایند

روغن دارشیشعان که بهر ناصل نهایت فایده دارد بیارد کاهل و

روغن کنجد تر کنند بر چراغ بگیرد و با این ظرفی بگذارد و از آن کاهل که

با روغن بچکد این روغن را نگاه دارد و بالای گره‌ها می‌لیده باشد

تا برطرف شود مرهم دیگر برای جراحات آتشک نهایت فایده دارد بیارد

آمله و فلفل سیاه و کمبخت که او را اصاغری گویند و سم اسب همه را برابر

و موتوتیه چهار حصه اخبر او چهار اجزای اول همه را بسوزانند و

اکستر اجزا و موتوتیه را بسایند یکجا کنند و روغن را بسبه آب

و اجزای مذکوره بریز نموده مرهم سازند سفوف نمک که برای

دفع ریاح و قوت هاضمه زنجبیل فلفل گرد فلفل دراز کرمدانه

زیره طعام رسمی زیره کرمانی شیطرج نمک اندرانی نمک سیاه

نمک سانبر نمک کحلون جوکهار همه را کوفته و بیخته یکجا کرده در اید (؟)

وقت حاجت نیم توله استعمال نمایند دوای لک نافع استسقا و مفتوح سدها کند

سنبل الطیب زعفران مصطکی طباشیر دارچینی زرنباد جوز بوا اسارون

قسط شیرین گل غافث تخم کرفس تخم کشوث لک مقل (؟) فوه

تخم کاسنی ریوند چینی حب بلسان اشنه قرنفل ... قله عود غریقی

از هر یکی یک مثقال گل سرخ بست مثقال عسل بقدر حاجت بقوام

آورند و علی الرسم معجون سازند شربتی دو مثقال نیم با بست و تخم کاسنی

گلاب تناول نمایند والله اعلم بالصواب حب مقوی باه باید

که سفیده تخم مرغ را برآورند و بم توله شنگرفی را نیکو فته در بیضه

بیندازند و دهن آن بیضه را بخمیر فطیر گرفته در گوشت بز نباته دو سه روز

کنند چهار بیضه در میان یک انار گوشت دو پاره نمود گور نجیبه وزیری

بیضها برآورده در سایه خشک کنند و با روغن گاو برابر دو نخود حب سازند

و هر روز ناشتا یک با گلاب فرو برند و بعد از دو سه گهری غذا تناول

حب برای آشوب چشم جل درخت مغیلان گل کنجد کف دریا کاکرا سنگلی

بوده شیره هنگره شیره تمسی کنجد آمله مساوی اجزا کوفته و بیخته

به چوب درخت سم در طبق مسی صلابه کرده بقدر ارفع بعد از این شیاف سازند

در سایه خشک کنند نگاه دارند شب وقت خواب یک حب با آب سرد [illegible]

بجسم بکشند **طریق آوردن مس از خراطین** اول بیارد خراطین که سبز

آخر برسات شود یکسیر و قدری زرد چوبه میان آن اندازند

و بالای آن خاک خشک کنند بعده بسبو اندازد و سر سبو را به گل حکمت

بگیرد و کج به آتش دهد چون سرد شود آنچه در سبو باشد بشوید و سر حجر سنگ

در آب بماند ابزار را بکار گذارد چه بیرون **طریق دیگر** بیارد سبو

خراطین و قدری سرگین گاو اندازد و مسحق کند چون خلط شود بالای

آهک خالص صد با جا نهند چون پاچک خشک شود بالای مس خالص صحه

طبا کنند و در آتش فرو زنند بسوزد و باز در آب اندازد و آب سیاه

با شکار نگذارد و حب شود بیرون آید طریق دیگر پاک کردن خراطین برای مسهد

اجوائن را کوفته در میان آب بپزند از ده خراطین مذکور را در آن آب

اندازند تا از آن آب بخورند سر کلی که خورده باشند در آب قی کنند

و پاک شوند حب نافع فرنگ باد و سم الفار رر و پنج مثقال در شیره ده مثقال

آب لیمو صلایه کنند با سنگ سماق بعد از آن خشک کنند و بعد از آن

دیگر پنج ده مثقال الکه تابی با درخت و پنج کوفته و شیره در آورده

با اجزای هول ضم ساخته خوب خمیر کرده حب بسازند و نگاه دارند و از برای

آتشک یکهفته بدهند و پرهیز نمایند از ترشی و شوری و سفید با بادی

غذا نان و روغن با دو پاره گوشت بی نمک و خوردن این دوا و

در هوای زمستان که سرد باشد و زنهار در تابستان نخورند

و از جماع بسیار پرهیز نمایند بعد از سه ماه که بگذرد و سه جهت جوا دهند

بخورند و از برای ناروسه حب بدهند و از برای کهنه فرنگ بیست و یک روز

بدهند **تدبیر خروج مقعد** این حال طفلان را عارض شود باید که

کوسفند گرم و شاخ آن را کوفته بسوزانند و بعد از آن بکوبند و بیزند

و جفت بلوط و کلنار و شب یمانی و مازو و ورق گل سرخ و پوست

انار و برگ مورد مجموع را مساوی نیم کوب کرده با اندک آب تر

کرده بجوشانند و دوا در آن جا گرم کرده وقتی که مقعد برآید در آن آب

طفل را نشانند و آن اجزا را از آن بمالند و با انگشت اندرون کنند

می انشند و بیرون نمی اید **مرهم که برای خروج مقعد** مردار سنک نه توله
خو[ن] سیاوشان سه تو[له] ... د جوبه سه توله کلنار سه توله زاج
سفید سه توله موم کافوری دوازده توله روغن کنجد خالص شصت توله
بهم سازند **ضماد اخروج مقعد** برگ انار را سائیده به بندند
نیکو شود **طلا که برای این** سرگین بز را در روغن گاو بجوشانند و در اندام
طلا کنند و به آب گرم بشویند **دیگر آنچه برای این امر** جولائی تا آب برنج بجوزند
آن عارضه برطرف شود مجربست **سفوف هاضم** بیارد شیطرج و
فلفل و زنجبیل و انار دانه و تخم کرفس از هر یکی دو درم کوفته و بیخته تا
مقدار دو درم با طعام بخورند در م[عـ]ده و نفخ ناگواری را دفع کنند

سفوف ضیق النفس مصطکی رومی زعفران و شکر سرخ برابر کوفته

نگاه دارد صبح و شام بخورد یکی نیم دانگ ابر طرف کند غرش نما

بهمن سفید شقاقل از هر یک دو دام ثعلب چهار دام تودری سفید

تودری سرخ خولنجان قرفه ساذج قرنفل بوزیدان تیسمیاسه

هیل از هر یک دو دام بیخ لفاح بهمن دام شاهی چهار دام سعد زرنباد

وغنچه گل سرخ از هر کدام دو دام شقاقل دارفلفل سفید کاوزبان بادرنجبویه

زنجبیل تخم گزر تخم ترب تخم کوچک درونج عقربی سنبل الطیب زراوند

مدحرج دارچینی شتر اعرابی بیخ موش ایر و دیگر همه دو توله مشک

توله قند سفید هاون دو عسل خوب دو وزن ادو مرکب

شربت که فواید بسیار دارد برای جمع نزلها و درد سینه را نافع بود

بادیان سه درم تخم کرفس سه درم وفا هفت درم انجیر زرد مویز

منقی سی دانه وانجیر بیست درم حلبه چهار درم تخم خطمی سه درم اصل السوس

سه درم ربا سه درم تخم کشنیز هفت درم کلقند نیم سیر قند سه سیر یک شربت کنند

حبی که فواید بسیار برای حمیات دایره که از تب نوبه بود

صبر سقوطری افیون مصری انکوزه خالص سهاکه هر چهار اجزا مساوی

ادویه را بآب هرزه برشانزده صلایه کنند و سحق بلیغ نمایند چنانچه

از کثرت سحق بقوام آید حبها ساخته نگاهدارد و بقدر ماش سیاه به چهار

صاحب رعشه بلبش از شروع تب پنج گهری از این حب بخورد دو دو بعد از قطع تب

که مفارقت کند بخور و زار زر و غن و نان کنند مهم بر بستر نماید ضماد در

رکبه که از حرارت بود اسبغول حنا تخم خشک و زن برابر آب سوده

غسل کند و بر زانو طلا کنند دو سه مرتبه کافور چهار دانه نیز در دوری دا

کنند در علاج سنگ رهنی سنگ مصری دو توله گرفته در بوته

نهاده بر آتش تا سرخ شود از بوته برآورده در آب تازه سرد نماید

و باز سرخ نموده در آب فرو برد تا صد مرتبه برسد بعد از آن گرفته

ممیره یک توله را در آب حل باید کرد و نیم توله دیگر را با سنگ مصری

داخل نموده در بوته گذاشته بوته دیگر بر بالا این گذاشته به گل حکمت گرفته

آتش سرخ نماید و مرتبه صد و یکم در آن آب ممیره که در حل آن نمو

درآن سرد نمایند بعد ازان سایند سه ماشه وزن تری

بانیست ویکروزنا خوردن این وا از گوشت وشیر وبادنجان وغیره

برهیز نماید بعد ازان خشکه بروغن بلا دور وغنی بی گوشت بخورند

حب ملطی کشک سنبل الطیب شیر کت سفید هر سه بوزن برابر باشد این

هر سه دوا در شیره برگ کنگری با همه مصالح بان ... ه و شیره

بان ... از جبه کذارند بعد ازان شیر باریک بسایند و برابر ماش

حب بندند یکی بگاه ویکی بشام بخورد مریض هندوسوی بان گندم

نمک نخورند و هر سه ... در روغن داند بخورند بالای آنها حب خرزم

برخوردن انشا الله تعالی بکرم آلهی شفا یابد که بر حقت ...

مجرب است حب برای سرفه کهنه فلفل دراز کرد بخنس سهاگه کات سفید

افیون مصری کوفته و بیخته با آب [illegible] در برگ تازه خمیر کنند و حب سازند

دوا برای ضیق النفس و ربو بهار نلی زنجبیل سونه هم کوب مغز نخندیده هر سه را

در دو سیر آب بجوشانند تا نیم سیر بماند صاف نموده نیم گرم کرده

دو [illegible] از آن آب بخورند باقی آب بر آتش گذارند ساعت

بساعت از آن آب غرغره نمایند هر سه دوای مسطور یک یک دام

باشد حب برای انجماد منی جدوار خطایی فلفل گز حصیه الثعلب

هر سه دوا برابر کوفته و بیخته بیارند بقدر نخود بقدر حوصله بیمار

دوا برای جراحات [illegible] سنگ بزه یک توله گوشت یک توله کت سفید یک توله

نیله بهوته یکماسه همه را کوفته و بیخته صبح و شام می مالیده باشند

حب بواسیر و استسقا بگیرند گل زمین که خبث الحدید باشند هفت مرتبه

در آتش گرم کنند تا سرخ شود و در شاش شتر سرد کنند و در سه مرتبه

در شیر گاو سرد کنند و سه مرتبه در آب هلیله و بلیله و آمله این همه را

بجوشانند و در آب ترپهله سرد کنند بعد کوفته و بیخته و شیره بجود حب بندند

و نگاه دارند خوراک یکعدد حب میخورده باشند نوعی دیگر

برای ضیق النفس فلفل گرد و فلفل دراز زنجبیل سهاکه کاب سفید افیون

مالیری همه را کوفته بیخته با آب ادرک سرشته حب سازند بقدر فلفل اکبر

دو عدد صبح و شام از روغن و شیرینی و ترشی پرهیز کند

زنجبیل فلفل گرد فلفل دراز کرفس نمک طعام زیره کرمانی

شیطرج نمک سیاه نمک اندرانی نمک طعام جوکهار کچ لون وزن

مساوی کوفته و بیخته نگاه دارند و اگر خواهند ملین باشد بکجر و بلیله و بجزو

زرد بسفند داخل نمایند حب برای ضیق و قی منفعه افسنتین بزر الکتیج سنبل

فادزهر یک درم قرص افعی نیم درم جدوار دو درم زعفران ایک

درم زنجبیل اسلاح دو درم کوفته بیخته و با آب صمغ عربی حب سازند

مقدار خوراک شش حب تا ده میتوان خورد جوارش کمونی

که معده ده و ضعف اشتها آورد و قوت مجامعت را بیفزاید منی

دریشورت بدو صفت آن بل الطیب قرنفل فلفل زنجبیل قاقله انیسون

از هر کدام چهار توله و چنون نیم توله تخم کرفس زیره کرمانی مدر

دو توله مصطکی رومی دو توله املج خشک سه توله دو توله عود هندی

فلفل گرد دم جبان ۲ ماشه مشک سه ماشه عسل سه وزن ادویه

معجون طلا ورق طلا دو توله و سه ماشه عنبر اشهب سه توله آب

فواکه چهار دام عسل مصفی نه دام نبات سه سیر آب حل نمایند گلاب

نمایند و نبات را قرص عنبر سازند بعده همه را یکجا جمع کرده معجون سازند

طلائی قوی باه ضعف آن مرکی نبات مصری کف دریا گوگرد

زعفران اجزا را برابر ساییده سرشند و طلا کنند بعد از آن شستن

قوی باه کیسه حمام استعمال نمایند سفوف معده ریوند خطائی چهار مثقال

مصطکی پوست پسته نیم مثقال گل سرخ پنج مثقال انیسون دو مثقال

قرنفل دو مثقال عود دو مثقال [illegible] نیم مثقال کوفته و بیخته یکمثقال

از این چیزها یکمثقال بزر[illegible] با آب خالص سرشته میل فرمایند قطعه

برای گرانی گوش آب سرگین اشتر با جزوی عسل آب تنجنه نیم گرم

کرده در گوش چکانند حبی که برای [illegible] آ[illegible] سوره سیاه دو

مثقال زعفران دو مثقال فلفل گرد یکمثقال قرنفل یک مثقال کوفته

و بیخته حب سازند مقدار فلفل خوراک یکحب روغنی که برای تقویت باه

نیل کنجد با ناروا نار شیر اکنک نیم [illegible] سیماب سه تولکن [illegible]

[illegible] تا چهار ماشه هر کدام جنسی را علیحده بسایند وقتی [illegible]

بجوشانند بعد از آن هر چهار ماشه چوک هر کدام جنس علیحده بخته تا

وقتی که بیل خوب بجوش آید بعد از آن هر چهار جنس را باندازند دوا

برای ضیق شیر که نیم پاو نمک سیاه پاو سیر نمک سانبر پاو سیر نمک

طعام پاو سیر نمک لاهوری پاو سیر برگ دال تور پاو سیر برگ پان

پاو سیر برگ انجیر دشتی پاو سیر بهلاوه یکسیر برگ اک پاو سیر باب الواو

و سه جویری که چون در دهن مصروع ریزند بهوش آید صفت ان

علت جند بید سه گرفته در سکنجبین عسل حل کرده و جور سازند

و لغزی دیگر که بهمین عمل کند صفت آن را ز بانه افیسون از هر

کرمانی جوشانیده صاف کرده گلقند را در آن حل کرده

وجوزی دیگر که نافع است از جهت جرع اطفال صفت آن صعتر چند
بدستر زیره کرمانی هستا و نانوخه همه و بجنبه قدری جوزان در شیر حل کنند
و در گلوی اطفال ریزند وجوزی دیگر که نافع است از جهت غشی که
بعد از اسهال پیدا شده باشد صفت آن سنگ کوفته در آب حل کنند
و در حلق چکانند وجوزی که سرفهٔ اطفال را نافع باشد صفت آن
رب السوس کتیرا صمغ عربی نشاسته فانید از هر یک سه درم ممزوج سازند
مغز بادام دو درم عسل سی درم روغن بادام بجند درم با آن
قدری از آن در گلوی اطفال ریزند باب الیا یلقوتی
خفقان و عشی را نافع باشد دل را قوت دهد و فرح آورد صفت آن

مروارید ناسفته شش درم بسد چهار درم یاقوت رمانی کل خود

بادرنجبویه بهمن سفید صندل سرخ از هر یک دو درم ورق

عقیق یمنی بسباسه هندی درونج رومی از هر یک مثقال لاجورد

مغسول یک مثقال و نیم لعل کهربا گل نیلوفر زرشک کشنیز خشک تخم کاسنی

تخم گل پوست ترنج گاوزبان پوند صینی عود هندی ابریشم مقرض

محرق از هر یک سه درم طباشیر هفت درم ورق کاسنی صندل سفید

از هر یک پنج درم کافور ریاحی عنبر اشهب از هر یک دو مثقال مشک

تبتی نیم مثقال آب انار ترش آب انار شیرین پوست هلیله کابلی گلاب شراب سیب

و شیرین شراب به از هر یک بیست درم کوفته بهار انگو بند و حریر بیزند و

انبها و جلاب و آب انار بقوام آورده معجون سازند و بعد از چهل روز

که در میان جو کشته باشد استعمال نمایند شربتی یک مثقال

یاقوتی دیگر که خفقان و ضعف دل را و وسواس و غشی را نافع باشد

و اعضای رئیسه را قوة دهد و لون را صاف کند و نشاط آورد و تب و سودا

را دفع کند صفت آن یاقوت سرخ مسبد کهربا حجر لاجورد معصفر و

گل ارمنی سنبل الطیب بادروج هندی بهمن سرخ بادروج ابریشم

مثقال یاقوت زرد یاقوت کبود یاقوت سفید عقیق یمنی مروارید

پوست بیرون پسته بادرنجبویه گل مختوم عنبر اشهب زر محلول نقره

گل دارچینی درونج عقربی بهمن سفید از هر یک چهار درم لعل فیروزه

بسب ابریشم محرق قرنفل و گل نیلوفر صندل سرخ و سفید

دارچینی قاقله کبار کبابه چینی از هر یک سه مثقال زمرد یکمثقال

و نیم تخم فرنجمشک گاوزبان طباشیر از هر یک یکمثقال آمله منقی پوست

هلیله کابلی از هر یک دو مثقال عصاره زرشک یازده مثقال مشک

یکمثقال و نیم کافور نیم مثقال آب سیب آب به از هر یک یکمن حماض

ترنج نیم من گلاب و عرق بیدمشک یکمن نبات مصری یکمن و نیم نبات را

در گلاب و عرق بیدمشک بگدازند و با آب به و سیب بقوام نزدیک باورند

و چون فرو گیرند آب حماض ترنج را بر آن ریزند و ادویه کوفته

و بیخته و جواهر صلایه کرده بدان بسرشند شربتی یکمثقال بعد از

استعمال نمایند یاقوتی روحانی که قوی المفرح است و انرا از غایت
تفریح روحانی گویند دل را و جگر را قوت دهد و مالیخولیا را
نافع باشد صفت آن مروارید ناسفته مرجان کهربا ابریشم خام مسک
از هر یک یکدرم صندل سرخ و سفید طباشیر زرنباد درنباد بادرنجبویه
قرنفل بادرنج عود قماری ابریشم مقرض پوست ترنج از هر یک
دو درم کلنجبین درونج عقربی لعل یاقوت عقیق یمنی ورق طلا
و نقره عنبر شهب زعفران کافور از هر یک یکدرم مشک نیم درم قند سفید
پنجاه درم عسل مصفی پنجاه درم معجون سازند یاقوتی معتدل از برای
ضعف دل و وسواس سوداوی و خفقان را نافع باشد و دل را

قوت دهد و نشاط آورد صفت آن مروارید ناسفته تخم بادرنجبویه پوست
پوست ترنج صندل سرخ و سفید گل سرخ از هر یک سه درم
بهمن سرخ کبابه چینی از هر یک یکدرم و نیم کهربا بسد قرنفل ساذج هندی
دارچینی از هر یک یکدرم لعل عقیق از هر یک یک مثقال یاقوت زرد ابریشم
زر محلول نقره محلول از هر یک نیم مثقال بهمن سفید کشنیز خشک گل
ارمنی طباشیر از هر یک دو درم زرنباد و کافور از هر یک نیم درم گاوزبان
املج از هر یک پنج درم عصاره زرشک ده درم زعفران دانگی و نیم سرا ثبت
نبات مثقال ... سیب چهل مثقال شراب حماض نیم من دوها
کوفته و بیخته و جواهر صلایه کرده در شراب ها بقوام آورده

یکمثقال یاقوت حمارتی یاقوت حجر لاجورد یشب سبز قاقله کبار و

صغار گل ارمنی گل مختوم عنبر اشهب فادزهر ماه قرنفل ورق طلا

و ورق نقره از هر یک یکمثقال مروارید ناسفته کهربا بسد یمنی قرفه

درونج عقربی زرنباد سعد کبابه چینی صندل سرخ

خشک پوست هلیله زرد آمله مقشر بهمن هلیله کابلی مشک از هر یک دو

مثقال بادرنجبویه پوست ترنج گاوزبان طباشیر سفید عود خام

ابریشم مقرض از هر یک چهار مثقال [illegible] مشک سیاه هندی

شقاقل زرشک منقی گل نیلوفر مصطکی زعفران از هر یک سه مثقال

نبات یمنی ونیم آب به آب سیب آب امرود آب انار شیرین گلاب

عرق بید مشک و عرق گاوزبان نبات را بگدازند تمامی زدو

و باب میوه ها بقوام آورند و ادویه ها کوفته و بیخته با آن سرشتند

و بعد از چهل روز استعمال نمایند یاقوتی معتدل یاقوت زرد یاقوت

سرخ حجر لاجورد عقیق یمنی ماه فرفین سنبل گل مختوم گل ارمنی

از هریک یکمثقال کهربا مروارید ناسفته بسد بهمن سرخ صندل

سفید زرشک منقی گل نیلوفر پوست هلیله کابلی مصطکی رومی

ابریشم خام مقرض از هریک سه مثقال فادزهر حیوانی عنبر اشهب از هر یک

یکمثقال و نیم سیب سعد زرنباد کبابه چینی ورق گل سرخ گشنیز خشک

امله مقشر تخم کاسنی ورق طلا ورق نقره از هریک دو مثقال تخمشک

طباشیر از هر یک چهار مثقال قاقله کبار چهار عدد زعفران مشک

تبتی از هر یک نیم مثقال نبات دو من آب سیب آب به آب امرود

از هر یک نیم من گلاب و عرق بید مشک از هر یک تا صد درم عرق گاوزبان و عرق گلاب

ده درم آب انار عذب یکمن عسل نیم من نبات در عرق بادیان

وغیره بگدازند با عسل و نبات میوه ها بقوام آورند و دارو ها کوفته و بیخته

داخل نمایند و معجون سازند شربتی یک مثقال یاقوتی نسخه حکیم بو علی سینا

از برای مالیخولیا و امراض سوداوی را نافع بود و نشاط آورد

و اعضای رئیسه را قوت دهد و دل را قوت دهد و دماغ را قوه دهد

صفت آن یاقوت رمانی گاوزبان تخم کاسنی مشک تبتی گل گاوزبان از

هر یک یکدرم مروارید ناسفته کهربا از هر یک یکدرم و نیم ابریشم مقرض

و سرطان بحری محرق از هر یک یکمثقال و دانگی سحاله طلا مکلس دو

دانگ تخم فرنجمشک تخم بادروج تخم بادرنجبویه اسطوخودوس از

هر یک سه درم بهمن سفید عود خام حجر ارمنی مغسول مصطکی سلیخه دارچینی

زعفران قاقله کبابه چینی ماهی قرنفل از هر یک یکمثقال ابریشم [illegible]

دو درم و نیم تخم ریحان بادروج هندی از هر یک دو درم درونج عقربی

عنبر اشهب از هر یک دو مثقال تخم خیار ورق گل سرخ از هر یک چهار

درم کافور صد مثقال شراب حماض شراب سیب شراب انار ترش

از هر یک سی مثقال عسل بقدر احتیاج داروها کوفته و بیخته شرابها را

262

بعسل بقوام آورده داروها داخل کرده بهم بسرشند و معجون شد

شربتی مثقال بعد از چهل روز استعمال نمایند نافع است ان شاء الله

تعالی تمت تمام شد کتاب قرابادین حکمت پناه حکیم شفائی کاشانی

قرابادین ۱۶۱